



شهرداری تهران
معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم اجتماعی

موضوع پژوهش:
پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران
(موج دوم: ۱۳۹۹)

ناظر طرح:
دکتر سید حسین سراج زاده

مجری طرح:
دکتر احمد غیاثوند

سال: ۱۳۹۹ - ۱۴۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

تمام زنان و دختران ایران اسلامی

و با آرزوی سلامتی و تندرستی برای

مردم ایران و جهان در این شرایط سخت شیوع کرونا

شناسنامه طرح پژوهشی

موضوع: پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران (موج دوم: ۱۳۹۹)

ناظر طرح: دکتر سید حسین سراج زاده

کارفرما: شهرداری تهران - معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری

سازمان: دانشگاه علامه طباطبائی - معاونت پژوهشی - دانشکده علوم اجتماعی

مجری طرح: دکتر احمد غیاثوند

گروه آموزشی: گروه جامعه شناسی

تاریخ شروع: ۱۳۹۹ / ۲ / ۲۷

تاریخ پایان: ۱۴۰۰ / ۲ / ۱۵

سپاس نامه

شکر و ثنای خدای را که توفیق خدمت عنایت فرمود و توان انجام کاری دیگر داد. این مسیر جزء به یاری آن ذات پاک خالق مسیر نبود که بخشی از آن در لسان و کلام، مسئولان و همکاران گرانقدر متجلی گشت و به پاس کلام شریف «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» صمیمانه‌ترین احترام‌ها و سپاس‌ها را به آن‌ها تقدیم می‌دارم.

در اینجا لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر سلیمی ریاست محترم دانشگاه علامه طباطبایی، دکتر دهقانی فیروزآبادی معاون پژوهشی و نیز دکتر زند مقدم مدیر امور پژوهشی دانشگاه به لحاظ هماهنگی های علمی برای انجام این پژوهش تشکر کنم. از آقای دکتر سراج زاده ناظر محترم که در مراحل مختلف داوری شان، نکات ارزشمندی را ارائه نمودند، بسیار قدرانیم. از جناب آقای دکتر جوادی یگانه معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران و نیز مدیرکل دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری جناب آقای دکتر نصر اصفهانی به خاطر حمایت های مختلف علمی و تسهیل امور اجرایی طرح تشکر می‌کنم. در این میان از جناب آقای دکتر شمس، سرکار خانم اکبری، سرکار خانم موسی نژاد، جناب آقای دکتر صادقی، جناب آقای دکتر دارابی و جناب آقای اسکندری، به خاطر کمک ها و هماهنگی‌هایشان در طول انجام تحقیق بسیار سپاسگذارم. همچنین در دانشگاه علامه طباطبایی آقای کمالی کارشناس امور پژوهشی، پیگیری فراوانی در امور اجرایی طرح داشتند که از ایشان نیز تشکر می‌کنم.

سرانجام لازم است از همکاران و پرسشگران مختلف برای جمع آوری داده ها تشکر ویژه داشته باشم که علیرغم فضای سخت شرایط کرونا مصاحبه تلفنی را انجام دادند و در پیش برد این امور، سهر قابل توجهی را ایفا نمودند.

مجری طرح

احمد غیاثوند

Ah.ghyasvand@Gmail.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: کلیات پژوهش	
۸	بیان مسأله
۱۰	اهداف پژوهش
۱۰	اهمیت و ضرورت پژوهش
فصل دوم: ادبیات و پیشینه نظری پژوهش	
۱۶	مرور تجربی پژوهش
۲۹	نقد و نظر پیرامون پژوهش های گذشته
۳۲	مرور نظری پژوهش
۳۲	تعریف نگرش، ابعاد و ویژگی های آن
۴۱	مفهوم رفتار و ابعاد آن
۵۴	تعریف مفهوم ارزش و ویژگی ها آن
۵۸	مبانی نظری پژوهش
۸۴	چارچوب مفهومی پژوهش
فصل سوم: روش پژوهش	
۸۲	روش تحقیق
۸۳	جمعیت آماری و حجم نمونه پژوهش
۸۶	ابزار گردآوری داده های پژوهش
۸۶	تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم و متغیرها
۹۸	اعتبار و پایایی متغیرهای پژوهش
۹۹	روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم: یافته های پژوهش

۱۰۱ ویژگی های فردی و اجتماعی پاسخگویان
۱۰۵ ارزش ها و نگرش های زنان نسبت به فرزند
۱۱۹ ارزش ها و نگرش های زنان نسبت به نقش مادری
۱۲۷ ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون زندگی زناشویی
۱۴۰ ارزش ها و نگرش های دختران پیرامون ازدواج
۱۵۲ ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون امور منزل
۱۷۳ ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون تحصیلات
۱۸۴ ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون اشتغال
۱۹۳ ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون پوشش
۲۰۳ ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون فضاهای جنیستی

فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری

۲۱۴ خلاصه پژوهش
۲۱۵ دستاوردهای تجربی
۲۳۰ دستاوردهای نظری
۲۳۵ دستاوردهای روش شناسی
۲۳۷ منابع و مآخذ
۲۴۴ پرسشنامه

فصل اول:
کلیات پژوهش

۱-۱) بیان مسأله

حدود نیمی از جمعیت کشور ما را زنان تشکیل می‌دهد که به واسطه نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی خود سهم بسزایی در توسعه و تحولات جامعه بر عهده دارند. امروزه حضور گسترده زنان در عرصه اجتماع و نقش موثر آنان در جامعه انکار ناپذیر است. زنان نیمی از جامعه انسانی را تشکیل می‌دهند و بدیهی است که توجه به این گروه، نقش بسزایی در بالندگی و پیشرفت کشور دارد. از سوی دیگر؛ یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اجتماعی است. البته، هنوز در جوامع مختلف به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تعادل مطلوب و قابل قبولی در مشارکت عادلانه زنان در توسعه و بروز خلاقیت‌ها و استعدادهای آنان برقرار نشده است. به تعبیر گیدنز «با وجود پیشرفت‌هایی که زنان در همه کشورهای جهان به دست آورده‌اند، تفاوت‌های جنسیتی همچنان شالوده نابرابری‌های اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۶۴). در جامعه ایران گسترش آموزش و پرورش، رشد رسانه‌ها و نفوذ آنها در زندگی فردی و جمعی، رشد شهرنشینی، تمرکز فزاینده جمعیت در شهرها، افزایش سطح آموزش زنان، توسعه فرایندهای تفکیک اجتماعی، و ... موجب توجه و اهمیت بیشتر نگرش‌ها و ارزشهای اجتماعی و نیز تغییرات مرتبط با آن گردیده است. بر این اساس می‌تواند شاهد تحول و گذار از یک جامعه سنتی پر سابقه به سمت جامعه‌ای مدرن بود. آثار این تحول در حوزه نگرش‌ها و رفتارهای زنان بیش از هر قشری قابل مشاهده و تحلیل است، به نحوی که می‌توان شاهد حضور و نقش آفرینی زنان در عرصه‌های خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی مختلف بود.

در واقع شروع تغییر و تحولات فرهنگی در طی دهه‌های اخیر نشان از تحول اساسی در ساختار نظام ارزشی جامعه ایران می‌دهد. این تحولات ناشی از تغییر و جابه‌جایی در زمینه‌های جمعیتی و ساختاری در جامعه است. تراکم جمعیتی در ایران، به صحنه آمدن خیل عظیمی از جوانان را موجب شده و همچنین تحول ساختاری حوزه اقلیتی تعیین کننده جدیدی در نظام اجتماعی را پدید آورده است (آزاد و غیاثوند، ۱۳۸۳).

مطالعه صورت گرفته در جامعه ایران با توجه به شاخص‌های دوازده‌گانه اینگلهارت درباره دگرگونی ارزشی، ۴۰ درصد از پاسخگویان در سنخ ارزشی مادی، ۵۲ درصد التقاطی و ۸ درصد در طیف افراد دارای نگرش فرامادی قرار می‌گیرند (آزاد و غیاثوند، ۱۳۸۳). حضور پر رنگ زنان جامعه ایران در عرصه‌های اجتماعی مختلف در قالب تحصیل و گرایش به تحصیلات تکمیلی، استفاده از فضاها، فراغت، تمایل به داشتن اشتغال مداوم، کسب درآمد مالی مستقل، شرکت در دوره‌های مختلف آموزشی و مهارت‌آموزی، داشتن مشارکت سیاسی فراوان، گرایش به شهروندی فعال، همه بیانگر تغییر در «دنیای سنتی» آنها و گرایش بیشتر به «دنیای مدرن» است که از منظر جامعه‌شناختی می‌توان آن را تغییر از جایگاه «اجتماع» به «جامعه» از نوع تونبسی دانست (غیاثوند، ۱۳۹۵).

در جامعه ایران تحولات دنیای زنانه تحت تاثیر فضا و زمان های مختلف قابل تبیین و تحلیل می باشد. به عبارتی می توان بیان داشت دنیای زنان ارتباط نزدیکی با تحولات مدرن و حتی پیشرفت ها و تکنولوژی های مدرن دارد؛ به نحوی که در سال های اخیر تحولات بسیاری را به خود دیده است. «امروزه عواملی مثل تحصیل یا اشتغال، موقعیت های به رسمیت شناخته شده ای برای خروج زنان از خانه و نیز امکان ارتباط آنان با دنیای بیرون از خانه و حضور در فضاهای عمومی و رسمی را که پیش از این مردانه بود، فراهم نموده است» (علیرضائزاد و سرایی، ۱۳۸۵: ۷۶).

امروزه دنیا به این درک رسیده که نقش زنان و مردان در حال تغییر و تحول است. در واقع تأکید بر حقوق انسانی و برابری جنسیتی رو به گسترش است. در جامعه ایران تغییر نقش های سنتی زنان و تقاضای روزافزون برای مشارکت در عرصه های مختلف حاصل دگرگونی در نظام ارزشی، رشد آگاهی های عمومی، توسعه نهادهای مدنی و تحصیلات تخصصی و نیز تغییر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی می باشد. این امر، نشان می دهد که زنان طالب تغییر در ارزش ها و نگرش های افراد جامعه، به طور خاص خواهند بود که به نوبه خود بایستی منتظر پیدایش مسائل و مشکلات پیرامون وضعیت زنان در جامعه بود. «در واقع بیرون آمدن دختران و زنان از خانه و تمایل آنها به سبک های جدید زندگی، فراغت، ورزش و ... نشان دهنده دگرگونی ارزش ها و پیدایش مسایل هویتی جدیدی برای زنان و دختران است که به بساخت مناسبات و هنجارهای جنسیتی کمک می کنند. بر این اساس در جوامع جدید هویت یابی جنسیتی تحت تأثیر فضای بیرونی و روابط گروهی و از سوی دیگر متأثر از تجربه های زندگی زنان در حال بازناندیشی می باشد» (غیاثوند، ۱۳۹۴).

در سال های اخیر، حضور در شهر تهران دختران و زنان در عرصه های اجتماعی و آموزشی مختلف افزایش یافته است. امروزه دنیا به این درک رسیده که نقش زنان و مردان در حال تغییر و تحول است. در واقع تأکید بر حقوق انسانی و برابری جنسیتی رو به گسترش است. در جامعه ایران تغییر نقش های سنتی زنان و تقاضای روزافزون برای مشارکت در عرصه های مختلف حاصل دگرگونی در نظام ارزشی، رشد آگاهی های عمومی، توسعه نهادهای مدنی و تحصیلات تخصصی و نیز تغییر در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی می باشد.

این امر، نشان می‌دهد که زنان طالب تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه، به طور خاص خواهند بود که به نوبه خود بایستی منتظر پیدایش مسائل و مشکلات پیرامون وضعیت زنان در جامعه بود. «در واقع بیرون آمدن دختران و زنان از خانه و تمایل آنها به سبک‌های جدید زندگی، فراغت، ورزش و ... نشان‌دهنده دگرگونی ارزش‌ها و پیدایش مسایل هویتی جدیدی برای زنان و دختران است که به بر ساخت مناسبات و هنجارهای جنسیتی کمک می‌کنند. بر این اساس در جوامع جدید هویت‌یابی جنسیتی تحت تأثیر فضای بیرونی و روابط گروهی و از سوی دیگر متاثر از تجربه‌های زندگی زنان در حال بازناندیشی می‌باشد» (غیاثوند، ۱۳۹۴). از سوی دیگر، از کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده گرفته تا بزرگترین سازمان‌های اجتماعی، همه تحت تأثیر الگوهای جنسیتی تثبیت شده در جامعه هستند. هویت فردی و اجتماعی، تقسیم کار جنسی، قدرت، رفتارهای قالبی جنسی، طبقه‌های گروهی و زبانی، فراغت، رفتارهای مذهبی و ... همه تحت تأثیر جنسیت قرار می‌گیرند و معنای خاصی می‌یابند و به جانب خاصی هدایت می‌شود. پس ابزاری برای تطابق‌پذیری فرد با موقعیت‌های اجتماعی می‌باشد. بنابراین وضعیت الگوهای جنسیتی حاکم و نهادمند شده و از سوی دیگر تحولات مدرن و گسترش رویکردهای فمینیستی موجب گردیده ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران تغییر یابند. البته انجام پژوهش‌های مختلف در این باره (ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی فرهنگی شهروندان تهرانی توسط محسن گودرزی در سال ۳۹۰؛ موج سوم ارزش‌های و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۴) و نیز به طور خاص پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها زنان در شهر تهران در سال ۱۳۹۵ (به کارفرمایی اداره بانوان شهرداری تهران) بیانگر تلاش در جهت شناخت و پیش‌بینی مسائل این حوزه و نیز انجام اقدامات مختلف برای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری اجتماعی و فرهنگی در قبال زنان می‌باشد.

بر این اساس پژوهش حاضر با تکیه بر یافته‌های پژوهش پیمایش ۱۳۹۶ (موج اول) و نیز با عنایت به نظر مساعد مسئولان شهرداری و نیز کارشناسان اداره بانوان در صدد انجام موج دوم طرح «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها زنان در شهر تهران» در سال ۱۳۹۹ می‌باشد. مطالعه حاضر با پذیرش دگرگونی در نظام ارزشی جامعه ایران، به ویژه زنان در صدد دستیابی بدین سؤالات است:

- (۱) وضعیت ارزش‌ها و نگرش‌های دختران و زنان شهر تهران بر حسب رفتارهای جنسیتی مختلف چگونه است؟
- (۲) وضعیت ارزش‌ها و نگرش‌های زنان شهر تهران بر حسب عوامل و ویژگی‌های مختلف فردی و اجتماعی در مقایسه با نتایج پژوهش موج اول (سال ۱۳۹۶) چگونه است؟

۱-۲) اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش بررسی و شناخت ارزش ها و نگرش های اجتماعی و فرهنگی زنان در شهر تهران می باشد. در این میان اهداف و محورهای جزئی مورد بررسی عبارتند از:

- پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران بر حسب رفتارهای جنسیتی مختلف
- مقایسه توصیف پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران موج دوم (۱۳۹۹) با موج اول (۱۳۹۶)
- تبیین وضعیت ارزش ها و نگرش های زنان بر حسب ویژگی های فردی و اجتماعی
- تحلیل روند رفتارهای جنسیتی دختران و زنان در شهر تهران

۱-۳) اهمیت و ضرورت پژوهش

مطالعات اخیر صاحب نظران اجتماعی نشان داده است که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمام عرصه ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نیست. بررسی هایی که در زمینه مشارکت زنان در امور موانع مهمی بر سر راه مشارکت زنان است. از این رو، در دهه ۱۹۸۰، به جای اصطلاح زن در توسعه، اصطلاح «جنسیت و توسعه» به کار گرفته شد و به دنبال آن، در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و برطرف شدن موانع آنها اتخاذ شد. ولی علیرغم کارکردهای حیاتی این قشر، وضعیت آنان در طول تاریخ چندان مورد توجه قرار نگرفته اند و همواره در کنار اقشار آسیب پذیر جامعه قرار داشته اند. در این میان تجربه زندگی اجتماعی و آگاهی از شرایط زیست بهینه، زنان را ترغیب به احقاق حقوق خود کرده و زمینه های گوناگون فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تغییر کارکردهای ساختاری و کنشی آنها را فراهم ساخت.

تغییر و تحول در جوامع امروزی بیشتر عرصه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... را تحت تاثیر خود قرار داده است. جامعه رو به گذار ایران نیز با لایه هایی از تحول، از این منظر استثناء نیست. در طول یک قرن گذشته، جامعه ایران در اثر مواجهه با اندیشه ی مدرنیته تغییرات و تحولات اساسی ای را در زمینه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پشت سر گذاشته است. یکی از اقشاری که به وضوح می توان روند مواجهه آنان با مدرنیته را ردیابی کرد زنان اند که چالش هایی را در بستر سنت و مدرنیته تجربه می کنند.

به تعبیر زیمل «زنان دنیایی دارند که قابل قیاس با دنیای مردان نیست». در این راستا، جسی برنارد در کتاب دنیای زنان (The Female World) (۱۹۸۲) بیان می دارد؛ فهم ما از زندگی اجتماعی انسان زمانی به واقعیت نزدیک می شود و ژرفا می یابد که دنیای زنان را نه پیامدی جانبی و زایده ای از دنیای مردان بلکه یک «هستی مستقل» در جای خود، در خود، و برای خود بدانیم.

فرض اصلی این کتاب بر این استدلال استوار است که بیشتر انسانها در «جهان‌های تک جنسیتی» به سر می‌برند: زنان در دنیای زنانه و مردان در دنیای مردانه خویش؛ و هر دو جنس به طرق گوناگون چه از لحاظ ذهنی و چه از لحاظ عینی با یکدیگر تفاوت دارند. بنا به گفته آر. دی. لینگ (R.D. Laing) مادامی که جهان را متفاوت از یکدیگر تجربه می‌کنیم، به یک معنا در جهان‌های متفاوتی زندگی می‌کنیم (Laing, 1971: 157). آنان در بازی مدرسه، مکان‌های عبادی، محل کار و ... از هنجارها، قواعد رفتاری و انتظارات متفاوتی تبعیت می‌کنند و برای احراز صلاحیت به قواعد و مقررات متفاوتی تن می‌دهند. این دو جهان از نظر قالب‌های رفتاری، فرم‌های بیانی (زبانی)، مکانی و جامعه‌شناختی از یکدیگر جدا و متمایز هستند؛ زیرا هر کدام از آنها در قبال دیگری نظام نمادین خاص خود را جهت حفظ حدود و ثغور خویش دارا است (برناد، ۱۳۸۴: ۸).

آنچه بیش از هر عاملی موجب تمایز و تشخیص جوامع از یکدیگر می‌گردد وضعیت نگرشها و ارزشهای افراد می‌باشد، که مجموعه‌ای از آن عناصر، باورها، نقش‌ها و ساختار فرهنگی و اجتماعی را شکل می‌دهند. از این رو، بررسی دگرگونی‌های ارزشی در جامعه یکی از عناصر کلیدی در تبیین نظام اجتماعی و فرهنگی هر جامعه به حساب می‌آید که به نوبه خود بررسی و شناخت آنها نقش بسیاری در شناسایی تحولات فرهنگی دارند.

در واقع ارزش‌ها، الگوی عمل افراد است که با تغییر آنها، رفتارها نیز تغییر می‌یابد. همچنین نگرش‌ها، سوگیریها و قضاوت‌های ارزیابانه افراد جامعه اند که موجب قصد رفتار می‌گردند و به نوبه خود کنش‌ها را نیز شکل می‌دهند. بنابراین جامعه‌ای که در حال تغییر است، ضرورت و نیاز انطباق با محیط، انسان را طالب تحول و تغییر در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و ... می‌نماید. بنابراین اهمیت بررسی تحولات از آن روست، که ترجیحات و سوگیریهای ارزشی و نگرشی را که مشخص‌کننده نسخه‌های کنشی افراد می‌باشد، را معین می‌نمایند. همچنین بر اساس تحولات ارزشی می‌توان از جریان تحولات آینده در جامعه سخن گفت، گرچه باید توجه داشت که به نوبه خود، تحول و دگرگونی یک ضرورت نیست، بلکه چنانچه به سرعت و بدون پیش‌بینی اتفاق بیفتد آسیب‌زا است، گرچه ممکن است این امر به دوام و استمرار نظام اجتماعی می‌انجامد و در بهگشت اجتماعی و پویایی جامعه کمک می‌کند.

شناخت ارزش‌ها و نگرش‌های مردم، برای درک مسائل عمده جامعه و رصد کردن روند تغییرات و تحولات فرهنگی و اجتماعی افق تازه‌ای را می‌گشاید. شناخت ارزش‌ها و نگرش‌ها نه تنها برای فهم واقع بینانه وضعیت موجود جامعه پرتوافکنی می‌نماید؛ بلکه در تصویر سازی آینده نیز رهنمون می‌سازد. زیرا ارزش‌ها و نگرش‌ها از یک سو پیوند وثیق با رویدادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کنونی جامعه دارد و از سوی دیگر نقشه کنش‌گران است که بر اساس شناخت آن‌ها، پیگیری تحولات آینده میسر می‌شود (غفاری، ۱۳۹۴: ۱۳).

امروزه در جامعه ایران شاهد تغییر در نقش‌های سنتی زنان و تقاضای روزافزون برای مشارکت در عرصه‌های اجتماعی مختلف می‌باشیم. این تحولات بیانگر آن می‌باشد که دختران و زنان ایرانی طالب تغییر در ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های اجتماعی اند که به نوبه خود دنیای جدیدی را برساخت می‌کنند. بر این اساس بررسی ارزشها و نگرش‌های زنان در شهر تهران موجب پیگیری تغییرات آن در طول زمان، توسعه زمینه‌های تئوریک در باره نتایج حاصل و تحلیل آثار و پیامدهای آن در رخدادهای آینده و تصمیم‌گیری در این زمینه دانست. با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلف در شهر تهران، چنین پژوهش‌هایی ما را در فهم تحولات به عمل آمده و سیاست‌گذاری در قبال آنها کمک خواهد نمود. همچنین دستاوردهای این پژوهش در شناسایی و اولویت بندی مسائل عمده زنان و دختران مفید خواهد بود؛ همچنان برای طرح، برنامه ریزی و سیاست گذاری های اجتماعی در امور فرهنگی و اجتماعی به خصوص در زمینه ی بهبود وضعیت اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی، کاهش نابرابری، مبارزه با ناامنی و بیکاری، افزایش رضایت از زندگی اهمیت بسزایی دارد.

فصل دوم:
ادبیات و پیشینه نظری
پژوهش

۲-۱) مرور تجربی پژوهش

در زمینه مطالعات صورت گرفته پیرامون زنان می توان دو دسته از پژوهش ها را از همدیگر تشخیص داد؛ نخست، مطالعات ملی در حوزه ارزش ها و نگرش ها که یکی از متغیرهای مستقل آنها جنس است؛ به نحوی که موضوعات مورد سنجش آنها بر حسب این متغیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. دوم، مطالعاتی که پیرامون جنسیت و به طور خاص به سنجش ارزش ها و نگرش های زنان پرداخته است.

درباره دسته نخست؛ سابقه چنین مطالعاتی در سراسر دنیا در قالب پیمایش ارزش های جهانی، مطالعه ارزش های اروپائیان، پیمایش ارزشها و نگرش های بریتانیا و پیمایش ارزش های شرق آسیا می باشد. همچنین رونالد اینگلهارت در قالب چارچوب نظری تحت عنوان «دگرگونی ارزشهای مادی/ فرامادی» از سال ۱۹۷۰ - ۱۹۸۳ و بعد ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ و تاکنون به طور پانل سعی نموده به مقایسه داده های به دست آمده از سایر کشورهای اروپایی و آسیایی بپردازد. در ایران اولین مطالعه تجربی مربوط به نظرسنجی پژوهشگر علوم ارتباطی و توسعه ایران در سال ۱۳۵۳ بوده است؛ در این زمینه بتدریج از سال ۷۵ به بعد شاهد انجام پیمایش های مختلف ملی، منطقه و استانی و... می باشیم که در ادامه بر حسب دسته بندی مذکور به تشریح برخی از پژوهش های عمده پرداخته می شود:

* طرح ملی «بررسی نگرش ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران» توسط علی اسدی با همکاری منوچهر محسنی و مجید تهرانیان در پژوهشگر علوم ارتباطی و توسعه ایران با حجم نمونه ای برابر با ۴۴۲۰ نفر از افراد مناطق شهری و روستایی کشور در سال ۱۳۵۳ انجام شد و در سال ۱۳۵۶ منتشر گردید.

* طرح ملی «بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران» توسط منوچهر محسنی در معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بین ۳۵۴۰ نفر از افراد مناطق شهری در سال ۱۳۷۴ انجام شد که در نهایت در سال ۱۳۷۵ منتشر گردید.

* طرح ملی «تغییرات ارزش های فرهنگی در ایران» توسط دکتر تقی آزادارمکی در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی در بین ۲۵۳۰ نفر از مناطق مختلف شهری کشور در سال ۱۳۷۹ انجام گردید و در سال ۱۳۸۳ در قالب کتابی تحت عنوان «جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران» با همکاری احمد غیاثوند به چاپ رسید.

* پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌ها ایرانیان» (موج اول و دوم) در دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مدیریت علمی و اجرایی عبدالعلی رضایی در بین ۱۶۶۱۷ نفر از افراد ۱۵ ساله و بالاتر خانوارهای معمولی ساکن در سال ۱۳۷۹ انجام گردید و در سال ۱۳۸۰ چاپ شد. همچنین پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌ها ایرانیان» (موج دوم) در دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مدیریت علمی محسن گودرزی در بین ۴۵۸۱ نفر از افراد ۱۵ ساله و بالاتر خانوارهای معمولی ساکن در هر یک از ۲۸ شهر مرکز استان در سال ۱۳۸۱ انجام گردید و در سال ۱۳۸۲ گزارش مربوطه چاپ شد.

* پیمایش ملی «فرهنگ سیاسی مردم ایران» (موج اول) در مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) در بین ۴۸۷۹ نفر از افراد ۱۵ تا ۶۵ ساله خانوارهای معمولی شهری و روستایی ۳۰ استان کشور در سال ۱۳۸۴ اجرا شد و در سال ۱۳۸۵ گزارش آن منتشر گردید.

* پژوهش ملی «رفتارهای فرهنگی ایرانیان» پیرامون فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در ۲۸ مرکز استان کشور انجام گردیده است. جمعیت آماری این طرح ملی حدود ۴/۵ میلیون خانوار بوده و در مجموع اطلاعات مربوط به ۱۳۹۷۶ خانواده با جمعیت ۶۵۴۴۰ نفر افراد ۶ ساله و بیش‌تر در زمستان ۱۳۷۸ جمع‌آوری شده است. نحوه نمونه‌گیری دو مرحله‌ای و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه همراه با پرسشنامه بوده است. این پژوهش بعد از جمع‌آوری در قالب ۲۸ گزارش بر حسب مراکز مختلف به‌طور جداگانه منتشر گردید. موضوعات مورد بررسی در این پژوهش پیرامون فعالیت مذهبی، فعالیت اجتماعی، فعالیت ورزشی، فعالیت تفریحی، بازی، فعالیت هنری و دستی، کتاب و کتابخوانی، روزنامه و مجله خوانی، استفاده از رادیو و تلویزیون، ویدئو و ضبط صوت، سینما و تئاتر، تسهیلات فرهنگی، زمان فراغت، تقاضای فرهنگی می‌باشد.

* پیمایش ملی «تدین اسلامی ایرانیان» در مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران (ایسپا) توسط محمد رضا طالبان در بین ۴۵۰۰ نفر از افراد خانوارهای معمولی شهری و روستایی ۳۰ استان کشور در سال ۱۳۸۸ اجرا شد.

* طرح ملی «دینداری ایرانیان» توسط عباس کاظمی و مهدی فرجی در سازمان تبلیغات اسلامی در بین ۱۸۰۴۵ نفر از افراد ۱۵ تا ۷۵ ساله ۳۰ استان کشور در سال ۱۳۸۹ انجام گردیده و در سال ۱۳۹۰ منتشر شد.

* پژوهش «بررسی میزان مصرف کالاهای فرهنگی» توسط دکتر سعید معیدفر در سال ۱۳۸۹ به کارفرمایی دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران صورت گرفته است. این پژوهش در پی بررسی رفتارهای فرهنگی ساکنین محلات تهران و شناسایی نیازهای فرهنگی و به عبارت دقیق‌تر میزان مصرف کالاهای فرهنگی آنهاست. این پژوهش به روش پیمایش و جامعه آماری آن را کلیه افراد ۷ سال به بالای ساکن در محلات ۳۷۱ گانه شهر تهران را تشکیل می‌دهند.

* پژوهش «تحلیل ثانویه اطلاعات ارزشها و نگرشهای ایرانیان در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲» توسط امید علی احمدی انجام شده است در این بررسی سعی شده است؛ ابتدا مهمترین نگرش ها توصیف و سپس مقایسه به تفکیک سنخ‌های مختلف اجتماعی صورت گیرد. این مقایسه در بین گروه‌های سنی، مردان و زنان، گروه‌های تحصیلی مختلف، وضع تأهل، قومیت، طبقه ذهنی، شهر محل زندگی و برخی متغیرهای دیگر صورت گرفته است. برای تبیین نظری مطالعه از دیدگاه سه صاحب نظر پارسونز، تری‌یاندیس و گیدنز در خصوص تغییرات اساسی در خانواده بهره‌گیری شده است. یافته‌های نشان می‌دهد خانواده ایرانی همانند سایر نهادهای اجتماعی در خلال یکصد و پنجاه سال اخیر که فرایند مدرنیزاسیون جریان داشته است، در حال تغییر بوده است. این تغییرات را می‌توان در دو دسته از تغییرات در-زمانی (synchronic) تغییرات همزمانی (diachronic) قرار داد. در بخش تغییرات در-زمانی می‌توان به تنوع‌پذیری خانواده ایرانی از نظر ساختی و کارکردی اشاره کرد و در بخش تغییرات همزمانی باید به تنوعات ساختی و کارکردی موجود در بین خانواده‌های امروزی اشاره کرد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مسیرهای تحول نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی از بسیاری جهات با آنچه در خانواده غربی رخ داده است، تشابه بسیار دارد. همچنین این تحقیق نشان داد که تغییراتی شگرف در ساختار و کارکردهای خانواده ایرانی در حال وقوع است که اصلی‌ترین فرایند در تغییرات خانواده ایرانی تنوع‌پذیری است.

* پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌ها ایرانیان» (موج سوم) در دفتر طرح‌های ملی و مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مدیریت علمی محمد رضا جوادی یگانه و با مدیریت اجرایی غلامرضا غفاری در بین ۱۴۹۰۶ نفر از افراد ۱۵ ساله و بالاتر خانوارهای معمولی ساکن در سال ۱۳۹۴ انجام گردید.

* پژوهش «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های مردم افغانستان» توسط پنج نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی و مشاوره دکتر اردشیر انتظاری و دکتر احمد غیاثوند انجام گرفته است. جمعیت آماری این پژوهش تمامی مردان و زنان ۱۵ سال و بالاتر از کشور افغانستان است. مطابق آمار رسمی اداره احصائیه مرکزی جمهوری اسلامی افغانستان در سال ۱۳۹۷ نفوس مجموعی افغانستان حدود ۳۱,۶ میلیون نفر برآورد شده است که از آن جمله ۱۶,۱ میلیون نفر آن مرد و حدود ۱۵,۵ میلیون نفر آن زن است (اداره ملی احصائیه و معلومات، ۱۳۹۷). این پیمایش دارای پنج محور اساسی بوده که هر محور آن به همت یک نفر از دانشجویان مورد سنجش قرار گرفته که عبارت است از: پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های مردم افغانستان درباره‌ی توسعه اجتماعی، زنان و خانواده، فرهنگ سیاسی، نحوه گذران اوقات فراغت و مصرف رسانه‌ای و هویت اجتماعی.

برای گردآوری داده‌ها کشور افغانستان برحسب ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، به پنج خوشه تقسیم گردید و از میان هر خوشه یک ولایت (استان) به‌عنوان نمونه انتخاب شد. در نهایت ۱۶۰۰ داده از ولایات بامیان، بلخ، کابل، کندهار و هرات گردآوری و مورد تحلیل قرار گرفت.

* پژوهش «سروری مردم افغانستان» توسط بنیاد آسیا^۱ که یک سازمان انکشاف بین‌المللی و غیرانتفاعی می‌باشد انجام می‌گیرد. این بنیاد در راستای حکومت‌داری، حاکمیت قانون، توسعه اقتصادی، توانمندی سازی زنان، بهبود محیط زیست و گسترش روابط بین‌المللی فعالیت می‌نماید (The Asia Foundation, 2016). بنیاد آسیا برخی سروری‌های را در افغانستان تحت عنوان «سروری مردم افغانستان»^۲ انجام داده است. تازه‌ترین سروری این سازمان در سال ۲۰۱۸ با حجم نمونه ۱۵۰۱۲ در سی و چهار ولایت کشور صورت گرفته است. جمعیت آماری سروری را تمام افراد که ۱۸ و بالای ۱۸ سال سن دارد تشکیل می‌دهد. این سروری نگرش مردم افغانستان را نسبت به امنیت، توسعه اقتصادی، ادارات محلی، سیستم قضایی، انتخابات، دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک، مسایل مربوط به زنان و رسانه‌ها مورد سنجش قرار داده است.

* پژوهش «پیمایش ارزش‌های جهانی» (World Values Survey) یکی از بزرگترین پیمایش‌های جهانی است که توسط موسسه پیمایش ارزش‌های جهانی جمع‌آوری و گزارش می‌شود. این موسسه تاکنون اطلاعات شش موج پیمایش را به ۲۰ زبان از سال ۱۹۸۱ منتشر کرده و یکی از معتبرترین سازمانهای پژوهشی جهان است. بزرگترین مزیت این پیمایش‌ها، داده‌های آن به صورت رایگان در اختیار عموم قرار دارد. مزیت عمده دوم استفاده از داده‌های ثانویه وسعت اطلاعات در دسترس است؛ بسیاری از این مجموعه داده در طول زمان رخ داده است و امکان تحلیل بلندمدت را می‌دهد؛ سومین مزیت عمده استفاده از داده‌های ثانویه مربوط به فرآیند جمع‌آوری داده‌ها است که توسط افراد متخصص و حرفه‌ای در سطحی وسیع و معتبر انجام شده است.

در بحث از پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در زیر به شرح برخی از مهمترین مطالعه، اشاره می‌گردد:

^۱ The Asia Foundation
^۲ A Survey of the Afghan People

*پژوهش «ملاحظات دربارۀ نقش زنان در توسعه فرهنگی»، این مطالعه توسط فاطمه گیوه چیان انجام گردیده است. در این بررسی اهمیت نقش زنان در توسعه فرهنگی در بسیاری از متون ادبیات جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی مورد تأیید قرار گرفته و در این مقاله با استفاده از واژه خانه با دو مفهوم «مکان» و «فضای احساسی» و نقش زن به‌عنوان سازنده فضای احساسی خانه و مکان خانه بررسی شده است. مطالعات تاریخی پیش از دوران صنعتی، زن عمدتاً سازنده فضای احساسی خانه بوده است و از این دوره به بعد انتظار می‌رود که زن همراه با مرد مکان خانه را نیز بسازد. از آنجا که در مطالعات آسیب‌های اجتماعی و اهمیت فضای احساسی خانه در کاهش بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی تأکید شده، در این مقاله نیز فضای احساسی خانه برای توسعه فرهنگی عامل مهمی تشخیص داده شده است. پرسشی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که اگر قرار باشد در جهان صنعتی و فراصنعتی هم مرد و هم زن در قلمرو عمومی به کار اشتغال داشته باشند چگونه فضای احساسی خانه ساخته می‌شود، فضایی که ساخته شدنش برای توسعه فرهنگی لازم است. این در حالی است که بر اساس یافته‌های تحقیقاتی، زنان وارد عرصه عمومی شده‌اند ولی مردان تمایلی به قبول مسوولیت در فضای خانه ندارند. به‌علاوه هنوز موانع اجتماعی و فرهنگی بسیاری بر سر راه زنان و فعالیت آن‌ها در عرصه عمومی وجود دارد و تبعیض‌هایی علیه آن‌ها روا داشته می‌شود.

*پژوهش «جنسیت، فرهنگ، ارزش‌ها و نگرش‌ها» توسط دکتر سوسن باستانی در قالب یک کتاب به چاپ رسیده است. تحقیق حاضر، بر آن است که تفاوت‌های زنان و مردان را در زمینه دو عنصر محوری فرهنگ یعنی ارزش‌ها و نگرش‌ها مطالعه کند. در این مطالعه چند سؤال مطرح است: آیا رابطه‌ای بین جنسیت، ارزش‌ها و نگرش‌ها وجود دارد؟ آیا می‌توان از فرهنگ زنان یا ارزش‌ها و نگرش‌های زنان صحبت کرد؟ نگرش زنان در خصوص تفاوت‌های جنسیتی چگونه است؟ در جواب به این سؤال‌ها، تحقیق حاضر در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول به مرور مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، ارزش‌ها، نگرش‌ها، جنسیت و کلیشه‌های جنسیتی اختصاص یافته است. بخش دوم تحقیق، بر فراتحلیل بررسی‌های انجام شده درباره اثر جنسیت بر ارزش‌ها و نگرش‌ها متمرکز شده است. در بخش سوم، نگرش زنان در خصوص تفاوت‌ها و تبعیض‌های جنسیتی در سه بعد زیستی، اجتماعی و اقتصادی بررسی خواهد شد.

*پژوهش «بازنگری نظریه های نقش جنسیتی» توسط حسین بستان انجام گرفته است. این مطالعه به روش اسنادی به تبیین نظری نقش های جنسیتی پرداخته است. به نظر وی یکی از مفاهیم اساسی مباحث جنسیت است که در سال های اخیر مورد توجه صاحب نظران علوم اجتماعی به ویژه فمینیست ها قرار گرفته برای تبیین چرایی و چگونگی شکل گیری نقش های جنسیتی، نظریه های گوناگونی مطرح شده است. این مقاله ضمن بازنگری مهم ترین نظریه های خرد و کلان نقش جنسیتی می کوشد تبیینی چند علتی با بهره گیری از نکات مثبت نظریه های موجود و نیز الهام گرفتن از آموزه های دینی، ارائه دهد.

در این تبیین، ابعاد متنوع زیستی، روانی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و سهم هر یک از عوامل و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر مشخص شده است. مهم ترین ویژگی این چارچوب نظری آن است که بدون غلتیدن در افراط و تفریط نظریه های موجود، از یک سوتأثیر تفاوت های جنسی طبیعی در بروز نقش های جنسیتی را مفروض می گیرد و از سوی دیگر، این تأثیر را صرفاً در حد تأثیر اعدادی تعبیر می کند و به این ترتیب، از تحلیل های جبرگرایانه در این باره می پرهیزد. به نظر می رسد تثبیت این رویکرد متعادل در مرحله سیاست گذاری جنسیتی، شرط لازم برای برون رفت از مشکلات فراوانی است که اینک در حوزه جنسیت مشاهده می کنیم، مشکلاتی که می توان ریشه اصلی آنها را ضعف نظریه پردازی دانست.

*پژوهش «تفاوت های نسلی زنان در دیدگاه ازدواج» توسط عباس عسکری ندوشن، محمد جلال عباسی شوازی و رسول صادقی انجام گرفته است. هدف این مطالعه، بررسی تحولات ایده ای، نگرشی و ارزشی نسبت به موضوعات مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده با استفاده از رویکرد نسلی بوده است.

داده ها از طریق یک پیمایش مقطعی در شهر یزد جمع آوری و اطلاعات مربوط به ۳۱۰ نفر از مادران و دختران هرگز ازدواج نکرده آنان مورد بررسی قرار گرفت. بر مبنای داده های مذکور، تداوم و تغییر بین نسلی در ارزش ها و ایده آل های ازدواج در چهار بعد مهم مورد تحلیل قرار گرفت: اول، میزان پابندی به نهاد ازدواج، دوم، نگرش نسبت به نحوه انتخاب همسر و رجحان های فرهنگی مرتبط با ازدواج خویشاوندی، سوم، سن مناسب ازدواج و فرزندآوری و در نهایت، ایده ها و دیدگاه های افراد نسبت به ازدواج مجدد و چندهمسری. مقایسه و تحلیل بین نسلی نگرش ها، حاکی از این بود که هم جوانان و هم نسل مادران نگرشی منفی و مخالف نسبت به مجرد دارند که بیانگر تأکید و تعهد اجتماعی شدید نسبت به ازدواج و زندگی زناشویی است. با این همه تفاوت های محسوس نگرشی نیز در این زمینه بین دو نسل وجود دارد، به طوری که درصد دخترانی که در مقایسه بین مجرد و تأهل، نظر مساعدتری نسبت به زندگی مجردی دارند، بیشتر از نسل مادران می باشد.

یافته‌های مطالعه همچنین نشان داد که در زمینه شیوه انتخاب همسر، اکثریت پاسخ‌گویان از هر دو نسل، بر کسب شناخت کافی زوجین نسبت به یکدیگر تأکید دارند، ولی در بین نسل جوان تمایل و تأکید بیشتری در این زمینه وجود دارد. این امر از یک سو مبین اهمیتی است که مردم برای ازدواج و زندگی زناشویی خوب بر مبنای شناخت کافی و انتخاب همسر صحیح قائلند و در عین حال مبین تمایل جوانان به آزادی بیشتر و استقلال تصمیم‌گیری در زمینه انتخاب همسر است، گرچه در ایران هنوز نظر و شرایطی که خانواده‌ها در انتخاب همسر مطرح می‌کنند، حائز اهمیت است. همچنین تفاوت‌های بین نسلی محسوسی در زمینه ایده‌آل‌ها و ترجیحات انتخاب همسر در درون و یا بیرون از شبکه خویشاوندی وجود دارد و داده‌های تحقیق، از کاهش مطلوبیت ازدواج‌های فامیلی و خویشاوندی در بین نسل جدید حکایت می‌کند، به طوری که دختران به مراتب کمتر از مادران‌شان موافق ازدواج خویشاوندی بوده‌اند و در مقابل، نظر مساعدتری نسبت به ازدواج‌های غیرخویشاوندی ابراز داشته‌اند. در دو نسل مورد بررسی، نگرش نسبت به متوسط سن ایده‌آل ازدواج برای پسران مشابه و حدود ۲۶ سال و برای دختران با حدود یک سال تفاوت در بین نسل قدیم و جدید به ترتیب حدود ۲۲ و ۲۳ سالگی است که در این مورد باز هم دامنه اختلاف نظرها نسبتاً کم است. مقایسه نگرش‌های دو نسل در مورد فاصله زمانی بین شروع زندگی زناشویی و تولد اولین فرزند، حاکی از شکاف بین‌نسلی قابل ملاحظه‌ای در نگرش‌ها بود و نسل جوان‌تر گرایش بیشتری به افزایش فاصله‌گذاری بین زمان ازدواج و تولد اولین فرزند داشته و به دنبال به تأخیرانداختن فرزندآوری می‌باشند. در مجموع، نتایج مطالعه، در راستای تأیید و حمایت از انتظار تئوریک مقاله در زمینه تفاوت‌های نسلی در نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده بود. البته در کنار تفاوت‌های نسلی در اکثر ابعاد ازدواج شاهد نوعی همگرایی و تشابه نسلی در برخی از ابعاد آن بودیم. استفاده از رویکرد بین‌نسلی در این مطالعه در عین حال که فرصت منحصر به فردی برای بررسی تفاوت‌ها و تغییرات ارزشی و نگرشی فراهم نمود، امکان تحلیل و تبیین عوامل احتمالی این تفاوت‌ها و شباهت‌ها را نیز میسر ساخت. با توجه به تفاوت‌های دو نسل در مشخصه‌ها و زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی بخشی از تفاوت‌های بین نسلی در ابعاد مذکور می‌تواند ناشی از تفاوت‌های نسلی در برخورداری از مشخصه‌های اجتماعی مدرن نظیر آموزش و تحصیلات، خاستگاه شهری و اشتغال در بخش مدرن اقتصادی باشد و بخشی از آن نیز می‌تواند به تغییرات ایده‌آیی و پذیرش سریع‌تر و گسترده‌تر آن توسط نسل جدید مربوط باشد. از سوی دیگر، شباهت‌های نگرشی دو نسل مادران و دختران نیز در برخی ابعاد، می‌تواند به خاطر تأثیر فرآیند جامعه‌پذیری والدین، تأثیر متقابل والدین و فرزندان بر یکدیگر و یا موقعیت مشترک اقتصادی - اجتماعی والدین و فرزندان باشد. تحلیل دقیق‌تر این موضوع مستلزم مطالعات بیشتری در این زمینه است.

*پژوهش پیمایشی «ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی فرهنگی شهروندان تهرانی» توسط محسن گودرزی در سال ۱۳۹۰ انجام گردیده است. هدف اصلی پژوهش ارائه سیمای ادراکی شهروندان تهرانی در باره نظام اجتماعی و شهر است. این هدف دو مقصود جزئی‌تر را دنبال می‌کند: توصیف وضع موجود و شناخت روندهای تغییر و ارزیابی سیاست‌ها و اهداف. چنین هدفی تنها با تکرار منظم این مطالعات در مقاطع زمانی ثابت تحقق می‌یابد. بر این اساس، مدل مفهومی پیمایش بر پایه دو مفهوم شکل گرفت: «توزیع فضایی ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی» و «تجربه شهری». در توزیع فضایی، هدف سنجش این نکته است که آیا نگرش‌ها افراد در شهر به نحوی خاص توزیع شده است به نحوی که بتوان از نقشه فضایی ادراکی شهر سخن گفت. در این بخش، نظرات افراد نسبت به دین، خانواده، و احساس آنان نسبت به «جهان اجتماعی» سنجیده شد. مفهوم «تجربه شهری» ناظر تصورات افراد نسبت به کالدها و فضاهای شهر تهران و نیز روابط اجتماعی و خصوصیات آن است. بنابراین ابعاد و محورهای این مطالعه عبارتند از:

بخش اول) ارزش‌ها و نگرش‌های نسبت به نظام اجتماعی که شامل موارد زیر است:

- نگرش نسبت به نهادهای اجتماعی: نگرش جنسیتی، نظام تصمیم‌گیری، مشارکت در مراسم دینی

- سیمای ادراکی جهان اجتماعی: سیمای اخلاقی جامعه، احساس عدالت، احساس رضایت

- ارزیابی جهان اجتماعی: سیمای اخلاقی جامعه، بعد احساسی تجربه جهان اجتماعی

بخش دوم) تجربه فضای شهری شامل محوری‌های زیر است:

- ارزیابی دسترس‌یها و کیفیت محیط: ارزیابی دسترسی به خدمات، کیفیت اجتماعی محیط، مسیر زندگی شهری،

احساس تعلق، تمایل به مهاجرت

- نگرش نسبت به فضای اخلاقی اجتماعی شهر: احساس عدالت، اعتماد اجتماعی، آینده اجتماعی و اخلاقی

تهران، ارزیابی وضعیت آینده جرم و جنایت، ارزیابی وضعیت اخلاقی تهران

*پژوهش «عوامل موثر بر نگرش مردان نسبت به نقش زنان در جامعه: مطالعه موردی شهر شیراز» توسط عبدالعلی

لهسایی زاده با هدف، بررسی تاثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ذهنی بر نگرش مردان نسبت به نقش

زنان در جامعه شهر شیراز صورت گرفته است. در این مطالعه پس از بررسی تحقیقات داخلی و خارجی و مروری

بر نظریه‌های فمینیستی، کارکردگرایی و کنش متقابل نمادی، یک چارچوب نظری تلفیقی با استفاده از نظریه

کالینز بر پا گردیده که بر پایه آن یک مدل تجربی، شامل تأثیر ۱۲ متغیر مستقل بر نگرش مردان نسبت به نقش

زنان در جامعه، به دست آمد. روش تحقیق مطالعه، پیمایشی است.

جامعه مورد مطالعه، مردان ۱۸ سال به بالای ساکن در خانوارهای شیراز اعم از متأهلین و مجردین است که یک نمونه ۷۰۰ مردی، از ۷۰۰ خانوار بر اساس نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده اند. در این تحقیق ۱۲ فرضیه از الگوی پژوهش در نظر گرفته شده که با استفاده از آمار استنباطی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته عبارتند از: بین منزلت شغلی و نگرش مردان رابطه معنی دار است، بین طبقه اجتماعی و نگرش نیز رابطه معنی دار می باشد، مردان با تحصیلات بالا نسبت به نقش زنان در جامعه نگرش مثبت تری دارند، تفاوت تحصیل مردان با زنان، دو عامل ذهنی انتظار فایده و ارزیابی فایده، دارای رابطه معنی داری با نگرش مردان می باشد؛ همچنین کسانی که دارای مشاغل بالاتری می باشند، دارای نگرش مثبت تری نیز هستند؛ بالاخره اینکه بین سن، تفاوت سنی، درآمد، تفاوت منزلت شغلی، وضعیت تأهل و بعد خانوار پاسخگو با نگرش وی نسبت به نقش زنان در جامعه، رابطه معنی داری وجود ندارد.

**پژوهش «تبیین تغییرات و تحولات کارکردی نقش اجتماعی زنان در جامعه شهری یزد با تاکید بر سال های ۱۳۴۵-۱۳۸۷» توسط فرهاد امام جمعه و سمیه کریمی زاده اردکانی انجام گرفته است. بررسی حاضر به تبیین تحولات کارکردی نقش اجتماعی زنان در جامعه شهری یزد در طی سال های ۱۳۴۵-۱۳۸۷ پرداخته است و درصدد آن است تا اثرات تغییرات اجتماعی روی تنوع کارکردهای نقش اجتماعی زنان را بشناساند. این تبیین با چهارچوبی نظری مبنی بر استفاده از نظرات «بلومر»، «هومنز»، «پارسونز»، «مرتن» در بستر نظریه تغییر اجتماعی صورت گرفته است. نویسنده در طول کار از دو روش اسنادی و میدانی استفاده کرده اند تا بتوانند حداقل یک نسل را نیز از سال ۴۵ تا ۸۷ به نمایش گذاشته باشند. هر چند نتایج هر دو قسمت پژوهش حاکی از پویایی زن امروز یزدی و آگاهی او از مسیر خردگرایی است و میزان تحصیلات زنان در حال بالا رفتن است اما تغییرات اجتماعی در حالی که شیوه زندگی و روابط اجتماعی آنان را تغییر داده است، مشکلات و نگرانی های بسیاری را نیز به زنان تزریق کرده است. به اعتقاد نویسندگان زن امروز یزدی به طور اجتناب ناپذیری در حال انتقال از روش زندگی سنتی به مدرن است و تصمیمات و انتخاب های او نیز متناسب با پیشرفت و تغییرات اجتماعی رشد کرده است. تغییرات نقش زن وضعیت تسلسلی خواهد داشت و از این نسل زن، نسل های پر مساله تری در آینده به وجود خواهد آمد که اگر به تغییر نقش های او توجه نشود پدیده های جدیدی را در جامعه به وجود خواهد آورد و بر ساختار بزرگ تر نهادهای اجتماعی ما تاثیرگذار خواهد بود.*

* پژوهش «تاثیر فضاهای شهری مدرن بر بازانندیشی هویت جنسیتی زنان» توسط احمد غیاثوند انجام گرفته که در قالب مقاله ای علمی به چاپ رسیده است. ایشان در خصوص تاثیر فضاهای شهری در هویت یابی جنسیتی زنان بیان داشت: در جوامع جدید هویت جنسیتی زنان تحت تأثیر فضای بیرونی و روابط گروهی و از سوی دیگر متأثر از تجربه‌های زندگی‌شان در حال تغییر می‌باشد. به لحاظ جامعه‌شناختی نحوه تفکیک فضا، انعکاسی از روابط اجتماعی حاکم بر جامعه بوده و شاخص چگونگی و نحوه سازماندهی اجتماع و مبنای شکل‌گیری هویت‌های جمعی است. شهرداری تهران از سال ۱۳۸۶ در صدد ساخت فضاهای شهری مدرن تحت عنوان «مجموعه شهر بانو» بوده تا زنان شهر بتوانند به انجام فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری بپردازند. مطالعه حاضر به بررسی تاثیر این فضاهای شهری بر بازانندیشی در هویت جنسیتی زنان می‌پردازد. این پژوهش به روش پیمایش انجام شده و جامعه آماری آن را کلیه زنان مراجعه‌کننده به مجموعه‌های شهربانو در مناطق ۱، ۲، ۸ و ۱۴ شهرداری تهران تشکیل می‌دهد. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۲۳۷ نفر برآورد شده و روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون تحلیل عاملی نشان می‌دهد که در مجموع سه بعد هویت جنسیتی را شامل: مدیریت بدن، نمایش جنسیت و احساس امنیت از همدیگر تشخیص داده شد. در واقع ساخت و توسعه مجموعه‌های شهربانو از منظر کارکردی منجر به اجتماعی شدن جنسیتی، نمایش بهتر بدن و پوشش مدرن زنان می‌گردد، همچنین داشتن احساس امنیت در این مراکز بازتاب فضای عمومی جامعه است. البته به لحاظ جامعه‌شناختی نایستی از آثار و پیامدهای دامن زدن به ساخت و توسعه چنین فضاهای جنسیتی شده، غافل بود؛ زیرا در آینده منجر به عمومی شدن فضاهای شهری مدرن خواهد شد. در واقع کارکرد پنهان احداث و توسعه چنین فضاهایی را بایستی زمینه‌ای برای حضور زنان در جامعه دانست. همچنین وی در مطالعه ای با عنوان «دنیای زنان در پرتو توسعه فضاهای جنسیتی شهری» در صدد بررسی علمی تحولاتی است که در سطح شهر تحت تاثیر فضاهایی جنسیتی شهری مدرن در قالب مجموعه شهربانو صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آثار تحول در ارزش‌های و هنجارهای جنسی و جنسیتی زنان در جامعه ایران را در قالب دو مفهوم تغییر در «فیزیک زنان» و «فکر زنان» قابل تحلیل می‌باشد که به نوبه خود موجب تغییر در «دنیای سستی»‌شان و گرایش آنها به «دنیای مدرن» گردیده است. این تغییر از منظر جامعه‌شناختی را می‌توان تغییر از جایگاه «اجتماع» به «جامعه» از نوع تونوسی دانست؛ مولفه‌های این تغییر عبارتند از: شکل‌گیری نوعی «فردگرایی مدرن» در بین زنان، افزایش کسب مهارت و آگاهی مدرن در بین زنان، و گسترش مشارکت اجتماعی.

*پژوهش «سکوی آزادی؛ استراتژی زنان برای تماشای فوتبال در استادیوم» توسط احمد غیاثوند و صبا رضازاده هراتی انجام گرفته که در قالب مقاله ای علمی به چاپ رسیده است. پژوهش حاضر با بررسی مشخصه های عینی و نمادین واکنش جمعی زنان از رهگذر دو لنز نظری «بازتولید هژمونی مردانه» و یا «زنانه شدن فضای استادیوم» به مطالعه و بازنمایی استراتژی های زنان جهت تماشای فوتبال مردان در استادیوم پرداخته است. روش به کار رفته در پژوهش تحلیل محتوای کیفی با تکیه بر رویکرد واسازی همراه با تکنیک مصاحبه ی نیمه ساخت مند از کلیه دختران دانشجوی دانشگاه های شهر تهران و نیز تحلیل تماتیک پیام های مختلف می باشد. یافته ها نشان می دهد که «فتح فضاهای مردانه» و «نمایش رویای زنانه» دو مقوله ی اصلی بدست آمده در باب استراتژی های زنان برای حضور در استادیوم می باشد که حامل معانی و نشانه هایی است که در قالب مفهوم رسیدن به سکوی آزادی قابل توسعه و فهم است. در واقع دختران با تماشای فوتبال مردان در استادیوم ضمن برساخت تفاوت خود با مردان، از طریق به نمایش گذاشتن عناصر زیبایی شناختی، به دنبال به تصویر کشیدن هویت جنسیتی برساخته از تجربه ی پارادوکسیکال ارزش های سنتی و مدرن با ویژگی های خاص خود هستند که این واکنش در فضاهایی مانند استادیوم قابل اجراست. همچنین این دو در مقاله دیگری تحت عنوان «گرایش دختران به تماشای مسابقات فوتبال در استادیوم و عوامل مؤثر بر آن» به روش پیمایش درصدد بررسی گرایش زنان به تماشای فوتبال مردان و نیز عوامل مؤثر بر آن بوده اند. جامعه آماری آن را «کلیه دختران دانشجوی دانشگاه های شهر تهران در سال ۱۳۹۷» تشکیل می دهد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۴۹۵ نفر برآورد گردیده و در نهایت داده ها از طریق پرسشنامه به شیوه نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای از بین چهار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، شهید بهشتی و دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات گردآوری گردید. یافته ها نشان داد که اکثر دختران دانشجوی، در صورت باز شدن استادیوم، به تماشای مسابقات فوتبال می روند. همچنین بررسی دقیق تر نشان داد که دو متغیر بازاندیشی در هویت یابی جنسیتی زنان و معنایابی جنسیتی فضا رابطه معناداری با گرایش زنان به تماشای فوتبال دارند. معرف های این دو متغیر به ترتیب اهمیت، بیشتر تحت تأثیر شاخص های سیاسی، فمینیستی و فردی و نیز وزن بیرونی متغیر معنای جنسیتی فضا، به ترتیب مربوط به برداشت سیاسی، فردی و اجتماعی از فضا می باشد. بر این اساس عاملیت دختران در چنین گرایشی بیشتر متوجه کاهش محدودیت ها و فشار هنجاری نظام سیاسی در قبال زنان جامعه است و در مرحله دوم، عاملیت خود را بیشتر در سطح فردی و با هدف تفریح و تجربه شور و هیجان جستجو می کنند.

*پژوهش «بررسی فرهنگ پوشش و حجاب زنان ایران»، توسط مهدی فرجی و نفیسه حمیدی به سفارش دفتر برنامه‌ریزی پژوهش‌های کاربردی سازمان تبلیغات در پنج مرکز استان تهران، قم، تبریز، اصفهان و اهواز در سال ۱۳۹۰ انجام شده است. هدف این مطالعه ترسیم نگرش‌های متنوع نسبت به پوشش و حجاب در ایران؛ به تصویر کشیدن اشکال حجاب و پوشش برحسب محیط‌های اجتماعی مختلف و فضاهاى فرهنگى متفاوت در ایران؛ مشخص کردن عملکردهای زیبایی‌شناختی زنان ایرانی نسبت به پوشش؛ سنجش میزان آگاهی پاسخگویان از پوششی که به تن می‌کنند؛ بررسی وضعیت اعتقاد به حجاب؛ سنجش نگرش به احکام حجاب؛ سنجش میزان عمل به احکام حجاب و بررسی وضعیت اخلاق حجاب بوده است.

روش تحقیق پیمایش با ابزار پرسش‌نامه است که به صورت کتبی پر شده است. جامعه آماری، مجموع زنان ۱۵ تا ۷۵ ساله‌ی ایرانی مسلمان (اعم از شیعه و سنی) خانوارهای معمولی ساکن است. نتایج نشان می‌دهد که در حدود سه چهارم پاسخگویان (۷۲/۸ درصد) با این ایده که اصل این است که آدم دلش پاک باشد، نه این‌که حجاب کاملی داشته باشد، مخالف یا کاملاً مخالف هستند. تنها ۸۷/۶ درصد مخالف یا کاملاً مخالف هستند که موضوع حجاب صرفاً درباره‌ی لباس پوشیدن زن‌ها است و ربطی به مردها ندارد. ۳۵/۶ درصد کاملاً مخالف و ۴۷/۹ درصد مخالف این مطلب هستند که فرد بتواند بدون اعتقاد داشتن به حجاب مسلمان باشد. به زعم حدود یک‌سوم پاسخگویان (۳۲/۵ درصد) حجاب شکل ثابتی ندارد و مقدار پوشش را عرف هر جامعه معین می‌کند. ۱۱/۴ درصد پاسخگویان در این زمینه مردد، ۳۶/۶ درصد مخالف و ۱۹/۴ درصد کاملاً مخالف هستند. ۸۴/۴ درصد پاسخگویان با این فکر مخالفند که اگر مردها نگاه‌شان را کنترل کنند، دیگر نیازی به رعایت حجاب از سوی زن‌ها نیست. در حدود سه چهارم پاسخگویان (۷۴/۵ درصد) اعتقاد زیاد یا خیلی زیادی به حجاب دارند. ۶/۷ درصد با آن مخالف بوده و ۱۹/۳ درصد نیز نظری بینابین دارند. به طور کلی اعتقاد زنان متأهل به حجاب بیش از زنان مجرد است، افراد مسن‌تر، دارای تحصیلات کمتر و زنان خانه‌دار اعتقاد بیشتری به حجاب دارند. اعتقاد به حجاب در میان زنانی که از چادر به عنوان پوشش غالب خود استفاده می‌کنند، بیش از سایر اقشار بوده است.

*پژوهش «پیمایش ملی حجاب و پوشش زنان ایران» توسط مرکز نظرسنجی ایسپا در آذر ۹۴ با حجم نمونه ۴۳۹۰ نفر در سطح کشور اجرا شده است. جامعه آماری این طرح کلیه مردم ایران ساکن در مراکز استان ها، شهرهای درجه ۲ و روستاها بوده است. این نظرسنجی با نمونه گیری چندمرحله ای و در ۱۱ استان کشور اجرا شده است. حدود ۵۱ درصد نمونه مرد و ۴۹ درصد زن بوده اند. ۳/۳۴ درصد پاسخگویان در رده سنی ۱۸ تا ۲۹ سال، ۸/۴۱ درصد در رده سنی ۳۰ تا ۴۹ سال و ۹/۲۳ درصد در رده سنی ۵۰ سال و بالاتر قرار گرفته اند. میانگین سنی پاسخگویان ۳۸ سال، کمترین سن ۱۸ و بیشترین سن ۸۰ سال بوده است. نزدیک به ۴۰ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی و ۶۰ درصد دارای تحصیلات دیپلم و پایین تر از آن بوده اند. در قالب یک سؤال به پاسخگویان تصاویری از انواع پوشش نشان داده شد و از پاسخگویان خواسته شد بگویند دوست دارند پوشش خانم ها در سطح جامعه شبیه به کدام نوع پوشش باشد. نتایج نظرسنجی نشان می دهد ۶/۲۷ درصد چادر مشکی با مقنعه را می پسندند. ۵/۱۸ درصد نیز چادر مشکی و روسری را پسندیده اند. در مجموع ۱/۴۶ درصد مردم ایران به پوشش چادر تمایل نشان داده اند. ۳/۱۶ درصد مانتو بلند و مقنعه، ۹/۱۰ درصد مانتو بلند با روسری، ۸ درصد مانتو بلند با شال، ۲/۶ درصد مانتو کوتاه با شلوار، ۱ درصد کت و شلوار، ۴/۱ درصد مانتو کوتاه با ساپورت و ۸/۱ درصد مانتو بی دکمه با ساپورت را ترجیح می دهند.

نتایج نظرسنجی نشان می دهد در مجموع ۴۹ درصد مردان و ۳۳ درصد زنان پوشش چادر را ترجیح می دهند. ۴۰ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله کشور، ۴۵ درصد افراد ۳۰ تا ۴۹ ساله و ۵۸ درصد افراد بالای ۵۰ سال پوشش چادر را ترجیح داده اند. ۴۴ درصد جوانان پسر و ۳۵ درصد جوانان دختر پوشش چادر را ترجیح داده اند. ۵۱ درصد متأهلین و ۳۶ درصد مجردین پوشش مورد علاقه خود را چادر اعلام کرده اند. ۴/۵۴ درصد مردان متأهل، ۴۰ درصد پسران مجرد، ۴۷ درصد زنان متأهل و ۳۰ درصد دختران مجرد پوشش مورد علاقه خود را چادر اعلام کرده اند. ۵/۴۳ درصد افرادی که تحصیلات دیپلم و پایین تر دارند پوشش چادر را ترجیح داده اند این در حالی است که ۳۴ درصد از کسانی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند تمایل به پوشش چادر نشان داده اند. ۴۰ درصد از مردان دارای تحصیلات آکادمیک و ۲۸ درصد از زنان دارای تحصیلات آکادمیک به پوشش چادر تمایل نشان داده اند. ۴۱ درصد شهروندان ساکن در مراکز استان ها، ۴۵ درصد شهروندان ساکن در شهرهای درجه ۲ و ۶۱ درصد از روستانشین ها به پوشش چادر تمایل نشان داده اند.

در ادامه نظرسنجی سؤالی در خصوص پوشش زنان خانواده از پاسخگویان با این مضمون پرسیده شد: «در خانواده شما خانم‌ها بیشتر مانند کدام یک از تصاویر در جامعه حضور پیدا می‌کنند؟» بر اساس نتایج نظرسنجی ۲۴,۱ درصد پاسخگویان اعلام کرده‌اند در خانواده آن‌ها خانم‌ها بیشتر شبیه شکل شماره ۱ (چادر مشکی و مقنعه) در جامعه حضور پیدا می‌کنند. ۲۱,۲ درصد نیز معتقدند چادر مشکی و روسری (شکل شماره ۲) پوشش غالب خانم‌ها در خانواده‌شان است. در مجموع ۴۵ درصد پاسخگویان پوشش غالب در خانواده‌شان را چادر اعلام کرده‌اند. ۱۴,۱ درصد مانتو بلند و مقنعه (شماره ۳)، ۱۲ درصد مانتو بلند و روسری (شماره ۴)، ۹ درصد مانتو بلند و شال (شماره ۵)، ۴ درصد مانتو و دامن (شماره ۶)، ۹,۳ درصد مانتو کوتاه با شلوار (شماره ۷)، نزدیک به ۱ درصد کت و شلوار (شماره ۸)، ۲,۳ درصد مانتو کوتاه با ساپورت (شماره ۹) و ۱,۸ درصد مانتو بی دکمه با ساپورت (شماره ۱۰) را به عنوان پوشش غالب زنان خانواده‌شان بیان کرده‌اند. مردان و زنان ارزیابی یکسانی از پوشش زنان خانواده داشته‌اند. ۵۳ درصد کسانی که دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر از دیپلم بوده‌اند پوشش زنان خانواده را چادر اعلام کرده و ۳۴ درصد کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند پوشش زنان خانواده را چادر اعلام کرده‌اند. نزدیک به ۴۰ درصد افراد ساکن در نقاط شهری کشور و ۶۴ درصد افراد ساکن در نقاط روستایی کشور پوشش غالب زنان خانواده را چادر اعلام کرده‌اند.

* پژوهش «چالش‌ها و تجارب زیسته دختران مجرد پیرامون ازدواج» توسط احمد غیاثوند با نظارت علی دلآوری برای دانشگاه علامه طباطبایی انجام گرفته است. در این میان، آنچه به عنوان مسئله کلی این پژوهش قابل طرح می‌باشد، فهم تجربه تجرد زیستی دختران، زمینه‌ها و چالش‌هایی آنهاست تا بتوان از طریق روش نظریه‌مبنایی در این باره نظریه پردازی کرد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش دختران ۳۰ سال و بالاتر شهر تهران در سال ۱۳۹۷ بوده که بر اساس منطق نمونه‌گیری هدفمند و نظری با ۲۲ نفر مصاحبه فردی و با دو دسته از افراد مصاحبه متمرکز به عمل آمده است. طبق فرایندهای کدگذاری، مقوله اصلی «پانتومیم دختران در ایستار ازدواج» به عنوان پدیده مرکزی استخراج گردید و نیز فرایند تصمیم‌گیری دختران در معرض فرصت‌های ازدواج، در چهار صحنه، ایستار بازگو نکردن ازدواج، ایستار بازی ندادن دختران برای ازدواج، ایستار بازماندن از ازدواج سنخ بندی شده‌اند. چنین ایستارهای ازدواج همزمانی تصمیم، تردید، تاخیر داشتن برای ازدواج را فراهم می‌سازد. در فرایند و فهم چنین تجربه‌ای شرایط علی، زمینه‌ای و ساختاری مختلفی دخیل بود که به نوبه خود به راهبردهایی با مضمون «تجربه جدایی و انفکاک» توسط دختران بدان دامن می‌زند. چنین تجربه و نیز راهبردهایی پیامدها و چالش‌هایی را در قالب تداوم نفس اجتماعی با پیگیری پیشرفت حرفه‌ای، ستایش پرهیزگاری، رها کردن کاکتوس زندگی، وحشت سالمندی به همراه دارد.

سرانجام در راستای نتایج و تفاسیر به عمل آمده پیرامون سنخ های ایستار ازدواج دختران، چالش هایی وجود دارد که در سویه های زیر توسط دختران مجرد و نیز برنامه ریزان قابل تعقیب و برنامه ریزی خواهد بود: ۱. پذیرش سبک زندگی مجرد زیستی انتخابی: شکل گیری زیست مجردی دختران به عنوان یک الگو، به ویژه در بین کسانی که در ایستار بازی نکردن و پیگیری پیشرفت های فردی و حرفه ای قرار گرفته اند می تواند ظرفیت های مختلف اجتماعی، فرهنگی و خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد. ۲. پایان بخشی به مجرد زیستی در قالب ازدواج های فرو دست شوهری: حضور و فعالیت دختران در صحنه اجتماعی و توسعه پیشرفت های حرفه ای و تحصیلی به نوبه خود نوعی ناهمسانی همسری را پدید می آورد. ۳. گسترش «الگوی روابط هم بالینی»: بدین صورت که دختران و پسران با پذیرفتن رابطه با جنس مخالف به دور از تمکین به وجه عرفی، اجتماعی، قانونی و رسمی آن، الگویی از همزیستی در زیر یک سقف را شکل می دهند. ۴. پیگیری و توسعه «هویت مادرانه»: بررسی ها نشان می دهد که با طولانی شدن تجربه مجرد در بین دختران، دختران مجرد رغبت و تمایل بیشتری به داشتن فرزند در آینده پیدا کنند؛ امری که مسئولان جامعه بایستی برای آن چاره بیندیشند.

*پژوهش «پژوهش کیفی پیامدهای رابطه خارج از ازدواج دختران جوان با جنس مخالف» توسط منصور فتحی، محمدمتقی کرمی قههی و مرضیه پوراسمعیلی انجام گردیده است. با توجه به روند رو به رشد روابط خارج از ازدواج دختران با جنس مخالف در سال های اخیر، پژوهش حاضر با هدف فهم عمیق تجربه زیسته دختران از پیامدهای این نوع رابطه صورت گرفته است. روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و در نظر گرفتن ملاک اشباع نظری، با ۳۰ دختر ۱۸ تا ۳۱ سال ساکن شهر تهران مصاحبه به عمل آمد. جهت گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختارمند و تحلیل آن ها از تحلیل مضمونی یا تماتیک بهره گرفته شد. یافته های این پژوهش در ۴ طبقه اصلی شامل «چالش های درون رابطه»، «چالش های بیرون رابطه»، «رابطه به مثابه امکانی برای شکوفایی» و «تعلیق خود» طبقه بندی شدند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش می توان نتیجه گرفت که رابطه با جنس مخالف افزون بر کسب تجربه و افزایش شناخت نسبت به جنس مخالف، بدبینی به جنس مخالف، ترس از برقراری رابطه و مشکلات جسمی و روحی را برای دختران به همراه داشته است.

نقد و نظر پیرامون پژوهش های گذشته

امروزه دیگر این اندیشه که «جنسیت» افراد منشأ زیست شناختی ندارد و جامعه بشری آن را برمی سازد و بر افراد تحمیل می کند، در اندیشه جامعه شناختی پذیرفته شده و بسط یافته است. به گونه ای که شاخه های متعدد جامعه شناسی در حال حاضر به عنوان یکی از اولویت مهم خود مباحث جنسیتی را در کانون طرح های پژوهشی قرار داده اند (به نقل از سلطانی ۱۳۹۰؛ گیدنز ۱۳۷۴ و گرت، ۱۳۷۹).

در مجموع در اکثر مطالعات و پیمایش های ملی که در زمینه ارزش ها و نگرش های اجتماعی و فرهنگی، انجام گرفته متغیر جنس به عنوان یکی از متغیرهای زمینه ای در کنار سایر متغیرها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. و چندان مورد تبیین قرار نگرفته است. البته در برخی از تحقیقات نیز وضعیت ارزش ها و نگرش های زنان مورد بررسی قرار گرفته که عمدتاً تحلیل ثانویه است. بر این اساس در این مطالعه درصدد این خواهیم بود که در ابعاد مختلف ارزش ها و نگرش های زنان در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران مورد سنجش و مطالعه قرار گیرد. بنابراین این پژوهش از این جهت ضروری به نظر می رسد که تا کنون در ایران و نیز به طور خاص در شهر تهران پیرامون ارزش ها و نگرش های زنان، پژوهش مستقلی انجام صورت نگرفته است.

۲-۲) مرور نظری پژوهش

در بحث از پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران توجه به مفاهیم و رویکردهای مرتبط با آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این میان ابتدا به تعریف نگرش و ارزش پرداخته می شود و در نهایت رویکردهای نظری تشریح می گردد تا بتوان در نهایت چارچوب مفهومی پژوهش را استخراج نمود.

تعریف نگرش، ابعاد و ویژگی های آن

واژه «attitude» معادل های فارسی متعددی همچون طرز تلقی، وجهه نظر، بازخورد، وضع روانی، ایستار، گرایش و نگرش دارد. آلپورت (Allport)، گرچ (Krech)، کرچفیلد (Grutchfield)، جاکوسون (Jacobson)، لمبرت (Lambert)، سیرز (Sears)، رابرت (Robret) و بسیاری از مؤلفین دیگر، تعاریف مختلفی از آن ارائه کرده اند. بر این اساس دو برداشت مرتبط با هم از این واژه شده است که یکی به معنای نگرش و دیگری گرایش است (غیاثوند، ۱۳۹۰: الف) واژه attitude در تعبیر نخست به معنای نگرش است. در این باره از جمله تعاریفی که جامع تر از بقیه است، تعریف «لمبرت» می باشد: «نگرش عبارت است از یک روش نسبتاً ثابت در فکر کردن، احساس کردن و رفتار کردن نسبت به افراد، گروه ها و موضوع های اجتماعی یا قدری وسیع تر، هر گونه حادثه ای در محیط فرد» (کاوایانی، ۱۳۸۰: ۱۹ و Lambert, 1988). «رابرت» در زمینه ابعاد و مؤلفه های نگرش معتقد است: تمام روان شناسی اجتماعی درباره الگوی A. B. C یعنی ابعاد شناختی، عاطفی و رفتار (Affective & Behaviare & Cognitive) اتفاق نظر دارند (Roberts, 1993).

«نگرش، نظام با دوامی است که شامل؛ یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر تمایل به عمل است. عنصر شناختی شامل، اعتقاد و باورهای شخص درباره یک شی یا اندیشه است. عنصر احساسی یا عاطفی آن است که معمولاً نوعی احساس عاطفی با باورهای ما پیوند دارد و تمایل به عمل، به آمادگی برای پاسخگویی به شیوه ای خاص اطلاق می شود» (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۱۷).

«روان شناسان اجتماعی معمولاً نگرش را در ارتباط به سه عنصر متشکله آن به شرح زیر بررسی می کنند:

۱- عنصر عاطفی یا احساسات عواطف درباره شخص، اندیشه، واقعه، یا شی (ایجاد حالت ترس، محبت، نفرت، ...).

۲- عنصر شناختی یا عقاید، اعتقادات، آگاهی ها، یا اطلاعاتی که از سوی فرد کسب می شود (اعتقاد به خوبی با بدی چیزی).

۳- عنصر رفتاری، یا قصد و آمادگی برای اقدام.

بدیهی است که این عناصر به گونه‌ای منفرد وجود ندارد و همیشه مستقل عمل نمی‌کنند. نگرش، آمیزه یا نقشی در هم آمیخته از احساسات، ادراکات، و تمایلات رفتاری یک شخص درباره یک چیز، شخص یا گروه، یک واقعه، یک اندیشه، یا واقعیات و امور مشابه دیگر است» (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۹).

ب) برداشت دوم از واژه «attitude»، به معنای «مفهوم سوی‌گیری یا گرایش، مختص نظام کنشگر اجتماعی (social actor-system) است. سوی‌گیری کنشگر سازوکاری است که وضعیت کنش را تعیین می‌کند. مفهوم سوی‌گیری یا گرایش در برگرنده منظومه‌ای از آنچه که کنشگر می‌بیند، ارزیابی می‌کند و می‌خواهد و یا نمی‌خواهد، است. سوی‌گیری دارای دو بعد عمده شناختی (عقلی) و عاطفی (احساسی) است. البته کم و کیف و صبغه هر کدام در هر مورد خاص متغیر و متفاوت است (چلبی، ۱۳۸۳: ۱۲). گرایش یک سیستم از عکس‌العمل‌های ارزیابی‌کننده است که مبتنی بر اعتقادات و چهارچوب‌هایی هستند که براساس آنها این ارزیابی انجام می‌گیرد. این چهارچوب و پایه‌های ارزیابی‌کننده در دوران‌های مختلف شکل‌گیری شخصیت در خانواده و در جامعه به وجود می‌آید (Witte, 1989: 363). نکته دیگری که در گرایش نهفته است آن است که گرایش همواره در مورد پدیده (attitude object of) سوگیری می‌کند. مثلاً به اقلیت‌های قومی (گرایش به یهودیان و زرتشتیان) گرایش‌های مذهبی، سیاسی (گرایش به یک حزب خاص، یک مذهبی، گرایش به یک سازمان خاص، گرایش به مواد مخدر ...) و نظیر آن (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۷). در تعاریف دیگر مشخصه و عنصر مهم واژه گرایش یا نگرش «عکس‌العمل‌های ارزیابی‌کننده» است که دانشمندان اخیر بیشتر روی آن تأکید دارند (Stroebe, 1990: 146) به نقل از رفیع‌پور، (۱۳۷۲).

مفهوم «نگرش» در پیوند نزدیک با مفهوم «ارزش» قرار دارد؛ اما این پیوند شان به معنای همسانی نیست. نگرش‌ها تنها وجه مثبت ندارد و گاهی اوقات از دید حاملان آن امر منفی هم پنداشته می‌شوند. نگرش‌ها برخاسته از ارزش‌ها، تجربیات، دانش و آگاهی افراد است که احساسات آن‌ها را در برابر چیزهای مختلف نشان می‌دهند و باعث می‌شوند که افراد در موقعیت خاص، دست به واکنشی خاص بزنند (غفاری ۱۳۹۷).

در بحث از عوامل تکوین نگرش آن‌را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به دو قسم شناختی و انگیزشی تقسیم کرد. عواملی مثل؛ شرطی‌سازی کلاسیک، شرطی‌سازی کنشی، مشاهده و تقلید، مقایسه‌های اجتماعی از نوع شناختی و عواملی مانند؛ نیازها، فرهنگ، تعلق گروهی، شخصیت فرد... از نوع انگیزشی هستند (کاوایی، ۱۳۸۰: ۱۲۳).

الگوهای تغییر نگرش

نگرش ها در برگیرنده احساسات، عقاید و زمینه های رفتاری نسبتاً مخفی که در جهت اشخاص، گروه ها، اندیشه ها و چیزها سوق داده می شود. نگرش های افراد نتیجه گذشته آنها و تجربیات مختلف زندگی است. بنابراین «نگرش ها که حاصل تجربه های فرد هستند به جهان شکل داده و در آن اثبات ایجاد می کنند؛ ولی از آنجا که جهان بیرون پیوسته در حال تغییر و دگرگونی است، نگرش های انسان نیز به ناچار باید خود را با این تغییرات هماهنگ کنند. پس می توان گفت که تغییر نگرش ها، انعکاس روانی تغییرات اجتماعی است» (مهرآرا، ۱۳۷۳:۲۴۱).

در روان شناسی اجتماعی موضوع تغییر نگرش در چارچوب چندین الگو مورد بحث قرار گرفته است. هر یک از این الگوها بحث خود را با مفروضاتی در باره ماهیت انسان آغاز کرده و بعد چگونگی تغییر دادن یا تغییر یافتن نگرش ها را طبق اصول و قواعدی که عرضه می کنند با ذکر نمونه های تحقیقات انجام شده، مورد بحث قرار می دهند. در مجموع تغییر نگرش در چارچوب چند الگوی مشخص تبیین شده اند که عبارتند از:

الف) الگوی یادگیری (شرطی سازی) ب) الگوهای شناختی ج) الگوی کارکردی

الف) الگوهای یادگیری تغییر نگرش

۱- نظریه محرک - پاسخ: «نظریه های محرک - پاسخی بیشتر بر روابط بین محرک های ویژه با پاسخ های خاص تأکید می ورزند. از این دیدگاه، هر رفتار قابل تجزیه شدن به واحدهای عادت‌های خاص یا پاسخ های قابل تفکیک از هم است. اگر پاسخی به تقویت منجر شود، احتمال وقوع مجدد آن زیادتر می شود. از این تحلیل چنین نتیجه می شود که الگوی محرک - پاسخی تغییر نگرش تأکید فراوانی بر ویژگیهای پیام های عرضه شده (پیام ها، ترغیب ها، جاذبه ها، و نظایر آن) که سعی در تغییر دادن نگرش ما دارند، داشته و توجه زیادی بر پاداش هایی که با تغییر دادن نگرش عاید ما خواهد شد، دارد» (کریمی، ۱۳۷۹:۲۴۱).

یکی از اصول بنیادی در رویکردهای محرک - پاسخی به تغییر نگرش آن است که تقویت کننده های ارائه شده برای تغییر نگرش باید قوی تر از تقویت کننده هایی باشند که وضع موجود را حفظ می کنند. نظریه پردازان محرک - پاسخی مدعی اند که اگر اطلاعات کافی پیام گیران داشته باشند، و اگر منابع کافی در اختیار آنها باشند قادر خواهند بود نگرش های هر کسی را با استفاده از شیوه ها و تکنیک های خاص شان تغییر دهند. البته در گذشته غالباً رسم بر این بوده است که گفته شود نظریه های محرک - پاسخی و تقویتی، انسان را به صورتی منفعل و ماشینی تصور کرده و پاسخگویی او را به محرک های، اتوماتیک و بدون تفکر می دانند. اما یک بررسی دقیق تر مشخص می کند که چنین بیانی نظریه محرک - پاسخی را به صورتی منصفانه مطرح نمی کند. هر چند ممکن است محققانی که رویکرد محرک - پاسخی را به کار می بندند بیشتر به جنبه های مختلف محرک و پیام دهنده توجه داشته باشند. این محققان در عین حال متوجه هستند که ویژگیهای دریافت کننده پیام نیز می تواند میزان تغییر نگرش را تحت تاثیر قرار دهد.

۲- نظریه مشوق ها و تعارض ها: نظریه مشوق ها و تعارض ها به طور ویژه به تغییر نگرش مربوط می شود. این چارچوب نظری موقعیت نگرش را بر حسب یک تعارض گرایش - اجتنابی (Approach-Avoidance) در نظر می گیرد. فرد دلایل معینی برای پذیرش یک موضع و دلایل دیگری برای رد کردن آن موضع و حتی کسب موضع مخالف دارد. بر طبق الگوی مشوق، نیرومندی نسبی مشوق ها، نگرش فرد را تعیین می کنند. اگر نگرش کسب شده اولیه منفی باشد، نگرش جدید تنها هنگامی مثبت خواهد بود که اتخاذ موضع جدید در بر دارنده مشوق بیشتری باشد. این الگو از آن جهت مشابه الگوی شرطی شدن و تقویت است که در این الگو نیز نگرش ها کم و بیش به وسیله مجموع عناصر مثبت و منفی تعیین می شوند. تفاوت این دو در اینجاست که الگوی مشوق تأکید خود را بر آنچه فرد با اتخاذ یک موضع خاص به دست می آورد یا از دست می دهد، متمرکز کرده است (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۵۰).

ب - الگوهای شناختی تغییر نگرش

در این الگو انسان به عنوان موجودی دارای شناخت در نظر گرفته می شود که بعد از دستیابی به اطلاعات آنها را ارزیابی، تجزیه و تحلیل و تفسیر می کند. در این راستا در این فرایند نقش تفکر، حافظه، بینش و عواملی از این قبیل اساسی و مهم است. پس پذیرش یک نگرش و تغییر آن طبق الگوی شناختی تغییر نگرش آگاهانه و ارادی است. نظریه های عمده در این الگو عبارتند از: ۱- نظریه های تعادل ۲- توافق ۳- قضاوت اجتماعی ۴- همسازی شناختی.

۱- نظریه تعادل: طبق نظریه تعادل (Balance Theory) ما تمایل داریم ادراک ها، باورها و نگرش های خود را هماهنگ نگهداریم (هایدو، ۱۹۵۸). وقتی اشخاص مورد علاقه ما، نگرش های ما را نشان می دهند، تعادل برقرار می شوند و همه چیز بخوبی پیش می رود (راتوس، ۱۳۸۳: ۱۷۹). در واقع دیدگاه تعادل، این نکته را روشن می کند که در یک موقعیت مفروض راه های مختلفی برای حل یک ناهماهنگی وجود دارد. بدین ترتیب، توجه ما را به یکی از مهمترین جنبه های تغییر نگرش جلب می کند. به عبارت دیگر، عواملی را که تعیین می کنند کدام یک از شیوه های مختلف حل مشکل اتخاذ می شوند، برای ما مشخص می کند.

۲- نظریه توافق: دیدگاه توافق (Congruity Theory) به وسیله آزگود و تانن بوم (Tannenbaum ۱۹۵۵) عرضه شده است. این دیدگاه که با موقعیت های ساده تر از دیدگاه تعادل سروکار دارد، تقریباً به طور کامل توجه خود را به اثری که یک فرد با موضعی مثبت یا منفی نسبت به یک شی یا شخص دارد، متمرکز کرده است. و این شاید ساده ترین موقعیت تغییر نگرش باشد.

طبق پیش بینی این دیدگاه، چگونگی ارزشیابی یک فرد از فردی دیگر، ارزشیابی ما را از هر دو آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. بدین ترتیب که نخست، برای رسیدن به توافق، ارزشیابی ما را از آن دو شخص باید به مقداری برابر با مقدار مورد اختلاف بین آنها تغییر یابد، به طوری که ارزشیابی نهایی ما بستگی به اختلاف اولیه ارزشیابی ما از آنها دارد.

کاربرد اصلی دیدگاه توافق در پیش بینی موثر بودن یک فرد در ایجاد تغییر در نگرش ها و کارایی او در این مورد است. با وجود این، نباید فراموش کرد تغییر در ارزشیابی ما از فرد تغییر دهنده نیز ایجاد می شود، و دیدگاه در چنین موقعیتی نیز کاربرد دارد. در نهایت اینکه دیدگاه تعادل، موضوع ها را مثبت و یا منفی تلقی می کنند؛ اما دیدگاه توافق، این واقعیت را نیز که شدت و نیرومندی ارزشیابی ها یک عامل مهم در موقعیت های تغییر نگرش است، مد نظر قرار می دهد.

۲- نظریه همسازی شناختی: عمده ترین نظریه مهم از این گروه، نظریه ناهماهنگی شناختی (Cognitive Dissonance Theory) است که نخستین بار توسط «لئون فستینگر» (Leon Festinger) در (۱۹۵۷) عنوان شد. طبق نظریه ناهماهنگی شناختی، انسان ها ناهماهنگی را دوست ندارند. انسان ها دوست ندارند فکر کنند که نگرش ها یا افکار شان متضاد است. آگاهی از این که دو اندیشه انسجام ندارد کافی است که ما را در جهت کاهش ناهماهنگی سوق دهد ناهماهنگی شناختی حالت ناخوشایندی است (فازیو و کوپر: ۱۹۸۳) که با برانگیختگی بالا همراه است (کرویل و کوپر، ۱۹۸۳).

بنابراین یکی از انگیزه ها برای از بین بردن ناهماهنگی شناختی می تواند این باشد که برانگیختگی خود را به سطح مطلوبی کاهش دهیم (راتوس، ۱۳۸۲: ۱۸۰). «وقتی که شخصی دارای دو شناخت همزمان باشد که با یکدیگر متناقض باشند، می گویند که او دارای ناهماهنگی شناختی است. شناخت ها شامل؛ افکار، نگرش ها، باورها و حتی رفتارهایی است که شخص از آنها آگاه است» (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۵۸). یک فرض بنیادی نظریه ناهمسازی شناختی این است که ناهمسازی ناراحتی آفرین و ایجاد کننده تنش است و این حالت شخص را به کاهش دادن یا برطرف کردن ناهمسازی بر می انگیزد. اینکه این حالت تا چه حد ناراحت کننده است؟ یا میزان ناهمسازی چقدر است؟ به دو عامل بستگی دارد:

۱- نسبت شناخت های ناهماهنگ به شناخت های هماهنگ

۲- اهمیت هر یک از شناخت ها برای شخص

بنابراین سؤال اینجاست که ناهمسازی چگونه کاهش می یابد؟

۱- یک راه آن است که تعداد یا اهمیت عناصر ناهم ساز را کم کنیم.

۲- راه دیگر این است که تعداد یا اهمیت شناخت های هم ساز خود را افزایش دهیم.

۳- این است که یکی از عناصر ناهم ساز را به نحوی تغییر دهیم که با شناخت های دیگرمان هم ساز شود.

غالباً این تغییر متضمن تغییر نگرش فرد است به طوری که نگرش با رفتاری که قبلاً انجام گرفته، هماهنگ شود (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۵۸).

بر اساس این الگو، ما نه فقط از نگرش های خود آگاهیم، بلکه مهمتر از آن، می خواهیم که بین جنبه های مختلف این نگرش ها، هماهنگی وجود داشته باشد؛ و در صورت عدم هماهنگی که تجربه ای آزار دهنده است الزاماً نگرش خود را تغییر می دهیم. هماهنگی شناختی لزوماً از مقررات و قوانین منطبق صورتی تبعیت نمی کند بلکه بیشتر تابع منطق روانی است (مهرآرا، ۱۳۷۳: ۳-۲۴۲).

مقاومت واکنشی: نظریه تهدید و آزادی

جک برم تز دکتری خود را زیر نظر لئون فستینگر و به عنوان اولین پژوهش تجربی در خصوص ناسازگاری شناختی نوشت و منتشر کرد. اما آنچه منجر به شهرت او شد نه تز دکتری اش، بلکه تبعات بعدی او در خصوص وجه مشخصی از ناسازگاری شناختی بود: واکنش در برابر تهدید و کنترل یا واکنش در برابر تهدید آزادی فرد. اولین نوشته او در خصوص مقاومت واکنشی، مقاله ای در نشریه *Journal of Personality and Social Psychology* بود که نه تنها نظریه مقاومت واکنشی را در آن معرفی کرد، بلکه به عنوان تنها پژوهش تجربی در تاریخ مجله ثبت شد که هیچ منبع و مآخذی ندارد (Brehm, 2001). نظریه مقاومت واکنشی سعی در توضیح واکنش افراد نسبت به تهدید قابل درک یا واقعی نسبت به از دست دادن آزادی(های) آنها دارد. برم مفهوم آزادی را «به عنوان باوری مبنی بر اینکه فرد می تواند دست به یک رفتار خاص بزند» تعریف کرده است (Brehm & Brehm, 1981). چنانچه گفته شد این نظریه برگرفته از نظریه ناسازگاری شناختی است اما به شیوه ای دیگر. به عقیده برم زمانی که فرد با تهدید ادراک شده یا واقعی در خصوص آزادی خود مواجه شود، دچار یک واکنش میشود که هدف از آن بازیابی آزادی است.

از نگاه برم به طور کلی، هر رخداد یا پدیده ای که دشواری ادراک شده برای رسیدن یا نرسیدن به یک نتیجه بالقوه را افزایش دهد، تهدیدی است بر اعمال آزادی فرد و این امر منجر به یک مقاومت واکنشی یا Reactance خواهد شد که هدف از آن بازیابی کنترل و آزادی رفتار برای فرد است. نظریه مقاومت واکنشی چند اصل کلی دارد که برم آنها را بیان کرده است.

اولین اصل این است که مقاومت واکنشی تنها تا اندازه ای در فرد برانگیخته میشود که فرد باور داشته باشد که بر تعیین یک نتیجه مشخص کنترل یا آزادی دارد. اصل دوم مربوط به درجه اهمیت آزادی ای است که مورد تهدید واقع شده. هرچقدر اهمیت آزادی مورد تهدید بیشتر باشد، میزان واکنش نیز بیشتر خواهد بود. اصل سوم به تعداد آزادی های تهدید شده باز میگردد. هرچقدر ادراک فرد به او بگوید که تعداد آزادی های بیشتری را به سبب یک تهدید از دست خواهد داد، واکنش وی بیشتر خواهد بود. آخرین و چهارمین اصل در این نظریه این است که تهدید به آزادی میتواند ضمنی باشد. یعنی ممکن است فرد مستقیماً تهدید به آزادی را درک نکند اما ادراک او از تهدید به گونه ای باشد که آن را مستقیماً (در حال یا آینده) معطوف به آزادی های خود ببیند (Brehm & Brehm, 1981).

۴- نظریه قضاوت اجتماعی: مظفر شریف (۱۹۳۵) واضح اصلی نظریه «قضاوت اجتماعی» بوده است. شریف و همکارانش (۱۹۶۵ و ۱۹۶۱) به این نکته علاقه بودند که چگونه یک قضاوت سخت تاثیر زمینه خود قرار می گیرد. وی اصول بنیادی فیزیک روانی (Psychophysics) را مورد استفاده قرار داد تا نظریه قضاوت اجتماعی خود درباره تغییر نگرش را بر آنها بنا کند. سپس این اصول به فرایندهای نگرش ربط داده شدند.

«فرض بنیادی نظریه قضاوت اجتماعی این است که قضاوت شامل تمیز و مقوله بندی محرک هاست، اعم از اینکه محرک ها ختشی یا دارای ماهیت نگرش باشند. تمیز و مقوله بندی، چار چوب ارجاع درونی یا معیار قضاوت باشد. شکل گیری و کاربرد چنین معیارهایی بستگی به دامنه تجربه هایی دارد که شخص درباره جهان محرک ها، اثرات معیار درجه درگیری شخص با موضوع، مقوله های خود شخص (گستره پذیرش، طرد و عدم التزام)، و اثرات جذب و تضاد داشته است. نظریه قضاوت اجتماعی شامل مجموعه ای از فرضیه ها یا قضایای مربوط به هم معطوف به اثرات این متغیرها بر قضاوت روی رویدادهای اجتماعی است (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۶۸).

در بحث از رابطه قضاوت اجتماعی و تغییر نگرش، شریف و هاوولند (۱۹۶۱) اشاره می کنند که مطالعات مربوط به اثرات پیام های ترغیب کننده مثلاً «رمرز» (Remmers, 1983) تغییرات مثبتی را در نمرات نگرشی پس از ارائه یک پیام ترغیب کننده گزارش داد، در حالی که «مانسک» (manske, 1937) و «راسل» (Russell) و «رابرتسون» (Robertson, 1947) تغییراتی را در خلاف جهت پیام ترغیب کننده، پیدا کردند. گزارش شده است که هم تغییر مثبت و هم تغییر منفی، تابعی از موضع اولیه آزمودنی ها بوده است (ویلک، ۱۹۳۴؛ نوور، ۱۹۳۵). شریف و هاوولند معتقدند که این اثرات متضاد به علت میزان اختلاف بین موضع خود شخص و موضع مورد دفاع پیام ترغیب کننده، بوده است. وقتی اختلاف کم باشد، پیام جذب می شود. و بنابراین، تغییر نگرش مثبت ایجاد می کند؛ و وقتی اختلاف زیاد است اثر تضاد روی می دهد و نگرش در جهتی دور از موضع مورد دفاع پیام ترغیب کننده تغییر پیدا می کند.

ج) الگوهای کارکردی

این الگو بر خلاف الگوهای قبلی که بیشتر روی عوامل مشترک در تغییر نگرش ها تأکید دارند، روی تفاوت های فردی در ماهیت انسان تکیه می کند. الگوی کارکردی مبتنی بر تحلیل های روانکاوی است. طرفداران این الگو معتقدند که نگرش ها به این علت در شخص پدیدارند که کارکردهای مشخصی دارند؛ اعم از اینکه کارکردها سازگارانه، ابزاری، دفاعی و یا ارزشی باشد. براساس این الگو، معمولاً مردم، نگرش هایی را حفظ می کنند که در خدمت کارکردهای آنها باشند. پس اول باید کارکردهای هر فرد را شناخت و تغییر داد تا نگرش های او تغییر کنند (مهر آرا، ۱۳۷۳: ۲۴۳).

«الگوهای کارکردی بر راه هایی که بر طبق آنها نگرش های فرد بر مبنای مفروضات و نیازهای متفاوت شکل می گیرند، تأکید می ورزند. این الگوها تاحدودی تجزیه و تحلیل خود را از نیازها بر مفروضات الگوی روانکاوی قرار داده اند و به جستجوی انگیزه های زیر بنایی بر آمده اند که ممکن است نگرش های سطحی تر را تبیین کنند (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۷۴).

قضیه بنیادی یک الگوی کارکردی تغییر نگرش، ساده است. مردم نگرش هایی را حفظ می کنند که با نیازهای آنان جور در می آید. برای تغییر دادن آن نگرش ها ما باید بدانیم که آن نیازها چه نیازهایی هستند. اعتقاد الگوی کارکردی این است که یک محرک (مثلاً، یک آگهی تجارتي تلویزیون، یک اطلاع تازه یا یک تماس بین نژادی) تنها می تواند در زمینه نیازها و شخصیت طرف محرک قابل درک باشد. افراد مختلف ممکن است نیازهای کاملاً متفاوت داشته باشند، و در نتیجه یک پیام ترغیب کننده یکسان ممکن است برای همه به یک اندازه متقاعد کننده نباشد. دو الگو کارکردی تقریباً مشابه، یکی به وسیله «کاتز» (Kats) (۱۹۶۰) و دیگری به وسیله «اسمیت» (smith) و همکاران (۱۹۵۶) وضع شده است. هر یک از دو الگو فهرستی از کارکردهایی را که نگرش ها در خدمت آنها هستند، فراهم کرده اند. اظهار نظرهای این الگو را می توان به صورت زیر عرضه کرد:

نخست، نگرش ها ممکن است کارکردی ابزاری (Instrumental)، سازگار کننده (Adjustive) یا سود بخش (profitable) داشته باشد. دوم اینکه، نگرش ها ممکن است دارای کارکرد دفاع از خود (Ego-defensive) یا برونی کردن (Externalizing) باشند. سوم اینکه، نگرش ها ممکن است دارای کارکرد دانشی (Knowledge) باشند. به این کارکرد ارزیابی موضوع (Object appraisal) نیز می گویند.

چهارمین، کارکرد نگرش‌ها ابراز ارزش‌هاست (Value expression). بر طبق گفته کاتز مردم از ابراز وجود به وسیله نگرش‌های خود رضایت خاطر کسب می‌کنند. علاوه بر این، ابراز ارزش‌ها می‌تواند به مردم در شکل دادن خود انگاره آنها کمک کند. به عبارت دیگر، به نظر آنها این کارکرد چهارم نگرش‌ها در خدمت کارکرد خاص یا ارضای نیازی واقعی نیست، بلکه صرفاً بازتابی است از جنبه‌های کلی‌تر شخصیت فرد. در مجموع الگوی کارکردی بیشتر برای کسانی جذابیت دارد که معتقد باشند تغییر نگرش تابعی است از هر دوی پیام و دریافت‌کننده پیام. این الگو بیش از الگوهای دیگر به تفاوت‌های فردی در متقاعدسازی اهمیت می‌دهد. مشکل اصلی این الگو نبودن مقیاس دقیقی برای اندازه‌گیری نیازهاست. تا زمانی که چنین مقیاس‌هایی تهیه نشده است، الگوی کارکردی بیشتر باید از جهت نظری مورد توجه قرار دارد تا تجربی.

مفهوم رفتار و ابعاد آن

در بحث از نظریات مرتبط با رفتار و کنش، دو دیدگاه کلی را می‌توان از یکدیگر مجزا نمود؛ یکی نظریه رفتارگرایی و دیگری نظریه کنش است. «پارسونز اشتیاق داشت که نظریه کنش را از رفتارگرایی متمایز سازد. در واقع، او برای آن اصطلاح کنش را برگزید که دلالتی متفاوت از اصطلاح رفتار دارد. رفتار، دلالت بر واکنش مکانیکی در برابر محرک‌ها دارد، حال آنکه اصطلاح کنش بر یک فراگرد فعالانه، خلاقانه و «ذهنی» دلالت می‌کند. پارسونز بر آن می‌کوشید تا نظریه کنش را از رفتارگرایی جدا سازد: «نظریه‌ای مانند رفتارگرایی، که انسان‌ها را بدون توجه به جنبه ذهنی‌شان در نظر می‌گیرد، نمی‌تواند کنش قلمداد شود» (ریتزر، ۱۳۷۳: ۵۳۰).

رفتارگرایی در علوم اجتماعی و بویژه روان‌شناسی، تاریخی طولانی دارد. اما سابقه رفتارگرایی نوین در همه رشته‌های علوم اجتماعی و بویژه در جامعه‌شناسی، را باید در کار بی. اف. اسکینر جستجو کرد.

به عقیده اسکینر، این فکر که انسان‌ها هسته‌ای درونی و خودمختار دارند، از آن نوع مواضع رمزآمیز و مابعدطبیعی است که باید از علوم اجتماعی حذف گردد. رفتار و نیز شرایط شکل‌گیری رفتار که اساساً چیزی جز رفتارهای دیگر نیست، موضوع بررسی اصلی اسکینر به شمار می‌آید. او بر این باور بود که ما نباید بر مفاهیمی چون «احساس‌ها» تأکید ورزیم، بلکه باید رفتار و احتمالات وقوع رفتار را موضوع بررسی (و نظارت) خود قرار دهیم (ریتزر، ۱۳۷۳: ۴۰۶).

اسکینر و رفتارگرایان اجتماعی عموماً به بررسی رابطه میان افراد و محیط شان علاقمندند (مولم، ۱۹۸۱). به نظر آنها محیط از انواع پدیده های اجتماعی و غیر اجتماعی ساخته شده است. رفتار گرایان اجتماعی استدلال می کنند که اصول حاکم بر رابطه میان یک فرد و پدیده اجتماعی اصولی است که بر رابطه میان یک فرد و یک پدیده غیر اجتماعی حاکم است. بدین سان، آنها بر «رابطه کارکردی» میان رفتار و دگرگونی های محیط کنشگر، تأکید می ورزند (ریتزر، ۱۳۷۳: ۴۰۷).

«دان بوشل و رابرت برجس» موضوع بررسی رفتارگرایان را این چنین مشخص کرده اند: «رفتار افراد در محیط که به چنان شیوه ای در محیط عملکرد دارد که نوعی تغییر یا پیامد در آن ایجاد می کند و این تغییر به نوبه خود در اجراهای بعدی آن رفتار تعدیل به بار می آورد» (۱۹۶۹: ۲۷ به نقل از ریتزر، ۱۳۹۵). پس به رابطه میان تاثیر رفتار کنشگر بر محیط و تاثیر این رفتار بر رفتار بعدی کنشگر، سروکار دارد. این رابطه در جریان شرطی شدن رفتار عامل، یا آن فراگرد یادگیری که از طریق آن «رفتارها با پیامدهایشان تعدیل می شود» نقش اساسی دارد. در مقابل پارسونز در بحث از واحد کنشی، این پدیده را بر حسب چهار عنصر سازنده مشخص می کند: نخست آنکه، این واحد بوجود یک کنشگر نیاز دارد؛ دوم آنکه، واحد کنشی مستلزم هدف یا وضعیتی آتی است که کنشگر نسبت به آن جهت گیری می کنند؛ سوم آنکه، این کنش در موقعیتی انجام می گیرد که مستلزم دو عنصر است: چیزهایی که کنشگر می تواند بر آنها نظارت داشته باشد (وسایل)؛ چهارم اینکه، هنجارها و ارزش ها در جهت تعیین گزینش وسایل دستیابی به هدف ها نقش بازی می کنند (پارسونز، ۱۹۳۷).

پارسونز می گوید که «کنش چیزی جز کوشش در جهت تطبیق با هنجارها نیست». در همین پدیده واحد کنشی، علایق تلفیق دهنده ای را می بینیم که بر پارسونز در سراسر زندگی اش چیرگی دارند. هر چند که او کارش را با علاقه به کنشگران و کنش هایش آغاز می کند، اما در ضمن علاقه به آگاهی را به عنوان گزینش ارادی وسایل دستیابی به هدف ها، نیز نشان می دهد. ولی این گزینش آزادانه نیست، که خود همین واقعیت، علاقه پارسونز را به آن ساختاری های اجتماعی نشان می دهد که محدودیت هایی را بر کنش تحمیل می کنند. پدیده های فرهنگی همچون هنجارها و ارزش ها، در اینجا نیز مانند سراسر کارهای پارسونز نقش اساسی ایفاء می کنند (ریتزر، ۱۳۹۵: ۵۳۰).

نظریه های رفتار

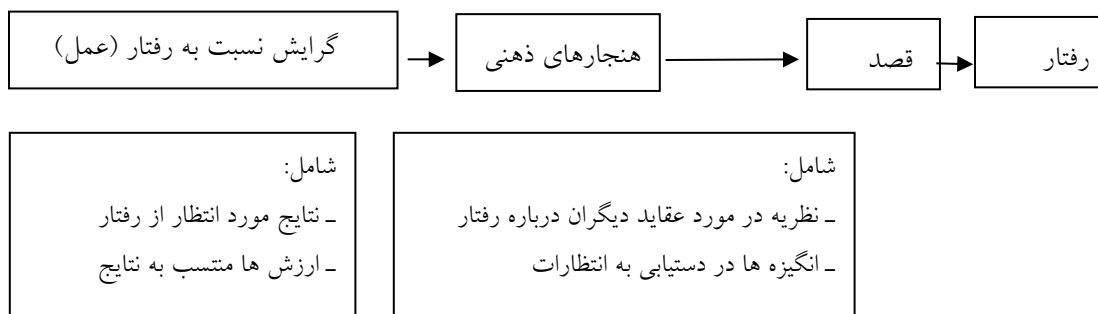
یکی از مهمترین نظریات در زمینه تحلیل نگرش (Attitude)، نظریه کنش منطقی ایزاک آیزن و مارتین فیش باین است. این نظریه پردازان به دنبال یافتن یک تئوری برای تبیین رفتار به نقش گرایش اشاره می کنند.

۱- نظریه عمل بخردانه: تئوری عمل منطقی در سال ۱۹۷۵ توسط آجزن و فیشباین ابداع شد و در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱ توسط آیزن توسعه داده شد و تئوری رفتار برنامه ریزی شده نام گرفت (Ajzen,2005:117). نظریه عمل منطقی یک الگوی شناختی- اجتماعی ارزش است و فرض مهم این تئوری این است که افراد در تصمیم-گیری ها و انجام رفتارها منطقی هستند و این نظریه در شرایطی کاربرد دارد که کنترل ارادی قابل توجهی بر رفتار وجود داشته باشد. به طور کلی در تئوری عمل منطقی قبل از ایجاد فوری رفتار به قصد یا تصمیم رفتاری فرد توجه شده است و بر طبق این نظریه مهمترین تعیین کننده رفتار، قصد رفتاری است که این قصد نیز خود تابعی از دو عامل نگرش نسبت به رفتار و هنجارهای ذهنی وابسته به رفتار است (والرند و دیگران، ۱۹۹۲: ۹۹-۹۸).

«آیزن» و همکارش پاره ای از مطالعات خود را در قالب «تئوری عمل بخردانه» (Reasoned action) عرضه کردند. اصطلاح عمل بخردانه به این معنی است که اکثر رفتارها به این دلیل انجام می شود که مردم به نتایج اعمال خود فکر می کنند و برای حصول پاره ای نتایج و پرهیز از برخی دیگر است به انتخاب منطقی می زند (Deaux,19967 به نقل از محسنی، ۱۳۷۹:۳۱).

تئوری آنها از دو عنصر اصلی تشکیل شده است؛ بخش شخصی و بخش اجتماعی، که ترکیب آنها پیش بینی کننده یک قصد رفتاری است، قصدی که در نهایت مشخص کننده رفتار است.

مدل ۱: نظریه عمل بخردانه



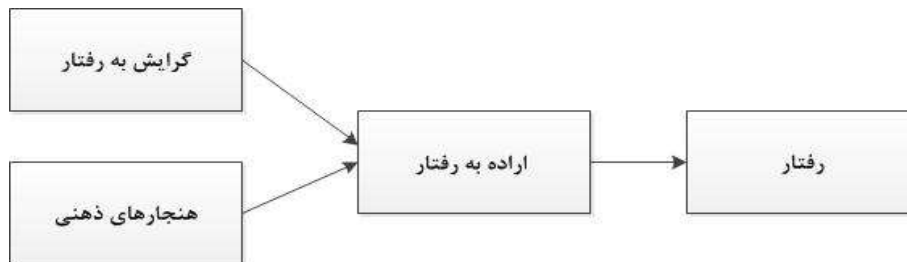
عنصر اصلی این الگو، یعنی «عمل» شامل؛ سنجش نگرش شخص در زمینه بروز رفتار معینی است؛ و این نگرش حاصل دو عامل است: اعتقاد شخص در زمینه نتایج آن رفتار مشخص، و ارزیابی او از نتایج ممکن آن رفتار. هر یک از این دو عامل در میان افراد متفاوت است.

عنصر دوم نظریه مذکور، یعنی هنجارهای ذهنی، حاوی عنصر اجتماعی است؛ یعنی اعتقادات در دستیابی به آن انتظارات. این دو عامل یعنی عمل و هنجارهای ذهنی با یکدیگر ترکیب می شوند و قصد شخص را به انجام رفتار مشخص تعیین می کنند، که آنرا «قصد رفتاری» نامیده اند. نظریه رفتار بخردانه بر این نظر است که قصدهای رفتاری تاثیر مستقیمی بر رفتار دارند (محسنی، ۱۳۷۹: ۲-۳۱).

نظریه آنها این است که رفتار در حالتی بیشتر قابل پیش بینی (و قابل درک) خواهد بود که ما به «قصد» شخص به رفتار در شرایط خاصی توجه کنیم و فقط نگرش های او را نسبت به آن رفتار مورد توجه قرار ندهیم. آنان نشان می دهند که «قصدها» به «نگرش ها» و «هنجارها» ی مرتبط با رفتار متکی است. هنجارها در حکم قواعد رفتار یا شیوه های خاص مورد پذیرش قرار گرفته است. بنابراین هنجارها به وجود آورنده گونه هایی از فشارهای اجتماعی هستند که می توانند سبب یا مانع بروز رفتار خاصی باشند.

بطور کلی تصمیمات پیش بینی کننده های خوبی برای رفتارهای مختلف هستند اگرچه این درست است که تصمیمات اغلب رفتار واقعی را به درستی پیش بینی می کند اما اطلاعات زیادی در مورد دلایل رفتار نمی-تواند فراهم کند از طرف دیگر تایید کردن اینکه رفتار مورد بحث تا حدی تحت کنترل ارادی است و یا کشف این نکته که مردم آنچه را انجام می دهند که تمایل به آن دارند، خیلی روشنگرانه و جالب نیست تئوری عمل منطقی فیشباین و آجزن برای چنین فرض و هدفی طراحی شده بود بنابراین تئوری رفتار برنامه ریزی شده یک مدل بسط یافته تر از این مدل است که احتمال کنترل ارادی ناقص را به وسیله ای ملحق شدن یک سازه ی اضافی «کنترل رفتاری درک شده» نشان می دهد (Ajzen, 2005)

در متغیر اول یا گرایش به رفتار یک ارزیابی شخصی توسط فرد از کیفیت و نتایج عمل و رفتار خود صورت می گیرد. متغیر گرایش خود با دو شاخص ارزیابی می شود: ۱. انتظار فایده به این معنا که فرد چه میزان فایده را از یک رفتار و پدیده انتظار دارد. ۲. ارزیابی فایده که به معنای ارزیابی فرد از اینکه آیا رفتار یا پدیده مورد نظر برای او فایده ای دارد یا نه. متغیر دوم یا هنجارهای ذهنی بازتاب دهنده فشار اجتماعی بر فرد در راستای انجام یک رفتار است. گروههای مرجعی همچون خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران و غیره می توانند در جهت دهی به فرد و فشار بر او برای انجام یک رفتار خاص موثر باشند. این متغیر نیز با دو شاخص مورد سنجش قرار می گیرد: ۱. انتظار اینکه رفتار مورد نظر از سوی دیگران مهم (Significant others) چگونه ارزیابی می شود. ۲. انگیزه افراد برای پیروی از انتظارات دیگران بدین معنی که آیا اساساً نظر دیگران مهم و گروه های مرجع برای فرد مهم است و اینکه دیگران در مورد او چه می گویند یا نه. الگوی قصدهای رفتاری نشان می دهد که گرایشها و هنجارها هر دو تحت تاثیر عقاید فرد درباره رفتارهای خاص هستند (Ajzen, 1988). آیزن و فیش باین مطالعات خود در این خصوص را در قالب نظریه کنش عقلانی (Reasoned action) عرضه کرده اند. نظریه کنش عقلانی این مسئله را مطرح می کند که اراده به رفتار یا قصدهای رفتاری بر انجام رفتار تاثیر مستقیم دارند. اما عوامل دیگری همچون تجارب گذشته و شرایط فرد نیز بر رفتارهای او موثرند.



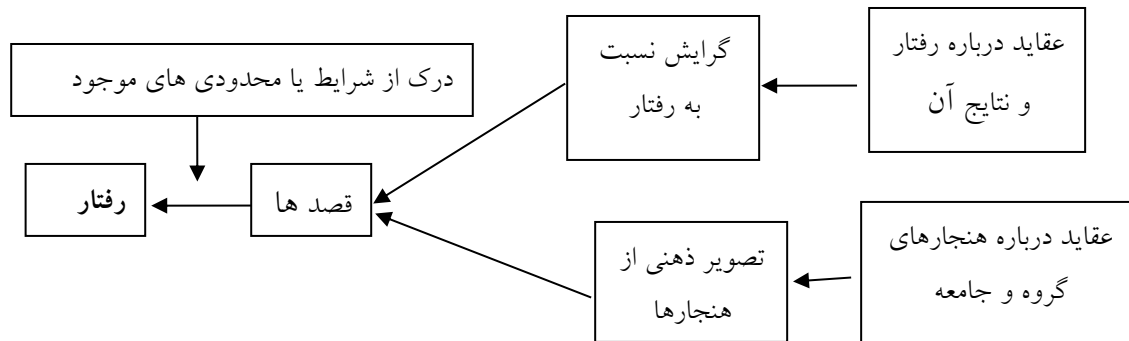
مدل ۲: مدل کلی نظریه کنش عقلانی آیزن و فیش باین

در واقع تئوری رفتار برنامه ریزی شده نیز بر مبنای این فرض است که انسان ها معمولاً به شیوه معقول رفتار می کنند به گونه ای که آنها با استفاده از اطلاعات در دسترس شان ، به طور ضمنی و یا صریح به پیامدهای اعمالشان می پردازند بنابراین تصمیمات افراد برای انجام رفتار، مهمترین تعیین کننده بلافصل آن عمل است. بر طبق این تئوری تصمیمات افراد تابعی از سه تعیین کننده: ماهیت و ویژگی های شخصی، انعکاس نفوذ اجتماعی و مباحث مربوط به کنترل است. عوامل شخصی، نگرش افراد نسبت به رفتار است برخلاف نگرش های کلی نسبت به نهادها، مردم یا اشیاء که به طور معمول به وسیله روانشناسان مورد مطالعه قرار گرفته اند این نگرش، ارزیابی مثبت یا منفی فرد انجام دهنده از رفتارهای مورد نظر است. دومین تعیین کننده ی تصمیم، درک فرد از فشار اجتماعی نسبت به انجام دادن یا عدم انجام رفتار ذکر شده است به دلیل آنکه این عامل مرتبط با دستورات هنجاری درک شده است، هنجار ذهنی نامیده می شود و بالاخره سومین تعیین کننده، احساس خودکارآمدی یا توانایی اجرای رفتار مورد علاقه است که «کنترل رفتاری درک شده» نامیده می شود. این تئوری ارتباط مستقیمی با مقدار کنترلی که یک شخص به صورت واقعی در یک موقعیت مشخص داراست ، ندارد بلکه اثرات احتمالی کنترل رفتاری درک شده روی دستیابی به اهداف رفتاری را بررسی می کند (Ajzen,2005:118).

بعضی از محققین معتقدند که استفاده از مفهوم خودکارآمدی بهتر از متغیر کنترل رفتار درک شده به معنی درک فرد از میزان سختی یا آسانی انجام رفتار است. اگرچه درک رفتار کنترل شده شامل عوامل خارجی (زمان، فرصتها و منابع) و عوامل داخلی (توانایی ها، مهارت و فشارها) است اما محققان پیشنهاد می کنند که کنترل رفتار درک شده را تنها شامل عوامل خارجی و خودکارآمدی را دربرگیرنده عوامل داخلی بدانند زیرا قدرت پیش بینی نظریه با این سازه بیشتر می شود. خودکارآمدی عقیده فرد در مورد انجام عملکرد مورد نظر میباشد (پترسون و بردیو، ۲۰۰۴ به نقل از کشاورز و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵).

مفهوم خودکارآمدی را بندورا (۱۹۷۷) مطرح کرد که به احتمالات ذهنی کسی که توانایی انجام یک راهکار یا عمل مشخص را دارد، اشاره دارد. مطالعات متعددی، ارتباط قوی بین اعتقادات خودکارآمدی و رفتار را آشکار ساخته اند. همچنین ارتباط نزدیکی بین ایده خودکارآمدی و مفهوم کنترل رفتاری درک شده وجود دارد (آجزن، ۲۰۰۵: ۹۳). در حالی که تمایلات اصولاً میل افراد را در تلاش برای تصویب و انجام یک رفتار مشخص منعکس می کند، کنترل درک شده احتمال برخی از محدودیت های واقع گرایانه که ممکن است موجود باشد را در نظر می گیرد (Ajzen,2005:117).

مدل ۳: نظریه عمل بخردانه (کامل تر)



نظریه رفتار برنامه ریزی شده آیزن

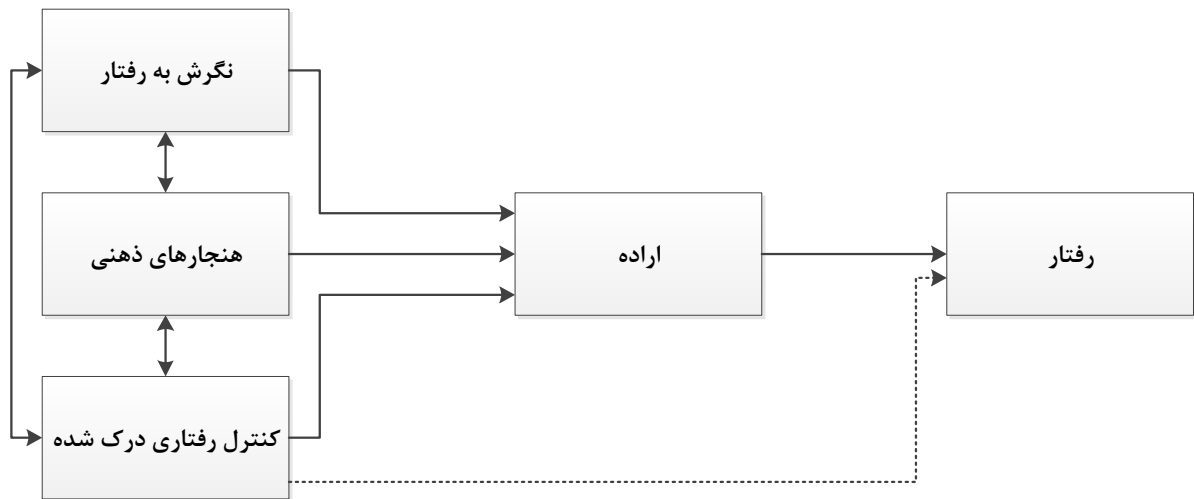
نظریه رفتار برنامه ریزی شده، مدل توسعه یافته نظریه کنش منطقی است که به دلیل محدودیت های مدل اصلی در تحلیل رفتارهای پیچیده انسانی شکل گرفته است. همچون مدل اصلی کنش منطقی، عامل اصلی در نظریه رفتار برنامه ریزی شده عبارتست از: اراده فرد برای انجام یک رفتار مفروض. اراده متأثر از عوامل انگیزاننده است که یک رفتار را تحت تاثیر قرا می دهند. اینکه افراد چقدر سخت تلاش می کنند تا کاری را انجام دهند. به عنوان یک قاعده کلی در این مدل، هر چه اراده برای انجام یک رفتار قوی تر باشد به همان نسبت احتمال انجام آن رفتار بیشتر خواهد بود. با اینکه برخی از رفتارها را می توان با این متغیرها پیش بینی و تحلیل کرد اما تبیین اکثر رفتارهای پیچیده انسانی تا حدی مبتنی بر عوامل غیر انگیزشی همچون زمان، پول، مهارت و همکاری دیگران است که در قالب میزان دسترسی به فرصت ها و منابع طبقه بندی می شوند.

در واقع، این عوامل میزان کنترل واقعی افراد بر رفتارهایشان را نشان می دهند. هر چه یک فرد منابع و فرصت های مورد نیاز بیشتری را در اختیار داشته باشد و اراده لازم برای انجام یک رفتار را داشته باشد، او در انجام آن رفتار موفق تر خواهد بود (Ajzen, 1985). این ایده که انجام یک رفتار بصورت توأمان مبتنی بر دو عامل انگیزش (اراده) و توانایی (کنترل رفتار) است، نظریه جدیدی محسوب نمی شود. این ایده مبانی لازم را برای نظریه پردازی در رابطه با موضوعات مختلف همچون آموزش حیوانات (Hull, 1943)، سطح اشتیاق (Lewin, Dembo, 1944) و ادراک فرد و نسبت دادن (Heider, 1944; Anderson, 1974).

همچنین این موضوع مطرح شده که مفهومی از کنترل رفتاری را می توان در مدل های رفتاری عمومی تر رفتار انسانی یافت، مفاهیمی در شکل عوامل تسهیل کننده (Triandis, 1977)، منابع (Liska, 1984) و کنترل کنش (Kuhl, 1985) فرضیه اصلی این است که معمولاً انگیزش و توانایی در تاثیرشان بر نتایج رفتاری دارای اثر متقابل هستند. در نظریه رفتار برنامه ریزی شده، رفتار فرد به طور کلی در نتیجه اراده وی به انجام دادن یک رفتار و عواملی همچون گرایش به رفتار، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری ادراک شده شکل می گیرد. هر چه گرایش به یک رفتار قوی تر بوده و هنجارهای ذهنی رفتاری را تقویت کنند و کنترل رفتاری ادراک شده نیز قوی تر باشد، اراده فرد به انجام آن رفتار قویتر خواهد بود (Ghani et al, 2013:1277). بنابراین، در شرایط وجود میزان کافی از کنترل واقعی بر رفتار و در شرایط وجود فرصت های کافی، مردم اراده لازم را برای انجام رفتار خواهند داشت.

تئوری رفتار برنامه ریزی شده دو ویژگی دارد: اول اینکه این تئوری فرض می کند که کنترل رفتاری درک شده دلایل انگیزشی برای تمایلات دارد. بدین صورت مردمی که بر این باورند نه منابعی و نه فرصتهایی نسبت به اجرای یک رفتار مشخص را دارند، بعید است تصمیمات رفتاری قوی برای انجام آن، اگر حتی آنها نگرش مطلوبی نسبت به آن رفتار و یا این اعتقاد که دیگران مهم نیز رفتار و عملکردشان را تایید خواهند کرد، اتخاذ کنند. بنابراین ارتباطی قوی بین کنترل رفتاری درک شده و تصمیمات که در آن نگرشها و هنجارهای ذهنی نقش میانجی ندارند، پیش بینی شده است. دومین ویژگی این تئوری امکان ارتباط مستقیم بین کنترل رفتاری درک شده و رفتار است به طوری که در بسیاری از لحظات انجام رفتار فقط وابسته به انگیزه برای انجام آن رفتار نیست؛ بلکه همچنین کنترل کافی بر روی رفتار باید در نظر گرفته شود. بنابراین به این معنی است که کنترل رفتاری درک شده می تواند در پیش بینی دستیابی به هدف مستقل از تمایلات کمک کند و تا اندازه ای با مقداری از دقت رفتار واقعی را منعکس می کند. به عبارت دیگر کنترل رفتاری درک شده هم می تواند رفتار را به صورت غیرمستقیم از طریق تصمیمات فرد و هم به صورت مستقیم تحت تاثیر قرار دهد زیرا ممکن است به عنوان یک جایگزین یا جانشین ناقص برای اندازه گیری رفتار واقعی باشد. البته در برخی موقعیتهای کنترل رفتاری درک شده یک واقع بین ویژه نیست این احتمال وقتی رخ می دهد که افراد اطلاعات کمی درباره ی رفتار داشته باشند یا اینکه شرایط و منابع در دسترس تغییر کرده باشند و اجزای ناآشنا و جدید به موقعیت وارد شده باشند تحت چنین شرایطی سنجش کنترل رفتاری درک شده ممکن است مقدار کمی به دقت پیش بینی های رفتاری اضافه کند. بنابراین با توجه به فرضیات این تئوری می توان نتیجه گرفت که رفتار هر فرد تابعی از دو عنصر «تصمیمات» و «کنترل رفتاری درک شده» است.

اهمیت کنترل رفتاری واقعی بسیار واضح است. منابع و فرصت های در دسترس یک فرد باید تا حدود زیادی نتایج رفتاری را تعیین کند. مفهوم «کنترل رفتاری ادراک شده» نقش تعیین کننده ای در نظریه رفتار برنامه ریزی شده ایفا می کند. در واقع تفاوت این نظریه با نظریه کنش منطقی در افزوده شدن همین متغیر جدید است. قبل از بررسی جایگاه این متغیر در پیش بینی اراده ها و کنش ها، تعاریف دیگری از مفهوم کنترل را با این مفهوم مقایسه می کنیم. به عنوان مثال «کنترل رفتاری ادراک شده» کاملاً با مفهوم «موقعیت ادراک شده کنترل» که توسط رتر مطرح شده، متفاوت است (Rotter, 1966). در رابطه با عوامل موثر بر انجام یک رفتار مشخص، کنترل رفتاری ادراک شده عبارتست از درک افراد نسبت به آسانی یا دشواری انجام یک رفتار دلخواه، در حالی که «موقعیت ادراک شده کنترل» مفهومی کلی است که در موقعیت های مختلف و در رابطه با اشکال مختلف کنش ثابت باقی می ماند. یک رهیافت دیگر نسبت به کنترل ادراک شده نیز توسط اتکینسون در نظریه انگیزه پیشرفت مطرح شده است (Atkinson, 1964). یکی از شاخص های مهم در این نظریه، انتظار موفقیت است که در قالب احتمال ادراک شده از موفقیت در یک کار مشخص تعریف می شود. این مفهوم بسیار شبیه به مفهوم کنترل رفتاری ادراک شده است از این نظر که در مورد یک متن رفتاری خاص سخن می گوید و یک نسخه کلی و عمومی را در مورد تمام رفتارها تجویز نمی کند. در نظریه رفتار برنامه ریزی شده سازه اعتقاد به خودکار آمدی یا کنترل رفتاری ادراک شده در چارچوب کلی تری مرکب از روابط بین عقاید، گرایش ها، اراده ها و رفتار تعریف می شود. کنترل رفتاری ادراک شده، ارزیابی فرد نسبت به توانایی وی برای انجام یک رفتار است.



مدل ۴: مدل کلی نظریه رفتار برنامه ریزی شده (TPB)

منبع: (Ajzen, 1991: 182)

برطبق این نظریه مهمترین تعیین کننده های تمایلات و رفتارها به طور منطقی از اعتقادات رفتاری، هنجاری و کنترل پیروی می کنند و یا می تواند برحسب آنها فهمیده شوند. متغیرهای متعددی ممکن است بر روی اعتقادات مردم تاثیر بگذارند. افرادی که در محیطهای اجتماعی گوناگون رشد می یابند به گونه ای واضح، اطلاعات مختلفی درباره مباحث گوناگون و یا اطلاعاتی که مبنایی برای اعتقاد درباره پیامدهای رفتارشان، انتظارات هنجاری دیگران مهم و موانعی که ممکن است از اجرای یک رفتار جلوگیری کند، فراهم می کند. بنابراین همه این عوامل می توانند اعتقادات رفتاری، هنجاری و کنترلی را تحت تاثیر قرار دهند و در نهایت بر تصمیمات و اعمال ما نفوذ کنند این عوامل، عوامل زمینه ای نام گرفته اند که به سه دسته تقسیم می شوند و هرکدام شامل چند عامل است ۱- عوامل شخصی مانند: نگرشهای کلی، ویژگیهای شخصیتی، ارزشها، عاطفه و هوش یا فهم. ۲- عوامل اجتماعی مانند: سن، جنسیت، نژاد، قومیت، تحصیلات، درآمد، مذهب ۳- عوامل اطلاعاتی مانند: تجربه، دانش، قرارگرفتن در معرض رسانه ها (Ajzen, 2005: 135).

به طور کل این تئوری فرض را بر این می گیرد زمانی که فرد انجام رفتاری را مطلوب و مثبت ارزیابی کرد و بر این باور باشد که دیگران مهم فکر می کنند که او باید این رفتار را انجام دهد و انگیزه برای اطاعت از آنان داشته باشد و نیز تصور کند که توانایی انجام رفتار را دارد و رفتار تحت کنترل وی است، آنگاه قصد انجام رفتار که تبیین کننده اصلی رفتار است در وی شکل می گیرد و هر کدام از سه سازه نگرش، هنجار و کنترل درک شده که بر قصد اثرگذارند خود نیز تحت تاثیر عقاید زیربنایی و عوامل زمینه ای هستند. در شرایطی که نگرش ها و هنجارها هر دو، در رابطه با رفتار مثبت باشند، قصد به رفتار در جهت معینی زیاد خواهد بود؛ اما در صورتی که نگرش ها و رفتارها در تضاد باشند قدرت نسبی آنها می تواند تعیین کننده مقاصد بعدی و رفتاری متعاقب آن باشد. الگوی قصد های رفتاری نشان می دهد که نگرش ها و هنجارها هر دو تحت تاثیر عقاید فرد درباره رفتارهای خاص هستند.

۳- نظریه یادگیری اجتماعی: دیدگاه جدیدی از یادگیری مورد نظر «آلبرت بندورا» Albert Bandura (۱۹۸۶ و ۱۹۷۷) و سایر روان شناسان است. این نظریه بیشترین اهمیت را به یادگیری از راه مشاهده و نقش فعالیت شناختی در رفتار انسان قایل است. نظریه پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که افراد، محیط اطراف خود را تحت تاثیر قرار می دهند و همزمان با آن، از محیط خود تاثیر می پذیرند (راتوس، ۱۳۸۲: ۴۰). آنها در این نکته با رفتارگرایان هم عقیده اند که بخش های مربوط به ماهیت انسان باید به تجربه ها و رفتارهای قابل مشاهده محدود شود. با این همه، آنها تایید می کنند که متغیرهای همراه شخص، یعنی، متغیرهای شخصی نیز، در صورتی که بخواهیم افراد را بشناسیم، به حساب می آید.

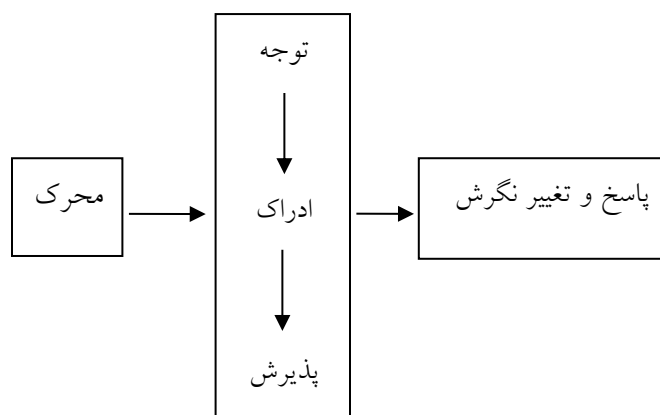
«جولیان راتر» (Julian Rotter, 1972) نظریه پرداز روان شناسی اجتماعی، معتقد است که ما نمی توانیم رفتار را، تنها با تکیه بر متغیرهای موقعیتی، پیش بینی کنیم. شیوه رفتار یک شخص به انتظارات او در مورد نتایج رفتار و ارزش های ذهنی یا ادراک از این نتایج نیز بستگی دارد. انتظاراتی تعمیم یافته، انتظاراتی هستند که یادگیری عمیق و نسبتاً پایداری منعکس می کنند. انسجام و ثبات این انتظارات، آنها را با صفات در نظریه یادگیری اجتماعی معادل می سازد.

در مجموع نظریه پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که رفتار، از تعامل سیال و پیوسته بین متغیرهای شخصی و متغیرهای موقعیتی به وجود می آید. در میان متغیرهای شخصی می توان به صلاحیت ها، راهبردهای کدگذاری، انتظارات، ارزش های ذهنی، نظام ها و طرح های خود تنظیمی اشاره کرد (میشل، ۱۹۸۶: ۳۱۲-۳۰۸).

۴- نظریه محرک - ارگانیسم - پاسخ: نظریه های معاصر محرک - پاسخی را به همین جهت به درستی نظریه های «محرک - ارگانیسم - پاسخ» (S-O-R) می خوانند؛ بدین خاطر که در این طرز تلقی موقعیت ارگانیسم به عنوان یک عامل دخالت کننده بین محرک و پاسخ به رسمیت شناخته شده است.

الگوی شرطی سازی بیشتر بر اصول یادگیری تکیه می کند. و یک نمونه آن برای تغییر نگرش، الگوی «هاولند» (HovLand) و همکاران او است که در آن تغییر نگرش از محرک آغاز و بعد به مرحله توجه، ادراک و پذیرش رسیده و بالاخره نگرش تغییر کرده است. در الگوی هاولند یک پیام که هدف آن تغییر نگرش است با پیام رسان، زمینه ای که پیام ارائه می شود و شخصیت پیام گیر در تعامل است (مهرآرا، ۱۳۷۳: ۲۴۲). به گفته آنان در یادگیری نگرش های تازه سه متغیر مهم وجود دارد: توجه (Attention)، ادراک (Comprehension) و پذیرش (Acceptance). شکل زیر چگونگی ارتباط این سه متغیر را نشان می دهد. نخستین عامل یعنی، توجه به این واقعیت اشاره دارد که همه پیام های محرک مورد توجه قرار نمی گیرند. عامل دوم یعنی، ادراک به این نکته اشاره می کند که ممکن است برخی پیام ها بسیار پیچیده تا بسیار مبهم باشند، به طوری که گیرندگان مورد نظر از آن سر در نیاورند. بالاخره در مرحله سوم، پیش از آنکه هیچ تغییر نگرشی ایجاد شود؛ ما باید تصمیم بگیریم که پیام را می پذیریم یا نه. میزان پذیرش عمدتاً بستگی به تقویت های عرضه شده دارد (کریمی، ۱۳۷۹: ۲۴۲).

مدل ۵: ارتباط سه متغیر نظریه - محرک - پاسخ



در مجموع نظریه محرک - پاسخ و تقویت پیش از همه نظریه ها به این نکته تأکید می ورزند که نگرش ها تنها وقتی تغییر می کنند که تقویت های ارائه شده برای نشان دادن رفتار تازه بیش از تقویت های موجود در پاسخ قدیمی باشد. یکی از امتیازات اصلی این نظریه، مشخص کردن عامل هایی است که ممکن است پذیرش یک پیام متقاعد کننده را تحت تاثیر قرار دهند. به همین گروه دانشگاه «پیل» چهار عنصر را که در بیشتر موقعیت های متقاعد کننده دخالت دارند، مشخص کرده اند. این عناصر عبارتند از: ۱- منبع ارائه پیام ترغیب کننده ۲- ویژگی های پیام ۳- زمینه ای که پیام در آن عرضه می شوند ۴- شخصیت دریافت کننده پیام.

۵- نظریه موقعیت - خود - کنش (E-S-A): مید در مباحث خود تحت عنوان «ذهن، خود و جامعه» رفتارگرایی را در دو جهت ذهن و جامعه بسط می دهد. منظور مید از واژه «ذهن» اساساً این است که موجود انسانی برای خودش یک «موضوع» می گردد. موجود انسانی ممکن است موضوعات متفاوتی برای خویش شود و با خویشتن کنش متقابل داشته باشد (ایرونیگ، ۱۳۷۳: ۱۷۳). ذهن را می توان به عنوان گفتگوی داخل انسان با خودش از طریق نمادهای معنادار تعریف کرد. (ریتزر، ۱۳۷۳: ۲۷۵). از سویی برای آنکه زندگی اجتماعی وجود پیدا کند لازم است که کنشگران نمادهای معنادار مشترکی داشته باشند. «خود» نیز به نظر مید انعطاف پذیری، یا توانایی واکنش نسبت به خود به سان که شخص در برابر دیگران واکنش نشان می دهد است. بدین معنا که خود، مانند ذهن، یک شناخته عینی نیست بلکه فراگرد آگاهانه ای است که ابعاد گوناگونی دارد (ریتزر، ۱۳۹۵: ۲۷۹).

در اینجا نظر کلی مید درباره مراحل اجتماعی شدن اهمیت دارد، زیرا آدم ها برای حصول خود، علاوه بر زبان به یادگیری چیزهای دیگری نیز نیاز دارند. جامعه از نظر مید نیز چیزی بیشتر از یک سازمان اجتماعی نیست که ذهن و خود در بطن آن پدید می آیند. او همچنین جامعه را بیشتر به عنوان الگوهای کنش متقابل در نظر می گیرد.

در واقع مید با طرح ذهن و خود در صدد این است که در مقابل نگاه کلاسیک محرک - پاسخ این نظریه را تثبیت و تشریح کند که کنش، محصول رابطه مستقیم و مکانیکی نیست بلکه برخاسته از تفسیر و تحلیل و نیز گفتگوی فرد با خود است. پس قوه تحلیل فرد است که با برداشت از موقعیت و شرایط محیطی آن را به کنش وا می‌دارد. بعد از مید، بلومر به بسط تبیین کنش می‌پردازد. داشتن «خود» نوع رابطه موجود زنده با محیط اطرافش را دگرگون می‌سازد. محیط از نظر مید یک ساختمان متشکله جدای از موجود زنده و مستقل از او نیست. لذا بلومر به جای واژه «محیط» از اصطلاح «موقعیت» استفاده می‌کند. نتیجه دیگر داشتن خود فراهم ساختن توانایی «تجربه زندگی درونی» است. آدمی می‌تواند بدون آنکه دیگران بر دنیای درونی او کنترل مستقیم داشته باشند، با خود گفتگو کند. «مکالمه با خویش» ماهیت کنش را دگرگونی می‌کند و آن را از سیطره محیط خارج می‌سازد. جهان انسانی مملو از اتمسفر نمادهای زبانی و معانی است. در محیطی که آدمی زندگی می‌کند، غیر از محیط طبیعی، فضای انسانی و نمادها نیز حضور دارند که بر پیچیدگی‌های کنش می‌افزایند (تنهایی، ۱۳۷۵).

۶- نظریه فرهنگ - شخصیت - کنش (C - S - A): اجزای اصلی سازنده نظریه کنش پارسونز، نظام‌های اجتماعی، شخصیتی، فرهنگی و ارگانیسم رفتاری می‌باشد. در منظر پارسونز کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سازمان می‌یابد و هنجارها کنش فرد را در جهت هم‌نوايي سوق می‌دهد. یعنی فرد با خواست نظام انطباق می‌دهد. گرچه افراد از نتایج رفتار خود آگاه نیستند، ولی هدف و غایت دارند؛ یعنی عقلانی بودن. در مجموع فرد بطور ارادی و داوطلبانه کنش خود را در یک قالب اجتماعی انجام می‌دهد.

این کنش ناشی از موقعیت و نقش اجتماعی فرد در جامعه است. «آمیزه نقش منزلت را به عنوان واحد بنیادی در بررسی نظام اجتماعی بکار برد که جنبه‌ای از یک عنصر سازنده ساختاری در نظام اجتماعی به شمار می‌آید. منزلت به یک جایگاه ساختاری در داخل نظام اجتماعی اطلاق می‌شود و نقش کاری است که کنشگر در یک چنین موقعیتی انجام می‌دهد. و سه عامل انظارات، هنجارها و تضمین‌ها عناصر تشکیل‌دهنده نقش‌ها در کنش متقابل هستند (توسلی، ۱۳۷۳).

از سویی پارسونز معتقد است نظام فرهنگی میانجی کنش متقابل میان کنشگران است و شخصیت و نظام اجتماعی را با هم ترکیب می‌کند. فرهنگ در نظام اجتماعی به صورت هنجارها و ارزش‌ها تجسم می‌یابد و در نظام شخصیتی بلکه ذهن کنشگران می‌شود (ریترز، ۱۳۹۵: ۱۳۹). از این برداشت چنین بر می‌آید که کنشگران، تحت سلطه فرهنگ به کنش وادار می‌شوند. و این نظام فرهنگی جامعه است که نظام تمایلات آن را شکل داده و مبتنی بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کند، به نحوی که آن را بازتاب ملکه ذهن شدن و اجتماعی شدن فرد می‌داند.

تعریف مفهوم ارزش و ویژگی ها آن

ارزش‌ها^۳ سرآغاز کنش ارتباطی است که افراد بر مبنای آن در مراوده اجتماعی قرار می‌گیرند. هویت می‌یابند و احساس تعلق نسبت به گروه و جامعه پیدا می‌کنند. ارزش‌ها به مثابه چراغ راه می‌ماند که مسیر کنش کنش‌گران را تعیین می‌نماید. ارزش‌ها نقش انسجام بخش در جامعه را دارد و مایه استقرار نظم و امنیت اجتماعی می‌شود. ارزش‌ها مانند اندیشه‌ها و قواعد، فرهنگی هستند (شارون ۱۳۹۷: ۱۹۷)؛ بدین معنا که ارزش‌های افراد متأثر از ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی است که در آن زاده شده‌اند. ازین‌رو، تغییر و دگرگونی آن‌ها سبب تغییر و دگرگونی جامعه می‌شود. در واقع تمایز ارزش‌ها، جلوه‌های از تنوع و گوناگونی فرهنگ می‌باشد.

ارزش یک تصور و درک برای یک فرد یا یک گروه است، درباره مطلوبیت که بر روی انتخاب روشها، ابزار و عمل تاثیر می‌گذارد (Kluckhohn, 1967: 395). ارزش یک نوع درجه بندی، طبقه بندی و امتیازبندی پدیده‌ها است از خوب تا بد، یا از مثبت تا منفی (Morel, 1974: 19؛ sicinski, 1978: 83 به نقل رفیع پور، ۱۳۸۲: ۲۶۹).

ارزش‌ها، تصاویر ذهنی هدایت گر کنش اجتماعی است. بعضی از این تصاویر ذهنی، از نظر اجتماعی، مطلوب یا به اصطلاح خوب و بعضی دیگر به عنوان بد مشخص می‌شود. بنابراین، ارزش‌ها دربردارنده عنصری از مطلوبیت و یک جزء اخلاقی است که اشکال متفاوت رفتار بشری و اهدافی را متمایز می‌سازد که انسان‌ها برای آن اهداف و رفتارهای بهتر یا بدتر و پذیرفتنی و نپذیرفتنی تلاش می‌کنند (Haller, 2002: 143). بنابراین وظایف اصلی یک تجزیه و تحلیل جامعه شناختی از ارزش‌ها عبارت است از: اول) تعریف و عملیاتی کردن روشن و آشکار ابعاد ارزش‌های موردنظر برحسب سطح تجزیه و تحلیل و نیز از نظر ذاتی و جوهری. دوم) توسعه فرضیه‌های عینی درباره ارتباط بین آن ارزش‌ها و شرایط اجتماعی در حال تغییری که ارزش‌های مذکور در داخل آن جای گرفته‌اند (Haller, 2002).

کلوکهن به ارزش‌ها به مثابه الزامات فرهنگی ایجادکننده همبستگی و انسجام اجتماعی تأکید می‌کند. وکیچ، ارزش‌ها را به مثابه مجموعه‌ای از گزینه‌ها در دنیای پدیدارشناختی در نظر می‌گیرد که در آن افراد باید به اعمال خود معنی ببخشند. با اینکه وکیچ، ارزش‌ها را به صورت پایدار در نظر می‌گیرد، اما مکرر اشاره می‌کند که ارزش‌ها، ثبات کامل ندارد؛ البته این مقوله باید با تحقیقات تجربی آشکار گردد (مورس ولستاگ، ۱۹۹۹).

^۳ Values .

از نظر جانسون، ارزشها «الگوی اجتماعی هستند که در حد پذیرششان توسط گروهی از افراد، مبنایی برای ایجاد انتظارات مشترک و معیاری برای هدایت و تنظیم رفتار فراهم می کنند» (جانسون، ۱۳۶۳: ۳۷). از دیدگاه روکیچ (Rokeach) ارزش، عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن، یک شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی را که شخصی یا اجتماعی است به یک، شیوه رفتاری خاص یا یک حالت غایی وجود که در نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح می دهد (Feather, 1975: 3). به شفر نظر، ارزش یعنی ادراک های جمعی از آنچه که در هر فرهنگی خوب و مطلوب و سودمند و یا بد و نامطلوب و ناسودمند پنداشته می شود (Schaefer, 1983: 59). گی روشه، جامعه شناس کانادایی می نویسد: «شیوهای از بودن با عمل که یک شخص با یک جمع به عنوان آرمان می شناسد و افراد یا رفتارهایی که بدان نسبت داده می شوند مطلوب و مشخص می سازد، ارزش نام دارد» (روش، ۱۳۷۰: ۷۶). شواتز نیز بر این باور است: «ارزش را می توان به عنوان اهداف مطلوب با اهمیت های متفاوت و منبعی برای درک آرزوها و اصولی دانست که هدایت گر جوامع، نهادها و افراد میباشند» (ندیمی، ۱۳۷۷: ۴).

شواتز متأثر از روکیچ، ارزشها را همچون مفاهیم یا باورهایی تعریف می کند که: «۱. به رفتارها یا موقعیت های پایانی مطلوب منجر می شوند؛ ۲. به موقعیت های خاص برتری می بخشند؛ ۳. گزینش یا ارزیابی رفتار و حوادث را هدایت می کنند؛ ۴. به واسطه اهمیت نسبی منظم می شوند.» (محبوبی منش، ۱۳۹۴: ۴۰). در فرهنگ علوم اجتماعی آلن بیرو، در رابطه با ارزش های اجتماعی آمده است: «ارزش های اجتماعی را مدل های کلی رفتار، احکام جمعی، هنجارهای کرداری، که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه است، تشکیل می دهد» (بیرو، ۱۳۸۵). بنابراین از منظر جامعه شناسی ارزش اجتماعی، واقعیت ها و اموری را تشکیل می دهد که مطلوبیت دارند و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه اند.

اگ برن ونیم کوف عقیده دارند: «ارزش اجتماعی واقعه یا امری است که مورد اعتنای جامعه قرار دارد. ارزش اجتماعی، انگیزه گرایش های اجتماعی می شود و گرایش های اجتماعی، تمایلات کلی هستند که در فرد به وجود می آیند و ادارکات، عواطف و افعال او را در جهات معین به جریان می اندازند» (برن و کوف، ۱۹۸۸). ارزشها، نظام اولویتها و ترجیحات انسان هستند که بصورت جهت گیری مثبت یا منفی از سوی فرد، یا گروهی از افراد در مورد مسایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اعمال می گردند و کلیتی نامتنازع را تشکیل می دهند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۸۴۵).

ارزش برای عملی شدن در اجتماع نیاز به هنجارهایی دارد تا آن را تعریف کند. مثل ارزش احترام به پدر و مادر با هنجارهایی مثل دراز نکردن پا و... تعریف می‌شود. از نظر گی‌روشه ارزش‌ها، زمینه‌الگوی رفتاری هستند و می‌توان گفت بسیاری از الگوها، هنجارهای رفتاری‌اند که در شرایط خاص و مشخص زمانی و مکانی نقش راهنما را ایفا می‌کنند (روشه، ۱۳۶۸). بنابراین، با اینکه معمولاً هنجارها و ارزش‌ها را در یک قالب مفهومی قرار می‌دهند اما میان این دو مفهوم تفاوت وجود دارد. ارزش‌ها به ما کمک می‌کنند که رفتار خوب و یا بد را از هم تشخیص دهیم و حال آنکه هنجارها به ما کمک می‌کنند که با ارزش‌ها پیوند برقرار کنیم. به عبارت دیگر در حالی که هنجارها قواعد رفتار هستند، ارزش‌ها در حکم گونه‌ای از معیارهای فرهنگی به شمار می‌روند که بیانگر آن دسته از اهداف کلی هستند که در حیات اجتماعی چیزهایی خواستنی محسوب می‌شوند، ارزش‌ها ارایه‌گر مفهوم و مشروعیت نهایی برای قواعد و ضوابط رفتارهای اجتماعی هستند (محسنی، ۱۳۷۷).

در مجموع می‌توان بیان داشت که ارزش امری ذهنی است و مبتنی بر خواسته‌ها، نیازها، گرایش‌ها، فرهنگ‌ها می‌باشد؛ پس برای یک جمع مطلوب و پسندیده تلقی می‌گردد.

از سوی دیگر، محققان استدلال کرده‌اند که ارزش‌ها در تعیین اهمیت نگرش‌ها برای افراد، نقش اساسی ایفا می‌کند. تحقیقات بونینگر، کراسنیک و برنت (۱۹۹۵) قراین مهمی در این زمینه فراهم کرده است که سه عامل، در تعیین اهمیت نگرش، نقش کلیدی دارد. اول، نفع شخصی، عامل دوم نندسازی اجتماعی و عامل سوم، وابسته به ارزش بودن است. به این معنا که هر قدر یک نگرش، پیوند نزدیک تری با ارزش‌های شخصی فرد داشته باشد، اهمیت آن نگرش برای وی بیشتر خواهد بود. پس آنچه یک نگرش را برای فرد مهم رابطه آن با نیازها و ارزش‌های اساسی اجتماعی و فردی شخص است (به نقل از باستانی، ۱۳۸۷: ۳۷). از سوی دیگر، مایکل هچتر در تعریف و بیان تفاوت ارزش‌ها، نگرش‌ها یا ترجیحات، می‌نویسد: ارزش‌ها، معیارهای درونی به نسبت کلی و با دوام برای ارزیابی است. همچنین، ارزش‌ها با دیگر مفاهیم، نظیر: ترجیحات، نگرش‌ها و هنجارها متفاوت است. ترجیحات و نگرش‌ها، نگرش‌ها، نگرش‌ها از عناصر درونی به شمار می‌رود، اما برخلاف آن، هم متغیر بوده و مشمول مرور زمان می‌شود و هم، ویژه است. به جای آنکه کلی باشد. هنجارها نیز در عین حال که ارزیاب، کلی و با دوام است، اما برخلاف ارزش‌ها، نسبت به کنشگران عنصری بیرونی و نیز برای اثربخشی، نیازمند ضمانت اجرا می‌باشد (Hechter, 1992: 274). همچنین عبدالطیف عقیده دارد «تفکیک میان ارزش و گرایش، تفکیک میان ژنها و کروموزومهاست» (عبدالطیف، ۱۳۷۸: ۶۱). ارزش‌ها عمیق‌تر از گرایشات به شمار می‌روند و این ارزش‌های انسانی است که گرایش‌های وی را در موارد خاص شکل می‌دهد. رویچ نیز عقیده دارد هرگاه نزد فرد هزاران گرایش وجود داشته باشد، فقط ده‌ها هزار ارزش نزد او یافت می‌شود (Feather, 1975: 15) به نقل از توسلی، ۱۳۸۳).

اوپنهایم از رابطه دو مفهوم ارزش و گرایش در سطوح مختلف عام و خاص بحث می‌کند. بدین گونه که سطح نخست را نظرات، سطح دوم را گرایش‌ها، سطح سوم را ارزش‌ها و نگرش‌های پایه و سطح عمیق‌تر را شخصیت نامیده است (اوپنهایم، ۱۳۷۵: ۲۸).

در بحث از ارتباط نیاز و ارزش، مهمترین نظریات مربوط به نیاز در بحث روان‌شناختی اجتماعی آبراهام مزلو مطرح می‌شود. سلسله مراتب نیازهای مزلو از پایین به بالا عبارتند از: نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیک، نیاز به امنیت، نیاز به محبت و احساس تعلق، نیاز به احترام و نیاز به تحقق خود (شولتس، ۱۳۶۹: ۱۱۵). بنابراین برخی دانشمندان چون مزلو مفهوم ارزش و نیاز را هم وزن می‌دانند. برخی دانشمندان نیز ارزش و نیاز را دارای رابطه‌ای دو سویه می‌دانند. در بحث عوامل مؤثر بر زایش ارزش نیز، نیاز را یکی از عوامل عمده تحقق ارزش‌ها خواهیم یافت.

در بحث از مقایسه دو واژه باور و ارزش، می‌توان بیان داشت اعتقادات و باورها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: توصیفی، ارزشی و آمرانه. روکیج ارزش‌ها را از نوع سوم می‌داند، یعنی آمرانه و نهی‌آمیز. ارزش مترادف باور نیست. اما می‌توان باورها را ناشی از ارزش دانست و منشأ و ریشه باورها را در ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی یافت. روکیج معتقد است ارزش، باوری است که به طور نسبی ثابت می‌باشد و در محتوای آن ترجیحی شخصی یا اجتماعی وجود دارد که یکی از هدف‌های وجود یا شکلی از شکل‌های رساننده به این غایت، تحمیل می‌کند. در برابر این طرز تفکر، گروهی میان ارزش و باور، براین اساس که ارزش به خوب یا بد اشاره دارد، فرق گذاشته‌اند. در حالی که باور به حقیقت در برابر باطل اشاره دارد. ارزش مترادف باور نیست، ولی تصور آن به عنوان باور یا هدفی که فرد می‌پذیرد در پرتو قضاوتی دائمی، پسندیده یا ناپسند ممکن است (عبدالطیف، ۱۳۷۸: ۵۹-۶۱).

بنگستون (Bengston) عقیده دارد وقتی ارزش‌ها در رفتار فرد تأثیر می‌گذارد و به انتخاب جانشینی منجر می‌شود، به منزله انگیزه عمل می‌کند. برخی از متفکران نیز از جمله مک کله لند، ویلسون و فیدر در نوشته‌های خود انگیزه را به مثابه ارزش دانسته‌اند. با این وجود از آنچه که برخی دیگر اشاره نموده‌اند می‌توان به فهم تفاوت بین ارزش و انگیزه رسید. ارزش همچون انگیزه، صرفاً فشاری نیست که در جهت‌دهی رفتار به جهت خاص عمل کند، بلکه ارزش‌ها به معنای نظامی از فشارها برای جهت‌دهی رفتار، اخطار و تصورات برای تأویل این رفتار و معنا و جهت دادن به آن می‌باشند. با این حال انگیزه همان حالت آمادگی درونی است که در جهت‌دهی رفتار به سوی غایت یا هدف معینی سهیم است، اما ارزش همان تصور موجود در پشت انگیزه‌ها می‌باشد (عبداللطیف، ۱۳۷۸). بدین ترتیب سه نوع تفاوت مفهومی تمایزگذاری میان ارزش و انگیزه مشاهده می‌شود. برخی چون فیدر، مک کله لند و ویلسون ارزش و انگیزه را مترادف فرض می‌کنند؛ برخی چون محققان ایرانی ارزش‌ها را خاستگاه انگیزه‌ها برمی‌شمارند و برخی چون عبداللطیف ارزش را بنیان انگیزه و انگیزه را عامل رفتار می‌انگارند.

مدل ۱	ارزش‌ها ≈ انگیزه
مدل ۲	انگیزه → ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی
مدل ۳	رفتار → انگیزه → ارزش‌ها

مبانی نظری پژوهش

امروز مفهوم جنسیت از جمله مفاهیمی است که موجب شده نگرش و رویکردی متفاوتی نسبت بدان شکل بگیرد. این امر موجب گردیده که بسیاری از مسائل و مشکلات زنان از این منظر قابل تحلیل و تبیین باشد. اینکه تا چه اندازه تفاوت های رفتاری، ارزشی و نگرشی زنان و مردان نتیجه جنبه های زیست شناختی جنسی است تا جنبه های روانی، اجتماعی یا فرهنگی از مهمترین چالش های این حوزه است که موجب شکل دادن به رویکردها و نظریه های جنسیتی مختلفی در این حوزه گردیده است.

جامعه‌شناسان از اصطلاح «جنس» (sex) برای اشاره به آن دسته از تفاوت‌های کالبدی و فیزیولوژیک استفاده می‌کنند که بدن مرد و زن را تعریف و مشخص می‌کنند. در مقابل، «جنسیت» (gender) به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی مذکرها و مونث‌ها مربوط می‌شود. جنسیت به افکار و مفاهیمی درباره مردانگی و زنانگی مربوط می‌شود که به صورت اجتماعی ساخته می‌شوند؛ و ضرورتاً محصول مستقیم جنس زیست‌شناختی فرد نیست (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۵۶). بحث امور جنسی و جنسیت، مشابه مباحث طبیعت و تربیت است. آیا طبیعت زنان از لحاظ بیولوژیکی معین شده یا به طور اجتماعی، شکل گرفته است؟ پاسخ معمول آن است که جنسیت به شکل اجتماعی و مصنوعی ساخته شده است. حال آنکه امر جنسی امری بیولوژیکی است. همچنین نقش های معینی برای زنان مقرر است، گویی این نقشها به طور طبیعی و بیولوژیکی، متعلق به آنها بوده است (وینست، ۱۳۷۸: ۲۶۸).

بررسی های مختلف نشان می دهد که نظریه های مطرح شده در قبال تحلیل و تبیین های جنسیتی متفاوت هستند و هر کدام به شیوه خاصی آنها را مورد دسته بندی قرار داده اند. این نظریه ها به صورت زیر قابل ارائه هستند؛

نخست؛ رویکردهای جنسیتی از منظر گیبسون و شوارتز

پرینس گیبسون و شوارتز (۱۹۹۸) سه دسته نظریه در زمینه تفاوت های جنسیتی در اولویت های ارزشی می توان مطرح کرد: (۱) نظریه های ثبات تفاوت های جنسیتی: نظریه های ذات گرایی و یادگیری نقش ها، منشأ تفاوت های جنسیتی را در تکامل فردی، بیولوژی یا جامعه پذیری می داند. در این نظریه ها، فرض اصلی این است که کیفیت های جنسیتی ناشی از تفاوت های توارثی، یا اجتماعی شدن است و قابل پیش بینی، درونی شده و ثابت بوده و موجب تفکر، قضاوت، ارتباط و وجود متفاوت می شود (Deaux and Major, 1990).

این نظریه ها شامل نظریه های روان شناختی سنتی و مدرن فمینیسم فرهنگ ، فمینیسم دیدگاه، روان شناسی تکاملی و نظریه نقش ها خواهد بود. در این نظریه ها ویژگی های متفاوت مردان و زنان، توصیف می شود که همگی درباره تفاوت های جنسیتی ثابت در اولویتهای ارزشی فرضیه هایی ارائه می کنند. نظریه پردازان فمینیست، براساس دیدگاه معتقدند که روابط اجتماعی قدرت در سطحی روان شناسانه حفظ و بازتولید می شود (Hartsock, 1987)، به صورتی که تجربه های مادی زنان، درک آنان را از جهان شکل می دهد. براساس نظریه نقش اجتماعی، نقش های زن و مرد به شکل فرهنگی مشخص می شود و این نقش ها ایدئولوژی را ایجاد می کند که تعاریف جنسی را مشخص و حفظ می کند برای مثال، پارسونز و بیلز (۱۹۵۵) تفاوت های جنسیتی را به نقش های خانوادگی در خدمت کاهش رقابت و ایجاد هارمونی دنبال کردند. براساس بحث آنان، مردان نقش های ابزاری را یاد می گیرند و زنان بیشتر نقشهای بیانی و اظهاری را یاد می گیرند. به عقیده پارسونز و بیلز چنین تفاوتی در نقش ها، به دو علت، برای تعادل خانواده و جامعه مهم است: اول اینکه موجب وابستگی زنان و مردان به یکدیگر می شود، دوم اینکه نقش های مجزا و تعریف شده، ابهام و تضاد را در انتظاراتهای زناشویی و جنسیتی کاهش می دهد (پارسونز و بیلز، ۱۹۵۵: ۳۱۹-۳۱۷).

در مجموع این نظریه ها مطرح می کند که زنان، ارتباطی، بیانی و اجتماعی هستند، در حالی که مردان بیشتر خودمختار و ابزاری هستند؛ این تفاوت در جهت گیری های مردان و زنان شاید به مثابه تفاوت در اهداف فراموقعیتی آنان یعنی در اولویت ارزشی آنان بیان شود. بنابراین زنان باید به ارزش هایی بیشتر اولویت بدهند که اهداف بیانی و اجتماعی را نمایندگی می کند و مردان به ارزش هایی که اهداف ابزاری را ظهور می بخشد. چون زنان و مردان معمولاً در اجتماعی با زبان مشترک اجتماعی زندگی می کنند، مفاهیم و برجسب های ارزشی ای که برای اهدافشان کسب می کنند، معانی مشابهی دارد به نظریه تفاوت های ثابت، انتقادهای بسیاری شده است. از نظر مفهومی این نظریه ها توجهی به نابرابری های سیاسی اجتماعی بین مردان و زنان نداشته است، از سوی دیگر نیز یک کلیت غیرتاریخی از زنان ارائه کرده است (Deaux and Major, 1990).

۲) نظریه های عدم ثبات: براساس مفهوم سازی های ساختارگرایان (کنش متقابل گرایان) رفتار جنسیتی زمانی وجود دارد که تعامل خاصی، به صورت اجتماعی و بر اساس الگوهای جنسیتی ساخت یابد. این فرض که رفتار جنسیتی، با انعطاف و تغییر مشخص می شود از مسائل بنیادین این دیدگاه است (Deaux and Major, 1990). بنابراین جنسیت یک ویژگی فردی نیست، بلکه یک تبادل اجتماعی است (West and Zimmermann, 1987). رفتار با یک جریان ساختاری فردی و اجتماعی، جنسیتی می شود: البته با عوامل انتقالی، مثل: کنشگران درگیر، انتظار از خود و دیگران و محرومیت هایی که در صورت انحراف ایجاد شده، انتظارهای مربوط به نقش های اجتماعی - جنسیتی، اعمال می شود (Zanna and Pleck, 1976). در مقابل ذات گرایان و نظریه های یادگیری نقش، ما باید انتظار تفاوت در الگوهای غیرثابت بین اولویت های ارزشی مردان و زنان داشته باشیم. ظاهر تفاوت ها به سه عنصر موقعیتی بستگی دارد که ارزش ها در آن شکل می گیرد: تعریف فرد از خود و اهداف، باورها و انتظارات دیگران و زمینه ای که تعامل در آن اتفاق می افتد. این نظریه ها نیز به نبودن تفاوت جنسیتی در ساخت ارزشی اشاره دارد.

۳) رویکرد توافقی: این دیدگاه به آثار ثابت، تجربه های جنسیتی متفاوت و ساختار اجتماعی جنسیتی براساس مقتضیات زندگی، توجه دارد. ارزش ها استفاده می شود تا زندگی ما را معنا ببخشد، رفتار و گرایش های ما را عقلانی سازد و آن را در گفتمان ما با دیگران تبیین و توجیه کند (Kristiansen and Zanna, 1988; Rokeach, 1973). حفظ اولویت های ارزشی با روش ادراک فرد و زندگی او، قابل انطباق است و خود باوری فرد را افزایش می دهد و یک احساس انسجام فردی و ثبات فراهم می سازد. در نتیجه، افراد، اولویت های ارزشی را با وضع و مقتضیات زندگی شان انطباق می دهند. آنان به ارزش هایی رتبه می دهند که با توجه به فرصت ها و محدودیت های مربوط به نقش آنان، قابل دسترسی نیست و ارزش های قابل دسترس را بالا می برند (Schwartz and Bardi, 1997; Kohn and Schooler, 1983).

انتظار ما این است که پذیرش ارزش ها و ابراز آن براساس جنسیت، تنها در موقعیت های اجتماعی ای، متفاوت خواهد بود که فرصت های رفتاری متفاوت در دسترس مردان و زنان قرار گیرد و محدودیت های متفاوتی بر آنان اعمال شود. در واقع جنسیت در تعامل با مقوله های تجربی دیگر است. بر اساس چنین دیدگاهی، انتظار تفاوت های جنسیتی مشروط در اولویت های ارزشی را خواهیم داشت. طبیعت و گستره این تفاوت ها شاید با تفاوت در وضع زندگی (مثل: سن، قومیت، تحصیلات، وضعیت تأهل و منزلت اجتماعی) بین گروه های زنان و مردان متفاوت باشد. بنابراین توصیه می شود که مطالعه جنسیت با متغیرهای دیگر، چون سن و ترکیب شود (پرینس گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸ به نقل از باستانی، ۱۳۸۷).

دوم؛ رویکردهای جنسیتی از منظر گیدنز

آنتونی گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی خود به دو رویکرد تفاوت‌های جنسیتی و نابرابری جنسیتی اشاره کرده که بدین شرح است:

۱) نظریه تفاوت‌های طبیعی

به تعبیر گیدنز برخی از نویسندگان معتقدند که جنبه‌هایی از زیست‌شناسی انسان - از هورمون‌ها تا کرموزوم‌ها و از اندازه مغز تا ژن‌ها - سبب‌ساز تفاوت‌های رفتاری فطری بین زنان و مردان هستند. بنابه ادعای آنها، این تفاوت‌ها را می‌توان در همه فرهنگ‌ها به شکل و صورت‌های گوناگون مشاهده کرد و این نشان می‌دهد که نیروهای طبیعی تفاوت و نابرابرهای جنسیتی است، نابرابر‌هایی که وجه مشخصه اکثر جوامع هستند. این پژوهشگران احتمالاً توجه خود را به این واقعیت معطوف می‌کنند که، برای مثال، در همه فرهنگ‌ها مردان هستند که در شکار و جنگ شرکت می‌کنند نه زنان. و طبق استدلال آنها، این امر یقیناً نشان می‌دهد که مردان به لحاظ زیست‌شناسی گرایش‌هایی به خاشگری دارند که زنان ندارند. اما این ادلاب بسیاری از پژوهشگران را متقاعد نمی‌کند، به گفته اینان، سطوح پرخاشگری مذکرها، تنوع و تفاوت گسترده‌ای در میان فرهنگ‌های گوناگون دارد، و برخی از فرهنگ‌ها، بیش از سایر فرهنگ‌ها از زنان انتظار ظرافت و انفعال دارند (Elshtain, 1987). هر چند نمی‌توان این فرضیه را به آسانی رد کرد که عوامل زیست‌شناختی تعیین‌کننده الگوهای رفتار زنان و مردان هستند، اما حدود یک قرن تحقیق برای شناسایی ریشه‌های فیزیولوژیک این الگوهای رفتاری موفقیت‌آمیز نبوده است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۵۷). برخی از صاحب‌نظران همچون دالتون (Dalton) بیولوژی را تعیین‌کننده رفتار زنان می‌دانند. این تأکید بر بیولوژی، به گونه‌ای است که در جامعه‌شناسی از تفاوت‌های جنسی بیولوژیک برای توضیح دادن و مشروعیت بخشیدن به تقسیم جنسی در خانواده و جامعه به طور کلی سوده برده‌اند. تایگر و فاکس: چنین استدلال می‌کنند که زن و مرد برنامه‌ریزی‌هایی بیولوژیک یا برنامه‌های ژنتیکی متفاوتی دارند که زمینه‌ساز رفتارهای متفاوت آنهاست (گرت، ۱۳۸۰: ۱۶-۱۴). در این رویکرد تفاوت نقش‌ها را بر پایه تفاوت میزان هورمون‌های جنسی در مردان و زنان تبیین می‌کنند. این نظریه در میان فمینیست‌ها نیز موافقانی دارد. از جمله آلیس رسی از منظر جامعه‌شناسی زیستی کارکردهای زیست‌شناختی متفاوت زنان و مردان را به الگوهای متفاوت رشد هورمونی آنها طی چرخه حیات نسبت می‌دهد که همین امر به نوبه خود به برخی تفاوت‌های ادراکی بین دو جنس منجر شده است (لنگرمن و برنتلی، ۱۳۷۴: ۴۷۱).

صاحب‌نظران در تعیین اینکه این تفاوت‌ها دقیقاً به کدامیک از عوامل زیستی راجع‌اند، راه‌های مختلفی را پیموده‌اند. برخی منشأ اسناد نقش‌ها و وظایف مختلف به مردان و زنان را تفاوت آنان در قدرت بدنی دانسته‌اند، اما این فرضیه به دلیل نقض‌های متعدد، تأییدی کسب نکرده است (کامپیر و همکاران، ۱۹۹۸: ۳۳۰).

۲) نظریه اجتماعی شدن جنسیتی

این رهیافت تمایزی میان جنس زیست شناختی و جنسیت اجتماعی می‌گذارد؛ نوزاد با جنس به دنیا می‌آید و جنسیت او تکوین می‌یابد. کودکان، از طریق تماس و ارتباط با کارگزاران گوناگون اجتماعی شدن اولیه و ثانویه، به تدریج هنجارها و توقعات اجتماعی متناسب با جنس خود را درونی می‌سازند. تفاوت‌های جنسیتی تعیین زیست شناختی ندارند، بلکه به صورت فرهنگی خلق می‌شوند. طبق این دیدگاه، نابرابری‌های جنسیتی به این دلیل به وجود می‌آیند که مردان و زنان در نقش‌های مختلفی اجتماعی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۸۷). البته بسیاری از نویسندگان استدلال می‌کنند که اجتماعی شدن جنسیتی ذاتاً فرایند سهل و همواری نیست؛ کارگزارهای مختلفی مثل خانواده، مدرسه و گروه‌های همالان ممکن است در تعارض و تناقض با یکدیگر باشند. علاوه بر این نظریه‌های اجتماعی شدن چشم خود را بر توانایی افراد در نفی یا جرح و تعدیل توقعات اجتماعی مرتبط با نقش‌های جنسی می‌بندند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

موردی بر مبنای مطالعه چند فرهنگی بیش از ۲۰۰ جامعه، به این نتیجه رسید که تقسیم جنسی کار در همه فرهنگ‌ها وجود دارد (Murdock, 1949). تالکوت پارسونز، متفکر پیشرو کارکردگرا، به نقش خانواده در جوامع صنعتی پرداخته است (Parsons and Bales, 1956). او مخصوصاً به اجتماعی شدن کودکان توجه داشت و معتقد بود که خانواده‌های مستحکم و حمایتگر کلید اجتماعی شدن موفقیت‌آمیز هستند. از دید پارسونز، بیشترین بازده و کارایی خانواده هنگامی است که تقسیم جنسی کار به صورت شفاف و واضح چنان باشد که زنان نقش‌های عاطفی یعنی تأمین مراقبت و امنیت برای کودکان و حمایت عاطفی از آنها را بر عهده داشته باشند. از طرف دیگر، مردان باید نقش‌های ابزاری را بر عهده داشته باشند؛ یعنی نان آور خانواده باشند.

جان بولبی (Bowlby, 1953) نیز دیدگاه کارکردگرایانه‌ای به پرورش کودکان دارد، استدلال وی این است که مادر نقش حیاتی در اجتماعی شدن اولیه کودکان دارد. اگر مادر غایب باشد، یا کودک در خردسالی از مادر جدا شود - وضعیتی که آن را محرومیت از مادر می‌نامند - کودک در معرض خطر اجتماعی شدن ناقص قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۶۶).

تالکوت پارسونز (Talcott Parsons) در تحلیل خود پیرامون تقسیم کار جنسیتی بین زن و شوهر عمدتاً به خانواده هسته‌ای طبقه متوسط آمریکایی توجه دارد، هر چند از داده‌های پژوهش‌های میان فرهنگی نیز سود جسته است. پارسونز بر نقش محوری تقسیم کار جنسیتی بر حفظ وحدت و انسجام خانواده تأکید کرده است. تقسیم کاری که وظایف شغلی، کسب درآمد و رهبری خانواده را بر عهده شوهر/ پدر و وظایف خانه‌داری و کدبانوگری را بر عهده همسر/ مادر قرار می‌دهد. به باور وی، این الگو به بهترین شکل، زمینه ایفای کارکردهای اصلی خانواده یعنی تثبیت شخصیت بزرگسالان و جامعه‌پذیری کودکان را فراهم می‌کند و این امر در ثبات و یکپارچگی خانواده و در نتیجه، در یکپارچگی اجتماعی نقشی اساسی دارد. تابعیت زنان نسبت به مردان در جوامع سرمایه‌داری از نظر کارکردی برای حفظ انسجام خانواده و انسجام خانواده نیز برای حفظ ساختار طبقاتی این جوامع ضرورت دارد. حفظ ساختار طبقاتی نیز برای تضمین اینکه ساختار اجتماعی همچنان که هست باقی می‌ماند، ضروری است (Harvey & MacDonald, 1993: 197). از دید پارسونز بیشترین بازده و کارایی خانواده هنگامی است که تقسیم جنسی کار به صورت شفاف و واضح چنان باشد که زنان نقش‌های عاطفی (expressive role)، یعنی تأمین مراقبت و امنیت برای کودکان و حمایت عاطفی از آنها را بر عهده داشته باشند. از طرف دیگر، مردان باید نقش‌های ابزاری (instrumental role) را بر عهده داشته باشند؛ یعنی نان‌آور خانه باشند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۶۵).

به عقیده پارسونز، زنان بنا بر نقش بیولوژیکشان در تولیدمثل، گزینه‌ای برای پرورش دیگران دارند و این گزینه آنها را برای ایفای نقشی پراحساس در خانواده هسته‌ای، کاملاً شایسته می‌سازد. این نقش پراحساس، مستلزم توجه و رسیدگی به نیازهای جسمی و روحی تمام اعضای خانواده، به ویژه فرزندان است. فمینیست‌ها در مقابل آرای گفته شده واکنش نشان داده‌اند. آنها بر این باورند که یا این نظریه که بیولوژی تعیین‌کننده ویژگی‌های زن و مرد است، «ذات‌گرایی بیولوژیک» برای منافع زن و مرد زیانبار است. آنان به طور کلی با این ایده که زن و مرد دو مقوله متفاوت هستند، به مقابله برخاسته‌اند. (به نقل از باستانی، ۱۳۸۷: ۴۸).

در میان نظریه‌های روان‌شناختی، برخی نظریه‌های روانکاوی جایگاه مهمی در مباحث جنسیتی کسب کرده اند. بر حسب نظریه چودورو که تعدیلی بر نظریه فروید به‌شمار می‌آید، در اولین مرحله جامعه پذیری، کودکان هر دو جنس با مادر ند سازی شخصی می‌کنند، ولی در ادامه پسر ناگزیر می‌شود با ندسازی با پدر، نقش‌های مردانه را پذیرا شود. طی فرایند جامعه پذیری، مادران پسران خود را تشویق می‌کنند که از آنان جدا شوند و به آنها کمک می‌کنند تا هویتی مردانه را در خود بسط دهند که متکی به پدر یا جایگزین پدر است، اما دوری پدر از خانه و نپرداختن او به بچه‌داری موجب می‌گردد که ند سازی با پدر به‌جای آنکه ند سازی شخصی با پدر، ارزش‌ها و ویژگی‌های رفتاری او به‌عنوان فرد واقعی باشد، به‌صورت ند سازی موقعیتی، یعنی ند سازی با نقش‌های مردانه پدر به‌عنوان مجموعه‌ای از عناصر انتزاعی در آید. در فرایند دشوار انفکاک پسر از مادر، او هم ابعاد زنانه خود را سرکوب می‌کند و هم یاد می‌گیرد که زنانگی را کم ارزش بداند. اما ند سازی شخصی دختر بچه با مادر می‌تواند تا تکمیل فرایند یادگیری هویت زنانه و نقش‌های وابسته به آن تداوم یابد و این شخصی بودن را حضور مادر در کنار دختر تضمین می‌کند. به این ترتیب، دختران درجه ضعیف‌تری از فردیت یافتن را نسبت به پسران تجربه می‌کنند و در نتیجه، تقسیم کار جنسیتی در خانه از راه دو الگوی یاد شده به‌طور مستمر بازتولید می‌شود و حاصل آن عبارت خواهد بود از تولید مردانی که بیشتر انرژی خود را صرف جهان کار غیر خانوادگی می‌کنند و از پدری‌کردن خودداری می‌ورزند و نیز زنانی که انرژی خود را متوجه پرورش و مراقبت از فرزندان می‌نمایند (چودورو ۱۹۹۷: ۱۹۵ و اورت نر ۱۹۹۸: ۳۸-۳۷)

(۱) برساخت اجتماعی جنسیت و جنس

این نظریه پردازان این استدلال را مطرح می‌کنند که ما باید هم جنس و هم جنسیت را محصولاتی در نظر بگیریم که به صورت اجتماعی برساخته می‌شوند؛ نه فقط جنسیت یک آفریده کاملاً اجتماعی است که فاقد «جوهر» ثابت است، بلکه حتی بدن انسان نیز دستخوش نیروهای اجتماعی است که به شیوه‌های گوناگون به آن شکل می‌بخشد و آن را تغییر می‌دهند. ما می‌توانیم به بدن خود معنایی بدیهم که بر خلاف چیزی باشد که معمولاً «طبیعی» پنداشته می‌شود. افراد می‌توانند هر طور که دلشان می‌خواهد بدن خود را برسازند و این برساختن را تکرار کنند؛ از تمرین‌های ورزشی تا رژیم‌های غذایی، و از سوراخ کردن و خالکوبی، تا جراحی پلاستیک و عمل‌های تغییر جنس. فناوری موجب برهم خوردن مرزهای پیکر فیزیکی ما میشود. بنابراین بدن انسان و زیست‌شناسی انسان از «پیش‌داده» نیستند، بلکه تابع عاملیت انسان و انتخاب شخصی در متن و زمینه‌های اجتماعی مختلف اند (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۱۶۳).

۵) نظریه های نابرابری جنسیتی

پژوهش و تبیین نابرابری جنسیتی یکی از علائق اصلی جامعه شناسان شده است. دیدگاه های نظری متعددی مطرح شده اند تا سلطه پابرجای مردان بر زنان را تبیین کنند. فمینیست ها ادعای وجود هر گونه شالوده زیست شناختی برای تقسیم جنسی کار را به باد انتقاد گرفته اند، بنا به استدلال آنها تخصیص کارها ئی نظایف در جامعه هرگز جنبه طبیعی یا اجتناب ناپذیر ندارد. زنان نه بر مبنای خصوصیات زیست شناختی بلکه به دلیل اجتماعی شدن در نقش هایی که به لحاظ فرهنگی از آنها انتظار می رود، از تعقیب برخی مشاغل منع می شوند.

نهضت های فمینیستی موجب پیدایش مجموعه بزرگی از نظریه هایی شده است که می کوشند نابرابر های جنسیتی را تبیین کنند و دستور العمل هایی برای غلبه بر این نابرابری ها تدوین کنند. عمده ترین استدلال های سه گانه فمینیستی شامل فمینیسم لیبرال، رادیکال و سیاه می باشد.

فمینیسم لیبرال، تبیین نابرابری های جنسیتی را در ایستارهای اجتماعی و فرهنگی جستجو می کند. آنها بر خلاف فمینیست های رادیکال، فرودستی و انقیاد زنان را بخشی از نظام یا ساختار وسیع تر نمی دانند. آنها توجه خود را صرف ایجاد و حمایت از فرصت های برابر برای زنان از طریق قانونگذاری و سایر روش ها و ابزارهای دموکراتیک می کنند.

فمینیسم رادیکال: این عقیده جوهره فمینیسم رادیکال است که مردان مسئول استثمار و بهره کشی از زنان هستند و از آن نفع می برند. تحلیل پدرسالاری - سلطه نظامند مردان بر زنان - گرایش اصلی این شاخه از فمینیسم است. آنها معتقدند که پدرسالاری به نحوی شامل تملک بدن و گرایش جنسی زنان توسط مردان است.

فمینیسم سیاه: ناخشنودی از شکل های موجود فمینیسم به پیدایش فمینیسم سیاه منجر شده است که توان و توجه خود را روی مسائل خاصی متمرکز می کند که زنان سیاه پوست با آنها مواجه اند. بنابراین ادعای فمینیست های سیاه این است که هر نظریه ای در باب برابری جنسیتی که نژادپرستی را در نظر نگیرد، نمی تواند ظلم و ستمی را که بر زنان سیاه می رود، به نحو کافی تبیین کند. ابعاد طبقاتی نیز عامل دیگری است که در مورد بسیاری از زنان سیاه نمی توان از آن چشم پوشید. برخی از فمینیست های سیاه معتقدند که نیرو و قوت نظریه فمینیستی سیاه توجه به تعامل میان علائق نژادی، طبقاتی و جنسیتی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۱۷۳).

سوم؛ نظریه های جنسیت از منظر ریتزر

نظریه ریتزر در زمینه نظریه های فمینیستی در دوران معاصر در پاسخ به دو سوالی است که همه این نظریه ها را به هم پیوند می زند: نخست، این پرسش توصیفی که درباره زنان چه می دانیم؟ و دوم، این پرسش تبیینی که چرا وضع زنان به این صورت است؟ الگوی پاسخ به نخستین پرسش توصیفی، مقوله های اصلی طبقه بندی ما را فراهم می سازد. اساساً سه پاسخ برای پرسش نخستین وجود دارد. نخستین پاسخ این است که جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت ها، با جایگاه و تجربه مردان در موقعیتها تفاوت دارد. با توجه به این واقعیت، بررسی هایی که در این مورد انجام می گیرند بر جزئیات این تفاوت تأکید دارند. پاسخ دوم این است که جایگاه زنان در بیشتر موقعیت ها نه تنها متفاوت از جایگاه مردان بلکه از آن کم بهتر و با آن نابرابر است. بنابراین کانون توصیف بعدی، ماهیت این نابرابری است. پاسخ سوم، این است که این موقعیت زنان را باید بر حسب رابطه قدرت مستقیم میان مردان و زنان درک کرد. زنان تحت ستم قرار دارند، یعنی تحت قیدوبند، تابعیت، تحمیل و سو استفاده و بدرفتاری مردان به سر می برند (ریتزر، ۱۳۹۵: ۴۶۸).

از این رو، جامعه شناسی جنسیت که به نقش ها، روابط و هویت های اجتماعی مردان و زنان اطلاق می شود و از سویی عامل جنسیت را تنها به عنوان یکی از متغیرهای موجود در روابط و ساختارهای اجتماعی در نظر می گیرند.

رویکرد فمینیستی: از منظر فمینیستی که ویژگی های بنیادی زندگی اجتماعی و تجربه انسانی را از چشم انداز یک زن ارائه می کند. می توان انواع گوناگون نظریه های فمینیستی را به سه نظریه تفاوت، نابرابری و ستمگری جنسیتی طبقه بندی کرد:

الف) نظریه های تفاوت جنسیتی: این نظریات معتقدند که جایگاه و تجربه زنان در بیشتر مواقع با مردان در موقعیت ها تفاوت دارد. در واقع، تجربه کلی زندگی زنان از کودکی تا پیری تفاوت بنیادی با تجربه مردان دارد. که از طریق تبیین های زیست شناختی، نهادی و اجتماعی - روان شناختی به بررسی تفاوت های جنسیتی پرداخته می شود. ب) نظریه های نابرابری جنسیتی: این نظریات بیان می دارند که جایگاه زنان در بیشتر موقعیت ها، نه تنها متفاوت از جایگاه مردان، بلکه از آن کم بهتر و با آن نابرابر است. به عبارتی زنان در مقایسه با مردانی که در جایگاه اجتماعی زنان جای دارند، از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت های کمتری برخوردارند. از سویی آنها بر این عقیده اند که دگرگون ساختن موقعیت زنان امکان پذیر است که دو گونه آن فمینیسم لیبرالی و فمینیسم مارکسیستی است. ج) نظریه های ستمگری جنسیتی: در این رویکرد زنان علاوه بر نابرابر بودن و تفاوت داشتن از مردان، تحت ستم نیز قرار دارند که در مقابل آن الگوی پدرسالاری است.

بدین ترتیب جامعه‌شناسان به نظریه‌های تفاوت و نابرابری جنسی و نظریه پردازان فمینیست به نظریه‌های ستمگری گرایش دارند. از سویی جامعه‌شناسی فمینیستی می‌خواهد بفهد که انسانها چگونه به نظرهایشان درباره واقعیت اجتماعی می‌رسند، چگونه این نظریه‌ها را با وجود عقاید و دلایل به ظاهر متناقض توجیه می‌کنند، چگونه بر پایه این نظریه‌ها عمل می‌کنند، چگونه رفتار خودشان را با موقعیت اجتماعی شان سازگار می‌کنند و در نهایت می‌خواهد بنیاد نظری بر پایه کنش عملی فراهم سازد و خواهان یک مباحثه برابرگرایانه اند. که از طریق قضیه ای دیاکتیک فمینیستی، تاثیر ساختار اجتماعی و ایدئولوژی، معنی و سطح ذهنی نظم اجتماعی کلان و خرد به روابط فرودست و فرادست بین روابط زنان و مردان اشاره دارد. در واقع نظریه جامعه‌شناختی فمینیستی با تکیه بر تجربه زنان به عنوان افراد زیر دست، شیوه‌های نگهداشت جهان کلان، بوسیله گروه زیردست که از طریق کنش‌های متقابل در سطح خرد انجام می‌گیرد و نیز شکل‌گیری این فعالیت نگهدارنده بوسیله الزامهای ساختار کلان تسلط را ردیابی می‌کند. بدین سان نظریه جامعه‌شناختی فمینیستی مرز مشترک متقابل خرد و ساختار کلان را تحلیل می‌کند و جهان اجتماعی از طریق ساختار کلان مسلط و کنش مشترک خرد ساخته و پرداخته می‌شود. رویکرد فمینیسم رادیکال الگوی جنسیتی تقسیم کار بر حسب کارکردهای مثبت آن برای طبقه مردان تبیین می‌کند. از این منظر علت تدام این الگو، بهره‌ای که مردان از آن می‌برند؛ زیرا در این الگو تقسیم کار همه زنان در خدمت همه مردان و تأمین نیازهای آنان قرار می‌گیرند (بیلتون و همکاران، ۱۹۸۱: ۳۵۱ به نقل از بستان، ۱۳۸۵). در مجموع ملاحظه می‌گردد که عوامل زیستی، روانی و اجتماعی در فرایندی از کنش متقابل باعث شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی می‌شوند. فمینیست‌های رادیکال در تبیین علی‌نابرابری جنسی به‌طور عام و تقسیم جنسیتی نقش‌ها به‌طور خاص بر عنصر پدرسالاری تکیه می‌کنند. آن اوکلی (Ann Oakley) تقسیم کار جنسیتی در خانه به‌ویژه نماد آشکار آن یعنی مادری را اسطوره‌ای پدرسالارانه می‌داند که نهادهای فرهنگی جامعه در پیدایش و تقویت آن بیشترین سهم را دارند. وی آرا و نظریه‌های رفتارشناسان، مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان کودک در خصوص این موضوع را در راستای ترویج این اسطوره ارزیابی می‌کند. به گفته وی، گروه نخست برای تقسیم کار جنسیتی منشأ زیست‌شناختی قائلند؛ گروه دوم بر پایه پژوهش‌های میان‌فرهنگی بر جهان‌شمول بودن پدیده تقسیم کار جنسیتی تأکید می‌ورزند؛ گروه سوم به‌ویژه کارکردگرایان، کارکردهای اجتماعی مثبت آن را مورد تأکید قرار می‌دهند و گروه چهارم یعنی روان‌شناسان کودک نیز همواره بر این مطلب تأکید کرده‌اند که کودک نه به پدر، بلکه به مادر خود نیازمند است. به این ترتیب، اسطوره‌ای که تنزل جایگاه زن به نقش خانگی را امری طبیعی، جهان‌شمول و ضروری می‌داند، از راه استناد به پژوهش‌های علمی، برای خود کسب اعتبار و مقبولیت کرده است.

اوکلی ضمن مناقشه در نتایج این پژوهش‌ها، جانبداری به ظاهر علمی از ادعاهای یاد شده را ناشی از این واقعیت می‌داند که پژوهشگران این رشته‌ها، ارزش‌های محیط فرهنگی خود را پذیرفته و درونی کرده‌اند، ارزش‌هایی که تقسیم کار جنسیتی در خانه به‌ویژه اختصاص نقش مادری به زنان و نقش پدری به مردان از مهم‌ترین آنها به‌شمار می‌آیند (اوکلی، ۱۹۷۶: ۶۸، ۱۵۷-۱۵۸).

چهارم؛ تبیین نقش‌های جنسیتی با نگرشی اسلامی از منظر بستان

متون اصلی اسلام به‌طور مستقیم و با زبان علمی به تبیین عوامل شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی نپرداخته‌اند، ولی با تأمل در مجموعه احکام و توصیه‌های دینی، مفروضات و ملزومات و لوازم آنها می‌توان دیدگاهی را استنباط کرد که در بردارنده تبیینی چند علتی است. هر یک از علل و عناصر این تبیین در نظریه‌های پیشین به‌گونه‌ای مورد توجه قرار گرفته است، با وجود این کوشش خواهیم کرد این علل مختلف را بر اساس آنچه از گزاره‌های دینی مستفاد می‌شود و در قالب یک چارچوب نظری منسجم بازبینی و تحلیل کنیم.

بر حسب این چارچوب نظری، مجموعه‌ای از عوامل زیستی، روانی و اجتماعی در فرایندی از کنش متقابل باعث شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی می‌شوند. عوامل زیستی به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد به‌ویژه در سه محور قابلیت‌های تولید مثل، قدرت بدنی و امیال جنسی اشاره دارند. عوامل روانی به تفاوت الگوهای رشد شخصیت دختر و پسر و به‌طور ویژه، تفاوت زن و مرد در بروز احساسات و تعقل ناظرند و عوامل اجتماعی نیز عوامل فرهنگی، حقوقی و اقتصادی را دربر می‌گیرند. به‌منظور روشن شدن سهم هر یک از این عوامل در تفکیک جنسیتی نقش‌ها توضیحی پیرامون هر یک لازم به‌نظر می‌رسد.

الف) تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، گذشته از قابلیت‌های تولید مثل، در دو محور قدرت بدنی و امیال جنسی از دیدگاه اسلام مسلّم و غیر قابل تردید است (بستان، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۷)، اما اسلام در مورد چگونگی تأثیرگذاری این تفاوت‌ها بر شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی نگرشی جبرگرایانه ندارد و این احتمال را نمی‌پذیرد که تفاوت‌های فطری و طبیعی زن و مرد به‌ویژه تفاوت در قدرت جسمی و نیز اقتضائات بارداری، زایمان و شیردهی توسط زنان به‌طور اجتناب‌ناپذیر آنان را به سوی فعالیت‌های محدودتر و نیازمند تحرک کمتر سوق داده و به حمایت‌های مردان وابسته ساخته باشد.

گواه این مدعا احادیث متعددی است که تلویحاً بر جنبه های ارادی و اختیاری تفکیک جنسیتی نقش‌ها دلالت دارند؛ احادیثی که نقش‌های مادری و همسری را نقش‌های برتر زنان معرفی کرده‌اند (الحر العاملی، ج ۱۴: ۱۱۵ و ۱۲۳)؛ احادیثی که کمک شوهر به زن در کارهای منزل را مورد ستایش قرار داده‌اند (ج ۱۲: ۳۹) و احادیثی که مشارکت آزمندانه زنان با شوهران خود در امر تجارت را به‌عنوان یکی از نشانه‌های نکوهیده آخرالزمان پیش‌گویی کرده‌اند (النوری، ج ۱۲: ۳۲۷)، نمونه‌هایی از این دست احادیث می‌باشند. همچنین، تحول پذیری الگوهای تفکیک جنسیتی نقش‌ها با شواهد تاریخی و تجارب معتبر میان فرهنگی به اثبات رسیده است و پیشرفت‌های پزشکی نیز بسیاری از باورهای گذشته در مورد ثابت و اجتناب ناپذیر بودن بسیاری از ویژگی‌های جنسی را منسوخ نموده‌اند. روشن است که یافته‌های علوم تجربی می‌توانند به‌عنوان قرآینی بر فهم متون دینی تلقی شوند و این یکی از اصول روش‌شناختی مطالعات دینی است. بنابراین نمی‌توان دیدگاهی جبرگرایانه را به اسلام نسبت داد، بلکه صرفاً می‌توان گفت اسلام وجود برخی پیش‌زمینه‌های فطری برای تمایز جنسیتی نقش‌ها را بدون پذیرش خصلت جبری برای آنها تأیید کرده است. به بیان دیگر، اثر این پیش‌زمینه‌ها در حد گرایش‌هایی است که اگر به حال خود رها شوند، عملاً به تمایز جنسیتی نقش‌ها می‌انجامند، اما موانع بیرونی می‌توانند تأثیر آنها را متوقف یا زایل سازند. آری، می‌توان نقش‌های متمایز زن و مرد در طول تاریخ را که در امتداد ویژگی‌های طبیعی دو جنس شکل گرفته‌اند، با تحلیلی کارکردی تبیین کرد. برحسب این تحلیل، تفاوت‌های طبیعی زن و مرد به‌ویژه در سه محور یاد شده همواره باعث گردیده‌اند تمایز جنسیتی نقش‌ها دارای کارکردهای مثبت اجتماعی باشد و با ساختار جسمانی و شرایط زیستی زن و مرد تناسب بیشتری داشته باشد. با در نظر گرفتن اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سطح پیشرفت تکنولوژیک در دوران‌های گذشته، پذیرش این ادعا دشوار نیست، به‌ویژه اگر عواملی همچون بالا بودن میزان باروری و تولید مثل و محدودیت‌های ناشی از آن، وابستگی بیشتر حرفه‌ها و مشاغل به قدرت بدنی و پذیرش عمومی ارزش‌هایی مانند حیا و عفت به‌ویژه در مورد زنان را به‌یاد آوریم. در چنین اوضاع و احوالی، تفکیک جنسیتی نقش‌ها بهترین گزینه برای دستیابی جوامع بشری به اهدافی همچون آرامش روانی همسران، تربیت مطلوب فرزندان، گردش امور اقتصادی و سلامت اخلاقی جامعه بوده است.

ب) از میان نکاتی که در نظریه‌های روان‌شناسی فردی و اجتماعی به آنها توجه شده، یادگیری نقش‌های جنسیتی از راه‌اندازی کودک با والد همجنس خود و نیز شرطی‌سازی کودک به کمک پاداش و تنبیه، نکته‌ای است که از نگاه دینی می‌توان آن را مسلم‌انگاشت، زیرا با توجه به وجود تجارب قطعی در این خصوص به‌ضمیمه حجیت ذاتی قطع، حتی اگر دلایل خاص درون دینی بر این نکته در دست نباشد، می‌توان در تبیین دینی از آن بهره جست.

از این موضوع که بگذریم، تفاوت روان شناختی مرد و زن از جهت غلبه تعقل در مرد و غلبه عواطف در زن، جنبه مهمی از تبیین اسلامی را تشکیل می دهد. در دیدگاه اسلام، وجود چنین تفاوتی مفروض گرفته شده است (الحر العاملی، ج ۱۴: ۱۱ و المجلسی، ج ۳۲: ۷۳ و ۱۰۶ و ج ۱۰۳: ۲۲۸)، هرچند در مورد منشأ این تفاوت، گزاره دینی معتبر و صریحی نیافته ایم از این رو با دو فرض روبرو هستیم: نخست آنکه این تفاوت به طبیعت و زیست‌شناسی مرد و زن اسناد داده شود و دوم آنکه ترتیبات اجتماعی خاصی که اسلام نیز در راستای تحقق جامعه مطلوب خود، ارزش‌گذاری مثبتی در باره آنها داشته است، منشأ این تفاوت قلمداد شود و این فرض اخیر مستلزم آن است که نقش‌های جنسیتی را هم علت و هم معلول تفاوت مزبور بدانیم، به این بیان که نقش‌های جنسیتی در مرحله‌ای موجب شکل‌گیری این تفاوت‌های ادراکی و عاطفی بین زن و مرد می شوند و در مرحله‌ای دیگر، همین تفاوت‌ها نقش‌های جنسیتی را بازتولید می‌کنند. البته از برخی روایات ضعیف‌السند فرض نخست استفاده می‌شود (الحر العاملی، ج ۱۸: ۲۴۵ و النوری، ج ۱۴: ۲۸۶) و اندیشمندان مسلمان نیز معمولاً همین فرض نخست را پذیرفته‌اند. از جمله علامه طباطبایی (ره) احساسات لطیف‌تر زنان و غلبه اندیشه ورزی در مردان را به عوامل فیزیولوژیک مانند کوچک‌تر بودن اندازه مغز زن و ضعیف‌تر بودن قلب، شریان‌ها، اعصاب و عضلات وی در مقایسه با مرد ارتباط می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۵۵). با این همه، بار دیگر باید تأکید کنیم که حتی اگر این فرض را نظر قطعی اسلام بدانیم، تأثیر زیست‌شناسی را غیر جبرگرایانه تلقی می‌کنیم، به این معنا که در حوزه عواطف و ادراکات، زن و مرد صرفاً دارای برخی استعدادهای طبیعی متفاوتند که چگونگی فعلیت یافتن آنها تا حدی به شرایط اجتماعی بستگی دارد. اگر دخالت عوامل بیرونی در کار نباشد، این استعدادها به فعلیت می‌رسند و تفاوت‌هایی را هر چند اندک بین زن و مرد به بار می‌آورند، اما با تغییر و تصرف در الگوی رشد شخصیت دختران و پسران می‌توان برخلاف جهت آن استعدادهای طبیعی حرکت کرد، گرچه از نظر ارزشی، اسلام این جهت‌گیری را مردود می‌شمارد. این تفسیر با وجود آنکه از نظر انکار جبرگرایی با دیدگاه فمینیست‌های لیبرال و دیگر فمینیست‌های محیط‌گرا همخوانی دارد، اما با مفروض گرفتن استعدادهای طبیعی متفاوت از دیدگاه اخیر متمایز می‌گردد، زیرا بر حسب این دیدگاه، چنانچه دخالت عوامل بیرونی در کار نباشد، ویژگی‌های ادراکی و عاطفی یکسانی بین زن و مرد پدید می‌آید و اگر تفاوتی در این ویژگی‌ها مشاهده می‌شود، به سبب دخالت عوامل بیرونی است (تانگ، ۱۹۹۷: ۱۴).

با این توضیح، استدلال مرحوم علامه طباطبایی در رد دیدگاه محیط‌گرایی در معرض تردید قرار خواهد گرفت. بر طبق این استدلال، به دلیل بی‌توجهی به تفاوت‌های طبیعی ادراکی و عاطفی بین زن و مرد، تلاش ده‌ها ساله جوامع غربی در جهت برقراری تساوی بین زن و مرد با ناکامی روبرو شده و زنان برحسب آمارهای جهانی هیچ‌گاه نتوانسته‌اند در مشاغلی مانند قضاوت و مدیریت سیاسی با مردان رقابت کنند (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۵۹). اما مسئله این است که چگونه می‌توان به ادعای محیط‌گرایان مبنی بر تداوم تأثیرگذاری عوامل بیرونی پاسخ داد. کسانی که حتی مراقبت مادرانه را جزء عوامل بیرونی می‌دانند، تحقق تساوی جنسی واقعی را انکار می‌کنند و به علاوه، به شواهدی در باب میزان فزاینده دستیابی زنان به این گونه مشاغل و مناصب استناد می‌کنند که در زمان حیات مرحوم علامه هنوز به فعلیت نرسیده بودند.

شایان ذکر است که در تبیین دینی می‌توان از برخی تفاوت‌های روان‌شناختی زن و مرد که شواهد تجربی قطعی به ضمیمه اشاراتی در متون دینی، اصل وجود آنها و تأثیر عوامل طبیعی در بروزشان را به اثبات رسانده‌اند، نیز بهره جست. اگر چه در متون دینی به آنها تصریح نشده باشد که تفاوت زن و مرد از نظر میزان خشونت و پرخاشگری از جمله این تفاوت‌هاست. الینور مک‌کابی [۱] و کارول جکلین [۲] دو تن از پژوهشگران فمینیست که به منظور تمییز نهادن بین تفاوت‌های جنسی واقعی و تفاوت‌های موهوم کلیشه‌ای بیش از ۱۵۰۰ تحقیق را بازنگری کردند، به این نتیجه رسیدند که چهار مورد از تفاوت‌ها همواره از پشتوانه شواهد تجربی برخوردار بوده‌اند و یکی از این چهار مورد همین نکته بوده است که مردان چه از نظر فیزیکی و چه از نظر کلامی پرخاشگرتر از زنانند و این تفاوت از سن دو سالگی آشکار می‌گردد (شافر، ۱۹۹۳: ۴۹۱). در مورد منشأ این تفاوت نیز پژوهشگران، میزان بیشتر هورمون مردانه (تستوسترون) در مردان را عامل مؤثر در رفتارهای پرخاشگرانه تر آنان دانسته‌اند (بارون و برون، ۱۹۹۷: ۱۸۶).

ج) بدون شک، عوامل فرهنگی و حقوقی با قطع نظر از ارزش‌گذاری‌های مثبت یا منفی در باره آنها نقشی محوری در تمایز جنسیتی نقش‌ها ایفا کرده‌اند و مبارزه فرهنگی اسلام با باورها، قوانین و آداب و رسوم خرافی دوران جاهلیت مانند محرومیت زنان از ارث، جواز نامحدود چند زنی و زنده‌به‌گور کردن دختران (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۳۷) که برای زنان موقعیتی پست به بار آورده بودند، بر پایه همین پیش‌فرض یعنی تأثیرگذار بودن عوامل فرهنگی و حقوقی در این حوزه استوار است.

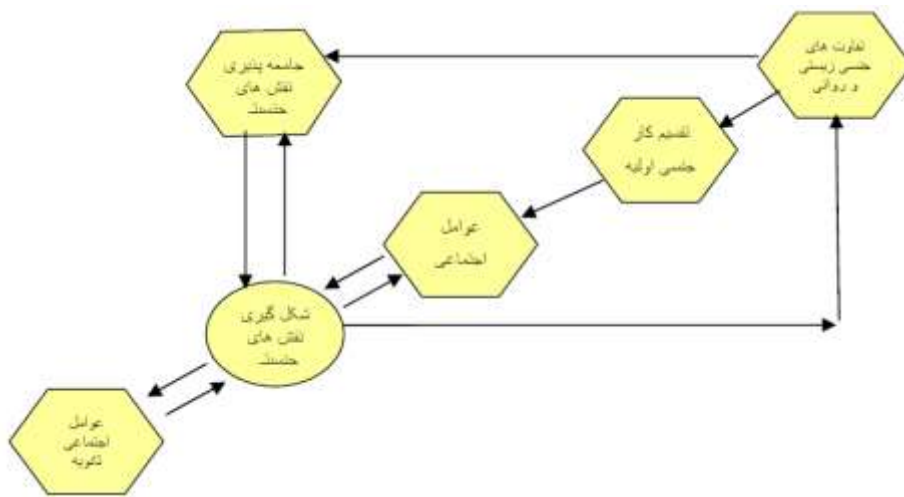
در ارتباط با نقش عوامل اقتصادی نیز گرچه تبیین تک علتی مارکسیستی را که همه روساخت‌های اجتماعی از جمله نظام روابط جنسیتی را به مالکیت سرمایه و ابزار تولید ارجاع می‌دهد، مردود می‌دانیم، اما می‌توان در تأیید این فرضیه محدودتر که کنترل ثروت توسط مردان در تمایز جنسیتی نقش‌ها به‌ویژه اختصاص نقش‌های مدیریتی به مردان تأثیرگذار بوده است، به برخی گزاره‌های دینی استشهاد کرد؛ قرآن کریم می‌فرماید: «مردان به سبب قابلیت‌های بیشتری که خداوند به ایشان عطا کرده و به سبب آنکه از اموالشان [در قالب مهریه و نفقه واجب] انفاق می‌کنند، عهده دار سرپرستی زنان هستند» (نساء: ۳۴). گرچه ظاهر این آیه بیان حکم تشریحی است، نه توصیف و تبیین امور عینی، ولی از آنجا که انفاق مردان از اموال خویش را به عنوان یکی از دو علت اعطای نقش سرپرستی به آنان قرار داده، اشاره‌ای ضمنی به فرضیه بالا دارد. نیازی به توضیح نیست که حتی اگر کسی نظر مشهور فقها و مفسران مبنی بر دلالت آیه بر سرپرستی مردان بر زنان را نپذیرد و واژه قوامیت را بر معانی دیگری مانند حمایت، مراقبت و رسیدگی حمل کند، باز هم نمی‌تواند در استشهاد به این آیه در بحث کنونی مناقشه کند، زیرا موضوع این بحث، تمایز جنسیتی نقش‌ها است که آیه شریفه بنابر همه معانی بر آن دلالت دارد.

(د) با در نظر گرفتن نکات بالا به تبیینی چند علتی در باب نقش‌های جنسیتی می‌رسیم که می‌توان آن را در قالب مدلی ترسیم نمود. بر حسب این مدل، تأثیر تفاوت‌های زیستی و روانی مرد و زن بر شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی، تأثیری بی‌واسطه نیست و جنبه اعدادی دارد، یعنی این تفاوت‌ها زمینه را برای تمایز نقش‌ها فراهم می‌کنند و به تعبیر دیگر، گرایشی به سمت این نقش‌ها ایجاد می‌کنند و تنها پس از دخالت عوامل اجتماعی است که نقش‌های جنسیتی به معنای دقیق این اصطلاح شکل می‌گیرند.

در مورد عوامل اجتماعی این پرسش مطرح می‌شود که آیا این عوامل از نظر مراحل تاریخی، پیش از شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی یا پس از آن پدید آمده‌اند؟ در پاسخ، گونه که مدل بالا نشان می‌دهد، می‌توان دو دسته از عوامل اجتماعی را شناسایی کرد: عوامل اجتماعی اولیه که پیش از شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی حضور داشته و به اصطلاح حکما، جزء علل موجد این نقش‌هایند و عوامل اجتماعی ثانویه که هرچند از نظر تحقق خارجی نسبت به بروز نقش‌های جنسیتی تأخر دارند، اما در تقویت و بازتولید این نقش‌ها مؤثرند و به اصطلاح، جزء علل مَبْقِیَه آنها هستند. اما تعیین مصادیق این دو دسته به نزاع کلاسیک ماده گرایان و فرهنگ گرایان باز می‌گردد. مارکسیست‌ها به‌عنوان مدافعان اصلی ماده گرایی، عوامل اجتماعی اولیه را بر عوامل اقتصادی تطبیق می‌کنند، اما دیدگاه‌های رقیب، آنها را بر باورها و ارزش‌های اجتماعی منطبق می‌دانند و عوامل اقتصادی و احتمالاً عوامل حقوقی را در گروه عوامل اجتماعی ثانویه جای می‌دهند. به هر تقدیر، در این بحث صرفاً با فرضیه‌های تأیید نشده روبرو هستیم و هنوز نمی‌توان اظهار نظری قطعی در این باره داشت.

نکته دیگر این است که ارتباط عوامل زیستی و روانی با نقش‌های جنسیتی صرفاً ارتباطی یکسویه نیست، بلکه به رغم پذیرش تأثیر علی تفاوت‌های زیستی بر تمایز نقش‌ها می‌توان تمایز نقش‌ها را نیز در تقویت پاره‌ای از تفاوت‌های جنسی مؤثر دانست. پیش از این در مورد احتمال تأثیر نقش‌های جنسیتی در بروز تفاوت‌های ادراکی و عاطفی بین مرد و زن توضیحی داده شد، ولی مشابه این احتمال در مورد دیگر تفاوت‌های زیستی دو جنس به ویژه تفاوت در قدرت بدنی و امیال جنسی نیز قابل طرح است، به این معنا که نقش‌های جنسیتی ممکن است در طول زمان در تقویت این تفاوت‌ها تأثیر گذاشته باشند.

آخرین نکته نیز تأکید بر اهمیت یادگیری یا جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی در بازتولید این نقش‌ها در خانواده و در جامعه است. ارتباط میان جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی و تفاوت‌های جنسی در دو جنبه تصویر شده است؛ جنبه نخست، تأثیر اعدادی و با واسطه تفاوت‌های جنسی بر جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی است که مسیر آن از کانال عوامل اجتماعی می‌گذرد، اما جنبه دوم، ناظر به تأثیر بی‌واسطه تفاوت‌های جنسی است، زیرا گونه‌ای که آلیس رُسی جامعه‌شناس فمینیست یادآور شده، روان‌شناسی و زیست‌شناسی زنان که دوره ماهانه و بارداری را در بر می‌گیرد، می‌تواند مستلزم آن باشد که دختران همواره بیش از پسران با مادران خود ند سازی کنند؛ تفاوت زیست‌شناسی پسر با زیست‌شناسی مادر باعث می‌شود که او همواره فاصله بیشتری را با مادرش حفظ کند (تانگ، ۱۹۹۷: ۱۵۹) و به این ترتیب، فرضیه‌ای که یکسان‌سازی الگوی جامعه‌پذیری دختر و پسر را موجب یگانگی هویت و نقش‌های زنان و مردان می‌داند، دست کم مورد تردید قرار می‌گیرد.



مدل ۶: نقش‌های جنسیتی با نگرشی اسلامی (بستان، ۱۳۸۲)

چارچوب مفهومی پژوهش

در یک پژوهش علمی برای توصیف مفاهیم و متغیرهای مورد سنجش نیازمند استفاده از «چارچوب مفهومی» هستیم تا در قالب الگویی نظامند و مشخص بتوان مطالعه را پیش برد. در این مطالعه به خاطر ماهیت توصیفی کار از چارچوب مفهومی برای پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان استفاده شده است.

برای تهیه چارچوب مفهومی تحقیق از نظریه نظام کنش کمک گرفته شده است. در واقع یک جامعه از عناصری از قبیل: فرهنگ، نهادهای اجتماعی، ساختار اجتماعی و کنش ها تشکیل شده است (شارون، ۱۳۸۹). در این میان فرهنگ ها دربرگیرنده قواعد، باورها، ارزش ها و قوانینی هستند که در قالب های مختلف تجلی پیدا می کند. کنش اجتماعی نیز حاصل تعامل و استدلال با دیگران است که با تبدیل شدن به الگوی متداول رفتار، در قالب نقش و موقعیت های اجتماعی، نهادهای اجتماعی را سازماندهی می کنند و موجب شکل گیری فرهنگ می گردد. در این میان نیز ارزش ها و نگرش ها به نوبه خود سازوکاری است که وضعیت کنش را تعیین می کند (چلبی، ۱۳۸۳). از این رو، از یک سو می توان گفت که ارزش ها و نگرش ها، رفتار نهادی افراد را تحت تاثیر قرار می دهند و از سوی دیگر الگوی متداول رفتار اجتماعی، فرهنگ و ساختار اجتماعی را شکل می دهد که در قالب نهادهای اساسی جامعه مانند نهاد خانواده، دین، دولت، آموزش و پرورش و اقتصاد متجلی می گردد.

در پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران، متأثر از نظریه (رفتار بخردانه) آیزن و همکارانش، رفتار ناشی از اعتقاد شخص در زمینه نتایج رفتار مشخص، و ارزیابی او از نتایج ممکن و نیز اعتقادات فرد در دستیابی به آن انتظارات می باشد؛ پس می توان گفت ارزیابی فردی و هنجارهای اجتماعی موجب شکل دهی به رفتار اجتماعی افراد می گردد. به تعبیر دیگری، چلبی بیان می دارد: «هر رفتار کنشگر، اعم از فردی و جمعی، در هر سطح و هر حوزه‌ای، به کم و کیف و آرایش فرصت، نیاز، انتظار، و معنا وابسته است. در نخستین تقرب به واقع، ممکن است رابطه رفتار را با چهار سازه مزبور به شکل یک تابع کلی، به صورت ساده شده زیر، تدوین کرد» (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۰). یعنی:

$$\text{رفتار} = f(\text{معنا، انتظار، نیاز، فرصت})$$

بر این اساس مطابق با جدول زیر رفتار نهادی زنان تحت تاثیر نیاز ها، انتظارات، فرصت ها و معنای جنسیتی آنها می باشد تا از این طریق بتوان به ارزش ها و نگرش های زنان در عرصه های مختلف دست یافت.

جدول ۲: چارچوب مفهومی ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران

ارزش ها و نگرش ها	رفتار نهادی	فرهنگ جامعه
نیاز انتظار فرصت معنا	رفتارهای فرزندآوری، ایفای نقش مادری، تمایل به ازدواج، میزان رضایت از زندگی مشترک، وضعیت اشتغال، تحصیل کردن، انجام امور منزل، رعایت پوشش، بهره مندی از فضاهای اجتماعی جنسیتی	نهادهای و ساختار اجتماعی

(۱) رفتار نهادی زنان:

با عنایت به وجود هفت نهاد اساسی در جامعه یعنی؛ نهاد خانواده، دولت، دین، اقتصاد، آموزش و پرورش، اقتصاد و رسانه می توان رفتارهای نهادی مهم و مورد دغدغه زیر را برای زنان مورد قرار داد: رفتارهای فرزندآوری، ایفای نقش مادری، تمایل به ازدواج، میزان رضایت از زندگی مشترک، وضعیت اشتغال، تحصیل کردن، انجام امور منزل، رعایت پوشش، بهره مندی از فضاهای اجتماعی جنسیتی.

(۲) ارزش ها و نگرش های زنان

مطابق مباحث نظری مطرح شده، ارزش های و نگرش های زنان پیرامون یک کنش نهادی تحت تاثیر چهار عنصر می باشد که در زیر به توضیح آنها پرداخته می شود.

(۱) فرصت: به امکانات و موقعیت هایی که منجر به شکل گیری یک رفتار نهادی می گردد اطلاق می گردد. «به دنبال پنداشت چهار بُعدی از جامعه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) و مفهوم چهار بُعدی از انسان (انسان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و شناختی) می توان برای فرصت ها نیز چهار بعد اصلی قائل شد (چلبی، ۱۳۷۵). این ها عبارتند از: الف) فرصت های مادی: این فرصت های در ارتباط با محیط درونی و بیرونی انسان به دو دسته عمده قابل تقسیم اند: ۱- مواهب زیستی - روانی (محیط درونی) ۲- مواهب اقتصادی (محیط بیرونی) که شامل شغل و ابزار مادی زندگی (مانند غذا، پوشاک، مسکن و...) می گردد. ب) فرصت های سیاسی: سه نوع فرصت سیاسی که از سوی جامعه و دولت فراهم می شوند عبارت اند از: امنیت، آزادی مثبت و نظارتی بیرونی.

ج) فرصت‌های اجتماعی (رابطه‌ای): این فرصت در معنای محدود، امکان برقراری رابطه اجتماعی با دیگری‌اند. رابطه اجتماعی، عنصر اصلی تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است. در واقع تمامی نظریه‌های سرمایه اجتماعی در تعریف خود، رابطه اجتماعی را جزء اصلی سازنده سرمایه می‌دانند (چلبی، ۱۳۷۵؛ کلمن، ۱۹۹۰؛ لبن، ۲۰۰۱؛ پاکستون، ۲۰۰۲؛ گروت‌رت و همکار، ۲۰۰۲). د) فرصت‌های فرهنگی: در یک معنا فرصت‌های فرهنگی جامعه به چهار دسته عمده تقسیم می‌شود که شامل فرصت فکر کردن، تجربه کردن، یاد گرفتن و یاد دادن می‌گردد. در واقع جامعه نه تنها، باید به اعضای خود فرصت، رخصت و جرأت فکر کردن بدهد، بلکه باید آن‌ها را به تفکر در همه امور دعوت کند» (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۱۲-۱۱۷).

۲) نیاز: بررسی‌ها نشان می‌دهد که نیازها عمدتاً در برگیرنده کمبودها تا خواسته‌ها و ترجیحات افراد به حساب می‌آیند. «در نظریه‌های گوناگون نیازهای انسان به صورت مختلف طبقه‌بندی می‌شوند، گرچه اغلب طبقه‌بندی‌ها با یکدیگر همپوش هستند. در اینجا نیازهای انسانی به چهار مقوله عمده تقسیم شده‌اند. این چهار مقوله بر یک الگوی مفهومی چهار بعدی از ماهیت انسان مبتنی است. طبق این الگو، انسان حداقل چهار چهره دارد؛ یعنی، انسان اقتصادی، انسان سیاسی، انسان اجتماعی، و انسان شناختی (چلبی، ۱۳۸۱: ۸۴). در این الگوی مفهومی، هر چهره انسان با علقه‌ای (نفع) ماهوی شامل علقه مادی، علقه امنیتی، علقه ارتباطی و علقه شناختی عجین است» (چلبی، ۱۳۸۱: ۸۴).

به لحاظ گونه‌شناسی از منظر اجتماعی می‌توان برداشت‌ها و تعاریف ارائه شده پیرامون نیازها را به چهار دسته طبقه‌بندی کرد: دسته اول: نیاز به عنوان فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب: به نظر گافمن نیاز به موقعیتی دلالت دارد که در آن وضعیت موجود با وضعیت مطلوب فاصله دارد. به نظر وی وضعیت مطلوب در برگیرنده ایده‌آل‌ها، هنجارها، ترجیحات، انتظارات و ادراکات مختلف درباره آنچه که باید باشد، است. دسته دوم: نیاز به عنوان یک خواست یا ترجیح: در این دیدگاه عقاید، نظرات، خواسته‌ها و ترجیحات افراد و گروه‌های مختلف را مد نظر قرار می‌دهد. دسته سوم: نیاز به عنوان یک عیب یا کاستی: در این برداشت نیاز به عنوان یک نقصان و عیب یا نوعی کمبود به شمار می‌آید. در این دیدگاه هنگامی که نوعی توانایی، مهارت و یا نگرش وجود نداشته باشد، به طوری که عدم حضور آنها منجر به ضرر و یا خسران در عملکرد فردی و یا سازمانی گردد نشانگر وجود «نیاز» است. دسته چهارم: برداشت ترکیبی؛ در رویکرد ترکیبی آنچه که بین وضع موجود و وضع مطلوب قرار دارد و آنچه که ترجیحات، علایق و انتظارات افراد را شکل می‌دهد و سرانجام آنچه که بر عملکردهای مطلوب، اثر منفی دارد همگی نشانگر نیاز هستند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۷۵: ۷-۱۰ و عباس زاده، ۱۳۸۶: ۵۷).

«برناردشاو» گونه‌شناسی دیگری دارد که بر آن اساس نیازها را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

- نیازهای هنجاری: به فاصله میان وضع موجود و استانداردهای تعیین شده اطلاق می‌گردد.

- نیازهای احساس شده: به خواست یا نیازی اشاره دارد که طی زمان و در حین فعالیتی، احساس می‌گردد.
- نیازهای بیان شده (مورد تقاضا): نیازهای را در بر می‌گیرد که فرد آنها را تقاضا می‌کند.

- نیازهای مقایسه‌ای: که در فرایند مقایسه فرد یا گروهی با نمونه‌ای مشابه مطرح می‌سازند (عباس‌زاده، ۱۳۸۶:

۵۸):

از گونه‌شناسی‌های مطرح شده این‌طور استنباط می‌شود که مفهوم نیاز از ابعاد و لایه‌های مختلف معنایی تشکیل شده است. همان‌طور که اشاره گردید، صرف نظر از اختلاف نظرهای ناشی از نگرش، هسته اصلی مفهوم نیاز، «احساس کمبود» است. ضمن تأکید بر بعد اصلی مفهوم نیاز لازم است به تفاوت میان مفهوم نیاز با مفاهیم نزدیک و حتی تشکیل دهنده آن توجه داشته باشیم. نیازها به چیزهایی اشاره دارند که برای رسیدن به یک مقصود و هدف ضروری‌اند. خواست‌ها چیزهایی هستند که مطلوب و مفید می‌باشند ولی الزاماً ضروری نیستند. علایق به کنجکاوی یا توجه فردی به یک چیز اشاره دارند.

۳) انتظارات اجتماعی: معمولاً نیازهای فردی با نیازهای جمعی نه تنها در یک راستا قرار نمی‌گیرند، بلکه در تقابل و تضاد با یکدیگر واقع می‌شوند. به عبارت دیگر، الزامات و مقتضیات تولید خیر جمعی و تولید مطلوبیت فردی با یکدیگر متفاوت و عموماً متناقض یکدیگرند. از این رو، نیازهای جمعی در بستر روابط اجتماعی و در جمع به عنوان گروه اجتماعی و در جامعه به عنوان یک «ابر گروه» به انتظارات اجتماعی بدل می‌شوند. اگر انتظار اجتماعی در بستر زمان از حالت آنی و انضمامی صرف خارج و با عنصر «معنا» ترکیب شود، در آن صورت به هنجار اجتماعی بدل می‌شود (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

۴) معنا: معانی، هسته محوری فرهنگ را تشکیل می‌دهند. همچنین معنا اثر سیبرنتیکی (جهت دهی) بر رفتار دارد. با عنایت به اثر مزبور، اگر معنا به هر دلیل رسا نباشد یا نادرست باشد و یا به هر عنوان غیرمنطقی تلقی شود، اثر جهت دهی آن بر رفتار از دست می‌رود.

در این مطالعه برای تحلیل وضعیت معنای رفتار نهادی زنان بهره‌گیری از نظریه‌های تفاوت‌های جنسیتی و نابرابری جنسیتی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا در بیشتر مواقع رفتار زنان در جامعه ایران و به‌خصوص کلانشهر تهران تحت تاثیر نظریه‌های فمینیستی مختلف، نظریه یادگیری و اجتماعی شدن جنسیتی خاص فرهنگ ایرانی و نیز اجتماعی شدن جنسیتی دینی (تحت تاثیر آموز‌های اسلامی و شیعی) می‌باشد؛ در واقع نظریه‌های یاد شده حاوی دو مدل از مدل‌های تبیین علمی بودند: مدل علی و مدل کارکردی. تبیین‌های علی از عوامل مختلف زیستی، روانی و اجتماعی بهره‌جسته‌اند و تبیین‌های کارکردی بر کارکردهای مثبت تفکیک جنسیتی نقش‌ها در جهت حفظ یکپارچگی اجتماعی یا کارکردهای منفی آن در جهت استثمار زنان و تداوم نظام سرمایه‌داری تأکید کرده‌اند.

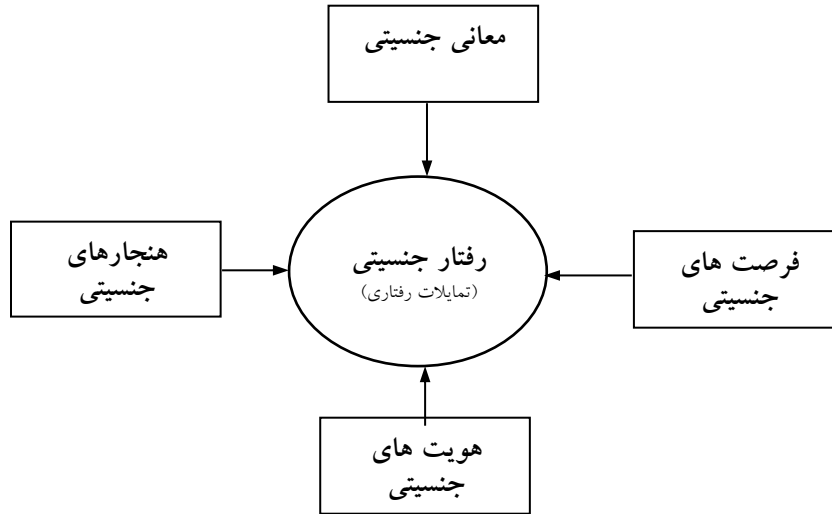
با عنایت به این امر می توان گفت هویت اجتماعی زن ایرانی از این منابع نشأت می گیرد. در واقع انتظار می رود زنان در جامعه ایران با تاسی از هر یک از این معانی جنسیتی، جهت گیری های رفتارهای نهادی خود را مشخص کنند. بر این اساس چارچوب مفهومی این مطالعه متأثر از تئوری رفتار منطقی آیزن و همکاران و نیز نظریه رفتار چلبی می باشد که در قالب مدل زیر فرمول بندی شده است. بنابراین با تاسی از چارچوب مفهومی پژوهش، مفاهیم میزان تمایل به رفتار جنسیتی، هنجارهای جنسیتی، فرصت های جنسیتی، هویت جنسیتی و معنای جنسیتی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر تا با هر یک از رفتارهای جنسیتی به عنوان متغیر وابسته، رابطه آماری آنها مورد بررسی قرار گیرد.

با عنایت به مدل مفهومی زیر، رفتار نهادی (جنسیتی) نوعی انجام رفتار و ایفای نقش زنانه در نظر گرفته شده که در حال انجام بوده؛ و یا در مواردی در قالب «تمایلات رفتاری» زنان «میل» به انجام آن در بین دختران یا زنان مشاهده می گردد. به تعبیر دیگری و در سطح انضمامی تر می توان از آن به عنوان متغیر وابسته پژوهش یاد نمود که تحت تاثیر هنجارها و باورهای فردی و اجتماعی می باشد. بر این اساس در بحث از عوامل تعیین کننده رفتارهای جنسیتی زنان، «هنجارهای اجتماعی» نوعی فشار یا تا حدودی الزام است که دیگران «انتظار» انجام رفتار جنسیتی از سوی زنان دارند. همچنین در این راستا «فرصت جنسیتی» نوعی «امکان و موقعیت» ایفای نقش را بر حسب موقعیت و محدودیت های مختلف مالی، جسمی، اجتماعی و ... می باشند که در کنار تاثیر هنجارهای جنسیتی، بعد تبیینی و ساختاری رفتارهای جنسیتی محسوب می شود.

در بخش فردی و عاملیتی، «هویت جنسیتی» قرار دارد که به نحوی اهمیت داشتن و «مهم» بودن یک موقعیت یا انجام رفتار جنسیتی برای زنان در نظر گرفته شده است. در این میان نیز «معنای جنسیتی»، در قالب «فهم و ادراک» فرد در قبال رفتار جنسیتی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در مقابل واقعیت ذهنی کنشگران ایجاب می کند که معنا و ادراک جنسیتی رفتارهای مختلف زنان مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه تفسیر زنان از رفتارهایشان در قالب گرایش های مختلف موجب جهت دهی به کنش آنها می گردد. در این میان نیز میزان احساس هویت جنسیتی در قبال انجام رفتارهای جنسیتی در قالب میزان اهمیت قائل شدن برای آنها و مهم جلوه کردن بیانگر ارزش ذهنی زنان برای تاثیر گذاری بر رفتارشان می باشد. به عبارتی عاملیت بخشی به زنان در کنار ساختار عینی می توانند به کنش و واکنش آنها رفتار تعیین بخشد.

بر این اساس مدل کلی پژوهش به صورت زیر قابل ترسیم است. گر چه در سطح تجربی تر می توان جهت مدل (از چپ به راست و پیچیده تر) و نیز برخی از متغیرهای زمینه ای (سن، سواد، وضع تأهل و ...) و موقعیت اجتماعی (میزان مذهبی بودن، میزان مصرف رسانه ای و ...)، ویژگی های خانوادگی (سواد همسر، ابعاد خانواده و ...) موقعیت اقتصادی (وضعیت اشتغال، کفایت درآمدی و ...) را می توان بدان افزود.

مدل ۷: مدل مفهومی پژوهش



فرضیات پژوهش

- ۱- به نظر می رسد بین انواع معانی جنسیتی زنان با وضعیت رفتارهای جنسیتی آنها رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- ۲- به نظر می رسد بین وضعیت فرصت های جنسیتی زنان با وضعیت رفتارهای جنسیتی آنها رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- ۳- به نظر می رسد بین وضعیت هنجارهای جنسیتی زنان با وضعیت رفتارهای جنسیتی آنها رابطه آماری معناداری وجود دارد.
- ۴- به نظر می رسد بین وضعیت هویت جنسیتی (اهمیت) زنان با وضعیت رفتارهای جنسیتی آنها رابطه آماری معناداری وجود دارد.

**فصل سوم:
روش پژوهش**

۳-۱) روش تحقیق

در یک دسته بندی کلی مطابق دو پارادایم مسلط در علوم اجتماعی، یعنی اثبات گرایی و تفسیرگرایی (و نیز انتقادگرایی) دو نوع تحقیق کمی و کیفی از همدیگر قابل تفکیک می باشد، به نحوی، که هر کدام انواع روش های تحقیق کمی (پیمایش، آزمایش، تحلیل محتوا و ..) و کیفی (گراندد تئوری، پدیدارشناسی و ..) را شامل می شوند. با توجه به اهداف پژوهش، در این مطالعه از روش تحقیق پیمایش استفاده شده است.

۳-۲) جمعیت آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه گیری

جمعیت آماری این پژوهش شامل «کلیه دختران و زنان ۱۵ سال به بالای شهر تهران در سال ۱۳۹۹» می باشد. عملیات نمونه گیری و برآورد حجم نمونه بدین شرح است:
طبق داده های حاصل از سرشماری، جمعیت ۱۵ سال به بالای شهر تهران بسیار می باشند که طبیعتاً برای دستیابی به نظرات آنها بایستی به نمونه ای معرف دست یافت. در زیر به تشریح نحوه برآورد حجم نمونه و شیوه نمونه گیری این جمعیت آماری بیشتر اشاره می گردد.

الف) تعیین دقت احتمالی مطلوب: حجم نمونه مقتضی به دو عامل کلیدی بستگی دارد؛ درجه دقت مورد نظر برای نمونه و میزان تغییر در جمعیت بر حسب خصوصیات اصلی مورد مطالعه (دواس، ۱۳۷۶: ۷۸). براین مبنا محقق ابتدا باید تصویری هر چند غیر دقیق از دقت احتمالی مطلوب - چه به صورت اشتباه استاندارد و چه به صورت فاصله اطمینان - در دست داشته باشد تا برآورد حجم نمونه امکان پذیر شود (سرای، ۱۳۷۲).
اگر حجم نمونه را با فرمول کوکران و مربوط به روش نمونه گیری ساده در نظر بگیریم. در واقع در فرمول زیر مقدار P نسبت مورد نظر برای یک صفت برابر با $۰/۵$ در نظر گرفته شده است که با قرار داد در $(P-۱)$ برابر با $۰/۲۵$ خواهد شد. همچنین مقدار Z متناظر با احتمال ۹۵ درصد در توزیع نرمال استاندارد برابر با $۱/۹۶$ در نظر گرفته شده است. d نیز میزان خطای نسبی برآورد برای صفت مورد نظر است که مقدار آن برابر با $۰/۰۲$ می باشد. بنابراین به دلیل منظور داشتن ضریب همبستگی درون خوشه ای حجم نمونه نهایی بایستی افزایش یابد.

$$n = \frac{t^2 P(1-P)}{d^2}$$

$$n = \frac{۳/۸۴ \times ۰/۲۵}{۰/۰۰۰۴} = ۱۲۰۰$$

در مطالعه حاضر برای جمع آوری داده ها دو سناریو در نظر گرفته شد: نخست؛ مصاحبه حضوری: شیوه نمونه گیری این مطالعه احتمالی و از نوع «نمونه گیری چندمرحله ای» (multi-stage sampling) می باشد که با توجه به تداوم اوضاع کرونا میسر نگردید؛ این شیوه در موج اول پژوهش (۱۳۹۶) مورد استفاده قرار گرفت. دوم؛ مصاحبه تلفنی: با توجه به تداوم کرونا و نیز با عنایت به موافقت ناظر پژوهش و مدیریت اداره مطالعات شهرداری برای جمع آوری داده ها از مصاحبه تلفنی استفاده گردید. بنابراین مراحل انجام پیمایش تلفنی در شهر تهران بدین شرح است:

۱- برای دستیابی به زنان و دختران ۱۵ سال به بالای شهر تهران، پیش شماره های تلفن ثابت کلیه مناطق شهری از سایت مخابرات گرفته شد. حدود بالغ بر ۶۰۰ تلفن ثابت با پیش شماره ۴ رقم بر حسب مناطق مختلف در شهر تهران وجود دارد.

۲- با توجه به نمونه ۱۲۰۰ نفری این پژوهش، متناسب با حجم نمونه مناطق شهری مختلف و نیز برای داشتن نمونه بیشتر و نیز امکان نمونه گیری سیستماتیک از شماره های تلفن ثابت، ۱۰ برابر پیش شماره های تلفن های ثابت عدد تولید گردید که برابر با ۶۶۰۰ تلفن شد.

۳- بعد از تهیه ۶۶۰۰ تلفن ثابت با ۴ عدد پیش شماره، از طریق نرم افزار اکسل ۴ عدد تصادفی تولید و تهیه گردید و به پیش شماره های مورد نظر اضافه شد تا مجموع اعداد تلفن ثابت به ۸ رقم برسد.

۴- با تهیه لیست ۶۶۰۰ تلفن ثابت از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، به هریک از پرسشگران تلفن های یک منطقه شهری و نیز حجم نمونه لازم داده شد و از آنها خواسته شد براساس شیوه نمونه گیری سیستماتیک با فاصله عدد ۵ با منازل مردم در شهر تهران تماس حاصل نمایند.

۵- با توجه به بهره مندی از تکنیک مصاحبه تلفنی برای جمع آوری داده ها، پرسشنامه الکترونیک طرح از طریق سامانه «اول فرم» <https://avalform.com> تهیه شد و لینک آن از طریق شبکه های اجتماعی در اختیار پرسشگران آموزش دیده قرار داده شد تا از طریق لب تاپ به صورت آنلاین وارد سامانه مربوطه شوکد و در عین حال با داشتن لیست تلفن های ثابت مورد نظر جمع آوری داده ها را شروع کنند.

۶- با عنایت به ویژگی جامعه آماری زنان در شهر تهران از پرسشگران خواسته می شود تا براساس جدول نمونه گیری سهمیه ای زیر عمل کنند.

جدول ۱: توزیع افراد نمونه بر حسب جنس و سن

تأهل / سن	۱۵ تا ۲۹	۳۰ تا ۴۹	۵۰ و بالاتر	جمع
مجرد	۲	۲	-	۴
متأهل	۲	۲	۲	۶
جمع	۴	۴	۲	۱۰

۷- با توجه به تعداد جمعیت آماری ۳۲۹۱۲۴۴ نفری زنان ۱۵ سال و بالاتر در ۲۲ منطقه شهر تهران، بایستی علاوه بر رعایت نسبت سنی و وضع تاهل افراد، نسبت نمونه در هر منطقه نیز مورد توجه قرار گیرد تا نتایج با دقت بیشتری قابل تعمیم باشد. در این راستا، ابتدا نسبت جمعیت زنان هر منطقه نسبت به کل جمعیت آماری محاسبه گردید و با توجه به حجم نمونه ۱۲۰۰ نفری، نسبت نمونه هر منطقه به کل نمونه ۱۲۰۰ تعیین گردید که در جدول زیر مشخص شده است.

شایان ذکر است برای کنترل بیشتر فرایند نمونه گیری بر حسب نسبت سنی، وضع تاهل و نیز تعداد نمونه زنان ۱۵ سال به بالای هر منطقه (با توجه به پراکندگی تلفن های کل شهر) در ابتدای پرسشنامه، این سه متغیر مورد پرسش قرار می گیرد و در زمان گردآوری داده ها، روزانه توزیع فراوانی این سه نسبت کنترل می گردد تا در ابعاد مختلف ویژگی های نمونه مشابه پارامتر کل جمعیت دختران و زنان ۱۵ سال به بالای شهر تهران باشد.

جدول ۲: وضعیت تعداد جمعیت و نمونه هر منطقه در شهر تهران

ردیف	منطقه	تعداد جمعیت	نسبت جمعیت	حجم نمونه برآورد شده	تعداد نمونه جمع آوری شده
۱	منطقه یک	159545	5	۶۰	۵۳
۲	منطقه دو	260112	8	۹۰	۶۸
۳	منطقه سه	278955	8	۹۰	۴۶
۴	منطقه چهار	331838	10	۱۲۰	۱۲۱
۵	منطقه پنج	275353	8	۹۰	۹۷
۶	منطقه شش	104661	3	۳۰	۳۱
۷	منطقه هفت	129599	4	۴۵	۴۸
۸	منطقه هشت	156126	5	۶۰	۶۳
۹	منطقه نه	62045	2	۳۰	۳۶
۱۰	منطقه ده	127200	4	۴۵	۵۴
۱۱	منطقه یازده	109347	3	۴۵	۴۴
۱۲	منطقه دوازده	93386	3	۳۵	۴۱
۱۳	منطقه سیزده	99678	3	۳۰	۳۵
۱۴	منطقه چهارده	197957	7	۷۵	۷۱
۱۵	منطقه پانزده	243417	7	۹۰	۹۴
۱۶	منطقه شانزده	120534	4	۴۵	۴۸
۱۷	منطقه هفده	99128	3	۳۵	۱۶
۱۸	منطقه هجده	120703	4	۴۵	۵۳
۱۹	منطقه نوزده	92218	3	۳۵	۳۶
۲۰	منطقه بیست	124479	4	۴۵	۵۱
۲۱	منطقه بیست و یک	64166	2	۳۰	۳۷
۲۲	منطقه بیست و دو	40797	1	۳۰	۳۶
-	جمع	3291244	100	۱۲۰۰	۱۲۰۰

(تعداد بی جواب: ۲۱ نفر)

۳-۳) ابزار گردآوری داده‌ها

با عنایت به اهداف و سؤالات مطرح شده در این مطالعه، برای جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است.

۳-۴) تعاریف مفاهیم و متغیرهای پژوهش

مطابق با چارچوب مفهومی پژوهش پنج مفهوم اساسی برای سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان و دختران در نظر گرفته شده که بدین شرح است:

رفتار جنسیتی (Gender behavior): رفتار، دلالت بر واکنش مکانیکی در برابر محرک‌ها دارد، حال آنکه اصطلاح کنش بر یک فراگرد فعالانه، خلاقانه و ذهنی دلالت می‌کند (ریتزر، ۱۳۹۵: ۵۲۹). منظور پارسونز از کنش همان کوشش کنشگران در جهت تحقق نیت‌های نمادین‌شان در محیط‌های نمادین می‌باشد (تابی، ۱۹۷۷: ۲ به نقل از ریتزر، ۱۳۹۵). بنابراین می‌تواند در نظر داشت که هر کنشی دارای هدفی بوده که به نوبه خود کنشگر بر اساس شرایط، وسایل و هنجارها و ارزشها به انجام آن می‌پردازد.

هنگامی که مردم ویژگی‌های خاصی از یک جنس را کسب کنند، تمایل دارند، به گونه‌ای مطابق با مقتضیات رفتارهای منتسب به آن جنس رفتار کنند (Chatterjee & McCorrey, 1991). از این رو، رفتارشان به گونه‌ای است که می‌توان آن را به صورت زنانه، مردانه و یا دوجنسیتی مشخص نمود. یا آنکه می‌گوییم آن رفتار هیچ سنخیتی با برچسب‌های نام برده ندارد (بارون و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۶). با مشخص شدن رفتارها و ترویج الگوهای رفتاری بتدریج نقش‌های جنسیتی شکل می‌گیرد. «نقش‌های جنسیتی اشاره به آموزش و رفتارهای اجتماعی دارد که جامعه آن را به عنوان ویژگی‌های رفتاری جنسی پذیرفته است (عضدانلو، ۱۳۸۴: ۶۴۸). براساس نظریه نقش اجتماعی، تفاوت‌های جنسیتی در رفتارهای اجتماعی ناشی از توزیع نقش‌ها براساس جنسیت است. در جوامع امروزی نقش‌های مبتنی بر حمایت‌گری، مراقبت‌کنندگی، خانه‌داری و ... برای زنان تعیین شده است و نقش‌هایی که با کسب درآمد و منزلت همراه است، برای مردان در نظر گرفته می‌شود (Eagly, 2002: 1069).

در مجموع می‌توان رفتارهای جنسیتی را کنش‌هایی در نظر گرفت که زنان در قالب یکسری اعمال و نقش‌ها متناسب با ارزشها و هنجارهای جامعه مقید به ایفای آنها می‌باشند. در این راستا نیز تمایلات رفتارهای جنسیتی نیز، نوعی قصد و ترجیح جنسیتی می‌باشد که معمولاً زنان به نحوی بدان تمایل دارند، کنش جنسیتی آنها متناسب با آن و یا به میزان آن انجام بپذیرد. بنابراین تمایلات و انگیزه جنسیتی میزان علاقه فرد با انجام رفتارهای زنان یا درک وی از رفتار زنانه به عنوان نقش مورد علاقه که در صورت فراهم آمدن شرایط، حاضر به ایفای نقش جنسیتی می‌باشد، تعریف می‌شود.

در مجموع موج اول پژوهش (۱۳۹۶) با تحلیل تماتیک صورت گرفته در خصوص مسائل و دغدغه های زنان در شهر تهران در نهایت با در نظر گرفتن میزان برجسته سازی و بسامد موارد بیان شده از سوی زنان و انتزاع صورت گرفته، ۹ رفتار جنسیتی بیش از همه توجه محقق و تیم همکاران را به خود جلب کرد تا در ابعاد مختلف بتوان ارزش ها و نگرش های زنان را در قبال آنها مطالعه نمود. رفتارهای مهم و مساله محور دختران و زنان شهر تهران شامل مواردی از جمله: رفتارهای فرزندآوری، ایفای نقش مادری، تمایل به ازدواج، میزان رضایت از زندگی مشترک، وضعیت اشتغال، تحصیل کردن، انجام امور منزل، رعایت پوشش، بهره مندی از فضاهای اجتماعی جنسیتی می باشند. البته در این میان، به خاطر تفاوت در وضعیت تاهل زنان، رفتارهایی از قبیل تمایل به ازدواج فقط در بین دختران مجرد و نیز در مقابل میزان رضایت از زندگی مشترک فقط در بین زنان متأهل مورد مطالعه قرار گرفته شده است.

هنجار جنسیتی (Gender norms): هنجارها قواعدی برای رفتارند که ارزش های یک فرهنگ را منعکس می کنند یا تجسم می بخشند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۳۵). دویل و پالودب (۱۹۹۸) هنجار جنسیتی را به عنوان توصیه های جوامع برای رفتارها، باورها و نگرش های زنان و مردان تعریف کرده اند. هنجارهای جنسیتی اصول راهنمای تجویزی برای نقش های جنسیتی هستند (Russo, 1976) به نقل از گروسی، ۱۳۹۵: ۵۳). جیمز دویل (۱۹۹۵) پنج هنجار رفتاری برای مردان در فرهنگی غربی را به این ترتیب نام می برد: بروز ندادن رفتارهای زنانه، تمایل به موفقیت و کسب قدرت، پرخاشگری و خشونت، اعتماد به نفس و خود اتکایی و رفتار جنسی (به نقل از گروسی، ۱۳۹۵: ۵۴).

در این راستا نقش جنسیتی مجموعه ای از استانداردهای است که انتظارات را بر رفتار زنان و مردان تحمیل می کنند. این هنجارها برای رفتار اجتماعی مناسب از فرهنگ تا فرهنگ متفاوت است و در طول زمان تغییر می کند. برخی از تفاوت های جنسیتی بیولوژیکی هستند، اما بعضی دیگر محصول تجربیات اجتماعی شدن هستند. در واقع «هنجارهای جنسیتی: مجموعه ای از رفتارها، باورها و نگرش های خاص که هر جامعه برای زنان و مردان نماید تجویز می نمایند» (مگی هام، ۱۳۸۲: ۴۱۶).

براین اساس انتظار می رود زنان به انجام یکسری رفتارها و نیز ایفای نقش ها بپردازند. این هنجارها به صورت انتظار و یا نوعی فشار از سوی زنان احساس می شود. بنابراین با توجه به در نظر گرفتن انواع رفتار و تمایلات جنسیتی برای زنان می توان میزان انتظاری که خانواده و یا اطرافیان از زنان برای انجام آن نقش دارند به لحاظ عملیاتی تحت عنوان هنجارهای جنسیتی مورد سنجش قرار گیرد.

هویت جنسیتی (Gender identity) (اهمیت): هویت به درک و تلقی مردم از این که چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است؛ مربوط می شود. این درک و تلقی ها در پیوند با خصوصیات معینی شکل می گیرد که بر سایر منابع معنایی اولویت دارند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۴۵). بعضی از منابع اصلی هویت عبارتند از جنسیت، جهت گیری تمایل جنسی، ملیت یا قومیت و طبقه اجتماعی.

به نظر جنکینز «خود» یک هویت اجتماعی اولیه و بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است و جنسیت در نحوه شکل «خود» نقش تعیین کننده‌ای دارد؛ زیرا به تجربه فرد سامان می‌بخشد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۰۳). «هر یک از ما یک هویت جنسیتی داریم و بر اساس آن خود را زن یا مرد می‌دانیم؛ به غیر از موارد نسبتاً نادر، غالباً جنس فیزیولوژیک یک فرد و هویت جنسیتی وی با یکدیگر هماهنگی دارند» (بارون و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۳).

بنیان زیستی شکل گیری هویت جنسیتی عبارت است از شناخت فرد از بدن خود با نشانگان زنانگی یا مردانگی. بدون شک این شناخت، اولین گام در تشکیل هویت جنسیتی است؛ اما تمامی آن را در بر نمی‌گیرد. وجود توانایی های شناختی مناسب و آمادگی های روان شناختی لازم برای تکمیل آگاهی فرد از جنسیت خود ضروری است. پس هویت جنسیتی در بسیاری از عرصه های زندگی فرد خود را به نمایش می‌گذارد؛ برای مثال در علائق و فعالیت های فردی، اسنادهای اجتماعی و فردی، روابط اجتماعی، شیوه های برقراری ارتباط های زبانی و غیرزبانی و ارزش های مربوط به جنسیت. گسترگی معنایی هویت جنسیتی از نشانه ها و ظواهر جسمانی تا عملکرد ها و انتظارات اجتماعی، نشان دهنده پیچیدگی و عمق بسیار زیاد این مفهوم است (گروسی، ۱۳۹۵: ۸۱).

مایکل کیمل معتقد است: هویت تصویری است که ما از خودمان و روابطمان با جهان بیرون داریم. گر چه ممکن است که این تصویر از خودمان با تصویر دیگران از ما کاملاً تفاوت داشته باشد؛ اما این که چه تصویری از خودمان داشته باشیم؛ بستگی دارد به تصویری که ما از جنسیت خود داریم؛ یعنی هویت ما را هویت جنسیتی ما تشکیل می‌دهد.

در واقع وی هویت جنسیتی را به معنای تصور هر کس از معنای مردانگی و زنانگی و وظایف و اختیارات و ویژگی‌هایی که به زن و مرد اطلاق می‌شود، می‌داند. به عبارتی دیگر، هویت‌های جنسیتی به شکلی که در فرهنگ‌های گوناگون به زن و مرد القا می‌شود کمتر با فطرت و طبیعت، و بیشتر با هنجارهای فرهنگی ارتباط دارد و بنابراین به اجتماع‌پذیری و اجتماعی‌شدن ربط پیدا می‌کند. بنابراین وی هویت جنسیتی را تجلی گوهری درونی به شمار نمی‌آورد، بلکه آن را حاصل شکل‌گیری اجتماعی می‌داند (Michael kimmel, 1997). همچنین بنا به تعریف «سوزان گولومبرک» و «رابین فی‌وش» هویت جنسیتی به معنای برداشت یا تعریفی که فرد از خود به عنوان یک زن یا یک مرد دارد، است (گولومبرک و فی‌وش، ۱۳۷۸: ۱۲). بر این معنا جنسیت رمزی بنیادین است که در انطباق با کنش متقابل اجتماعی و ساختار اجتماعی ساخته می‌شود (گافمن، ۱۹۹۷: ۲۰۱). رمزی که ما را با هویت شخصی و اجتماعی خود آشنا می‌کند. زنان و مردان از طریق رمزگان جنسیت با یکدیگر رویارو می‌شوند و هویت‌های جنسیتی همدیگر را باز می‌شناسند. از این نظر رمزگان جنسیت به عنوان یک عنصر اساسی برای آگاهی‌بخشی متقابل در موقعیت‌های اجتماعی عمل می‌کند (گافمن، ۱۹۹۷ به نقل از سلطانی، ۱۳۸۵). این نوع هویت با ویژگی‌ها و خصلت‌های رفتاری مشخص می‌شود. بنابراین منظور از هویت جنسیتی آن بخش از رفتارها و نگرش‌های فرد نسبت به جنسیت خویش است که تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. به این ترتیب جنسیت یکی از رایج‌ترین اصول طبقه‌بندی و احتمالاً فراگیرترین این اصول است. جنسیت آشکارترین وجه هویت فردی است و در تعامل میان دیگران ساخته می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱).

همچنین کارلسون و هیچ معتقدند که هویت جنسیتی اشاره به معنا و تجربه ذهنی شخص از جنسیتش (هویت جنسیتی شخصی) و همچنین شامل پذیرش عضویت یک فرد به عنوان مرد یا زن در یک گروهی از مردم (هویت جنسیتی اجتماعی) (کارلسون و هیچ، ۲۰۱۰: ۱۴۰). این بدان معناست که برخی اعمال و کنش‌ها ذاتاً زنانه و یا مناسب با جنس هستند؛ در حالی که هویت جنسیتی زنانه یعنی الحاق مجموعه‌ای از معانی فرهنگی به جنس مؤنث که برساخته اجتماعی و فرهنگی است و نه مجموعه‌ای از ویژگی‌های ذاتی در زنان یا توقعات طبیعی از آنان (پاینده، ۱۳۸۶: ۱۷۷). به لحاظ عملیاتی هویت جنسیتی به میزان معرف بودن، اهمیت داشتن و هویت بخش بودن یکسری رفتارهای جنسیتی اموری اطلاق می‌گردد، که به شناسایی و شکل دادن خود (Self) در یک زن منجر می‌شود و به نوبه خود از منظر زنان مهم و با اهمیت جلوه می‌کند.

فرصت جنسیتی (Gender opportunities): فرصت، به امکانات و موقعیت‌هایی که منجر به شکل‌گیری یک رفتار نهادی می‌گردد اطلاق می‌گردد. «به دنبال پنداشت چهار بُعدی از جامعه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) و مفهوم چهار بُعدی از انسان (انسان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و شناختی) می‌توان برای فرصت‌ها نیز چهار بعد اصلی قائل شد (چلبی، ۱۳۷۵).

بر این اساس فرصت جنسیتی بدان معنا است که زنان امکان و موقعیت انجام یکسری نقش ها و رفتارهای مختلف زنانه را داشته باشند، به نحوی که مشکلات مختلف مالی، جسمی و... آنها را محدود نسازد. این امر موجب ایجاد فرصت مساوی برای بهبود وضعیت زنان در جامعه می گردد. در واقع این وجه از علل، به توانایی کنترل زنان در این حوزه بر می گردد. البته فهم از فرصت با تبعیض متفاوت می باشد. «تبعیض، کلیه فعالیت هایی که اعضای گروه خاصی را از منابع و امکاناتی محروم می سازد که در دسترس سایر افراد و گروه ها است» (گیدنز، ۱۳۹۵: ۹۹۳). به لحاظ عملیاتی فرصت های جنسیتی به میزان امکانات و شرایط مختلف برای زنان اطلاق می گردد که باعث فرصت های برابر در زندگی اجتماعی و اقتصادی می گردد تا زنان بتواند همپای مردان از فرصت های برابری استفاده کنند.

ادراک یا معانی جنسیتی: فهم معنای پدیده ها در زندگی افراد محصول شناسایی و تحلیل اندیشه ها و تجارب زیسته افراد مختلف می باشد؛ به عبارتی منظومه ای از آنچه که کنشگر می بیند، ارزیابی می کند و می خواهد و یا نمی خواهد، است. پس هنگامی که تجربیات افراد را توصیف و تفسیر می نماییم به داده های حاصل معنا داده و مضامین اصلی آنها را اکتشاف می کنیم. ماهیت تجربه و ادراک ها از پدیده به عنوان یک فهم معنایی حاصل کنش انسانی و شرایط یا بافت کنش هستند. بنابراین معنای پدیده ها از منظر جامعه شناسی، یا از نگاه روانشناسی اجتماعی در قالب مفهوم ادراک قابل پیگیری است. در واقع ادراک فراتر از اندام های حسی است و با تجربه افراد آمیخته می شود؛ به عبارت دیگر ادراک، جمع آوری، سازماندهی و فهم اطلاعات محیطی است که شامل ابعاد شناختی، احساسی، تفسیری و ارزش گذاری نیز می شود. ادراک، همان تفسیر احساس است؛ همه افراد دارای حس هستند اما نحوه انتخاب سامان دادن و ارزش گذاری آنها متفاوت است. «فرایند آگاه شدن از اشیاء، ویژگی ها و رابطه ها از طریق اندام های حسی. گر چه در ادارک همواره محتوای حسی وجود دارد، با این حال آنچه ادراک می شود متأثر از آمایه و تجربه پیشین است، به نحوی که ادراک را باید چیزی فراتر از ثبت محرک های موثر بر اندام های حسی دانست» (هیگارد، ۱۳۷۳).

بر این اساس معنای جنسیتی به لحاظ عملیاتی در برگیرنده تفسیر، جهت گیری و قضاوت هایی است که زنان نسبت به انجام رفتارهای جنسیتی در جامعه دارند. میزان پذیرش و مقبولیت انواع گرایش و رویکردهای جنسیتی به نقش های اجتماعی که معمولاً باور و تجربه زیسته فرد را در قبال نحوه ایفای نقش های جنسیتی شکل می دهد، در بر می گیرد. در این مطالعه بر اساس مطالعه کیفی و با کمک گرفتن از تحلیل تماتیک، چهار معنای جنسیتی از یکدیگر تشخیص داده شده است:

نخست، معنای فمینیستی: «نوعی جهت گیری است که معتقد به برابری حقوق زن با مرد می باشد. این معنا در قالب مضامینی چون مقاومت، ایستادن یا برابر قرار دادن موقعیت زنان در برابر مردان بیشتر مورد سنجش قرار گرفته است. دوم، معنای فردگرایی (مدرن): نوعی جهت گیری است که توجه بیشتری به نیازها و پیشرفت فکری، استقلال و مدیریت بدن زن و ... دارد. به عبارتی تداعی کننده وابستگی کمتر به خانواده، همسر و در مقابل توجه بیشتری به استقلال، آزادی و پیشرفت فردی دارد. سوم، معنای کارکردی: مطالعه کارکرد یک نهاد یا عمل اجتماعی به معنای تحلیل نقش آن در تداوم بقای آن جامعه است (گیدنز، ۱۳۹۵: ۲۶). کارکرد به معنای نتیجه و اثری است که انطباق یا سازگاری یک ساختار معین یا اجزای آن را با شرایط لازم محیط فراهم می نماید (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۶۷۹). بنابراین در بحث از گرایش کارکردی می توان چنین بیان نمود که توجه یا پرداختن به یک رفتار، چه آثار منفی یا مثبت برای زنان به همراه دارد. با این عنایت که بیشتر به تفاوت و تمایز در نقش و رفتار زنان در مقایسه با مردان تکیه دارد.

چهارم، معنای دینی: با عنایت به پیوند بسیاری از موقعیت ها و نقش های جنسیتی، برخی از وجه نظرهای زنان جهت گیری و سویه دینی دارند. در واقع آموزه های دینی و برخی احکام شرعی اند که بسیاری از رفتارهای زنانه را پشتیبانی می کند، به نحوی که سایه گستره دین را در بیشتر اعمال و نقش های زنانه را می تواند مشاهده نمود.

در مجموع با توجه به در نظر گرفتن ۹ محور کلی جهت مطالعه «ارزش ها و نگرش های زنان» و از سویی توجه به پنج وضعیت رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنسیتی و معنای جنسیتی برای سنجش هر محور معرف های تدوین شده بدین شرح است:

بخش اول: سنجش ارزش ها و نگرش های زنان نسبت به فرزند

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنسیتی و معنای جنسیتی درباره فرزند آوری	
تعداد فرزندان (رفتار)	در حال حاضر چند فرزند دارید؟
فرزند ایده آل زنان/همسران (تمایل به رفتار)	دوست دارید چند تا فرزند داشته باشید؟ همسران دوست داشت چند تا فرزند داشته باشید؟
ترجیح جنسی فرزند (ترجیح رفتار)	اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید، دوست دارید پسر باشد یا دختر؟
هنجار فرزندآوری	چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما فرزند داشته باشید؟
فرصت فرزندآوری	چقدر امکان و موقعیت داشتن فرزند برای شما فراهم بوده است؟
اهمیت فرزند (هویت یابی)	در زندگی، داشتن فرزند چقدر برای شما مهم بوده است؟
معنای فرزندآوری	با کدامیک از نظرات زیر در زمینه داشتن فرزند موافقت میکنید؟ فرزند کمک حال دوران پیری و تنهایی پدر و مادر است (کارکردی) فرزند که دنیا می آید روزی اش زودتر می رسد (دینی) داشتن فرزند، خواسته ها و پیشرفت های زن را به عقب می اندازد (فردگرایانه) تصمیم برای داشتن فرزند باید بر عهده زن باشد نه مرد (فمینیستی)

بخش دوم: سنجش ارزش ها و نگرش های زنان نسبت به نقش مادری

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنسیتی و معنای جنسیتی درباره نقش مادری	
تمایل به نقش مادری	چقدر به مادر شدن علاقه و تمایل دارید؟
هنجار نقش مادری	چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما مادر می شدید/ شوید؟
اهمیت (هویت یابی) نقش مادری	چقدر به مادر شدن خود افتخار می کنید؟
فرصت نقش مادری	چقدر برای مادر شدن با مشکل و محدودیت مواجه اید؟
معنای نقش مادری	با کدامیک از نظرات زیر در زمینه مادر شدن موافقت میکنید؟ زنان با مادر شدن عزت و احترام پیدا می کنند (کارکردی) بهشت زیر پای مادران است (دینی) مادر بودن چیزی جز زحمت و مسئولیت نیست (فردگرایانه) مادر شدن به بدن و جسم زن لطمه می زند (فمینیستی)

بخش سوم: سنجش ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون زندگی زناشویی

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنستی و معنای جنسیتی درباره زندگی زناشویی	
رضایت از زندگی مشترک	از زندگی مشترک با همسر تان چقدر رضایت دارید؟ (رفتار) در حال حاضر زندگی مشترک شما مصداق کدامیک از موارد زیر است؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (رفتار ۲) ۱. با همسر، به خوبی و آرامش زندگی می کنم ۲. با همسر اختلاف دارم ولی با گفتگو آن را حل می کنم ۳. با همسر اختلاف زیاد دارم ولی به ادامه زندگی، امیدوارم ۴. با همسر فقط به خاطر یکسری مسائل مانند بچه ها، خانواده ها، حرف مردم و... زندگی می کنم ۵. امیدوارم روزی بتوانم از همسر جدا شوم
اهمیت (هویت یابی) زندگی مشترک	چقدر حفظ و ادامه زندگی مشترک برای شما مهم است؟
هنجار زندگی مشترک	چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که زندگی مشترک تان را حفظ کنید؟
فرصت زندگی مشترک	در زندگی مشترک چقدر با مشکلات و محدودیت های مختلف روبرو هستید؟
آزادی در انتخاب همسر	تا چه حد انتخاب همسر تان با اراده و اختیار شما صورت گرفته است؟
میزان تمایل به زندگی مجدد با همسر	اگر امکان داشت که دوباره ازدواج کنید؛ چقدر تمایل داشتید همسر تان را مجدداً انتخاب کنید؟
معیارهای همسرگزینی قبل و بعد از ازدواج	قبل از ازدواج، مهمترین معیار شما برای انتخاب همسر (فعلی) چه مواردی بود؟/ در حال حاضر با توجه به تجربه زندگی مشترک، مهمترین معیارهای انتخاب همسر (فعلی) چه مواردی است؟ (از بین ۹ مورد زیر به ترتیب ۱ تا ۳ بزنید) خوش اخلاق بودن/ خانواده دار بودن/ تعهد به زندگی زناشویی/ مذهبی بودن/ تحصیلات بالا/ عشق و علاقه/ خوش تیپ بودن/ پولدار بودن/ توانایی تأمین یک زندگی عادی
نگرش زنان به همبالی (ازدواج سفید)	بعضی از دختران و پسران در جامعه، بدون عقد رسمی به اصطلاح «ازدواج سفید» با هم زندگی می کنند، چقدر با رفتار آنها موافق یا مخالف اید؟
نگرش به جنس مخالف	با دوستی دختر و پسر به قصد ازدواج بدون اطلاع خانواده چقدر موافق یا مخالفید؟

بخش چهارم: سنجش ارزش ها و نگرش های دختران پیرامون ازدواج

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنستی و معنای جنسیتی درباره تمایل به ازدواج	
میزان تمایل به ازدواج	چقدر تمایل به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک دارید؟
سن مناسب و مطلوب ازدواج	دوست دارید در چه سنی ازدواج کنید؟ به نظر شما سن مناسب ازدواج برای دختران چه سنی و برای پسران چه سنی می باشد؟
اهمیت (هویت یابی) ازدواج	چقدر ازدواج کردن و تشکیل زندگی، برای شما مهم دارد؟
هنجار ازدواج	چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما ازدواج کنید؟
فرصت ازدواج	تاکنون چقدر امکان و فرصت ازدواج برای شما فراهم بوده است؟
معنای ازدواج	با کدامیک از نظرات زیر درباره ازدواج دختران موافقت میکنید؟ ازدواج باعث رفع نیازهای زیستی و عاطفی زنان می شود (فردگرایانه) یک دختر می تواند ازدواج نکند و مستقل زندگی کند (فمینیستی) ازدواج یک سنت دینی است و موجب تکامل زن می شود (دینی) دختران با ازدواج کردن صاحب شأن و منزلت اجتماعی می شوند (کارکردی)
معیارهای همسرگزینی دختران	به نظر شما مهمترین معیار انتخاب همسر کدامیک از موارد زیر است؟ خوش اخلاق بودن / خانواده دار بودن / تعهد به زندگی زناشویی / مذهبی بودن تحصیلات بالا / عشق و علاقه / خوش تیپ بودن / پولدار بودن / توانایی تأمین یک زندگی عادی

بخش پنجم: سنجش ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون امور منزل

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنستی و معنای جنسیتی درباره امور منزل	
انجام امور منزل در بین متأهلان/مجردان	در خانه سهم شما و همسران در انجام امور منزل چقدر است؟ (متأهلان)/ در خانه سهم شما، مادران و سایر اعضای خانواده در انجام امور منزل چقدر است؟ (مجردان) آشپزی و پخت غذا/ جمع آوری و شستن ظرف ها/ پاکیزگی و نظافت منزل
تمایل به انجام امور منزل	چقدر علاقه مند به انجام دادن امور منزل هستید؟
اهمیت (هویت یابی) انجام امور منزل	چقدر رسیدگی و توجه به امور منزل، برای شما اهمیت دارد؟
هنجار انجام امور منزل	چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما به انجام امور منزل پردازید؟
فرصت انجام امور منزل	چقدر برای رسیدگی به امور منزل وقت دارید؟
معنای انجام امور منزل	با کدامیک از نظرات زیر در زمینه انجام امور منزل موافقت می‌کنید؟ انجام امور منزل نه صرفاً بر عهده زن، بلکه بر عهده مرد هم هست (فمینیستی) بهرتر است کارهای داخل منزل برای زن و بیرون برای مردان باشد (کارکردی) انجام کار منزل یکنواخت و زن را فرسوده می‌کند (فردگرایانه) انجام امور منزل برای زن از هر کاری ثوابش بیشتر است (دینی)
انتظار از شوهر برای کار منزل	چقدر انتظار دارید همسران در زمینه امور منزل به شما کمک کنند؟

بخش ششم: سنجش ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون تحصیلات

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنستی و معنای جنسیتی درباره تحصیل کردن زنان	
میزان تحصیلات افراد/ همسر/ همسر آینده	تا چه مقطعی تحصیل کرده اید؟ همسران تا چه مقطعی درس خوانده است؟ (متأهلان) دوست دارید همسران چقدر تحصیلات داشته باشد؟ (مجردان)
میزان تمایل به ادامه تحصیل	دوست دارید تا چه مقطعی درس بخوانید؟
هنجار تحصیلات	خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که تا چه مقطعی ادامه تحصیل بدهید؟
اهمیت (هویت یابی) تحصیلی زنان	رسیدن به مدارج تحصیلی بالا چقدر برای شما مهم است.
فرصت تحصیلات	چقدر امکان و موقعیت ادامه تحصیل برای شما فراهم است؟
معنای تحصیلات	با کدامیک از نظرات زیر در زمینه تحصیلات زنان موافقت می کنید؟ تحصیل کردن موجب شکوفایی و اعتماد به نفس زن می شود (فردگرایانه) تحصیلات توان و قدرت زنان را در برابر مردان بالا می برد (فمینیستی) تحصیلات برای زن بیش از هر چیزی باید آگاهی و رشد معنوی زن آن کمک می کند (دینی) تحصیلات زنان امکان حضور آنها را در اجتماع بیشتر می کند (کارکردی)

بخش هفتم: سنجش ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون اشتغال

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنستی و معنای جنسیتی درباره اشتغال زنان	
وضعیت اشتغال زنان	زنان بر حسب وضعیت اشتغال: شاغل/بازنشسته/در جستجوی کار/محصل/دانشجو/خانه دار/سرپرست خانواده
تمایل به شاغل شدن	چقدر دوست دارید که شاغل باشید؟
هنجار اجتماعی شغل	چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما سرکار بروید؟
اهمیت (هویت یابی) شغلی زنان	رفتن به سرکار چقدر برای شما مهم است؟
فرصت اشتغال زنان	چقدر فرصت سرکار رفتن برای شما وجود دارد؟
معنای اشتغال برای زنان	با کدامیک از نظرات زیر در زمینه تحصیلات زنان بیشتر موافقت می کنید؟ زنان باید سرکار بروند تا استقلال مالی داشته باشد (فردگرایی) سرکار رفتن زنان باید با موافقت همسرش باشد (دینی) سرکار رفتن زن بایستی به امور خانه و خانواده کمک می کند (کارکردی) زنان در تمام مشاغل می توانند دوشادوش مردان کار کنند (فمینیستی)

بخش هشتم: سنجش ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون پوشش

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنستی و معنای جنسیتی درباره پوشش زنان	
وضعیت پوشش زنان	معمولاً در سطح جامعه و خیابان پوشش شما چگونه است؟ ۱. چادر با مقنعه ۲. چادر با روسری و شال ۳. مانتوی رسمی و پوشیده ۴. مانتوی ساده و معمولی ۵. مانتوی تنگ و کوتاه ۶. مانتوی جلو باز
هنجار رعایت پوشش	چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار چنین پوششی را از شما دارند؟
اهمیت (هویت یابی) رعایت پوشش	چقدر حفظ و داشتن چنین پوششی، برای شما مهم است؟
فرصت رعایت پوشش	چنین پوششی در سطح جامعه چقدر برای شما محدودیت و مشکل درست می کند؟
معنای رعایت پوشش	با کدامیک از نظرات زیر در زمینه پوشش زنان موافقت می کنید؟ رعایت پوشش موجب آرامش و امنیت خاطر زنان می گردد (فردگرایی) زنان می توانند هر طور که بخواهند لباس بپوشند، مردان نگاه خود را حفظ کنند (فمینیستی) داشتن پوشش برای زنان، جلوی نگاه نامحرم را می گیرد (دینی) رعایت پوشش برای زنان موجب سلامت جامعه می گردد (کارکردی)
تمایل به پوشش آزاد	چنانچه به سفر خارجی بروید و در آنجا پوشش آزاد باشد، پوشش شما چگونه خواهد بود؟
تمایل به پوشش در داخل	چنانچه در داخل کشور پوشش زنان آزاد باشد، پوشش شما چگونه خواهد بود؟

بخش نهم: سنجش ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون فضاهاى جنسیتی

سوالات: رفتار (تمایل) جنسیتی، هنجار جنسیتی، فرصت جنسیتی، هویت جنستی و معنای جنسیتی پیرامون فضاهای زنانه	
میزان استفاده زنان از فضاهای جنسیتی	در شرایط عادی (جدای از فضای شیوع کرونا) چقدر از فضاهای ورزشی و تفریحی خاص زنانه مانند پارک بانوان و مجموعه شهربانو استفاده می کنید؟
میزان تمایل به استفاده از فضاهای جنسیتی	چقدر دوست دارید از چنین فضاهایی ویژه زنان استفاده کنید؟
اهمیت (هویت یابی) فضاهای جنسیتی	برای شما چقدر مهم است که چنین فضاهایی برای زنان در سطح شهر تهران احداث و توسعه یابد؟
هنجار فضاهای جنسیتی	خانواده یا اطرافیان شما، چقدر انتظار دارند از این فضاهای زنانه استفاده کنید؟
فرصت بهره مندی فضاهای جنسیتی	چقدر امکان و فرصت استفاده از چنین فضاهای زنانه ای برای شما وجود دارد؟
معنای فضاهای جنسیتی	با کدامیک از نظرات زیر در با کدامیک از نظرات زیر درباره ازدواج دختران موافقت می کنید؟ استفاده از فضای زنانه موجب سلامتی جسمی و روحی زنان می گردد (فردگرایانه) جدا کردن فضاهای ورزشی به زنانه و مردانه درست نیست (فمینیستی) استفاده از فضای زنانه موجب احساس امنیت زنان می گردد (کارکردی) به لحاظ دینی فضای ورزشی زنان بهتر است از مردان جدا باشد (دینی)
احساس امنیت زنان	۵۲- معمولاً در سطح شهر و خیابان چقدر احساس امنیت می کنید؟

۳-۵) اعتبار و پایایی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش جهت سنجش وضعیت اعتبار مفاهیم و متغیرها از روش اعتبار صوری و ملاک استفاده شده است.

اعتبار صوری: بدین معناست که افراد متخصص و مجرب تصدیق نمایند که شاخص مورد نظر، مقصود اصلی را می‌سنجد، که بدان نیز «تست خُبرگان» اطلاق می‌گردد. در واقع در این روش، هدف شناسایی اعتبار معرف های مفاهیم از طریق مراجعه به داوران می باشد.

در این مطالعه برای کسب اعتبار ظاهری برای مفاهیم مورد سنجش یعنی؛ رفتارهای جنسیتی، هنجارهای جنسیتی، فرصت های جنسیتی، ادراک جنسیتی بعد از تحلیل تماتیک صورت گرفته (موج اول) بر روی مصاحبه های اکتشافی، پرسشنامه تدوین شده برای صاحب نظران و کارشناسان حوزه زنان و خانواده ارسال گردید و نظرات اصلاحی خود را بیان نمودند. در موج دوم نیز با کمک ناظر محترم طرح، اصلاحات جزئی بر روی پرسشنامه نهایی به عمل آمد تا امکان مقایسه نتایج وجود داشته باشد.

اعتبار ملاک: اعتبار ملاک میزان ارتباط یک سنجه با یک معیار بیرونی را نشان می دهد (ببی، ۱۳۹۵: ۳۳۸). با عنایت به دو نوع اعتبار ناهمزمان و پیش بینی در این مطالعه از اعتبار ناهمزمان استفاده شده است.

از این رو، برای دستیابی به اعتبار ملاک از نوع ناهمزمان، سعی گردید نتایج حاصل از نظرات زنان استان تهران در طرح پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان (شهریور و مهر سال ۹۴) با داده های پژوهش موج اول (آبان ۹۶) و موج دوم (بهمن ۹۹) پژوهش پیرامون یک سوال (نگرش به ازدواج سفید یا همبالینی) مورد مقایسه قرار گیرد. این سوال درباره ازدواج دختران و پسران در جامعه بدون عقد رسمی بود که برگرفته از این طرح ملی بود. با این توجه که داده های مورد مقایسه شامل زنان ۱۵ سال و بالاتر استان تهران می باشد. از مقایسه یافته می توان چنین استنباط نمود که نتایج موج اول و دوم پژوهش حاضر با توجه به فاصله زمانی دو سال تقریباً نسبت برابری را نشان می دهد. همچنین، وضعیت نگرش دختران و زنان مورد مطالعه در شهر تهران در موج اول و دو در مقایسه با کل دختران و زنان در استان تهران تفاوت اندکی دارند. در مجموع در موج اول ۸۹ درصد، در موج دوم ۸۴ درصد و در طرح ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان ۹۴ درصد از زنان به این پدیده در حد کاملاً مخالف و مخالف هستند. بر این اساس می توان حصول اعتبار ملاک این مطالعه را با کمک یک سوال مهم و حساس تایید نمود. همچنین می توان موفقیت علمی و دقت نتایج روش تحقیق پیمایش را از طریق مقایسه داده های مطالعات مختلف و نیز تعمیم ویژگی های نمونه به جامعه آماری را در پناه ابزار استاندارد و رعایت مراحل نظامند شاهد بود.

جدول ۳: بعضی از دختران و پسران در جامعه، بدون عقد رسمی به اصطلاح «ازدواج سفید»

با هم زندگی می کنند، چقدر با رفتار آنها موافق یا مخالف اید؟

نگرش به همبالینی	موج اول ۱۳۹۶	موج دوم ۱۳۹۹	پیمایش ملی ۱۳۹۴
کاملاً مخالف	۷۵	۶۱	۵۲/۷
مخالف	۱۲	۲۳	۳۶/۸
نه موافق نه مخالف	۶	۸	۵/۹
موافق	۶	۶	۳/۱
کاملاً موافق	۱	۲	۱/۴
بدون پاسخ	-	-	-
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

در زمینه پایایی مطالعه حاضر با توجه به خطاهای درونی و بیرونی تاثیر گذار بر دقت و نیز ثبات نتایج سعی شد که پژوهش حاضر به لحاظ زمان جمع آوری داده ها، انتخاب بلوک ها، جنس و پوشش ظاهری پرسشگران، برگزاری دوره آموزش و راهنمایی جمع آوری داده ها و نیز ورود داده ها و ... دقت لازم به عمل آید تا نیاز به تامین پایایی از طریق آزمون - آزمون مجدد نباشد. همچنین با توجه به این که سوالات در نظر گرفته شده برای متغیرهای مورد سنجش حاصل فرایند عملیاتی سازی نبوده و به طور دقیق تر از نوع «شاخص» محسوب می شوند؛ به عبارتی پرسش ها از نوع مستقیم بوده و مورد مفهوم پردازی قرار نگرفته اند، استفاده از پایایی با کمک آزمون آلفای کرونباخ به لحاظ علمی صحیح نبود.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

با توجه به روش های تحلیل آماری در این مطالعه می توان به دو شیوه به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخت:

- ۱- برای توصیف مشخصات نمونه از روش های آمار توصیفی در سطوح مختلف تلخیص (توزیع فراوانی، درصد و ...)، جدول بندی (یک بعدی و ...)، شاخص های تمرکز، پراکندگی و نمودارها استفاده می گردد.
- ۲- با استفاده از شیوه آمار استنباطی می توان مشخصات نمونه را به جامعه آماری پژوهش تعمیم داد. در واقع برای بررسی روابط آماری مختلف از آزمون های مقتضی کمک گرفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS.22 استفاده می گردد.

فصل چهارم:
یافته های پژوهش

مقدمه

در این بخش از پژوهش لازم است به تحلیل داده های حاصل پرداخته شود. بنابراین ابتدا به تحلیل تک متغیره داده ها، در مرحله بعد به تحلیل دو متغیره و نیز در پایان به تحلیل چند متغیره داده ها پرداخته می شود.

(۱) ویژگی های فردی و اجتماعی

با توجه به اهداف پژوهش حاضر، داده های حاصل در سال ۱۳۹۹ (موج دوم) با داده های سال ۱۳۹۶ (موج اول) مورد مقایسه و تحلیل قرار می گیرد.

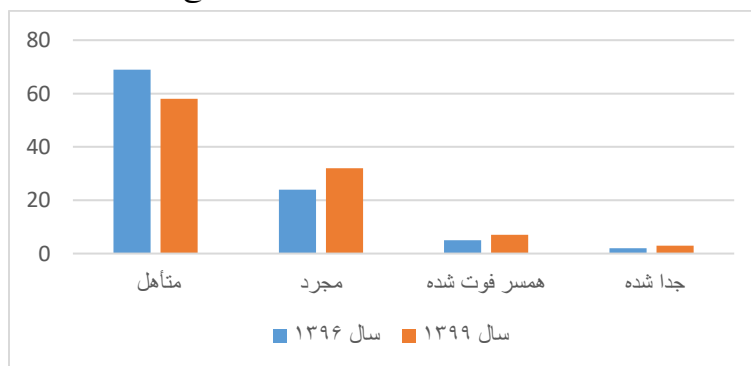
(۱-۱) وضع تأهل

در این پژوهش از دختران و زنان افراد ۱۵ سال به بالای شهر تهران ۱۲۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. چنانچه ارقام مندرج در جدول زیر نشان می دهد در بین افراد نمونه ۵۸ درصد، متأهل و در مقابل ۳۲ درصد هرگز ازدواج نکرده اند. به علت در نظر گرفتن دختران ۱۵ سال به بالا برای انتخاب نمونه و نیز عمومیت ازدواج در جامعه، اکثر افراد متأهل هستند.

جدول ۱-۱: توزیع پاسخگویان بر حسب وضع تأهل

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		وضع تأهل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۸	۶۹۰	۶۹	۸۳۶	متأهل
۳۲	۳۸۶	۲۴	۲۸۴	مجرد
۷	۸۸	۵	۵۹	همسر فوت شده
۳	۳۶	۲	۲۱	جدا شده
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱-۱: نمایش پاسخگویان بر حسب وضع تأهل



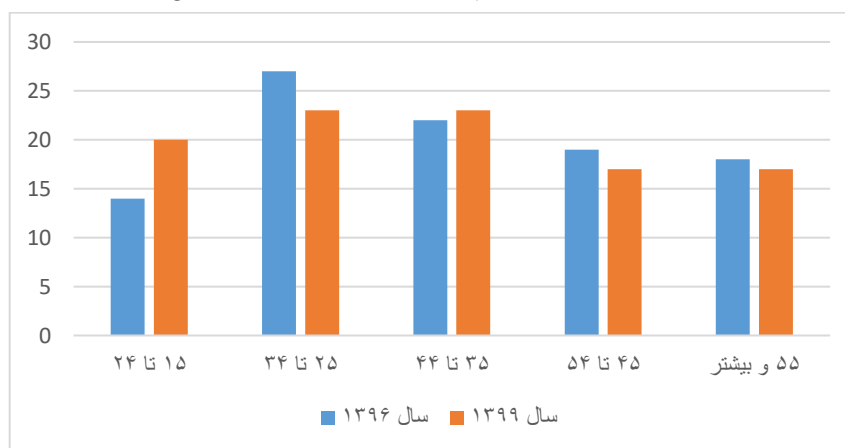
۲-۱) گروه سنی

چنانچه هر ۱۰ تا ۱۵ سال را مبنای شکل‌گیری ذهنیت نسلی در نظر بگیریم گروه‌های سنی مختلف را می‌توان به پنج دسته تقسیم نمود. طبق بررسی صورت گرفته بیشتر زنان (۲۳ درصد) مورد مطالعه بین ۲۵ تا ۳۴ و ۳۵ تا ۴۴ سال، سن دارند. همچنین حدود یک پنجم افراد نمونه بین ۱۵ تا ۲۴ ساله‌اند. با کمک گرفتن از آماره‌های توصیفی می‌توان بیان داشت که میانگین کل سن دختران و زنان مورد مطالعه، برابر با ۳۹ سال (در سال ۱۳۹۶ میانگین سن برابر با ۴۰ سال) و بیشترین فراوانی مربوط ۳۰ ساله‌هاست.

جدول ۱-۲-۱: توزیع پاسخگویان بر حسب گروه سنی

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		گروه سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۰	۲۴۲	۱۴	۱۶۲	۱۵ تا ۲۴
۲۳	۲۷۱	۲۷	۳۲۸	۲۵ تا ۳۴
۲۳	۲۸۰	۲۲	۲۶۹	۳۵ تا ۴۴
۱۷	۱۹۷	۱۹	۲۲۴	۴۵ تا ۵۴
۱۷	۱۹۹	۱۸	۲۱۷	۵۵ و بیشتر
-	۱۱	-	-	بی‌جواب
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱-۲-۱: نمایش پاسخگویان بر حسب گروه سنی

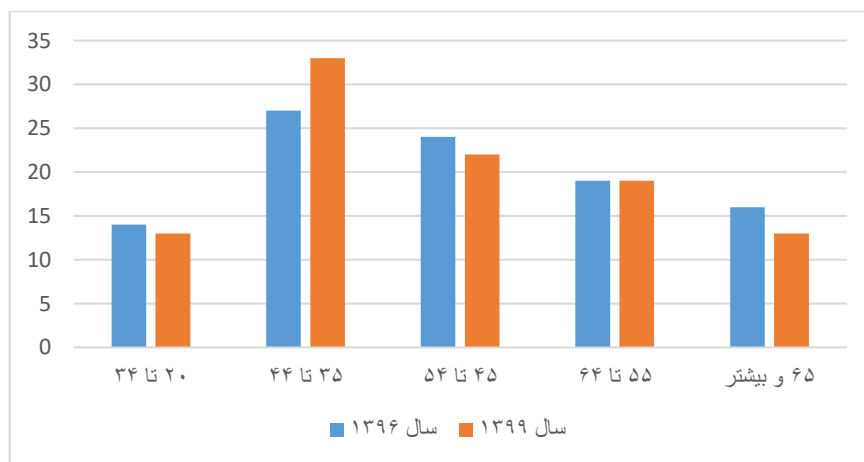


در راستای یافته های فوق، از زنان متأهل مورد مطالعه، سن همسرشان پرسیده شد؛ میانگین سن آنها برابر با ۴۸ سال (در سال ۱۳۹۶ برابر با ۴۹)، و بیشترین فراوانی مربوط ۴۲ ساله‌هاست. در این میان حدود یک سوم بین ۳۵ تا ۴۴ سال، و نیز ۱۳ درصد بین ۲۰ تا ۳۴ و ۶۵ سال و بیشتر سن داشتند.

جدول ۳-۲-۱: توزیع پاسخگویان بر حسب گروه سنی همسر

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		گروه سنی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۳	۹۳	۱۴	۱۳۱	۲۰ تا ۳۴
۳۳	۲۲۸	۲۷	۲۴۱	۳۵ تا ۴۴
۲۲	۱۵۳	۲۴	۲۲۱	۴۵ تا ۵۴
۱۹	۱۳۱	۱۹	۱۷۰	۵۵ تا ۶۴
۱۳	۸۸	۱۶	۱۴۵	۶۵ و بیشتر
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۲۱	-	۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۲-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب گروه سنی همسر



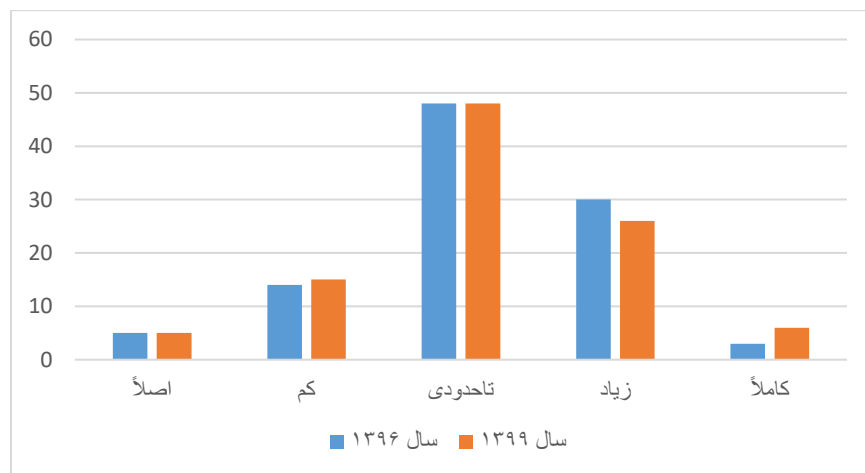
۳-۱) وضعیت کفایت درآمدی

یافته های حاصل پیرامون سوال: «چقدر درآمد خانواده تان، کفاف هزینه های اساسی زندگی تان را می دهد؟» نشان می دهد ۴۸ درصد در حد متوسط، ۵ و ۱۵ درصد در حد اصلاً و کم و نیز در مقابل ۲۶ و ۶ درصد در حد زیاد و کاملاً بدان پاسخ داده اند. بنابراین مشاهده می گردد که بیش از یک سوم زنان اظهار داشتند که هزینه های زندگی شان در حد مطلوبی تأمین می شود؛ و در مقابل یک پنجم از وضعیت درآمدی نامناسبی برخوردارند.

جدول ۳-۱: چقدر درآمد خانواده تان، کفاف هزینه های اساسی زندگی تان را می دهد؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		کفایت درآمدی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵	۶۴	۵	۵۶	اصلاً
۱۵	۱۷۳	۱۴	۱۶۴	کم
۴۸	۵۵۳	۴۸	۵۵۸	تاحدودی
۲۶	۲۹۷	۳۰	۳۵۲	زیاد
۶	۷۰	۳	۳۳	کاملاً
-	۴۳	-	۳۷	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۱: نمایش پاسخگویان بر حسب وضعیت کفایت درآمدی



۲) ارزش ها و نگرش های زنان نسبت به فرزند

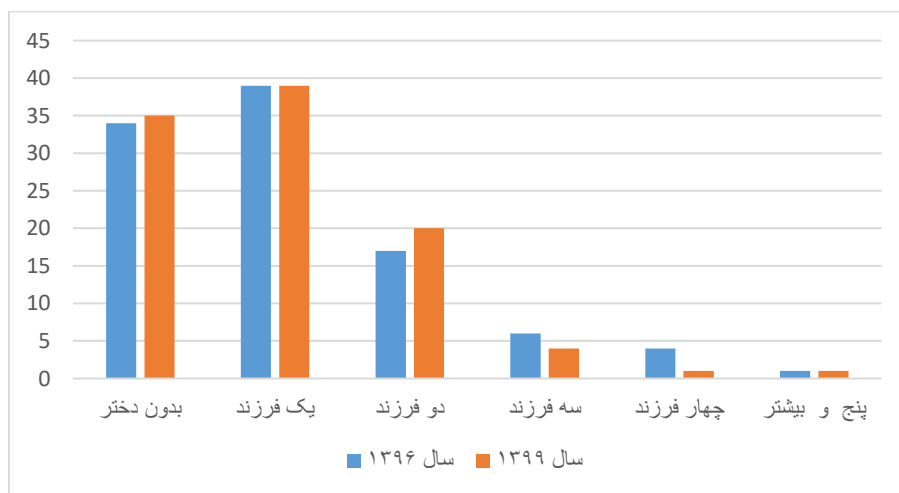
۱-۲) تعداد فرزندان

در بحث از تعداد فرزندان دختر در بین خانواده ها، بیشتر زنان متأهل مورد مطالعه، یک فرزند دختر (۳۹ درصد) دارند. البته ۳۵ درصد اصلاً فرزند دختر ندارند. در این میان ۲۰ درصد دو فرزند و ۴ درصد دارای سه فرزند دختر هستند؛ این وضعیت مشابه یافته های موج اول پیمایش می باشد.

جدول ۱-۱ - ۲: در حال حاضر چند فرزند دختر دارید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		تعداد فرزندان دختر
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۵	۲۷۷	۳۴	۳۱۲	بدون دختر
۳۹	۳۱۵	۳۹	۳۵۴	یک فرزند
۲۰	۱۵۷	۱۷	۱۵۸	دو فرزند
۴	۳۲	۶	۵۶	سه فرزند
۱	۱۰	۳/۵	۳۰	چهار فرزند
۱	۱۳	۰/۵	۴	پنج و بیشتر
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۰	-	۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱-۱ - ۲: نمایش پاسخگویان بر حسب تعداد فرزند دختر

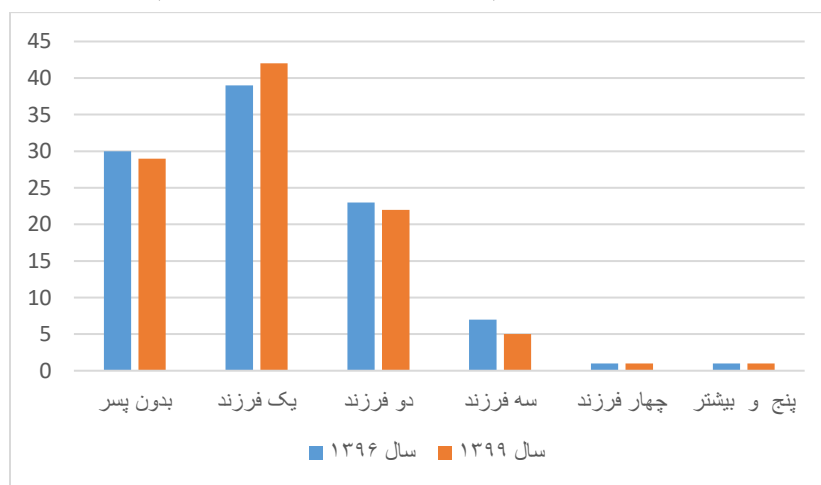


ارقام مندرج در جدول زیر نشان می دهد که ۴۲ درصد زنان اظهار داشتند که یک فرزند و ۲۲ درصد دو فرزند پسر دارند. البته ۲۹ درصد از زنان اصلاً فرزند پسر ندارند. در واقع مشاهده می گردد که نسبت جنسی پسران بیشتر از دختران می باشد که مطابق با نسبت جنسی جمعیت کل کشور (۱۰۰ به ۱۰۳ در سال ۱۳۹۵) می باشد.

جدول ۳-۱-۲: در حال حاضر چند فرزند پسر دارید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		تعداد پسران
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۹	۲۳۸	۳۰	۲۷۶	بدون پسر
۴۲	۳۳۶	۳۹	۳۵۲	یک فرزند
۲۲	۱۷۷	۲۳	۲۰۹	دو فرزند
۵	۴۲	۷	۶۳	سه فرزند
۱	۹	۱	۹	چهار فرزند
۱	۴	۰/۵	۵	پنج و بیشتر
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۸	-	۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۱-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب تعداد فرزند پسر



۲-۲) تعداد فرزند ایده آل

حدود نیمی از دختران و زنان شهر تهران (۴۶ درصد) تمایل دارند، یک فرزند دختر داشته باشند، البته این میزان تمایل در سال ۱۳۹۶ برابر با ۵۵ درصد بوده که حدود ۱۰ درصد کاهش را نشان می دهد. همچنین ۲۸ درصد افراد به داشتن دو فرزند دختر اشاره کرده اند. بنابراین حدود یک سوم زنان به سطح جانشینی جمعیت در جامعه علاقه هستند. حدود یک پنجم از آنها نیز تمایلی به داشتن فرزند دختر ندارد.

جدول ۱-۲-۲: دوست داشتید چند فرزند دختر داشته باشید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرزند ایده آل دختر
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۹	۲۲۶	۱۳	۱۵۴	تمایل نداشتن
۴۶	۵۴۵	۵۵	۶۴۳	یک فرزند
۲۸	۳۳۲	۲۶	۳۰۷	دو فرزند
۴	۵۰	۴	۴۴	سه فرزند
۱	۱۳	۱	۱۶	چهار فرزند
۱	۱۵	۱	۱۲	پنج و بیشتر
-	۲۹	-	۲۴	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱-۲-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب تعداد دختران ایده آل

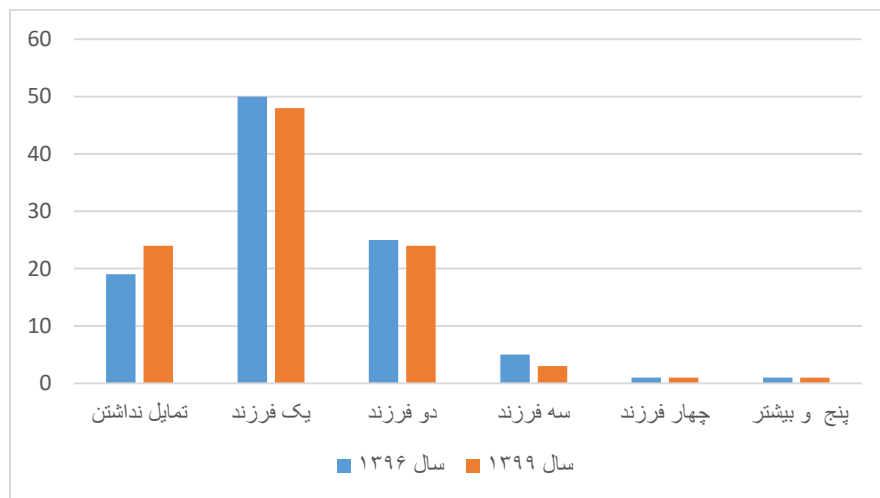


نتایج حاصل نشان می دهد که ۴۸ درصد زنان و دختران مورد مطالعه یک فرزند و ۲۴ درصد تمایل دارند دو فرزند پسر در طول زندگی داشته باشند. البته حدود ۲۴ درصد علاقه ای به داشتن فرزند پسر ندارند. چنانچه به طور دقیق تر به یافته های حاصل نگریسته شود؛ حدود یک پنجم زنان تمایلی به داشتن فرزند ندارند. همچنین در بین کسانی که به داشتن یک فرزند ایده آل تمایل دارند، ۴۶ درصد به یک دختر و ۴۸ درصد به داشتن یک پسر اشاره کرده اند، که نسبت تقریباً برابری را نشان می دهد. همچنین این وضعیت برای دو تا چند فرزند تقریباً قابل تسری می باشد.

جدول ۲-۲-۲: دوست داشتید چند فرزند پسر داشته باشید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرزند ایده آل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۴	۲۸۰	۱۹	۲۲۴	تمایل نداشتن
۴۸	۵۶۶	۵۰	۵۸۸	یک فرزند
۲۴	۲۸۱	۲۵	۲۹۴	دو فرزند
۲/۵	۲۸	۵	۵۴	سه فرزند
۱	۱۲	۰/۵	۶	چهار فرزند
۰/۵	۶	۰/۵	۷	پنج و بیشتر
-	۳۳	-	۲۷	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۶	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۲-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب تعداد پسران ایده آل



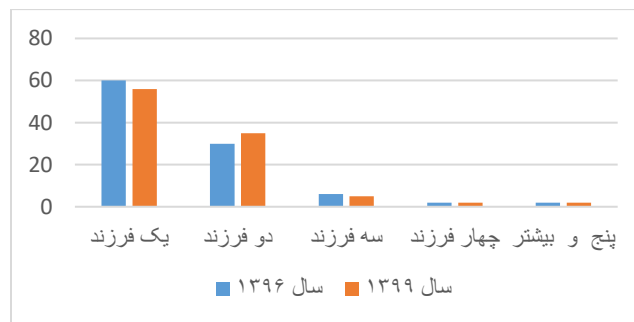
۳-۲) فرزند ایده آل همسران

نتایج حاصل نشان می دهد که ۵۶ درصد زنان نمونه اعلام کرده اند که شوهرانشان تمایل دارند یک فرزند دختر دارند؛ که در مقایسه با سال ۹۶ حدود ۵ درصد کاهش را نشان می دهد. در زمینه داشتن دو فرزند دختر نیز اندکی این کاهش مشاهده می گردد؛ در نهایت می توان نتیجه گرفت حدود یک سوم مردان دوست دارند دو فرزند دختر داشته باشند. البته در موارد سه فرزند دختر و بیشتر نسبت افراد به ۵ درصد و کمتر می رسد.

جدول ۱-۳-۲: همسران دوست داشت چند فرزند دختر داشته باشید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرزند ایده آل همسران
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۶	۲۴۹	۶۰	۴۵۶	یک فرزند
۳۵	۱۵۴	۳۰	۲۲۴	دو فرزند
۵	۲۱	۶	۴۷	سه فرزند
۲	۷	۲	۱۷	چهار فرزند
۲	۴	۲	۱۵	پنج و بیشتر
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجردان
-	۳۷۵	-	۱۵۴	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱-۳-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب تعداد دختران ایده آل همسر

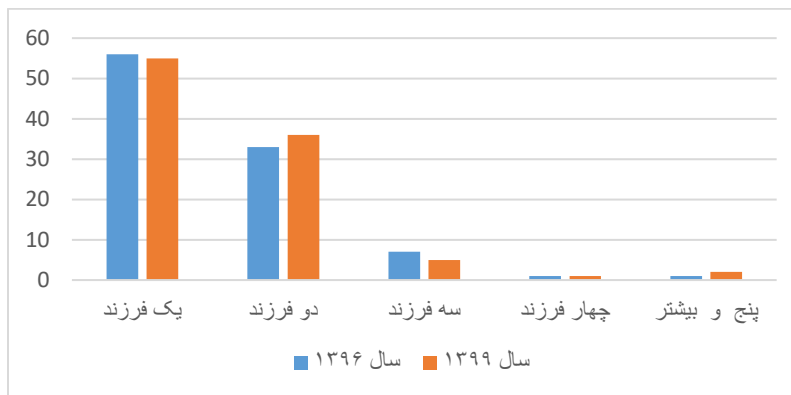


مطابق با یافته های فوق، از منظر زنان ۵۵ درصد مردان تمایل دارند فقط یک فرزند پسر و نیز حدود یک سوم بیان نموده اند که حاضرند دو فرزند پسر در زندگی مشترک داشته باشند. با مقایسه تعداد فرزندان ایده آل زنان با مردان تفاوت خاصی مشاهده نمی گردد؛ بنابراین تصمیم برای داشتن فرزند در بین خانواده ها تحت تاثیر توافق و هماهنگی زن با شوهر می باشد.

جدول ۲-۳-۲: همسران دوست داشت چند فرزند پسر داشته باشید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرزند ایده آل همسران
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۵	۲۵۳	۵۶	۴۲۰	یک فرزند
۳۶	۱۶۳	۳۳	۲۴۳	دو فرزند
۵	۲۴	۷	۵۴	سه فرزند
۱	۶	۱	۱۵	چهار فرزند
۲	۱۰	۱	۱۱	پنج و بیشتر
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجردان
-	۳۵۹	-	۱۷۳	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۶	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۳-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب تعداد پسران ایده آل همسر



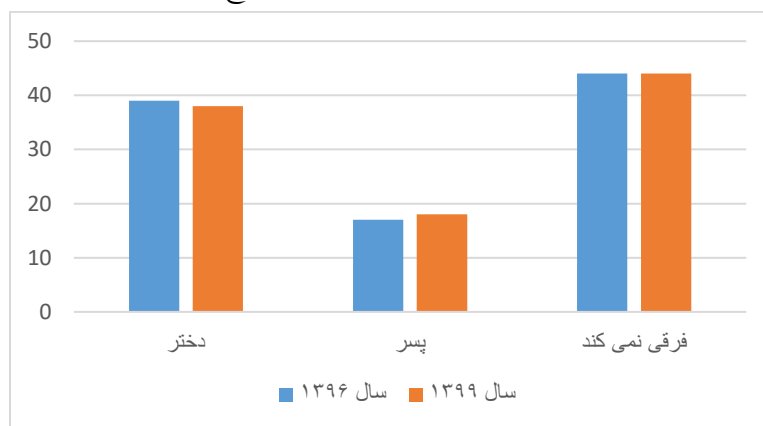
۲-۴) ترجیح جنسی فرزند

نتایج بدست آمده درباره سنجش ترجیح جنسی با تکیه بر داشتن فقط یک فرزند دختر یا پسر، حاکی از آن است که در دو موج پژوهش (اول: ۱۳۹۶ و دوم ۱۳۹۹)، ۴۴ درصد زنان بیان داشته که داشتن دختر یا پسر برای آنها تفاوتی ندارد. پس ترجیح خاصی نسبت به جنس فرزند اعلام ننموده اند؛ در مقابل ۳۹ درصد در موج اول و ۳۸ درصد در موج دوم ترجیح شان برای داشتن فرزند دختر و در مقابل ۱۷ درصد در موج اول و ۱۸ درصد در موج دوم اولویت شان پسر می باشد. بنابراین در عین اینکه بیشتر زنان شهر تهران معتقدند داشتن دختر یا پسر برای آنها چندان فرق نمی کند، ولی بیش از یک سوم، یعنی حدود دو برابر تمایل دارند فرزند دختر داشته باشند تا پسر (۱۸ درصد در برابر ۳۸).

جدول ۲-۴: اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید، دوست دارید پسر باشد یا دختر؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		ترجیح جنسی فرزند
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۸	۴۵۸	۳۹	۴۵۹	دختر
۱۸	۲۱۱	۱۷	۱۹۹	پسر
۴۴	۵۲۰	۴۴	۵۲۹	فرقی نمی کند
-	۱۱	-	۱۳	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب ترجیح جنسی فرزند



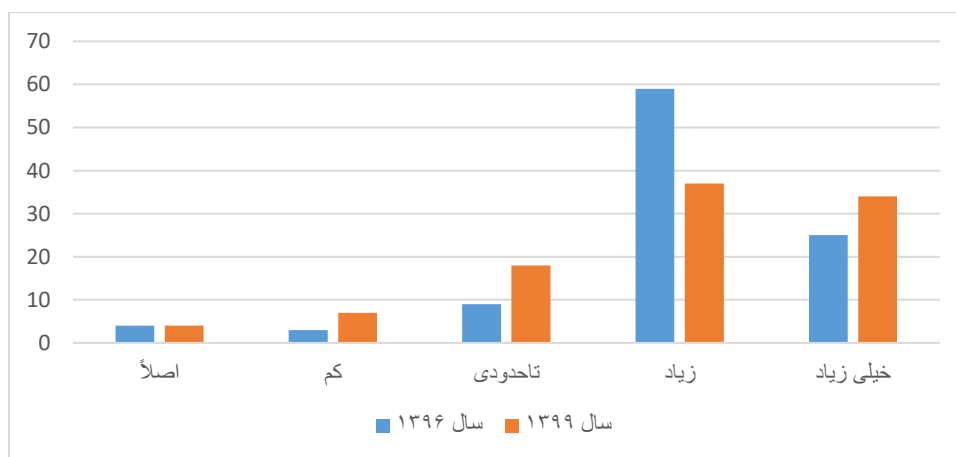
۲-۵) فشار هنجاری فرزندآوری

طبق بررسی حاصل پیرامون وضعیت هنجار اجتماعی فرزندآوری، در مجموع ۷۱ درصد زنان در حد زیاد و خیلی زیاد اعلام کرده اند که خانواده یا اطرافیان انتظار دارند که فرزند داشته باشند؛ در مقابل ۴ درصد گزینه «اصلاً» و ۳ درصد گزینه «کم» را بیان نموده اند. پس می توان بیان داشت الزام اجتماعی فرزندآوری در بین خانواده های شهر تهران در حد بالایی است.

جدول ۲-۵: چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما فرزند داشته باشید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار فرزندآوری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴	۳۳	۴	۳۳	اصلاً
۷	۴۸	۳	۳۱	کم
۱۸	۱۲۵	۹	۸۱	تاحدودی
۳۷	۲۶۲	۵۹	۵۲۶	زیاد
۳۴	۲۳۹	۲۵	۲۲۶	خیلی زیاد
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۰۷	-	۱۹	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب فشار هنجاری فرزندآوری



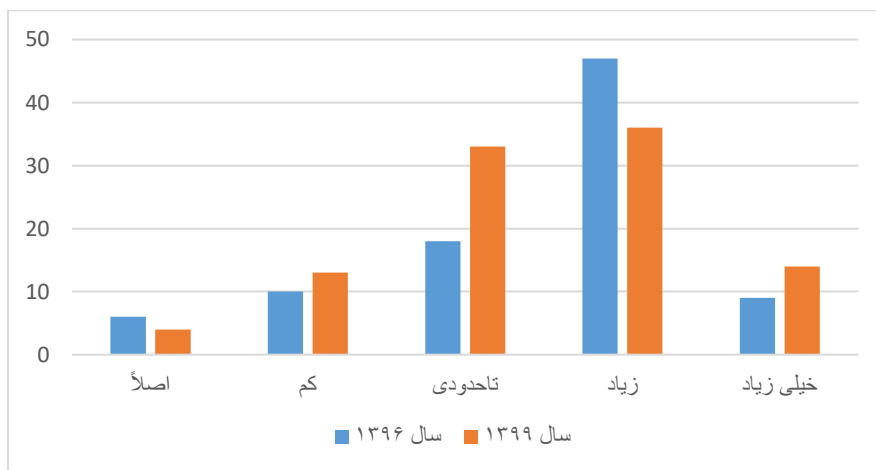
۲-۶) فرصت فرزندآوری

در پژوهش حاضر طبق یافته های حاصل ۱۴ و ۳۶ درصد زنان به ترتیب در سطح زیاد و خیلی زیاد به امکان داشتن فرزند اشاره کرده اند (۵۰ درصد در سال ۹۶ و ۵۶ درصد در سال ۹۹)؛ در مقابل ۴ درصد «اصلاً» و نیز ۱۳ درصد گزینه کم را علامت زده اند که به نوعی در ابعاد مختلف محدودیت برای داشتن فرزند نشان می دهد (۱۷ درصد در سال ۹۶ و ۱۶ درصد در سال ۹۹). بنابراین بیش از نیمی از زنان متأهل شهر تهران، فرصت مناسب برای فرزند آوری دارند؛ گرچه در این مشاهده می گردد که طی این سه سال گذشته، حدود ۶ درصد زنان با محدودیت بیشتری برای باوری روبرو شده اند.

جدول ۲-۶: چقدر امکان و موقعیت داشتن فرزند برای شما فراهم بوده/ است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت فرزندآوری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴	۲۹	۶	۵۶	اصلاً
۱۳	۱۰۵	۱۰	۹۰	کم
۳۳	۲۶۳	۱۸	۲۴۹	تاحدودی
۳۶	۲۸۸	۴۷	۴۲۸	زیاد
۱۴	۱۱۵	۹	۸۱	خیلی زیاد
-	۳۸۸	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۴	-	۱۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب فرصت فرزندآوری



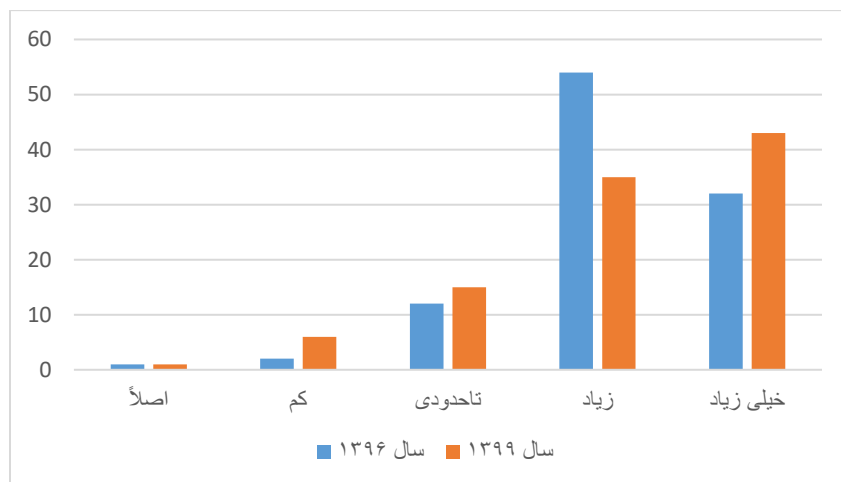
۲-۷) اهمیت فرزندآوری

در بین اکثریت مطلق زنان شهر تهران، داشتن فرزند در زندگی مشترک شان اهمیت بسیاری دارد (در موج اول ۸۵/۵ و در موج دوم ۷۸ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد)؛ در مقابل حدود یک درصد در حد «اصلاً» و ۶ درصد در حد «کم» بدان اشاره نمود و نیز ۱۱/۵ درصد گزینه «تاحدودی» را برگزیده اند. بنابراین گر چه بخش اعظمی از هویت زنان در جامعه ایران تحت تاثیر داشتن فرزند و اهمیتی است که فرزند در زندگی مشترک دارد، می باشد؛ اما مقایسه داده های موج اول و دوم بیانگر آن است که اهمیت فرزندآوری در بین زنان شهر تهران ۷/۵ کاهش یافته است.

جدول ۲-۷: در زندگی، داشتن فرزند چقدر برای شما مهم بوده است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		اهمیت فرزندی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱	۱۱	۱	۱۲	اصلاً
۶	۴۵	۲	۲۰	کم
۱۵	۱۲۰	۱۱/۵	۱۰۲	تاحدودی
۳۵	۲۸۳	۵۳/۵	۴۸۴	زیاد
۴۳	۳۴۱	۳۲	۲۹۱	خیلی زیاد
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۲	-	۷	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۷: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت فرزندآوری



۸-۲) معنای فرزندآوری

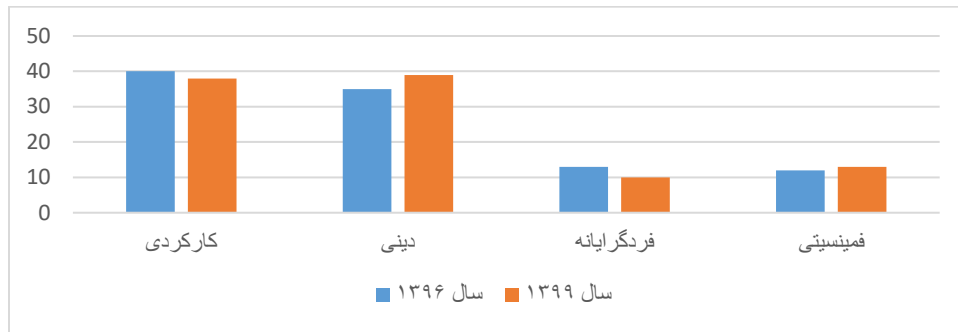
در موج اول پژوهش در بین زنان مورد مطالعه معنای فرزند و فرزندآوری مورد مطالعه قرار گرفت، سپس با کمک تحلیل تماتیک دو مقوله اصلی استخراج گردید: نخست «معنای نهادی فرزندآوری» که دارای دو زیرمقوله معنای کارکردی و معنای دینی می باشد؛ دوم «معنای رابطه ای فرزندآوری» که از دو زیر مقوله برداشت فردی و فمینیستی را در بر می گیرد. در واقع سنخ های استخراج شده معانی، در برگیرنده جهت گیری، قضاوت و انتظاراتی است که افراد نسبت به امر فرزندآوری در جامعه دارند؛ معنای کارکردی بیشتر در بردارنده پیامدها و آثار فرزند در زندگی خانوادگی، معنای دینی در برگیرنده توصیه و دستورات دینی سفارش شده نسبت به فرزند، معنای فردگرایانه بیشتر مبتنی بر سلامت جسمی و پیشرفت های اجتماعی و شخصی زنان و نیز برداشت فمینیستی به معنای مقاومت و مقابله خوانی زنان با قدرت مردان و در جستجوی برابری در این مواجهه می باشد که عمدتاً در ارتباط با دیگری ضمنی معنا پیدا می کند.

طبق یافته های حاصل ۳۸ درصد زنان در معنایی کارکردی نسبت به فرزندآوری معتقدند: «فرزند کمک حال دوران پیری و تنهایی پدر و مادر است». همچنین ۳۹ درصد در معنایی دینی بیان نموده اند: «فرزند که دنیا می آید روزی اش زودتر می رسد»؛ ۱۰ درصد با برداشتی فردگرایانه با عبارت: «داشتن فرزند، خواسته ها و پیشرفت های زن را به عقب می اندازد» موافق اند و نیز ۱۲ درصد جمله «تصمیم برای داشتن فرزند باید بر عهده زن باشد نه مرد» را انتخاب کرده اند - که تداعی کننده نگرشی فمینیستی در این باره می باشد. بنابراین می توان چنین قضاوت نمود که اکثر زنان جامعه شهری تهران «معنای نهادی به فرزند» دارند؛ (۷۷ درصد با جمع برداشت دینی و کارکردی)؛ در مقابل ۳۳ درصد زنان معنای گرایش رابطه محور دارند.

جدول ۸-۲: با کدامیک از نظرات زیر در زمینه داشتن فرزند موافقت می کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		معنای فرزندآوری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۸	۳۰۱	۴۰	۳۵۱	فرزند کمک حال دوران پیری و تنهایی پدر و مادر است (کارکردی)
۳۹	۳۰۸	۳۵	۳۱۱	فرزند که دنیا می آید روزی اش زودتر می رسد (دینی)
۱۰	۸۲	۱۳	۱۱۵	داشتن فرزند، خواسته ها و پیشرفت های زن را به عقب می اندازد (فردی)
۱۳	۱۰۴	۱۲	۱۱۱	تصمیم برای داشتن فرزند باید بر عهده زن باشد نه مرد (فمینیستی)
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجردان
-	۱۹	-	۲۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۸-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب معنای فرزندآوری



۲-۹) رابطه فرزندآوری با تعیین کننده های آن

با توجه به اینکه تعداد فرزندان موجود و نیز مطلوب در این پژوهش به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است؛ و نیز براساس چارچوب مفهومی مطالعه، متغیرهای معنا، هنجار، فرصت و اهمیت فرزند به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده، ماتریس همبستگی زیر بدست آمده است. برای سنجش روابط آماری از آزمون کندال تائو استفاده شده است. «چنانچه تعداد موردها بسیار زیاد و طبقات هر متغیر محدود باشد بهتر است از تائو کندال سود جست» (دواس، ۱۳۹۵: ۱۸۸).

جهت بررسی رابطه معنایی فرزندآوری با متغیر وابسته، به خاطر اینکه دو معنای کلی «معنای نهادی» (کارکردی و دینی) و «معنای رابطه ای» (فردی و فمینیستی) هر کدام دو زیرمقوله داشتند و پاسخگو می توانست یکی از این چهار معنا را انتخاب کند، در نهایت با ترکیب برداشت فردی و فمینیستی، معنای رابطه ای فرزندآوری ساخته شد و کد صفر برای آن در نظر گرفته شد و نیز با ترکیب پاسخ های مربوط به برداشت کارکردی و دینی معنای نهادی با کد یک به دست آمد. بنابراین معنای فرزندآوری، به عنوان یک متغیر دو وجهی و تظاهری ساخته شده که به صورت یک متغیر فاصله ای می توان در آزمون های همبستگی استفاده نمود. «متغیر دو شقی (Dichotomous Variable) (دارای دو طبقه) با مقتضیات سطح سنجش فاصله ای سازگار است. حتی اگر طبقات فاقد ترتیب طبیعی باشند باز از مقتضیات ترتیب ریاضی برخوردارند: طبقات را گریزی از ترتیب نیست» (دواس، ۱۳۹۵: ۱۸۳).

در موج دوم پژوهش رابطه متغیرهای: اهمیت فرزند برابر با ضریب همبستگی ۰/۱۷ (موج اول برابر با ۰/۱۴)، فرصت فرزندآوری برابر با ضریب همبستگی ۰/۱۶ (موج اول برابر با ۰/۲۱) و نیز معنای فرزند برابر با ضریب همبستگی ۰/۲۳ (موج اول برابر با ۰/۱۸) با متغیر تعداد فرزندان موجود معنادار شده است. در واقع مشاهده می گردد هر چه زنان اهمیت زیادتری به داشتن فرزند و نیز فرصت فرزندآوری بیشتری داشته و نیز معنای نهادی به فرزندآوری داشته باشند، تعداد فرزندان بیشتری در زندگی دارند و بر عکس؛ ولی متغیر فشار هنجار اجتماعی فرزندآوری رابطه معناداری را نشان نمی دهد؛ با عنایت بدین که ۸۴ درصد زنان اعلام کرده بودند که خانواده یا اطرافیان انتظار دارند که بچه دار شوند؛ ولی عملاً چنین چیزی در عمل اتفاق نیفتاده است. بنابراین فشار هنجاری فرزندآوری تاثیری بر تعداد فرزند موجود و مطلوب ندارد.

در مجموع وضعیت تعداد موجود و مطلوب در بین زنان بیش از همه تحت تاثیر اهمیت فرزند در قالب نقش مادری و محدودیت های زندگی خانوادگی و فرصت های شخصی زنان برای داشتن فرزند از یکسو و از سوی دیگر، معنایی که فرزند در ذهن آنها متبادر می سازد؛ می باشد؛ به عبارتی معنایی که در سطح فیزیک جسمی زنانه، به صورت معنای فردگرایانه خود را عیان می سازد؛ و از سوی دیگر، در سطحی ذهنی، معنایی فمینیستی مبنی بر توان کنترل فرزندآوری و تعویق آن با چانه زنی بر حسب وضعیت ساختاری قدرت یا با مدد تکنولوژی های نوین که به نوبه خود پزشکی شدن مادری را رقم می زند، همراه می شود.

جدول ۹-۲: وضعیت ماتریس همبستگی ارزش ها و نگرش های زنان با فرزندآوری (موج اول و دوم)

معنای فرزندآوری	فرصت فرزندآوری	هنجار فرزندآوری	اهمیت فرزندآوری	تعداد فرزند مطلوب	تعداد فرزند موجود	ضرایب	
						تعداد فرزند موجود	تعداد فرزند مطلوب
**۰/۲۳	**۰/۱۶	۰/۰۷	**۰/۱۷	**۰/۲۹	۱	تعداد فرزند موجود	موج دوم
**۰/۱۶	**۰/۱۱	**۰/۱۰	**۰/۱۵	۱	**۰/۲۹	تعداد فرزند مطلوب	موج دوم
**۰/۱۸	**۰/۲۱	۰/۰۷	**۰/۱۴	**۰/۵۰	۱	تعداد فرزند موجود	موج اول
**۰/۱۹	۰/۰۹	۰/۰۹	**۰/۲۱	۱	**۰/۵۰	تعداد فرزند مطلوب	موج اول

۲-۱۰) رابطه فرزندآوری با ویژگی های فردی و اجتماعی

- رابطه گروه سنی با تعداد فرزندان

طبق یافته های به دست آمده ۳۳ درصد زنان متأهل ۱۵ تا ۳۰ ساله اصلاً فرزندی ندارند. ۴۶ درصد همین گروه سنی یک فرزند دارند. در مقابل ۵۵ درصد زنان ۴۵ سال و بیشتر سه فرزند بیشتر دارند و فقط سه درصد بدون فرزند هستند. با توجه به نمونه ۱۲۰۰ نفری تحقیق و در نظر گرفتن آلفای کوچک تر یا مساوی یک درصد، سطح معناداری حاصل طبق آزمون آماری مطلوب می باشد ($s = 0/000$; $K_b = -0/41$). بنابراین می توان چنین استنباط نمود که زنان متأهل جوان به طور معناداری کمتر از زنان متأهل بزرگسال فرزند دارند. در این میان نیز ۳ درصد زنان ۴۵ سال و بیشتر هیچ فرزندی ندارند.

- رابطه سطح سواد با تعداد فرزندان

چنانچه جدول یافته های حاصل نشان می دهد هر چه میزان سواد زنان افزایش می یابد تعداد فرزندان آنها کمتر می شود؛ در واقع ۵۹ درصد زنان زیر دیپلم و در مقابل ۱۲ درصد زنان بالاتر از دیپلم، سه فرزند و بیشتر دارند. همچنین زنان که تاکنون فرزندی نداشته اند ۴ درصد زیر دیپلم، ۵ درصد دیپلم و ۲۱ درصد تحصیلات عالی دارند. بنابراین مشاهده می گردد به طور خاص زنان دارای تحصیلات دانشگاهی ۲۱ درصد بدون فرزند و نیز ۱۲ درصد دارای سه فرزند و بیشتر هستند. همچنین به توجه به اینکه فرصت اجتماعی زنان با تعداد فرزندان رابطه آماری معنادار بسیاری داشت می توان بیان داشت یکی از این محدودیت ها ادامه تحصیل در مقاطع عالی می باشد که در این خصوص تایید شده است.

- رابطه وضعیت اشتغال با تعداد فرزندان

بررسی حاصل نشان می دهد که ۴۰ درصد زنان در حال تحصیل و در مقابل ۶ درصد زنان خانه دار فرزندی ندارند و در مقابل ۳۶ درصد زنان خانه دار و ۱۳ درصد زنان در حال تحصیل سه فرزند و بیشتر دارند. بنابراین می توان بیان داشت وقتی زنان متأهل درگیر تحصیل و اشتغال باشند به تاخیر در فرزند آوری مواجه می شوند.

- رابطه کفایت درآمد با تعداد فرزندان

نتایج بدست آمده نشان می دهد که هیچ رابطه معنادار آماری بین وضعیت کفایت درآمدی با تعداد فرزندان مشاهده نمی گردد؛ به عبارتی خانواده به لحاظ مالی تامین باشند یا نباشند تاثیری بر میزان فرزندآوری آنها ندارد. در واقع در بین کسانی که سه فرزند دارند، به ترتیب ۳۶، ۳۴ و ۲۶ درصد کفایت درآمدی شان در حد کم، متوسط و زیاد می باشد. در مجموع چنانچه فرصت های فرزندآوری را در قالب محدودیت هایی از قبیل سن، سواد، اشتغال و درآمد در نظر بگیریم، بیش از همه تحت تاثیر سن و سواد زنان و در آخر اشتغال آنها می باشد؛ به عبارتی زیرا که هر چه سن زنان متاهل کمتر، سوادشان بیشتر و کمتر خانه دار باشند، میزان فرزندآوری آنها کاهش می یابد.

جدول ۱۰-۲: وضعیت تعداد فرزند موجود بر حسب ویژگی های فردی

ویژگی های فردی / فرزند	بدون فرزند	یک فرزند	دو فرزند	سه و بیشتر	جمع
سن	۱۵ تا ۳۰ سال	۳۷	۴۴	۱۳	۱۰۰
	۳۰ تا ۴۵ سال	۱۳	۳۳	۴۱	۱۰۰
	۴۵ سال و بیشتر	۲	۶	۳۶	۱۰۰
آزمون آماری $K_b = - ۰/۴۱$ $S = ۰/۰۰۰$					
سواد	زیر دیپلم	۳	۷	۲۳	۱۰۰
	دیپلم	۶	۲۵	۴۲	۱۰۰
	بالتر از دیپلم	۲۰	۳۱	۳۷	۱۰۰
آزمون آماری $K_b = - ۰/۴۱$ $S = ۰/۰۰۰$					
اشتغال	شاغل	۲۳	۲۶	۳۵	۱۰۰
	در حال تحصیل	۲۰	۳۳	۳۳	۱۰۰
	خانه دار	۷	۲۱	۳۵	۱۰۰
آزمون آماری $X^2 = ۶۲$ $V = ۰/۲۰$ $S = ۰/۰۰۰$					
کفایت درآمد	کم	۷	۲۲	۳۸	۱۰۰
	متوسط	۱۲	۲۳	۳۴	۱۰۰
	زیاد	۱۵	۲۳	۳۵	۱۰۰
آزمون آماری $K_b = - ۰/۰۶$ $S = ۰/۰۳$					

۳) ارزش ها و نگرش های زنان نسبت به نقش مادری

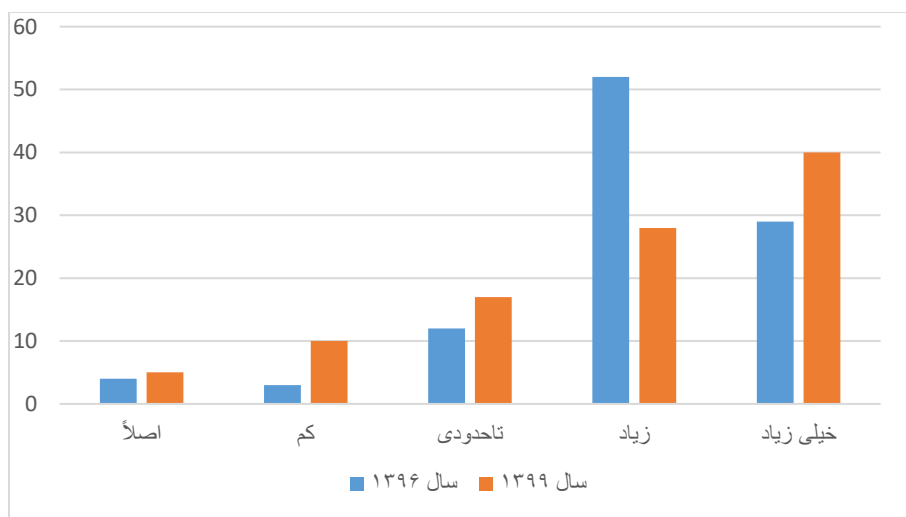
۳-۱) تمایل به نقش مادری

اکثریت مطلق دختران و زنان تهرانی علاقه بسیاری به پذیرش نقش مادری دارند؛ به عبارتی به طور کلی ۶۸ درصد در حد بسیاری (زیاد و خیلی زیاد) بدین بخش از هویت جنسیتی علاقه دارند (۸۱ درصد در سال ۹۶ و ۶۸ درصد در سال ۹۹)، در مقابل ۱۵ درصد زنان چنین نقشی برایشان چندان اهمیت ندارد. در واقع مشاهده می گردد تمایل به نقش مادری در بین افرادی که در موج اول در سطح زیاد و خیلی زیاد اظهار علاقه مندی کرده بودند، ۱۳ درصد کاهش یافته است. همچنین در موج اول نسبت کسانی که چندان علاقه ای به نقش مادری نداشتند برابر با ۷ درصد بود که در موج دوم، افزایش ۸ درصدی را نشان می دهد.

جدول ۳-۱: چقدر به مادر شدن علاقه و تمایل دارید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		تمایل به نقش مادری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵	۶۲	۴	۴۷	اصلاً
۱۰	۱۱۱	۳	۴۰	کم
۱۷	۱۹۶	۱۲	۱۴۸	تاحدودی
۲۸	۳۲۸	۵۲	۶۰۹	زیاد
۴۰	۴۶۷	۲۹	۳۳۸	خیلی زیاد
-	۳۶	-	۱۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۱: نمایش پاسخگویان بر حسب تمایل به نقش مادری



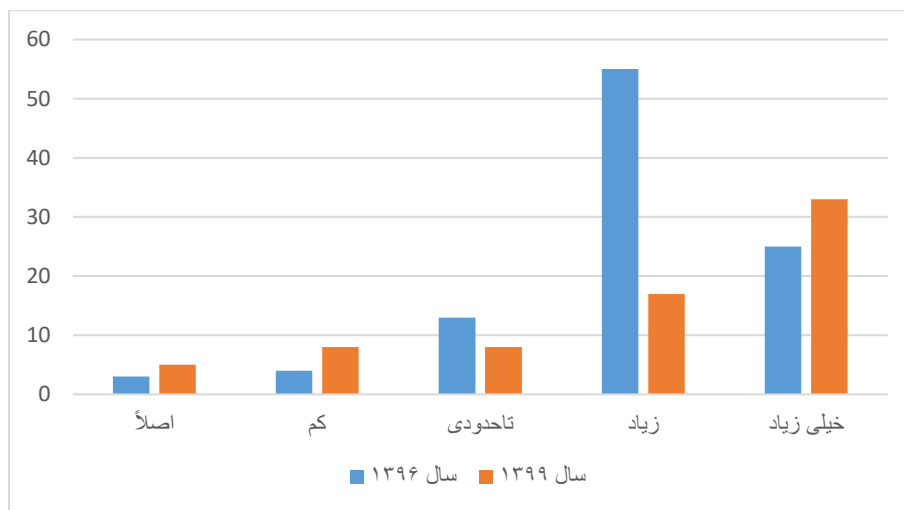
۳-۲) فشار هنجاری نقش مادری

در بحث از تاثیر و انتظارات خانواده و اطرافیان از یک زن مبنی بر پذیرش و ایفای نقش مادری در طول زندگی، ۳۳ و ۳۴ درصد به ترتیب در سطح زیاد و خیلی زیاد بدین فشار اجتماعی اشاره کرده اند؛ به نحوی که در موج اول ۷۵ درصد زنان در حد بالا و در موج دوم این وضعیت ۶۷ درصد می باشد، که ۸ درصد کاهش فشار هنجاری نسبت به نقش مادری را می توان شاهد بود. در مقابل حدود ۱۶ درصد چندان به هنجار اجتماعی آن اشاره ننموده اند و به تعبیری تحت تاثیر فشار اجتماعی اطرافیان و خانواده نیستند. البته این وضعیت در موج اول برابر با ۷ درصد بود.

جدول ۳-۲: چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما مادر می شدید/شوید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار نقش مادری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۸	۷۸	۳	۳۷	اصلاً
۸	۷۷	۴	۴۰	کم
۱۷	۱۶۴	۱۳	۱۵۲	تاحدودی
۳۳	۳۰۸	۵۵	۶۴۱	زیاد
۳۴	۳۲۲	۲۵	۲۸۹	خیلی زیاد
-	۲۵۱	-	۴۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب فشار هنجاری نقش مادری



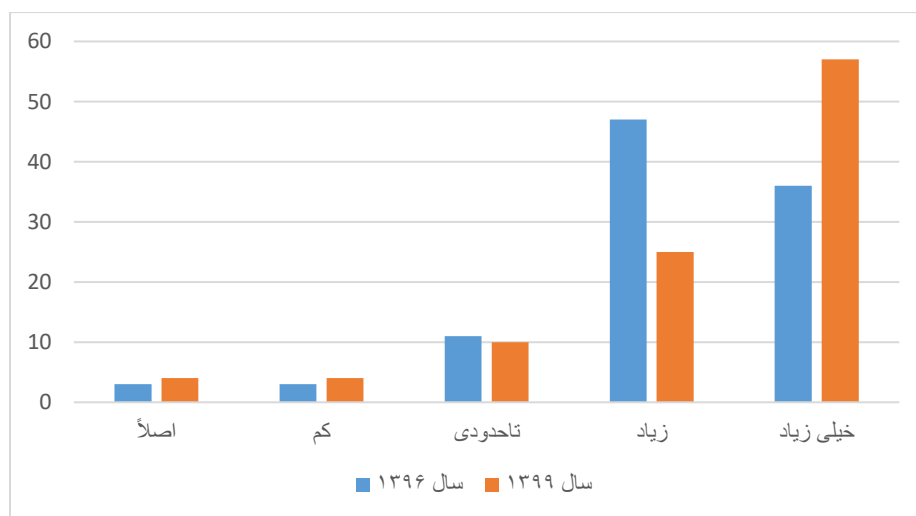
۳-۳ اهمیت نقش مادری (هویت یابی)

دختران و زنان نمونه شهر تهران در پاسخ به سوال: «چقدر نسبت به مادر شدن خود افتخار می کنید؟» حدود ۸۲ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد (موج اول برابر با ۸۳ درصد) و در مقابل ۸ درصد در حد اصلاً و کم (موج اول برابر با ۸ درصد) بدان اشاره کرده اند. بنابراین در بین دختران و زنان شهر تهران، مادر شدن و ایفای نقش مادری از اهمیت بسزایی برخوردار است، و این نوع هویت یابی در بین زنان تغییر خاصی ننموده است.

جدول ۳-۳: چقدر به مادر شدن خود افتخار می کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		اهمیت مادری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴	۴۵	۳	۳۰	اصلاً
۴	۴۷	۳	۲۸	کم
۱۰	۱۱۷	۱۱	۱۲۹	تاحدودی
۲۵	۲۸۳	۴۷	۵۴۱	زیاد
۵۷	۶۴۰	۳۶	۴۱۴	خیلی زیاد
-	۶۸	-	۵۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۳: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت نقش مادری



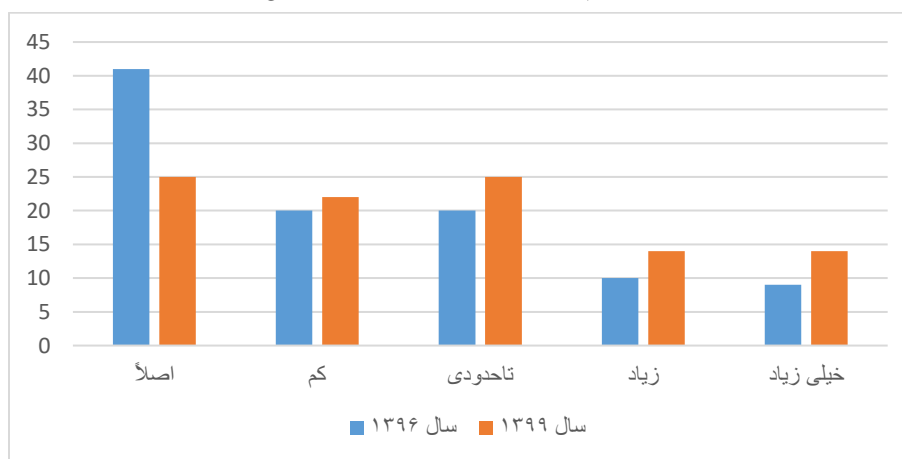
۳-۴) فرصت نقش مادری

در بحث از موانع و چالش های فردی و خانوادگی مختلف پیرامون پذیرش نقش مادری در بین زنان شهر تهران، بررسی صورت گرفته حاکی از آن است در موج اول سال (۹۶) ۴۱ درصد به گزینه اصلاً و ۲۰ درصد در حد کم، در موج دوم (۹۹) ۲۵ درصد به گزینه اصلاً و ۲۲ درصد در حد کم بدان اشاره کرده اند. بنابراین زنان متاهل شهر تهران با افزایش ۱۴ درصدی محدودیت و چالش برای مادر شدن مواجه شده اند. البته در سطح زیاد و خیلی زیاد نسبت افراد در موج اول از ۱۹ درصد به ۲۸ درصد در موج دوم افزایش یافته است؛ در مجموع با مقایسه این دو وضعیت، زنان با محدودیت و موانع بیشتری برای ایفای نقش مادری مواجه شده اند.

جدول ۳-۴: چقدر برای مادر شدن با مشکل و محدودیت مواجه اید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت نقش مادری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۵	۲۷۳	۴۱	۴۶۷	اصلاً
۲۲	۲۴۶	۲۰	۲۲۷	کم
۲۵	۲۷۴	۲۰	۲۳۲	تاحدودی
۱۴	۱۶۰	۱۰	۱۱۷	زیاد
۱۴	۱۵۶	۹	۹۸	خیلی زیاد
-	۹۱	-	۵۹	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب فرصت یابی نقش مادری



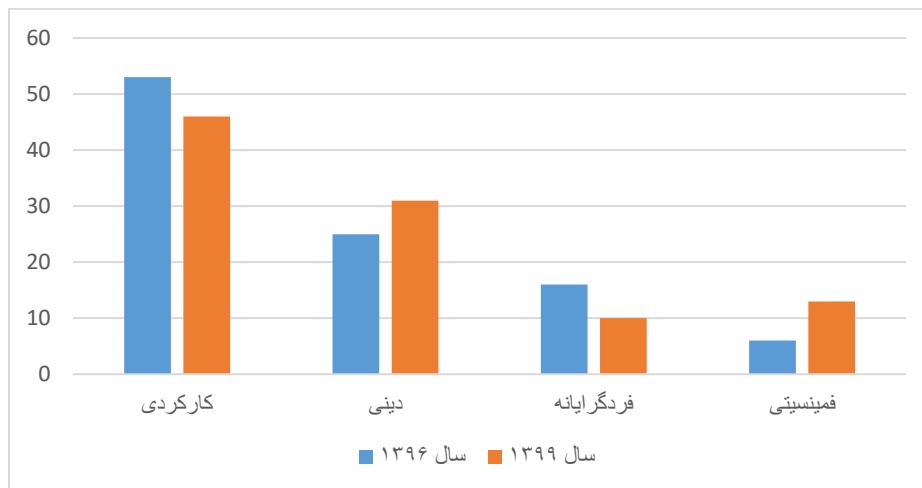
۳-۵) معنای نقش مادری

با توجه به وجه نظرات مختلف دختران و زنان تهرانی پیرامون نقش و فهم ایفای مادری، ۴۶ درصد با داشتن نگاهی کارکردی با عبارت «زنان با مادر شدن عزت و احترام پیدا می کنند» موافق اند. همچنین ۳۱ درصد در وجه نظری دینی موافق با گویه «بهشت زیر پای مادران است» هستند. البته ۶ درصد با موافقت پیرامون گزینه «مادر شدن به بدن و جسم زن لطمه می زند» نظر فمینیستی و ۱۶ درصد با انتخاب گزینه «مادر بودن چیزی جز زحمت و مسئولیت نیست» برداشتنی فردگرایانه نسبت به نقش مادری دارند.

جدول ۳-۵: با کدامیک از نظرات زیر در زمینه مادر شدن موافقت می کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		معنای نقش مادری
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴۶	۵۴۱	۵۳	۶۲۲	زنان با مادر شدن عزت و احترام پیدا می کنند (کارکردی)
۳۱	۳۷۰	۲۵	۲۹۴	بهشت زیر پای مادران است (دینی)
۱۰	۱۱۵	۱۶	۱۸۸	مادر بودن چیزی جز زحمت و مسئولیت نیست (فردگرایی)
۱۳	۱۵۰	۶	۶۸	مادر شدن به بدن و جسم زن لطمه می زند (فمینیستی)
-	۲۴	-	۲۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب معنای نقش مادری



۳-۶) رابطه رفتار مادری با تعیین کننده های آن

چنانچه ملاحظه می گردد رابطه آماری تمایل به پذیرش نقش مادری با میزان احساس اهمیت و افتخار نسبت به مادر شدن با ضریب همبستگی مثبت و بالایی (موج اول ۰/۵۹ و موج دوم ۰/۵۶) معنادار گردیده است. در این میان نیز متغیر فشار هنجاری جامعه در قالب واقعیت های اجتماعی الزام آور بر تمایل به مادر شدن رابطه آماری معناداری را (موج اول برابر با ۰/۴۶ و موج دوم برابر با ۰/۳۱) نشان می دهد. از سویی به موازت اینکه زنان و دختران در شهر تهران معنای شان از مادری رابطه ای و به تعبیری فمینیستی و فردگرایانه باشد، میزان تمایل آنها به مادر شدن کاهش می یابد؛ بنابراین افرادی که پنداشت مادری نهادی باشد، تمایل بیشتری به ایفای نقش مادری دارند. در صورتی که میزان فرصت داشتن برای مادری ارتباطی با پذیرش و تمایل نسبت بدان ندارد.

جدول ۳-۶: وضعیت ماتریس همبستگی ارزش ها و نگرش های زنان با مادری (موج اول و دوم)

معنای نقش مادری	اهمیت مادری	فشاری هنجار مادری	فرصت مادری	تمایل
۰/۳۲ **	۰/۵۶ **	۰/۳۱ **	۰/۱۲ - **	موج دوم
۰/۲۱ **	۰/۵۹ **	۰/۴۶ **	۰/۰۰۲	موج اول

۳-۷) رابطه تمایل به نقش مادری با ویژگی های فردی آن

- وضع تأهل با تمایل به نقش مادری

چنانچه یافته های حاصل نشان می دهد زنان متأهل بیش از دختران مجرد به ایفای نقش مادری تمایل دارند؛ به طور دقیق تر ۸۷ درصد متاهلان و ۵۸ درصد مجردان در سطح زیاد به ایفای نقش مادری تمایل دارند و در مقابل به ترتیب ۲۲ و ۳ درصد مجردان و متاهلان چندان علاقه ای ابزار ننموده اند.

- رابطه گروه سنی با تمایل به نقش مادری

یافته های به دست آمده نشان می دهد با افزایش سن زنان، تمایل آنها به نقش مادری بیشتر می شود. به طور مشخص تر تفاوت در پذیرش نقش مادری در مقایسه گروه سنی ۱۵ تا ۳۰ ساله با ۳۰ تا ۴۵ ساله و ۴۵ ساله ها و بیشتر مشهودتر است.

- رابطه سطح سواد با تمایل به نقش مادری

یافته های حاصل نشان می دهد هر چه میزان سواد زنان افزایش می یابد میزان تمایل آنها به مادر شدن کمتر می شود؛ در واقع ۸۹ درصد زنان زیر دیپلم و در مقابل ۷۲ درصد زنان بالاتر از دیپلم، در حد زیاد علاقه مند به ایفای نقش مادری هستند.

- رابطه وضعیت اشتغال با تمایل به نقش مادری

بررسی حاصل نشان می دهد که ۵۸ درصد زنان در حال تحصیل و در مقابل ۸۷ درصد زنان خانه دار در حد زیاد به مادر شدن علاقه مند هستند؛ در مقابل به ترتیب ۳ و ۲۰ درصد در حد کم ابراز تمایل نموده اند. بنابراین می توان نتیجه گرفت زنان در حال تحصیل و شاغل عمدتاً تمایل کمتری به ایفای نقش مادری دارند.

- رابطه کفایت درآمد با تمایل به نقش مادری

نتایج بدست آمده نشان می دهد که رابطه معنادار آماری بین وضعیت کفایت درآمدی با تمایل به مادری مشاهده نمی گردد؛ بنابراین وضع اقتصادی افراد تاثیری بر پذیرش و ایفای نقش مادری در بین زنان مورد مطالعه ندارد.

جدول ۷-۳: تمایل به ایفای نقش مادری بر حسب ویژگی های فردی

ویژگی های فردی / نقش	کم	متوسط	زیاد	جمع
وضع تاهل	مجرد	۲۴	۴۴	۱۰۰
	متاهل	۱۳	۸۰	۱۰۰
آزمون آماری				$X^2 = 174$ $V = 0/39$ $S = 0/000$
سن	۱۵ تا ۳۰ سال	۲۶	۴۹	۱۰۰
	۳۰ تا ۴۵ سال	۱۱	۷۴	۱۰۰
	۴۵ سال و بیشتر	۷	۸۳	۱۰۰
	آزمون آماری			
سواد	زیر دیپلم	۱۰	۷۸	۱۰۰
	دیپلم	۱۱	۷۴	۱۰۰
	بالاتر از دیپلم	۱۹	۶۱	۱۰۰
	آزمون آماری			
اشتغال	شاغل	۱۷	۵۹	۱۰۰
	در حال تحصیل	۳۶	۴۳	۱۰۰
	خانه دار	۷	۸۱	۱۰۰
	آزمون آماری			
کفایت درآمد	کم	۱۳	۷۲	۱۰۰
	متوسط	۱۳	۶۸	۱۰۰
	زیاد	۱۸	۶۸	۱۰۰
	آزمون آماری			

۴) ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون زندگی زناشویی

۴-۱) رضایت از زندگی مشترک

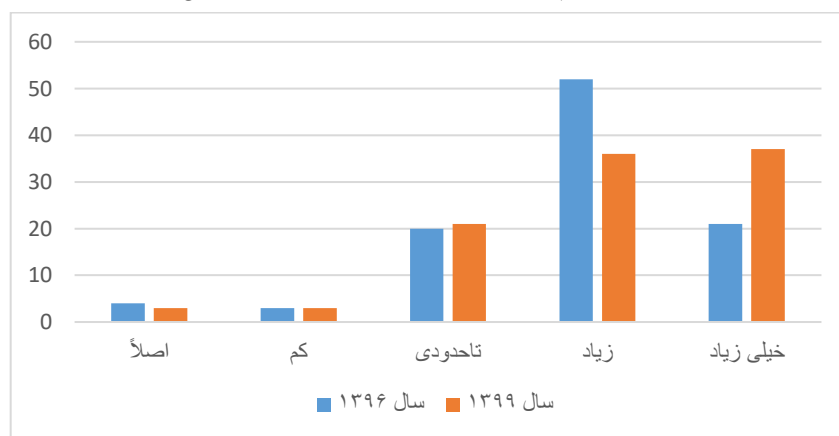
نتایج موج دوم پژوهش مشاهده می گردد اکثریت مطلق زنان متأهل نمونه تحقیق، از زندگی خود در سطح زیاد و خیلی زیاد (۷۳ درصد) رضایت دارند، همچنین این وضعیت در موج اول پژوهش برابر با ۷۳ درصد بوده، که وضعیت برابری را نشان می دهد. در مقابل نسبت کسانی که رضایت کمی دارند برابر با ۳ درصد در سطح کم و ۳ درصد نیز اظهار داشتند که از زندگی با همسرشان اصلاً راضی نیستند (۴ و ۳ درصد در موج اول).

چنانچه دقیق تر به نسبت افرادی که در سطح زیاد و خیلی زیاد از زندگی رضایت دارند توجه گردد عمده تغییر جابجایی در نسبت زیاد و خیلی زیاد می باشد؛ در موج اول نسبت افراد خیلی زیاد راضی از ۲۱ درصد در موج دوم به ۳۷ درصد رسیده است. پس می توان شاهد افزایش رضایت زنان از زندگی مشترک بود.

جدول ۱-۱-۴: از زندگی مشترک با همسران چقدر رضایت دارید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		رضایت از زندگی مشترک
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳	۲۳	۴	۳۳	اصلاً
۳	۲۱	۳	۲۸	کم
۲۱	۱۴۸	۲۰	۱۸۰	تاحدودی
۳۶	۲۴۷	۵۲	۴۷۶	زیاد
۳۷	۲۵۲	۲۱	۱۹۳	خیلی زیاد
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۲۳	-	۶	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱-۱-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب رضایت از زندگی مشترک

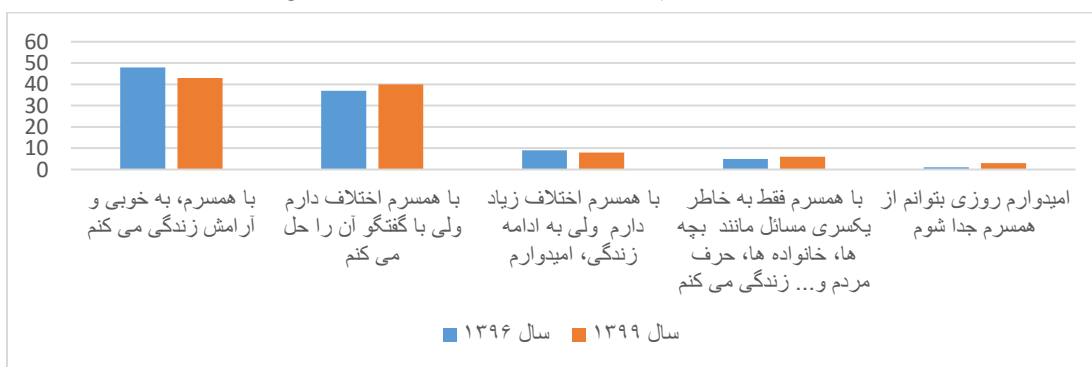


یکی از مولفه های دیگری که در قالب رضایت زندگی مشترک قابل مطالعه می باشد؛ وضعیت ثبات و امید به تداوم زندگی مشترک است. یافته ها نشان می دهد که ۴۳ درصد خانواده ها در شهر تهران با همدیگر به خوبی و آرامش زندگی می کنند (۴۸ درصد در موج اول)؛ در مقابل حدود سه درصد خانواده ها امیدوارند که روزی از همسرشان جدا شوند که بیانگر شکست آنها در زندگی زناشویی است. همچنین ۴۰ درصد عنوان کرده اند که با همسرشان اختلاف دارند، ولی با گفتگو حل می کنند؛ گرچه ۶ درصد به خاطر هنجارهای اجتماعی (بچه ها، خانواده ها، حرف مردم و...) به زندگی ادامه می دهند. همچنین حدود ۶ درصد زنان امیدواری خود را از تداوم زندگی مشترک اعلام کرده اند.

جدول ۲-۱-۴: در حال حاضر زندگی مشترک شما مصداق کدامیک از موارد زیر است؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		رضایت از زندگی مشترک
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴۳	۳۰۷	۴۸	۴۳۱	با همسر، به خوبی و آرامش زندگی می کنم
۴۰	۲۸۲	۳۷	۳۲۷	با همسر اختلاف دارم ولی با گفتگو آن را حل می کنم
۸	۵۹	۹	۷۶	با همسر اختلاف زیاد دارم ولی به ادامه زندگی، امیدوارم
۶	۴۰	۵	۴۹	با همسر فقط به خاطر یکسری مسائل مانند بچه ها، خانواده ها، حرف مردم و... زندگی می کنم
۳	۲۴	۱	۱۰	امیدوارم روزی بتوانم از همسر جدا شوم
-	-	-	۲۳	بدون همسر بر اثر فوت یا طلاق
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۰۲	-	-	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۱-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب رضایت از زندگی مشترک



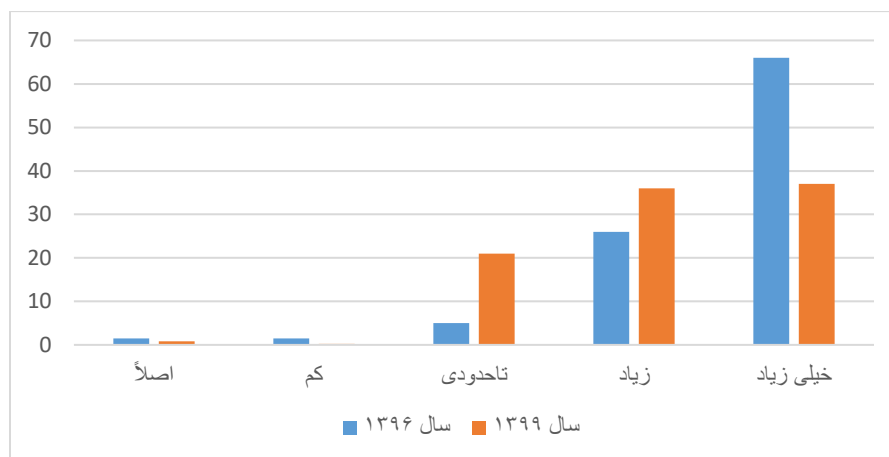
۴-۲) اهمیت زندگی مشترک

حفظ و پایداری زندگی مشترک در بین زنان متأهل شهر تهران از اهمیت بسیاری برخوردار است. طبق بررسی حاصل ۹۲ درصد از آنها در حد زیاد و خیلی زیاد مقید به حفظ و ادامه زندگی مشترک شان هستند (۹۴ درصد در موج اول)؛ در مقابل نسبت کسانی که حفظ زندگی شان در سطح «اصلاً» و «کم» می باشد، در مجموع برابر سه درصد می باشد. این یافته در راستای این نتیجه جدول قبلی می باشد که حدود سه درصد از زنان اعلام کرده بودند که امیدوارند روزی بتوانند از همسرشان جدا شوند.

جدول ۴-۲: چقدر حفظ و ادامه زندگی مشترک برای شما مهم است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		اهمیت زندگی مشترک
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱/۵	۱۱	۰/۸	۷	اصلاً
۱/۵	۱۰	۰/۲	۲	کم
۵	۳۷	۵	۴۷	تاحدودی
۲۶	۱۸۰	۵۲	۴۴۵	زیاد
۶۶	۴۶۰	۴۲	۳۵۹	خیلی زیاد
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۱۶	-	۲۶	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۴-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت زندگی مشترک



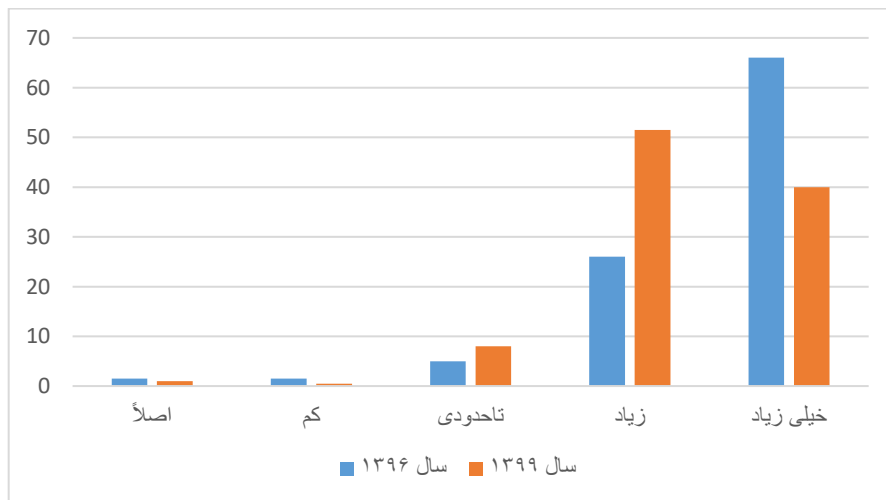
۳-۴ فشار هنجاری زندگی مشترک

طبق بررسی به عمل آمده در بین زنان مورد مطالعه، انتظارات اجتماعی از سوی خانواده و اطرافیان مبنی بر حفظ و تعهد به زندگی، میزان بالایی را نشان می دهد. چنانچه ملاحظه می گردد ۹۴ درصد زنان متأهل مورد مطالعه در حد زیاد و بسیار زیاد بدین الزام اجتماعی اشاره و در مقابل ۲ درصد در حد «کم» و «اصلاً» بدان اشاره کرده اند.

جدول ۳-۴: چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که زندگی مشترک تان را حفظ کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار زندگی مشترک
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱	۶	۱	۷	اصلاً
۱	۶	۰/۵	۴	کم
۴	۲۷	۸	۶۴	تاحدودی
۲۶	۱۷۲	۵۱/۵	۴۳۶	زیاد
۶۸	۴۴۲	۴۰	۳۳۶	خیلی زیاد
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۶۱	-	۶۹	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب فشار هنجاری زندگی مشترک



۴-۴) محدودیت های (فرصت) زندگی مشترک

طبق تحلیل صورت گرفته، ۴۸ درصد زنان در موج اول (جمع اصلاً و کم) و در مقابل ۳۱ درصد آنها در موج دوم اظهار داشتند که در طول زندگی مشترک شان با مشکل و محدودیت های خاصی روبرو نیستند؛ همچنین ملاحظه می گردد ۲۳ درصد زنان در موج اول و نیز ۳۸ درصد در موج دوم در سطح زیاد و خیلی زیاد به محدودیت های مختلف در زندگی مشترک اشاره کرده اند. حدود یک سوم نیز نظری در حد متوسط داشته اند.

جدول ۴-۴: در زندگی مشترک چقدر با مشکلات و محدودیت های مختلف روبرو هستید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت زندگی مشترک
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۹	۶۶	۱۸	۱۵۹	اصلاً
۲۲	۱۶۰	۳۰	۲۶۰	کم
۳۰	۲۱۲	۲۹	۲۴۸	تاحدودی
۲۱	۱۴۷	۱۳	۱۰۹	زیاد
۱۸	۱۲۷	۱۰	۸۷	خیلی زیاد
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۰۲	-	۵۳	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۴-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب محدودیت های (فرصت) زندگی مشترک



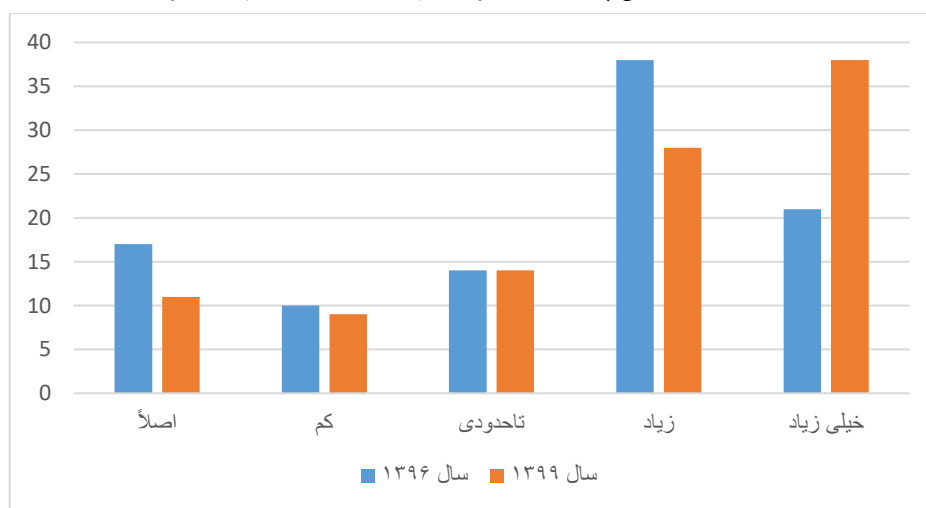
۴-۵) آزادی در انتخاب همسر

بررسی های حاصل پیرامون میزان آزادی زنان برای انتخاب همسر، بیانگر آن است که حدود ۲۱ درصد چندان با اختیار خودشان ازدواج ننموده اند (۱۱ و ۹ درصد در حد اصلاً و کم)؛ در مقابل ۶۶ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد در انتخاب همسرشان از آزادی و اختیار لازم برخوردار بوده اند. بنابراین مشاهده می گردد فشارهای مختلف از سوی خانواده و اطرافیان به یک پنجم ازدواج ها منجر شده است و شاهد نوعی اجبار در این زمینه می باشیم.

جدول ۴-۵: تا چه حد انتخاب همسران با اراده و اختیار شما صورت گرفته است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		آزادی در انتخاب همسر
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۱	۸۰	۱۷	۱۵۶	اصلاً
۹	۶۲	۱۰	۹۴	کم
۱۴	۹۸	۱۴	۱۳۰	تاحدودی
۲۸	۱۹۷	۳۸	۳۴۴	زیاد
۳۸	۲۷۱	۲۱	۱۸۷	خیلی زیاد
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۰۶	-	۵	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۴-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب آزادی در انتخاب همسر



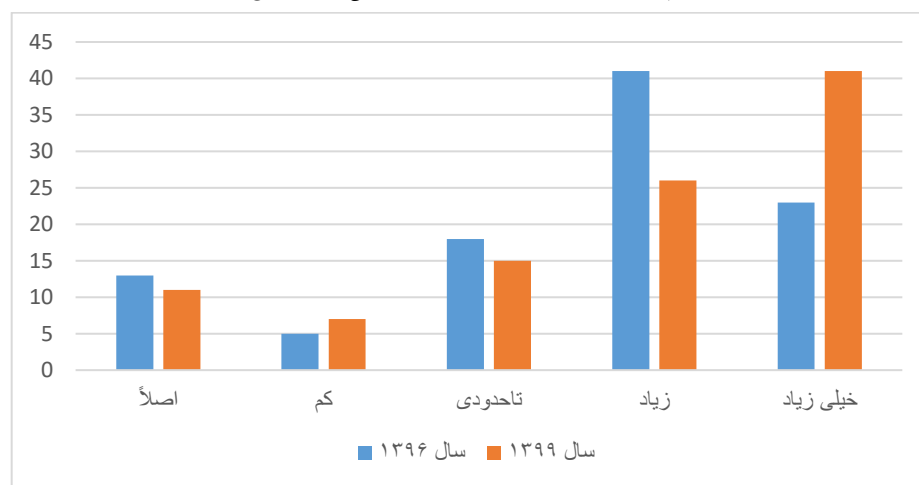
۶-۴) میزان تمایل به زندگی مجدد با همسر

یافته های حاصل پیرامون تعبیر دیگری از رضایت زناشویی، بیانگر آن است که بیش از دوسوم زنان متأهل شهر تهران (۶۴ درصد در موج اول و ۶۷ درصد در موج دوم) تمایل دارند همسرشان را مجدداً برای ازدواج انتخاب کنند. در مقابل ۷ درصد در سطح «کم» و ۱۱ درصد «اصلاً» تمایلی ندارند که با همسر فعلی شان دوباره ازدواج کنند. بنابراین در موج اول ۱۸ درصد زنان و طبق نتایج موج دوم ۱۷ درصد آنها از تداوم زندگی مشترک چندان رضایت ندارند.

جدول ۶-۴: اگر امکان داشت که دوباره ازدواج کنید؛ چقدر تمایل دارید همسران را مجدداً انتخاب کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		میزان تمایل به زندگی مجدد
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۱	۷۳	۱۳	۱۱۴	اصلاً
۷	۴۷	۵	۳۹	کم
۱۵	۱۰۶	۱۸	۱۵۹	تاحدودی
۲۶	۱۷۸	۴۱	۳۶۲	زیاد
۴۱	۲۸۴	۲۳	۲۰۳	خیلی زیاد
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
-	۱۲۶	-	۳۶	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۶-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب میزان تمایل به زندگی مجدد با همسر



۷-۴) معیارهای همسرگزینی قبل از ازدواج

با توجه به نگرش های مختلف زنان متأهل در خصوص معیارهای همسرگزینی قبل از ازدواج، طبق بررسی صورت گرفته از میان ۹ معیار همسرگزینی مورد پرسش، در موج دوم پیمایش ۴۶ درصد به خوش اخلاق بودن، ۳۸ درصد به خانواده دار بودن و ۳۷ درصد به تعهد در زندگی زناشویی بیشترین اهمیت را داده اند؛ در مقابل خوش تیپ بودن، پولدار بودن و داشتن تحصیلات بالا جز معیارهایی است که کمتر مورد توجه زنان در قبل از ازدواج بوده است.

جدول ۷-۴: قبل از ازدواج، مهمترین معیار شما برای انتخاب همسر چه مواردی بود؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶			معیارهای همسرگزینی
بله	خیر	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	
۴۶	۵۴	۱۶	۲۴	۳۱	خوش اخلاق بودن
۳۸	۶۲	۱۳	۱۹	۱۹	خانواده دار بودن
۳۷	۶۳	۱۷	۱۵	۱۱	تعهد به زندگی زناشویی
۳۴	۶۶	۱۳	۹	۸	عشق و علاقه
۲۶	۷۴	۱۳	۸	۴	توانایی تأمین یک زندگی عادی
۱۹	۸۱	۷	۹	۱۰	مذهبی بودن
۱۱	۸۹	۵	۶	۹	تحصیلات بالا
۸	۹۲	۱۲	۷	۴	پولدار بودن
۶	۹۴	۴	۳	۴	خوش تیپ بودن
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

لازم به توضیح است در موج اول پژوهش، پرسشگر با خواندن معیارهای همسرگزینی، از پاسخگو درخواست می نمود که به ترتیب سه معیار مهم را بر حسب شماره یک تا سه اولویت بندی کنند، اما در موج دوم در قالب مصاحبه تلفنی، در نرم افزار سایت «اول فرم» امکان شماره گذاری معیارها بر حسب اعداد یک تا سه وجود نداشت و فقط پاسخگو قادر بود سه معیار را بعد از بیان آنها توسط پرسشگر، انتخاب کند.

۴-۸) معیارهای همسرگزینی بعد از ازدواج

همانطور که مشاهده می گردد زنان متأهل مورد مطالعه بعد از داشتن تجربه زندگی مشترک در اولویت نخست به در موج دوم پژوهش به «توانایی تأمین یک زندگی عادی» (۵۱ درصد) و در موج اول به «خوش اخلاق بودن» (۴۰ درصد)، به عنوان مهم ترین معیار اشاره کرده اند. همچنین معیارهای «عشق و علاقه» با ۴۵ درصد و نیز «خوش تیپ بودن» با ۴۵ درصد در مراتب بعدی قرار می گیرند؛ چنانچه ملاحظه می گردد سه معیار همسرگزینی مورد زنان قبل از ازدواج، بعد از ازدواج جزء مهمترین معیارهای آنها برای ازدواج محسوب می شود که به تعبیری نیازهای عاطفی، اقتصادی و جسمی افراد را در زندگی در بر می گیرند.

جدول ۴-۸: با توجه به تجربه زندگی مشترک، مهمترین معیارهای انتخاب همسر چه مواردی است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶			معیارهای همسرگزینی
بله	خیر	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	
۵۱	۴۹	۴	۱۰	۴	توانایی تأمین یک زندگی عادی
۴۵	۵۵	۹	۸	۷	عشق و علاقه
۴۰	۶۰	۴	۱	۱	خوش تیپ بودن
۳۱	۶۹	۱۱	۱۹	۱۳	تعهد به زندگی زناشویی
۱۸	۸۲	۳۱	۲۵	۴۰	خوش اخلاق بودن
۱۴	۸۶	۱۲	۸	۱۲	مذهبی بودن
۱۲	۸۸	۷	۳	۴	تحصیلات بالا
۱۰	۹۰	۱۹	۱۸	۱۲	خانواده دار بودن
۴	۹۶	۳	۸	۷	پولدار بودن
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

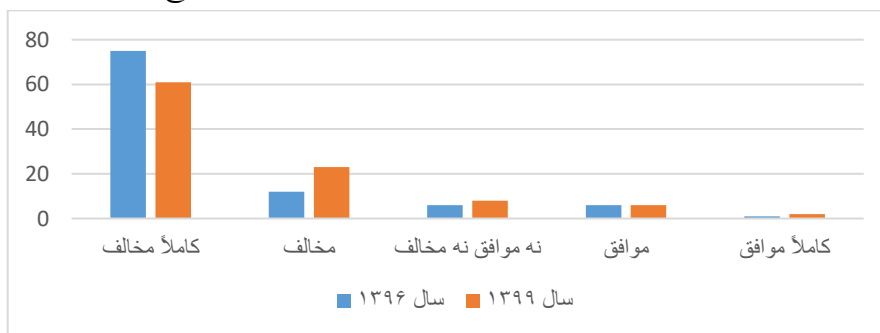
۹-۴) نگرش به همبالینی (ازدواج سفید)

یافته های حاصل درباره نگرش زنان و دختران پیرامون ازدواج سفید (همبالینی) بیانگر آن است ۶۱ و ۲۳ درصد افراد به ترتیب کاملاً مخالف و مخالف با این پدیده هستند که در مجموع ۸۵ درصد افراد را شامل می شود. البته در موج اول نسبت افراد کاملاً مخالف و مخالف برابر با ۷۵ و ۱۲ درصد بودند که در مجموع ۸۷ درصد افراد چنین نظری را داشتند؛ نکته قابل تأمل اینکه گرچه سرجمع تفاوت محسوس و قابل توجهی بین ۸۵ و ۸۷ درصد مشاهده نمی گردد، اما می توان شاهد سقوط نسبت افراد کاملاً مخالف در موج اول از ۷۵ درصد در موج دوم به ۶۱ درصد بود که نوعی پذیرش و تغییر بطنی و کند را در این باره نشان می دهد. در مقابل در موج دوم ۸ درصد و در موج اول ۷ درصد موافق و کاملاً موافق با ازدواج سفید می باشند که با توجه به وضعیت نهادمندی ساختار خانواده در جامعه ایران نسبت قابل توجه ای بوده، و به نوبه خود پدیده ای قابل تأمل می باشد.

جدول ۹-۴: بعضی از دختران و پسران در جامعه، بدون عقد رسمی به اصطلاح «ازدواج سفید» با هم زندگی می کنند، چقدر با رفتار آنها موافق یا مخالف اید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		نگرش به همبالینی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶۱	۶۹۸	۷۵	۸۶۹	کاملاً مخالف
۲۳	۲۵۸	۱۲	۱۴۶	مخالف
۸	۹۳	۶	۶۹	نه موافق نه مخالف
۶	۷۳	۶	۶۸	موافق
۲	۲۴	۱	۱۰	کاملاً موافق
-	۵۴	-	۳۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۹-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب نگرش به همبالینی (ازدواج سفید)



۴-۱۰) رابطه رضایت از زندگی با تعیین کننده های آن

چنانچه ملاحظه می گردد رابطه آماری بین دو متغیر اهمیت زندگی مشترک با رضایت از زندگی زناشویی معنادار شده است (موج اول برابر با ۰/۳۴ و موج دوم برابر با ۰/۴۵). همچنین هر چه زنان متأهل تحت تاثیر فشار هنجاری جامعه برای حفظ و تداوم زندگی مشترک باشند، رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود اعلام نموده اند (موج اول برابر با ۰/۳۰ و موج دوم برابر با ۰/۳۰). در مقابل زنانی که اعلام کرده اند که در زندگی مشترک با مشکلات و محدودیت های مواجه بوده اند، به نوبه خود رضایت کمتری از زندگی مشترک با همسرشان دارند (موج اول برابر با ۰/۲۶- و موج دوم برابر با ۰/۳۰-).

جدول ۴-۱۰: ماتریس همبستگی رضایت از زندگی با تعیین کننده های آن (موج دوم)

محدودیت های زندگی مشترک	فشار هنجاری زندگی مشترک	اهمیت زندگی مشترک	تمایل به انتخاب مجدد همسر	رضایت از زندگی مشترک	ضرایب	
** - ۰/۲۶	** ۰/۲۷	** ۰/۴۵	** ۰/۶۹	۱	رضایت از زندگی	موج
** - ۰/۲۴	** ۰/۳۰	** ۰/۵۰	۱	** ۰/۶۹	تمایل به انتخاب	دوم
** - ۰/۳۰	** ۰/۲۹	** ۰/۳۴	** ۰/۶۱	۱	رضایت از زندگی	موج
** - ۰/۳۶	** ۰/۳۰	** ۰/۳۷	۱	** ۰/۶۱	تمایل به انتخاب	اول

۴-۱۱) رابطه ویژگی های فردی با رضایت از زندگی

- رابطه گروه سنی با رضایت از زندگی

طبق یافته های به دست آمده به مراتب اینکه سن زنان متأهل بالاتر می رود، رضایت از زندگی زناشویی آنها کمتر می شود؛ در واقع زنان متأهل در گروه های سنی ۱۵ تا ۳۰ و ۳۰ تا ۴۵ رضایت زناشویی بالاتری را در مقایسه با ۴۵ ساله ها و بیشتر اعلام کرده اند. در واقع می توان بیان نمود که زنان از سن ۴۵ سالگی به بعد رضایت کمتری را از زندگی مشترک در مقایسه با سایر گروه ها پیدا می کنند.

- رابطه سطح سواد با رضایت از زندگی

چنانچه جدول یافته های حاصل نشان می دهد هر چه میزان سواد زنان افزایش می یابد میزان رضایت از زندگی زناشویی شان بیشتر می شود؛ ۳۶ درصد زنان دیپلم، و به ترتیب ۷۵ درصد زنان دیپلمه و بالاتر از دیپلم در سطح زیاد از زندگی مشترک شان راضی اند.

- رابطه وضعیت اشتغال با رضایت از زندگی

بررسی حاصل نشان می دهد که ۹۳ درصد زنان در حال تحصیل و در مقابل ۷۳ و ۶۸ درصد زنان خانه دار و شاغل در حد زیاد از زندگی خود راضی اند. این تفاوت منجر به تایید رابطه آماری معناداری گردیده است.

- رابطه کفایت درآمد با رضایت از زندگی

نتایج بدست آمده نشان می دهد که رابطه معنادار آماری بین وضعیت کفایت درآمدی با رضایت از زندگی مشترک وجود دارد؛ به طور دقیق تر ۶۱، ۷۳ و ۸۱ درصد از زنانی که از زندگی خانوادگی خود رضایت زیاد دارند؛ وضعیت درآمدشان به ترتیب در حد کم، متوسط و زیاد کفایت زندگی شان را می دهد. بنابراین هر چه وضعیت درآمدی خانواده ها مطلوب باشد، شاهد افزایش رضایت زنان از زندگی مشترک خواهیم بود.

در مجموع طبق بررسی حاصل می توان بیان داشت زنان متأهل ساکن شهر تهرانی که بیش از ۴۵ سال و بیشتر دارند، سوادشان در حد زیر دیپلم است و درآمدشان در حد کمی کفایت هزینه های زندگی شان را می دهد در مقایسه با سایر سطوح مورد مطالعه از زندگی مشترک با همسرشان رضایت کمتری دارند، به گونه ای که با اطمینان ۹۹ درصد می توان این یافته را به جامعه آماری تعمیم داد.

جدول ۱۱-۴: وضعیت رضایت از زندگی بر حسب ویژگی های فردی

ویژگی های فردی / رضایت	کم	متوسط	زیاد	جمع
سن	۷	۱۶	۷۷	۱۰۰
	۵	۱۸	۷۷	۱۰۰
	۸	۲۸	۶۴	۱۰۰
	آزمون آماری			
$K_b = - ۰/۱۱$ $S = ۰/۰۳$				
سواد	۶	۳۱	۶۳	۱۰۰
	۸	۱۷	۷۵	۱۰۰
	۵	۲۰	۷۵	۱۰۰
	آزمون آماری			
$K_b = ۰/۰۸$ $S = ۰/۰۳$				
اشتغال	۱۲	۲۰	۶۸	۱۰۰
	-	۷	۹۳	۱۰۰
	۵	۲۲	۷۳	۱۰۰
	آزمون آماری			
$X^2 = ۱۲$ $V = ۰/۱۰$ $S = ۰/۰۱$				
کفایت درآمد	۱۱	۲۸	۶۱	۱۰۰
	۵	۲۲	۷۳	۱۰۰
	۵	۱۴	۸۱	۱۰۰
	آزمون آماری			
$K_b = ۰/۱۵$ $S = ۰/۰۰۰$				

۵) ارزش ها و نگرش های دختران پیرامون ازدواج

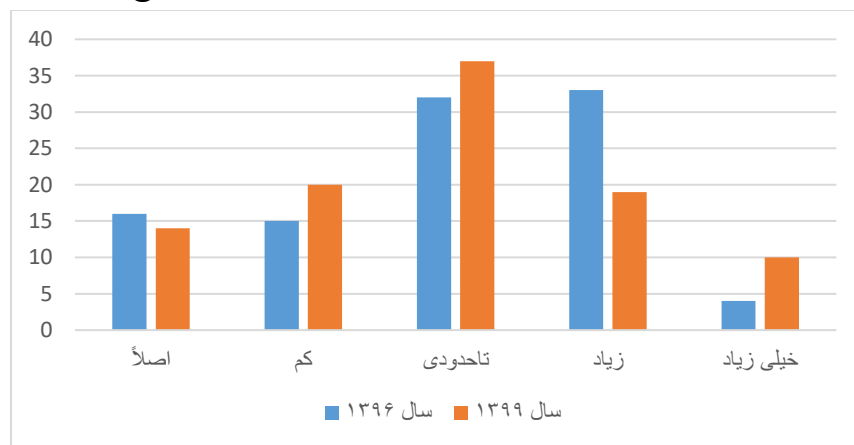
۵-۱) میزان تمایل به ازدواج

بیش از یک سوم دختران در شهر تهران (۲۹ درصد) تمایل بسیاری به ازدواج و تشکیل خانواده دارند (۱۹ درصد زیاد و ۱۰ درصد خیلی زیاد)؛ در مقابل ۳۴ درصد چندان علاقه ای به ازدواج کردن ندارند (۱۴ درصد اصلاً و ۲۰ درصد کم). در واقع می توان نتیجه گرفت نسبت دخترانی که در شهر تهران تمایل به ازدواج دارند با کسانی که تمایل ندارند، تقریباً برابرند (۲۹ در برابر ۳۴ درصد). همچنین ۳۷ درصد تاحدودی نسبت با ازدواج اظهار علاقه کرده اند.

جدول ۱-۵: چقدر تمایل به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک دارید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		میزان تمایل به ازدواج
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۴	۵۲	۱۶	۴۴	اصلاً
۲۰	۷۳	۱۵	۴۲	کم
۳۷	۱۳۸	۳۲	۹۰	تاحدودی
۱۹	۷۲	۳۳	۹۳	زیاد
۱۰	۳۷	۴	۱۲	خیلی زیاد
-	۸۱۴	-	۹۱۶	ازدواج کرده
-	۱۴	-	۳	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب میزان تمایل به ازدواج



۲-۵) سن مناسب ازدواج

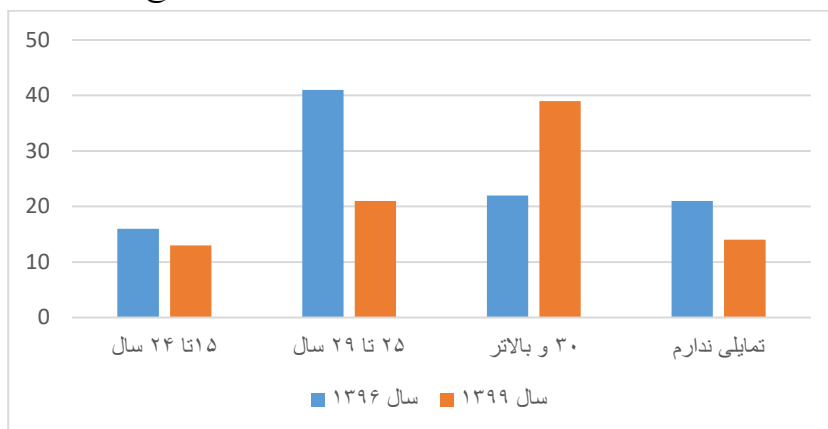
در بین دختران علاقه مند به ازدواج، بررسی ها نشان می دهد که میانگین مناسب سن ازدواج برابر با ۲۷ سالگی، میانه ۲۷ و بیشترین سنی که دختران مجرد تمایل دارند ازدواج کنند، ۲۵ سالگی است. در دسته بندی صورت گرفته ۱۳ درصد افراد سن مناسب ازدواج را بین ۱۵ تا ۲۴ سالگی، ۲۱ درصد بین ۲۵ تا ۲۹ سالگی، ۳۹ درصد ۳۰ سال و بیشتر اشاره کرده اند. در این میان ۱۴ درصد نیز بیان نموده اند که تمایلی به ازدواج ندارند. البته در پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان، سن مناسب ازدواج برای پسران برابر با ۲۵/۶ و برای دختران ۲۱/۲ سال به دست آمده است. جالب اینکه مردان در مقایسه با زنان، هم برای پسران و دختران سنین پایین تری را برای ازدواج مناسب دانسته اند (پیمایش ارزش ها و نگرش ها، ۱۳۹۴).

جدول ۱-۲-۵: دوست دارید در چه سنی ازدواج کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		سن ازدواج
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۳	۸۰	۱۶	۴۲	۱۵ تا ۲۴ سال
۲۱	۱۴۸	۴۱	۱۰۹	۲۵ تا ۲۹ سال
۳۹	۱۰۲	۲۲	۵۸	۳۰ و بالاتر
۱۴	۵۲	۲۱	۵۷	تمایلی ندارم
-	۸۱۴	-	۹۱۶	ازدواج کرده
-	۴	-	۱۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

آماره ها	میانگین	میانه	نما
موج اول	۲۷	۲۷	۲۵
موج دوم	۲۷	۲۷	۲۵

نمودار ۱-۲-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب سن مناسب ازدواج

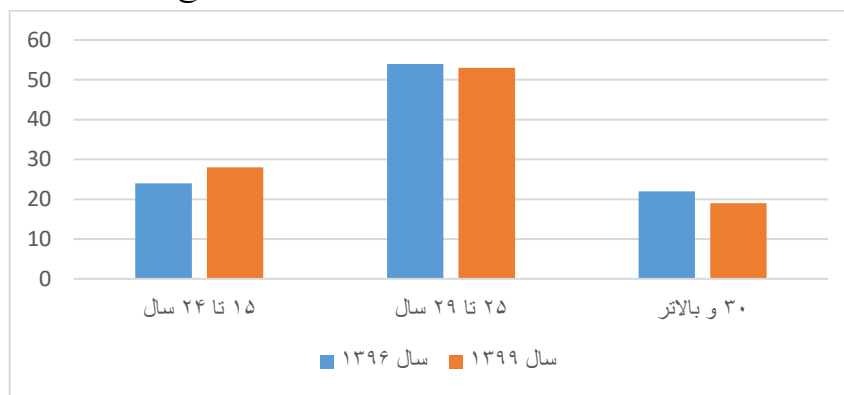


طبق بررسی صورت گرفته پیرامون سوال: «به نظر شما سن مناسب ازدواج برای دختران چه سنی است؟» زنان و دختران نمونه در سال ۱۳۹۶ میانگین سن مناسب برای دختران را ۲۶ سالگی، میانه سن ۲۵ و بیشترین سن مورد نظر را ۲۵ سال اعلام کرده اند. همچنین در سال ۱۳۹۹ میانگین برابر با ۲۵، میانه برابر با ۲۵ و نیز بیشترین سن مورد نظر برای ازدواج یک دختر ۲۵ سالگی (مد) می باشد.

جدول ۲-۲-۵: به نظر شما سن مناسب ازدواج برای دختران چه سنی است؟

سن مناسب ازدواج		سال ۱۳۹۶		سال ۱۳۹۹	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۵ تا ۲۴ سال	۶۳	۲۴	۲۸	۱۰۳	۲۸
۲۵ تا ۲۹ سال	۱۴۲	۵۴	۵۳	۱۹۹	۵۳
۳۰ و بالاتر	۵۴	۲۲	۱۹	۷۱	۱۹
ازدواج کرده	۹۱۶	-	-	۸۱۴	-
بدون پاسخ	۲۳	-	-	۱۳	-
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰

نمودار ۲-۲-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب سن مناسب ازدواج دختران

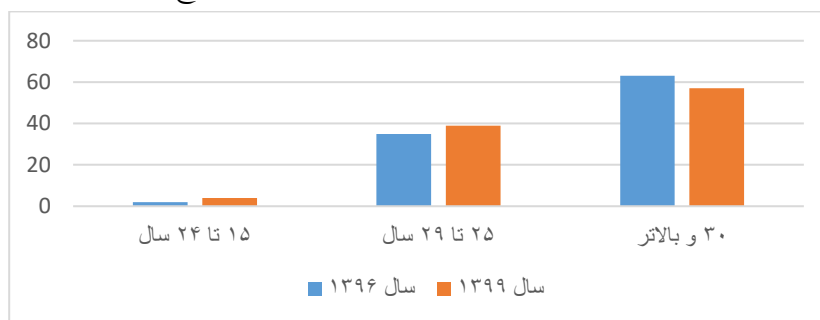


نتایج حاصل پیرامون سوال: «به نظر شما سن مناسب ازدواج برای پسران چه سنی است؟» زنان و دختران نمونه در سال ۱۳۹۶ میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران را ۳۰ سالگی، میانه سن ۳۰ و بیشترین سن مورد نظر را ۳۰ سالگی اعلام کرده اند. همچنین در سال ۱۳۹۹ میانگین، میانه و نیز بیشترین سن مورد نظر برای ازدواج پسران (مد) ۳۰ سالگی ذکر شده است.

جدول ۳-۲-۵: به نظر شما سن مناسب ازدواج برای پسران چه سنی است؟

سن مناسب ازدواج		سال ۱۳۹۶		سال ۱۳۹۹	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۵ تا ۲۴ سال	۵	۲	۱۷	۴	
۲۵ تا ۲۹ سال	۹۱	۳۵	۱۴۳	۳۹	
۳۰ و بالاتر	۱۶۵	۶۳	۲۰۹	۵۷	
ازدواج کرده	۹۱۶	-	۸۱۴	-	
بدون پاسخ	۲۳	-	۱۷	-	
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	

نمودار ۳-۲-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب سن مناسب ازدواج پسران



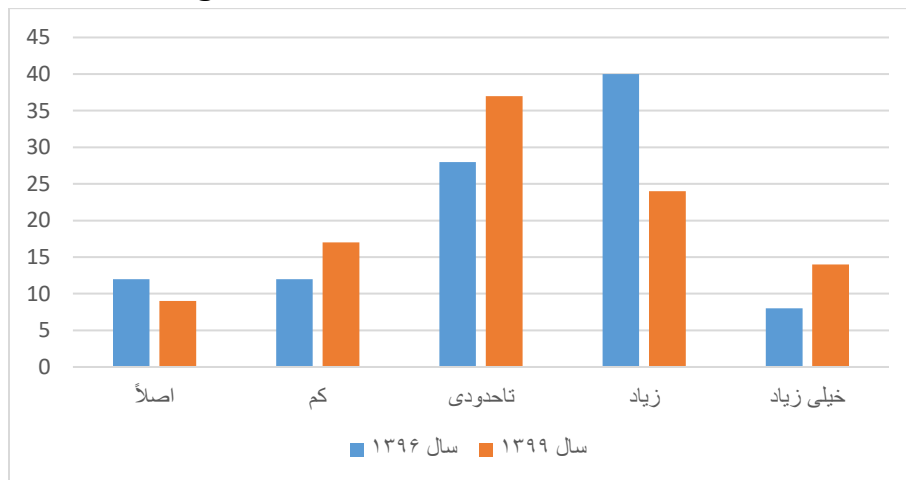
۳-۵) اهمیت ازدواج (هویت یابی)

چنانچه ارقام مندرج در جدول زیر نشان می دهد در موج اول ۴۸ درصد دختران و نیز در موج دوم ۳۸ درصد آنها از در حد زیاد و خیلی زیاد ازدواج و تشکیل خانواده برای آنها اهمیت دارد؛ مقایسه صورت گرفته بیانگر آن است که اهمیت و ارزش ازدواج در بین دختران حدود ۱۰ درصد کاهش یافته است. در مقابل در موج اول ۱۲ درصد و در موج دوم ۹ درصد ازدواج برایشان اصلاً اهمیتی ندارد. همچنین ۱۲ و ۱۷ درصد در حد کم بدان اشاره کرده اند. البته مشاهده می گردد دختران مجردی که از طریق ازدواج احساس هویت می کنند، بیش از کسانی است که تشکیل زندگی برای شان مهم نیست (۳۸ در برابر ۲۶ درصد).

جدول ۳-۵: چقدر ازدواج کردن و تشکیل زندگی، برای شما مهم دارد؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		اهمیت ازدواج
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۹	۳۲	۱۲	۳۳	اصلاً
۱۷	۶۳	۱۲	۳۴	کم
۳۷	۱۳۶	۲۸	۷۷	تاحدودی
۲۴	۸۸	۴۰	۱۱۲	زیاد
۱۴	۵۲	۸	۲۳	خیلی زیاد
-	۸۱۴	-	۹۱۶	ازدواج کرده
-	۱۵	-	۵	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت ازدواج



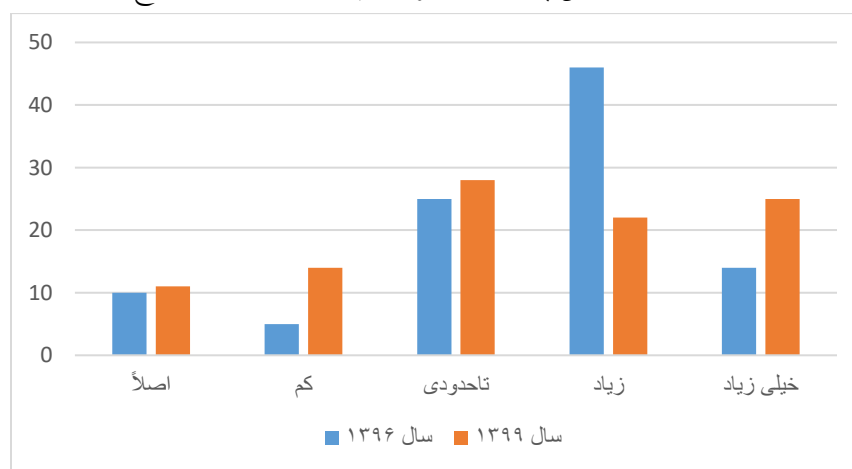
۴-۵ فشار هنجاری ازدواج

نتایج به دست آمده پیرامون انتظار خانواده و اطرافیان برای ازدواج دختران، بیانگر آن است که در موج اول ۴۶ و ۱۴ درصد در موج اول و در موج دوم ۲۲ و ۲۵ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد بدان اشاره کرده اند. در مجموع می توان قضاوت نمود فشار هنجاری ازدواج در بین دختران مجرد ۱۳ درصد کاهش یافته است. در مقابل ۱۵ درصد دختران در موج اول و دوم چندان الزام یا فشاری را از سوی خانواده مبنی بر ازدواج و تشکیل خانواده احساس نمی کنند.

جدول ۴-۵: چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما ازدواج کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار ازدواج
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۱	۳۹	۱۰	۲۷	اصلاً
۱۴	۴۸	۵	۱۴	کم
۲۸	۹۸	۲۵	۶۸	تاحدودی
۲۲	۷۴	۴۶	۱۲۵	زیاد
۲۵	۸۶	۱۴	۳۹	خیلی زیاد
-	۸۱۴	-	۹۱۶	ازدواج کرده
-	۴۱	-	۱۱	بدون پاسخ
۱۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۴-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب فشار هنجاری ازدواج



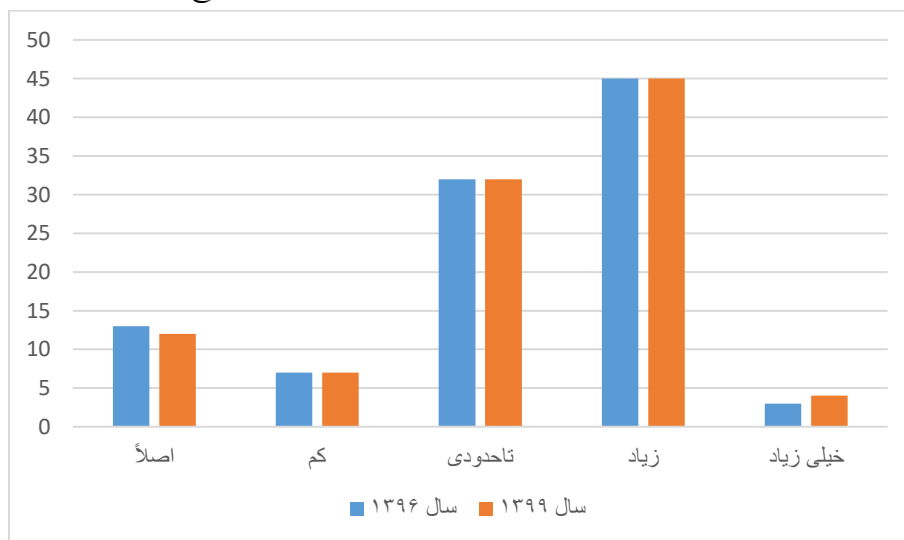
۵-۵) فرصت ازدواج

حدود نیمی از دختران مورد مطالعه بیان داشته اند که امکان و فرصت ازدواج برای آنها مسیر است؛ و در مقابل ۱۹ درصد معتقدند با مشکل و محدودیت مواجه اند. همچنین یک سوم دختران فرصت ازدواج را تاحدودی مناسب دانسته اند.

جدول ۵-۵: تاکنون چقدر امکان و فرصت ازدواج برای شما فراهم بوده است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت ازدواج
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۲	۴۵	۱۳	۳۶	اصلاً
۷	۲۹	۷	۱۹	کم
۳۲	۱۲۱	۳۲	۹۱	تاحدودی
۴۵	۱۷۲	۴۵	۱۲۸	زیاد
۴	۱۴	۳	۸	خیلی زیاد
-	۸۱۴	-	۹۱۶	ازدواج کرده
-	۵	-	۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۵-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب فرصت ازدواج



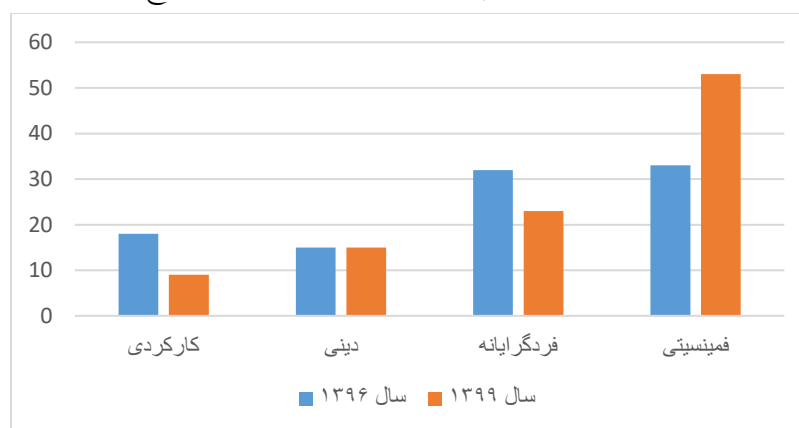
۵-۶) معنای ازدواج

زنان مورد مطالعه در پاسخ به برداشت شان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، ۵۳ درصد در معنایی فمینیستی معتقدند: «یک دختر می تواند ازدواج نکند و مستقل زندگی کند»؛ این نوع برداشت در موج اول برابر با ۳۳ درصد می باشد که بیانگر آن است معنای فمینیستی ازدواج در بین دختران ۲۰ درصد افزایش یافته است. در این میان نیز ۲۳ درصد با برداشتی فردگرایانه، گزینه «ازدواج باعث رفع نیازهای زیستی و عاطفی زنان می شود» را انتخاب کرده اند، که ۱۱ درصد کاهش را نشان می دهد. کمتر از همه ۹ درصد افراد در برداشتی کارکردی به ازدواج به صاحب شأن و منزلت اجتماعی شدن از طریق ازدواج اشاره نموده اند که در مقایسه با موج اول ۹ درصد کاهش را نشان می دهد. همچنین ۱۵ درصد با نگاهی دینی آن را سنتی دینی و در راستای تکمیل شدن زن بیان نموده اند.

جدول ۵-۶: با کدامیک از نظرات زیر درباره ازدواج دختران موافقت می کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		معنای ازدواج
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۳	۸۷	۳۲	۹۴	ازدواج باعث آرامش زنان و داشتن تکیه گاه برای آنها می شود (سوال سال ۱۳۹۶) // ازدواج باعث رفع نیازهای زیستی و عاطفی زنان می شود (سوال سال ۱۳۹۹) (فردگرایانه)
۵۳	۲۰۰	۳۳	۹۳	یک دختر می تواند ازدواج نکند و مستقل زندگی کند (فمینیستی)
۱۵	۵۷	۱۵	۴۳	ازدواج یک سنت دینی است و موجب تکامل زن می شود (دینی)
۹	۳۶	۱۸	۵۳	دختر با ازدواج کردن صاحب شأن و منزلت اجتماعی می شود (کارکردی)
-	۶	-	۱	بدون پاسخ
-	۸۱۴	-	۹۱۶	ازدواج کرده
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۵-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب معنای ازدواج



۷-۵) معیارهای همسرگزینی مجردان

یافته های حاصل پیرامون معیارهای همسرگزینی در بین دختران مجرد بیانگر آن است که «خوش اخلاق بودن» با ۶۴ درصد در مرتبه نخست و در مراتب بعدی «تعهد داشتن به زندگی خانوادگی» و «خانواده دار بودن» به ترتیب با ۵۵ و ۵۰ درصد از میان ۹ معیار مورد نظر بیشترین اهمیت را داشته اند. جالب است خوش تیپ بودن، مذهبی بودن و داشتن تحصیلات بالا کمترین معیار مورد قبول دختران مجرد می باشد.

جدول ۷-۵: قبل از ازدواج، مهمترین معیار شما برای انتخاب همسر چه مواردی بود؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶			معیارهای همسرگزینی
بله	خیر	اولویت سوم	اولویت دوم	اولویت اول	
۶۴	۳۶	۱۷	۲۵	۳۲	خوش اخلاق بودن
۵۵	۴۵	۱۴	۱۳	۱۵	تعهد به زندگی زناشویی
۵۰	۵۰	۱۳	۱۸	۱۷	خانواده دار بودن
۴۳	۵۷	۱۳	۶	۵	عشق و علاقه
۳۶	۶۴	۹	۹	۴	توانایی تأمین یک زندگی عادی
۲۴	۷۶	۱۵	۹	۵	پولدار بودن
۲۲	۷۷	۹	۱۱	۱۵	تحصیلات بالا
۱۳	۸۷	۶	۴	۲	خوش تیپ بودن
۱۱	۸۹	۴	۵	۵	مذهبی بودن
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

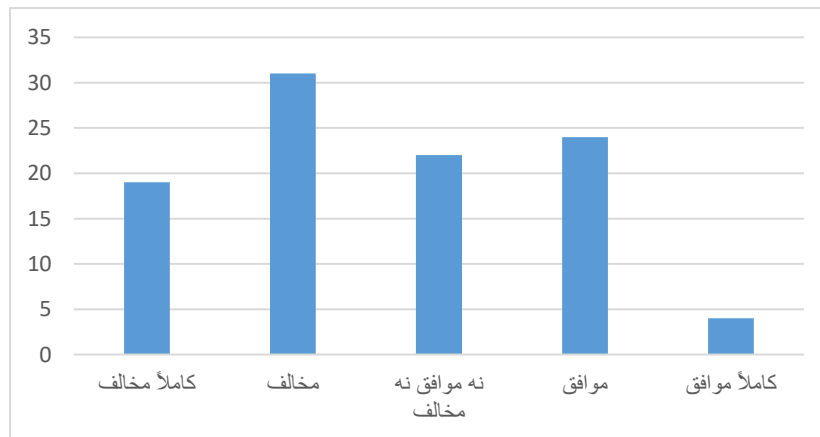
۸-۵) نگرش به دوستی دختر و پسر

بررسی نگرش زنان و دختران نشان می دهد که ۱۹ و ۳۱ درصد افراد به ترتیب کاملاً مخالف و مخالف با این پدیده هستند که در مجموع نیم از افراد را شامل می شود؛ در مقابل ۲۴ درصد موافق و ۴ درصد کاملاً موافق هستند.

جدول ۸-۵: با دوستی دختر و پسر به قصد ازدواج بدون اطلاع خانواده چقدر موافق یا مخالفید؟

سال ۱۳۹۹		دوستی دختر و پسر
درصد	تعداد	
۱۹	۲۱۴	کاملاً مخالف
۳۱	۳۵۱	مخالف
۲۲	۲۵۵	نه موافق نه مخالف
۲۴	۲۷۱	موافق
۴	۴۸	کاملاً موافق
-	۶۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۸-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب نگرش به دوستی دختر و پسر



۹-۵) رابطه نگرش به ازدواج با تعیین کننده های آن

چنانچه ملاحظه می گردد رابطه تمایل به ازدواج با سن مناسب برای ازدواج رابطه معناداری را نشان می دهد، یعنی کسانی که تمایل کمتری نسبت به ازدواج دارند، سن مطلوب شان برای ازدواج بالاست؛ در مقابل نیز دخترانی که علاقه بیشتری به ازدواج دارند؛ سن مناسب برای ازدواج را پایین تر اعلام کرده اند.

رابطه آماری بین دو متغیر فرصت ازدواج با تمایل به ازدواج معنادار شده است، به نحوی که در موج اول و دوم ضریب همبستگی برابر با ۰/۴۶ می باشد. البته در موج دوم پژوهش، فشاری هنجاری برای ازدواج در بین جوانان کاهش یافته و نیز ضریب همبستگی به دست آمده از ۰/۵۹ در موج اول به ۰/۴۰ در موج دوم رسیده است. در این میان نیز متغیر اهمیت و ارزش ازدواج بیش از دو متغیر قبلی بر تمایل به ازدواج تاثیر دارد (در موج اول ۰/۷۰ و در موج دوم ۰/۷۲). بنابراین گرایش دختران جوان نسبت به ازدواج بیشتر تحت تاثیر میزان اهمیتی است که این پدیده در زندگی آنها دارد؛ به عبارتی کسانی که بواسطه ازدواج احساس هویت بیشتری می نمایند، آمادگی بیشتری برای ازدواج دارند. معنای ازدواج در موج دوم پژوهش در بین دختران نیز اهمیت پیدا نموده است، در موج اول بین این متغیر دو رابطه آماری معناداری وجود نداشت ولی در موج دوم رابطه آماری با ضریب ۰/۱۴ معنادار شده است. این یافته بدین معناست که دخترانی که معنای نهادی نسبت به ازدواج داشتند بیشتر تمایل به ازدواج داشتند و در مقابل کسانی که پنداشتی رابطه ای داشتند، رغبت چندانی نسبت به ازدواج ندارند. همچنین دخترانی که گرایش نهادی (فمینیستی و فردگرایانه) داشتند، سن مطلوب ازدواج در بین آنها خیلی بالاست.

جدول ۸-۵: ماتریس همبستگی نگرش به ازدواج با تعیین کننده های آن (موج اول و دوم)

معنای ازدواج	فرصت ازدواج	فشار هنجاری ازدواج	اهمیت ازدواج	تمایل به ازدواج	سن مناسب ازدواج	ضرایب	
- ۰/۰۳	۰/۰۰۱	۰/۰۹	*۰/۱۳	**۰/۱۹	۱	سن مناسب ازدواج	موج
**۰/۱۴	**۰/۴۶	**۰/۴۰	**۰/۷۲	۱	**۰/۱۹	تمایل به ازدواج	دوم
- ۰/۱۰	۰/۰۰۱	۰/۰۴	**۰/۲۵	**۰/۳۰	۱	سن مناسب ازدواج	موج
۰/۰۲	**۰/۴۶	**۰/۵۹	**۰/۷۰	۱	**۰/۳۰	تمایل به ازدواج	اول

۵-۱۰) رابطه ویژگی های فردی با سن مناسب ازدواج

- گروه سنی با سن مناسب ازدواج

بررسی حاصل نشان می دهد که ۸ درصد افراد ۱۵ تا ۳۰ ساله ها، ۲۴ درصد ۳۰ تا ۴۵ ساله ها و ۵۸ درصد ۴۵ ساله ها و بالاتر تمایل به ازدواج ندارند. نکته قابل توجه اینکه ۸ درصد از دخترانی است که بین ۱۵ تا ۳۰ سال سن دارند ولی رغبت به ازدواج ندارند. البته ۴۵ درصد همین دسته از افراد، سن ۲۵ تا ۲۹ سالگی را برای ازدواج پیشنهاد داده اند. این تفاوت در نگرش ها به لحاظ آماری معنادار شده است؛ به عبارتی هر چه سن دختران بالاتر می رود، تمایل شان نسبت به ازدواج کمتر می شود.

- مقاطع تحصیلی با سن مناسب ازدواج

بررسی ها نشان می دهد که ۱۱ درصد افراد زیر دیپلم، ۱۷ درصد از دختران دیپلمه و ۳۳ درصد دارندگان تحصیلات عالی سن ۳۰ سال و بیشتر را برای ازدواج مطلوب می دانند. در بین افرادی که تمایل به تشکیل زندگی ندارند، دختران تحصیل کرده تاحدودی بیشتر هستند. در واقع می توان نتیجه گرفت هر چه دختران مجرد سوادشان بیشتر می شود، سن مطلوب برای ازدواج شان بالاتر و نیز از سویی نیز رغبت کمتری را نسبت به تشکیل خانواده از خود نشان می دهند.

- وضعیت اشتغال با سن مناسب ازدواج

یافته های به دست آمده بیانگر آن است ۱۷ درصد زنان خانه دار، ۱۱ درصد از شاغلان و ۱۳ درصد زنان در حال تحصیل تمایلی به ازدواج ندارند. حدود نیمی (۴۳ درصد) از دختران مشغول به تحصیل، سن مطلوب ازدواج را ۲۵ تا ۲۹ سالگی و ۳۴ درصد شاغلان ۳۰ سال و بیشتر در نظر داشته اند. در مجموع می توان توجه داشت دختران خانه دار در مقایسه با شاغلان و مشغول به تحصیل رغبت کمتری به ازدواج دارند.

- وضعیت کفایت درآمدی با سن مناسب ازدواج

یافته های به دست آمده نشان می دهد ۲۹ درصد از کسانی که کفایت درآمدی پایینی دارند تمایلی به ازدواج ندارند و نیز بیش از همه یعنی حدودی ۳۹ درصد سن ۳۰ سالگی و بیشتر را برای ازدواج پیشنهاد داده اند. بنابراین مشاهده می گردد رابطه آماری معناداری وجود دارد؛ به تعبیری می توان بیان داشت که خانواده های دارای درآمد کم، تمایل کمتری به ازدواج دارند و خانواده های درآمد بالا، عمدتاً تمایل دارند در سنین بالاتر ازدواج کنند.

جدول ۹-۵: نگرش به سن مناسب ازدواج بر حسب ویژگی های فردی

ویژگی های فردی / رفتار	عدم تمایل	تا ۲۴ سالگی	۲۵ تا ۲۹ سالگی	۳۰ و بیشتر	جمع
سن	۱۵ تا ۳۰ سال	۸	۲۶	۴۵	۲۱
	۳۰ تا ۴۵ سال	۲۴	۱	۱۸	۵۷
	۴۵ سال و بیشتر	۵۸	۲۵	۱۷	-
	آزمون آماری	$X^2 = ۸۷ \quad V = ۰/۳۴ \quad S = ۰/۰۰۰$			
سواد	زیر دیپلم	۱۱	۳۸	۴۰	۱۱
	دیپلم	۱۲	۳۶	۳۵	۱۷
	بالتر از دیپلم	۱۴	۱۳	۴۰	۳۳
	آزمون آماری	$X^2 = ۳۳ \quad V = ۰/۲۱ \quad K_c = ۰/۱۶ \quad S = ۰/۰۰۰$			
اشتغال	شاغل	۱۷	۸	۳۴	۴۱
	در حال تحصیل	۱۱	۲۹	۴۳	۱۷
	خانه دار	۱۳	۲۵	۳۷	۲۵
	آزمون آماری	$X^2 = ۳۹ \quad V = ۰/۲۳ \quad S = ۰/۰۰۰$			
کفایت درآمد	کم	۲۹	۶	۲۶	۳۹
	متوسط	۱۲	۱۹	۳۷	۳۲
	زیاد	۱۲	۲۵	۴۴	۱۹
	آزمون آماری	$X^2 = ۲۵ \quad V = ۰/۱۹ \quad S = ۰/۰۰۰$			

۶) ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون امور منزل

۶-۱) انجام امور منزل در بین متأهلان

از زنان متأهل تحقیق در زمینه سهم خودشان و همسرشان پیرامون امور منزل پرسش به عمل آمد. بررسی ها نشان می دهد که اکثریت مطلق زنان خودشان به انجام امور مختلف منزل، آشپزی و پخت غذا (۹۱ درصد)، جمع آوری و شستن ظرف ها (۸۶ درصد) و پاکیزگی و نظافت منزل (۸۹ درصد) می پردازند. همچنین در این میان به ترتیب ۵، ۹ و ۱۱ درصد در حد زیاد اعلام کرده اند که همسرانشان در این سه حوزه کمک می کنند.

جدول ۱-۱-۶: در خانه سهم شما و همسرتان در انجام امور منزل چقدر است؟ (سال ۱۳۹۹)

جمع	دیگران			همسر			خودم			امور منزل
	زیاد	تاحدی	اصلاً	زیاد	تاحدی	اصلاً	زیاد	تاحدی	اصلاً	
۱۰۰	۶	۲۵	۶۹	۵	۳۷	۵۸	۹۱	۸	۱	آشپزی و پخت غذا
۱۰۰	۸	۳۰	۶۲	۹	۴۶	۴۵	۸۶	۱۳	۱	جمع آوری و شستن ظرف ها
۱۰۰	۸	۳۲	۶۰	۱۱	۴۴	۴۵	۸۹	۱۰	۱	پاکیزگی و نظافت منزل

همانطور که در ارقام مندرج در جدول زیر نشان می دهد در موج اول پژوهش، بررسی ها نشان می دهد که اکثریت مطلق زنان خودشان به انجام امور مختلف منزل، آشپزی و پخت غذا (۹۲ درصد)، جمع آوری و شستن ظرف ها (۸۵ درصد) و پاکیزگی و نظافت منزل (۸۵ درصد) می پردازند. همچنین در این میان حدود یک پنجم اعلام کرده اند که همسرانشان در این امور تا حدودی به آنها کمک می کنند.

جدول ۲-۱-۶: در خانه سهم شما و همسرتان در انجام امور منزل چقدر است؟ (سال ۱۳۹۶)

جمع	دیگران			همسر			خودم			امور منزل
	زیاد	تاحدی	اصلاً	زیاد	تاحدی	اصلاً	زیاد	تاحدی	اصلاً	
۱۰۰	۱	۱۴	۸۵	۲	۲۲	۷۶	۹۲	۷	۲	آشپزی و پخت غذا
۱۰۰	۲	۱۸	۸۰	۲	۲۵	۷۰	۸۵	۱۲	۳	جمع آوری و شستن ظرف ها
۱۰۰	۲	۱۸	۸۰	۳	۲۷	۷۰	۸۵	۱۳	۲	پاکیزگی و نظافت منزل

با عنایت به معیارهای در نظر گرفته شده برای انجام امور منزل در بین خانواده ها، ترکیب همه وظایف منزل برای زنان منجر به یک شاخص کلی گردید^۴. بنابراین می توان نتیجه گرفت ۸۲ درصد زنان در حد کاملاً، ۴ درصد در حد خیلی زیاد و ۵ درصد در حد زیاد اظهار داشتند خودشان به امور منزل می پردازند؛ همانطور که یافته های موج اول داده ها نشان می دهد در موج اول ۶۵ درصد زنان نمونه بیان داشته اند که «اصلاً» و ۷ درصد در حد «کم» شوهرانشان در این موارد به آنها کمک نمی کند؛ چنانچه ملاحظه می گردد در موج دوم پژوهش، ۳۶ درصد گزینه «اصلاً» و ۱۳ درصد در حد «کم» بدان اشاره کرده اند که بیانگر آن است کمک مردان در امور مختلف منزل ۳۰ درصد افزایش یافته است.

جدول ۳-۱-۶: وضعیت انجام امور منزل توسط زنان متأهل، همسران و دیگران (۱۳۹۹)

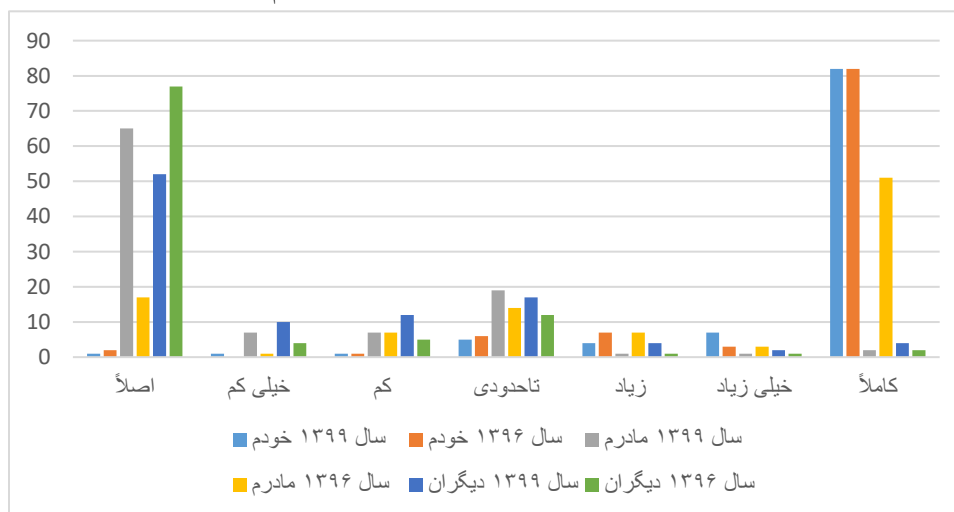
دیگران		همسر		خودم		شاخص انجام امور منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۲	۳۲۴	۳۶	۲۴۲	۰/۵	۵	اصلاً
۱۰	۶۳	۱۳	۸۵	۰/۱	۱	خیلی کم
۱۲	۷۴	۱۴	۹۸	۰/۴	۳	کم
۱۷	۱۰۴	۲۵	۱۷۰	۵	۴۱	تاحدودی
۴	۲۳	۵	۳۲	۴	۳۲	زیاد
۲	۹	۴	۲۴	۷	۵۶	خیلی زیاد
۴	۲۲	۳	۲۳	۸۲	۶۵۶	کاملاً
-	۱۹۵	-	۱۴۰	-	۲۰	بدون پاسخ
-	۳۸۶	-	۳۸۶	-	۳۸۶	مجردان
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

جدول ۴-۱-۶: وضعیت انجام امور منزل توسط زنان متأهل، همسران و دیگران (۱۳۹۶)

۱- به ترکیب سه سوال فوق با گزینه های اصلاً (صفر)، کم (۱) و زیاد (۲) جمع نمرات حاصل بین اعداد صفر تا ۶ به دست آمد. در ادامه عدد صفر برابر با گزینه اصلاً، عدد ۱ برابر با گزینه خیلی کم، عدد ۲ برابر با گزینه کم، عدد ۳ برابر با گزینه تاحدودی، عدد ۴ برابر با گزینه زیاد، عدد ۵ برابر با خیلی زیاد و عدد ۶ برابر با گزینه کاملاً در نظر گرفته شد.

دیگران		همسر		خودم		شاخص انجام امور منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۷۷	۷۰۸	۶۵	۵۹۷	۱/۵	۱۴	اصلاً
۴	۳۴	۷	۶۰	-	-	خیلی کم
۵	۴۶	۷	۶۲	۱	۹	کم
۱۲	۱۱۰	۱۹	۱۷۱	۵/۵	۵۰	تاحدودی
۰/۳	۳	۱	۱۲	۷	۶۲	زیاد
۰/۲	۲	۰/۱	۱	۳	۲۷	خیلی زیاد
۱/۵	۱۳	۱/۵	۱۳	۸۲	۷۵۴	کاملاً
-	۲۸۴	-	۲۸۴	-	۲۸۴	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب شاخص انجام امور منزل



۶-۲) انجام امور منزل در بین مجردان

یافته های حاصل پیرامون سهم دختران مجرد از پرداختن امور منزل، نشان می دهد که ۲۶ درصد دختران «اصلاً» در منزل پدری به آشپزی و پخت غذا نمی پردازد. همچنین به ترتیب ۱۵ و ۹ درصد در جمع آوری و شستن ظرف ها و نیز پاکیزگی و نظافت منزل کمک نمی کنند؛ در مقابل حدود نیمی از دختران تاحدودی در امور منزل کمک می کند.

جدول ۶-۲: در خانه سهم شما، مادرتان و سایر اعضای خانواده در انجام امور منزل چقدر است؟ (سال ۱۳۹۹)

جمع	دیگران			مادرم			خودم			امور منزل
	زیاد	تاحدی	اصلاً	زیاد	تاحدی	اصلاً	زیاد	تاحدی	اصلاً	
۱۰۰	۱۰	۲۷	۶۳	۸۱	۱۴	۵	۲۳	۵۰	۲۶	آشپزی و پخت غذا
۱۰۰	۱۱	۳۵	۵۴	۶۵	۲۷	۸	۴۰	۴۵	۱۵	جمع آوری و شستن ظرف ها
۱۰۰	۱۴	۳۶	۵۰	۷۲	۲۳	۵	۴۰	۵۰	۹	پاکیزگی و نظافت منزل

جدول ۶-۲ الف: در خانه سهم شما، مادرتان و سایر اعضای خانواده در انجام امور منزل چقدر است؟ (سال ۱۳۹۶)

جمع	دیگران			مادرم			خودم			امور منزل
	زیاد	تاحدی	اصلاً	زیاد	تاحدی	اصلاً	زیاد	تاحدی	اصلاً	
۱۰۰	۱	۱۹	۸۰	۶۴	۱۷	۱۹	۲۲	۴۱	۳۷	آشپزی و پخت غذا
۱۰۰	۳	۲۶	۷۱	۵۴	۲۲	۲۴	۲۷	۴۹	۲۴	جمع آوری و شستن ظرف ها
۱۰۰	۳	۲۶	۷۱	۵۵	۲۲	۲۳	۲۷	۴۸	۲۵	پاکیزگی و نظافت منزل

در راستای پرسش های مورد مطالعه، شاخص انجام امور منزل توسط دختران مجرد ساخته شد.^۵ چنانچه ارقام مندرج در جدول زیر نشان می دهد، ۹ درصد دختران شهر تهران، «اصلاً» سه وظیفه ذکر شده مرتبط با خانه داری را انجام نمی دهند؛ به عبارتی با توجه به نمونه دختران ۱۵ سال به بالای مجرد تحقیق، این نسبت از افراد آمادگی و پذیرش نقش همسری جامعه پذیر نشده اند. در این میان ۳ درصد در حد خیلی کم و ۱۰ درصد در حد کم قرار می گیرند. در مجموع ۲۲ درصد دختران چندان به امور منزل نمی پردازند و در مقابل با جمع موارد کاملاً، خیلی زیاد و زیاد (۴۷ درصد) می توان قضاوت نمود که حدود نیمی از دختران مقید به انجام امور منزل هستند و مابقی در حد متوسط این امور را انجام می دهند. دیگر یافته ها در بین مجردان حاکی از این است که ۵۱ درصد در سطح کاملاً، ۳ درصد در حد خیلی زیاد و ۷ درصد در حد زیاد (در مجموع ۶۱ درصد) به انجام امور توسط منزل توسط مادرانشان اشاره کرده اند.

جدول ۲-۶: وضعیت انجام امور منزل توسط مجردان، مادرانشان و دیگران (سال ۱۳۹۹)

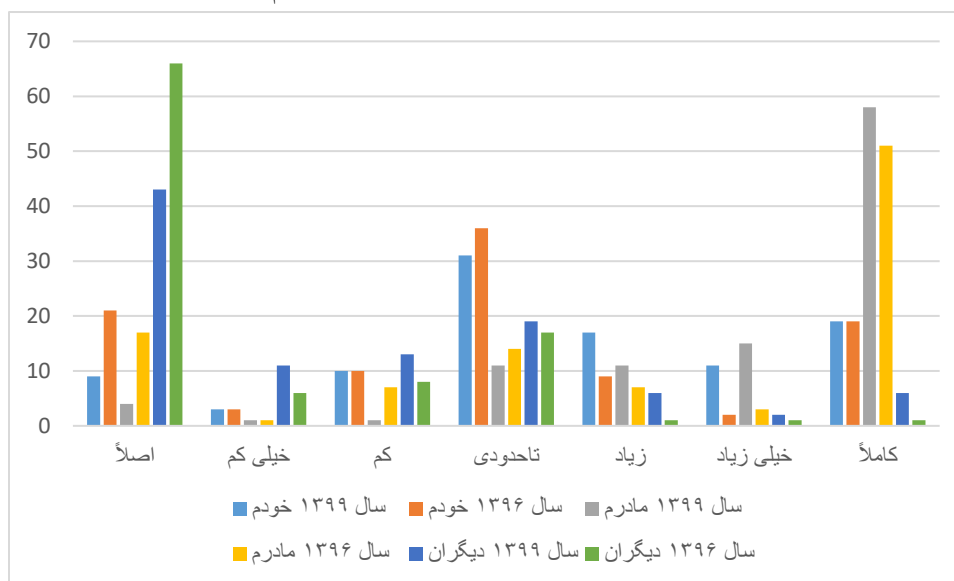
شاخص انجام امور منزل		مادرم		خودم		دیگران
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	درصد
اصلاً	۳۴	۹	۴/۵	۱۵	۴۳	۱۳۹
خیلی کم	۹	۳	۰/۳	۱	۱۱	۳۷
کم	۳۸	۱۰	۰/۶	۲	۱۳	۴۱
تاحدودی	۱۱۳	۳۱	۱۱	۳۸	۱۹	۶۰
زیاد	۶۰	۱۷	۱۱	۳۷	۶	۱۸
خیلی زیاد	۳۹	۱۱	۱۵	۴۸	۲	۸
کاملاً	۷۰	۱۹	۵۸	۱۹۲	۶	۱۸
بدون پاسخ	۲۳	-	-	۵۳	-	۶۵
متأهل	۸۱۴	-	-	۸۱۴	-	۸۱۴
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰

۱- به ترکیب سه سوال فوق با گزینه های اصلاً (صفر)، کم (۱) و زیاد (۲) جمع نمرات حاصل بین اعداد صفر تا ۶ به دست آمد. در ادامه عدد صفر برابر با گزینه اصلاً، عدد ۱ برابر با گزینه خیلی کم، عدد ۲ برابر با گزینه کم، عدد ۳ برابر با گزینه تاحدودی، عدد ۴ برابر با گزینه زیاد، عدد ۵ برابر با خیلی زیاد و عدد ۶ برابر با گزینه کاملاً در نظر گرفته شد.

جدول ۲-۶: وضعیت انجام امور منزل توسط مجردان، مادرانشان و دیگران (سال ۱۳۹۶)

دیگران		مادرم		خودم		شاخص انجام امور منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶۶	۱۸۸	۱۷	۴۹	۲۱	۵۹	اصلاً
۶	۱۷	۱	۲	۳	۹	خیلی کم
۸	۲۴	۷	۱۹	۱۰	۲۸	کم
۱۷	۴۸	۱۴	۳۹	۳۶	۱۰۴	تاحدودی
۱	۲	۷	۲۰	۹	۲۵	زیاد
۱	۲	۳	۱۰	۲	۶	خیلی زیاد
۱	۳	۵۱	۱۴۵	۱۹	۵۳	کاملاً
-	۹۱۶	-	۹۱۶	-	۹۱۶	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب شاخص انجام امور منزل



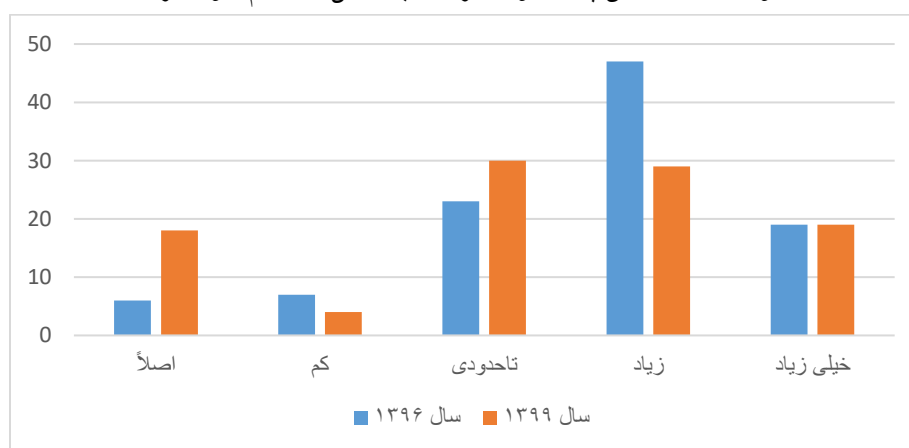
۳-۶) تمایل به انجام امور منزل

همانطور که نتایج داده های موج اول و دوم پژوهش نشان می دهد، دختران و زنان مورد مطالعه عمدتاً تمایل زیادی به انجام امور مختلف منزل دارند. در واقع در موج اول ۶۶ درصد زنان در حد زیاد و خیلی زیاد و در موج دوم ۴۲ درصد زنان به انجام امور منزل اظهار تمایل نموده اند. در این میان ۱۳ درصد دختران مجرد در موج اول و ۲۲ درصد در موج دوم اصلاً تمایلی به انجام امور منزل ندارند. در واقع می توان شاهد کاهش تمایل زنان و دختران برای انجام امور مختلف منزل بود.

جدول ۳-۶: چقدر علاقه مند به انجام دادن امور منزل هستید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		تمایل به انجام امور منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۸	۲۰۱	۶	۵۵	اصلاً
۴	۵۱	۷	۸۹	کم
۳۰	۳۴۰	۲۳	۲۶۹	تاحدودی
۲۹	۳۳۷	۴۷	۵۵۸	زیاد
۱۹	۲۲۲	۱۹	۲۲۳	خیلی زیاد
-	۴۹	-	۶	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۳-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب تمایل به انجام امور منزل



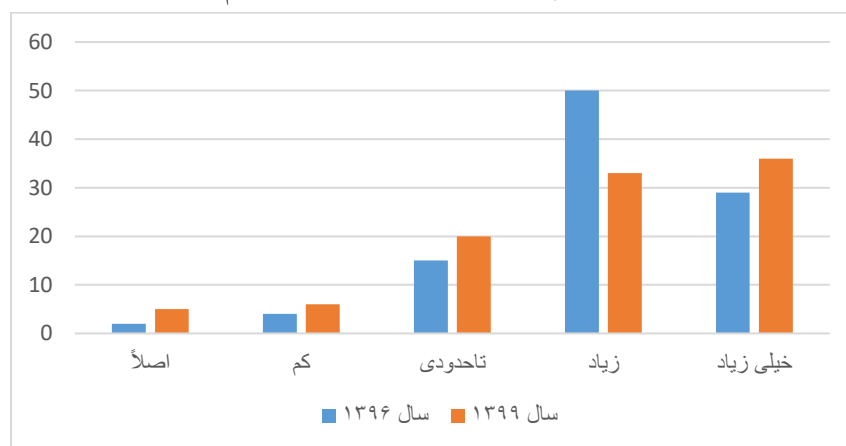
۴-۶) اهمیت انجام امور منزل

در خصوص اهمیت و ضرورت پرداختن به امور منزل به عنوان بخشی از مسائل مربوط به اهمیت زنانه، حدود ۶۹ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و در مقابل ۱۱ درصد در سطح کم و اصلاً بدان اشاره کرده اند. بنابراین اکثر زنان تهرانی انجام وظایف مختلف با امور منزل برایشان مهم است، گرچه تاحدودی می توان شاهد اهمیت این وضعیت در بین موج اول و دوم پژوهش بود.

جدول ۴-۶: چقدر رسیدگی و توجه به امور منزل، برای شما اهمیت دارد؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		اهمیت انجام امور منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵	۵۸	۲	۲۸	اصلاً
۶	۷۵	۴	۴۴	کم
۲۰	۲۳۸	۱۵	۱۸۰	تاحدودی
۳۳	۳۸۸	۵۰	۵۹۴	زیاد
۳۶	۴۲۹	۲۹	۳۴۶	خیلی زیاد
-	۱۲	-	۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۴-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت انجام امور منزل



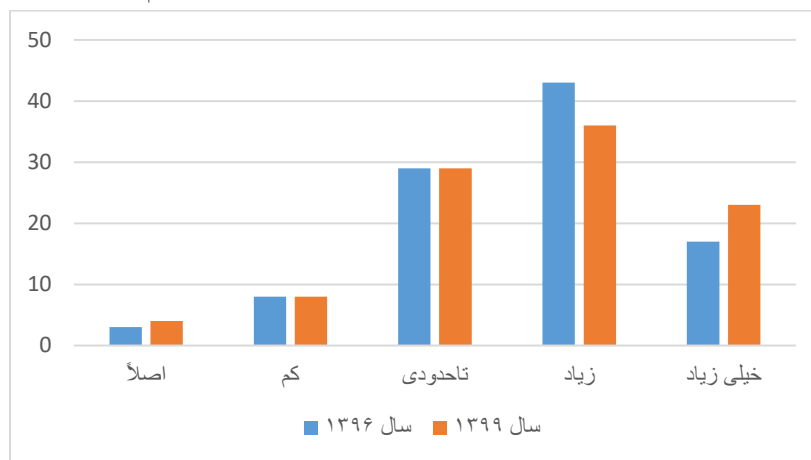
۵-۶) فشار هنجاری برای انجام امور منزل

طبق بررسی صورت گرفته حدود ۵۹ درصد زنان اعلام کرده اند که خانواده و اطرافیان انتظار دارند که به امور منزل رسیدگی کنند. در مقابل ۱۱ درصد احساس می کنند چنین انتظاری از آنها نمی رود. بنابراین هنجار اجتماعی خانه داری در بین زنان و دختران شهر تهران به خوبی مشهود است.

جدول ۵-۶: چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما به انجام امور منزل بپردازید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار انجام امور منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴	۴۸	۳	۳۸	اصلاً
۸	۸۱	۸	۹۰	کم
۲۹	۳۱۴	۲۹	۳۴۴	تاحدودی
۳۶	۳۹۵	۴۳	۵۱۰	زیاد
۲۳	۲۴۷	۱۷	۱۹۶	خیلی زیاد
-	۱۱۵	-	۲۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۵-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب فشار هنجاری برای انجام امور منزل



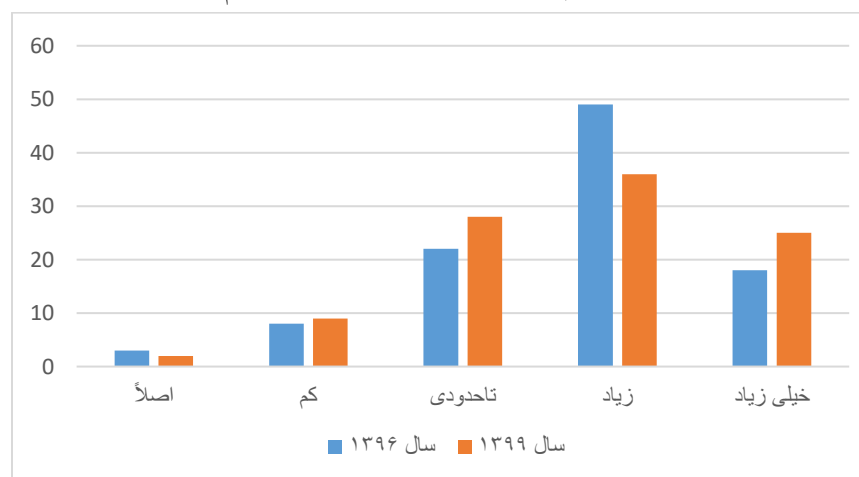
۶-۶) فرصت انجام امور منزل

طبق بررسی به عمل آمده ۶۱ درصد افراد بیان داشته اند که فرصت رسیدگی به امور منزل برای شان فراهم است و بدون هیچ محدودیت و چالشی به انجام امور منزل می پردازند؛ در مقابل ۱۱ درصد برای انجام چنین اموری وقت لازم را ندارند.

جدول ۶-۶: چقدر برای رسیدگی به امور منزل وقت دارید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت انجام امور منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲	۱۶	۳	۳۹	اصلاً
۹	۱۰۴	۸	۸۹	کم
۲۸	۳۳۱	۲۲	۲۶۰	تاحدودی
۳۶	۴۲۳	۴۹	۵۸۳	زیاد
۲۵	۲۹۵	۱۸	۲۱۵	خیلی زیاد
-	۳۱	-	۱۴	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۶-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب فرصت انجام امور منزل



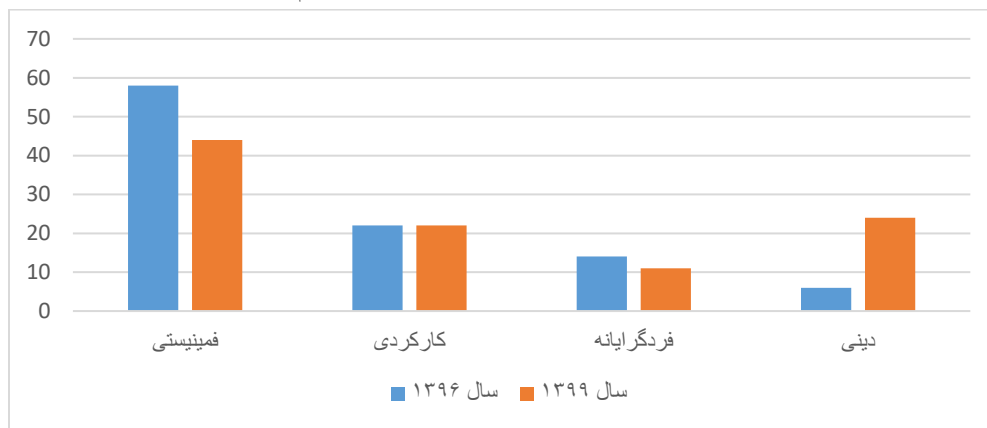
۶-۷) معنای انجام امور منزل

بیشتر زنان تهرانی مورد مطالعه در پاسخ به گرایش شان به انجام امور منزل، در جهت گیری ای فمینیستی «انجام امور منزل را نه صرفاً بر عهده زن، بلکه بر عهده مرد می دانند» (۴۴ درصد). همچنین ۱۱ درصد اظهار داشتند: «انجام کار منزل یکنواخت و زن را فرسوده می کند». ۲۴ درصد در برداشتی دینی، تلقی داشتن ثواب از انجام امور منزل دارند. البته ۲۲ درصد به تقسیم امور منزل به صورت زنانه (درون منزل) و مردانه (خارج از منزل) موافق اند.

جدول ۶-۷: با کدامیک از نظرات زیر در زمینه انجام امور منزل موافقت می کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		معنای انجام امور منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴۴	۵۲۶	۵۸	۶۹۱	انجام امور منزل نه صرفاً بر عهده زن، بلکه بر عهده مرد هم هست (فمینیستی)
۲۲	۲۵۴	۲۲	۲۶۴	بہتر است کارهای داخل منزل برای زن و بیرون برای مردان باشد (کارکردی)
۱۱	۱۲۸	۱۴	۱۵۹	انجام کار منزل یکنواخت و زن را فرسوده می کند (فردگرایانه)
۲۴	۲۷۸	۶	۷۱	انجام امور منزل برای زن از هر کاری ثوابش بیشتر است (دینی)
-	۱۴	-	۱۵	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۶-۷: نمایش پاسخگویان بر حسب معنای انجام امور منزل



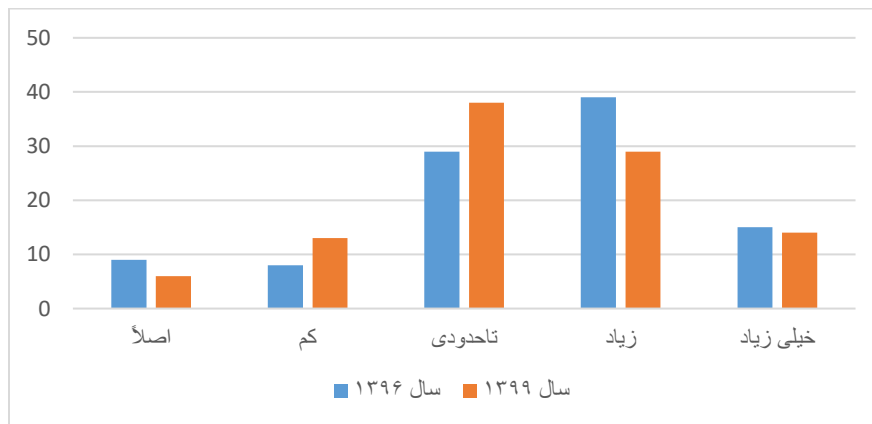
۸-۶) انتظار از شوهر برای کار منزل

زنان مورد مطالعه در پاسخ به سوالی پیرامون انتظارشان از شوهر برای کمک کردن در امور منزل، ۵۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و در مقابل ۱۹ درصد در حد کم و اصلاً بدان اشاره کرده اند. بنابراین مشاهده می گردد حدود نیمی از زنان و دختران معتقدند که مردان در امور مختلف منزل کمک کنند.

جدول ۸-۶: چقدر انتظار دارید همسران در زمینه امور منزل به شما کمک کند؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		انتظار از شوهر برای کار منزل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶	۴۱	۹	۷۸	اصلاً
۱۳	۹۴	۸	۶۹	کم
۳۸	۲۶۸	۲۹	۲۵۰	تاحدودی
۲۹	۲۰۴	۳۹	۳۴۶	زیاد
۱۴	۱۰۱	۱۵	۱۳۲	خیلی زیاد
-		-	۲۸۴	مجردها
-	۱۰۶	-	۴۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۸-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب انتظار از شوهر برای کار منزل



۹-۶) رابطه انجام امور منزل با تعیین کننده های آن

با توجه به تعیین کننده های رفتار و تمایلات رفتاری به عنوان چارچوب نظری مورد بررسی، بررسی حاصل از استفاده از آزمون ضریب همبستگی نشان می دهد که زنان متأهلی که عمدتاً خودشان به انجام امور منزل می پردازند در مرحله نخست وقت بیشتری لازم برای رسیدگی به امور منزل داشته و نیز خانواده و اطرافیان از آنها انتظار دارند؛ اینکه انجام این امور برایشان مهم باشد و به عنوان بخش از هویت همسری بپذیرند، ارتباطی مشاهده نمی شود و نیز گرایش که بدین امور دارند ارتباط وثیقی با وظایف شان در امور خانه ندارد.

در بین زنانی که همسرانشان در امور منزل عمدتاً کمک می کنند، فرصت کمتری برای رسیدگی به انجام امور مختلف منزل دارند، زیاد تحت تاثیر انتظارات اجتماعی نیستند و فشار بر آنها مبنی بر کار و وظیفه زن بودن این امور کمتر دیده می شود. همچنین این زنان، از دسته افرادی هستند که معنای رابطه ای از انجام امور دارند و انتظار دارند همسرانشان در امور منزل کمک کنند. چنانچه ملاحظه می گردد این نتیجه با یافته دیگری مبنی بر میزان انتظار زنان از همسرانشان برای کمک در امور منزل تأیید می گردد. در واقع مشاهده می گردد در این باره نحوه گرایش زنان به انجام امور منزل بیش از هر چیزی تعیین کننده تر است؛ به عبارتی می توان بیان داشت هر چه در بین زنان گرایش فمینیستی و فردگرایانه تر بیشتر باشد به همان اندازه کار منزل را نه صرفاً بر عهده زن، بلکه بر عهده مرد می دانند. در مقابل در بین زنان مذهبی و نیز کسانی که عمدتاً کارکردی به وظایف زن می نگرند، به تقسیم کار امور منزل و بیرون اعتقاد دارند.

در زمینه خانواده هایی که عمدتاً دیگران (جدای از زن و مرد) به امور منزل کمک می کنند، هرچه انتظار از زن خانه کمتر باشد، سایر افراد به آنها کمک می کنند. بنابراین در مقایسه با کسانی که خودشان به امور منزل می پردازند فشار اجتماعی بیشتری احساس می کنند. در مجموع ملاحظه می گردد انجام امور منزل توسط خود زن و یا دیگران بیش از هر چیزی امری اجتماعی است و به عنوان یک واقعیت اجتماعی تحت تاثیر بر ساخت خانواده و از طرفی نیز فرصت زنان برای رسیدگی به امور منزل را نشان می دهد.

بررسی های حاصل در زمینه وضعیت انجام امور منزل در بین دختران مجرد نشان می دهد که کسانی که عمدتاً بیشتر به امور منزل می پردازند، از یک طرف برایشان مهم بوده و به عنوان بخشی از هویت زنانه خود، بدان می نگرند. و از طرف دیگر زمان بیشتری برای رسیدگی به چنین کارهایی را دارند. در مقابل دخترانی که چندان به انجام امور منزل توجهی نمی کنند، عمدتاً ناشی از اهمیت نداشتن چنین کارهایی به عنوان بخشی از فرایند جامعه پذیری است که به لحاظ پدیده ای جنسیتی در جامعه وجود دارند. همچنین وقت کمی دارند و نیز به لحاظ هنجاری از سوی پدر و مادر خانه یا سایر اطرافیان تأکیدی کمتری صورت می گیرد.

جدول ۱- ۹-۶: ماتریس همبستگی انجام امور منزل با تعیین کننده های آن (موج دوم: سال ۱۳۹۹)

وضعیت	انجام امور منزل	اهمیت انجام امور منزل	فشار هنجاری انجام امور منزل	فرصت انجام امور منزل	معنای انجام امور منزل
متأهلان	انجام امور منزل توسط خودم	**۰/۱۵	**۰/۱۵	**۰/۱۴	۰/۰۲
	انجام امور منزل توسط همسر	۰/۰۲	-۰/۰۶	-۰/۰۵	**۰/۱۸
	انجام امور منزل توسط دیگران	۰/۰۵	**۰/۱۱	۰/۰۴	۰/۰۰۰
مجردان	انجام امور منزل توسط خودم	**۰/۳۸	**۰/۴۷	**۰/۲۱	۰/۰۲
	انجام امور منزل توسط مادرم	**۰/۲۱	**۰/۱۷	**۰/۱۴	- ۰/۱۱
	انجام امور منزل توسط دیگران	۰/۰۸	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۵

جدول ۲- ۹-۶: ماتریس همبستگی انجام امور منزل با تعیین کننده های آن (موج اول: سال ۱۳۹۶)

وضعیت	انجام امور منزل	اهمیت انجام امور منزل	فشار هنجاری انجام امور منزل	فرصت انجام امور منزل	معنای انجام امور منزل
متأهلان	انجام امور منزل توسط خودم	۰/۰۶	**۰/۱۰	**۰/۱۳	۰/۰۸
	انجام امور منزل توسط همسر	۰/۰۲	**۰/۱۱	**۰/۱۶	**۰/۱۳
	انجام امور منزل توسط دیگران	۰/۰۴	**۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۰۶
مجردان	انجام امور منزل توسط خودم	**۰/۴۹	۰/۱۵	**۰/۳۶	۰/۰۰۴
	انجام امور منزل توسط مادرم	**۰/۳۲	**۰/۱۶	**۰/۱۷	۰/۰۴
	انجام امور منزل توسط دیگران	۰/۰۰۱	۰/۰۶	۰/۱۲	۰/۰۲

بررسی ها نشان می دهد از میان چهار متغیر تعیین کننده تمایل افراد به انجام امور منزل، میزان اهمیت انجام امور منزل (در موج اول ضریب همبستگی برابر با ۰/۶۲ و در موج دوم ۰/۵۰) و میزان فرصت داشتن برای انجام امور منزل تاثیر (در موج اول ضریب همبستگی برابر با ۰/۴۸ و در موج دوم ۰/۲۷) بیشتری دارند. البته فشار هنجاری مبنی بر انجام امور منزل با تمایل، در موج اول رابطه آماری معناداری را نشان می دهد و در موج دوم این فرضیه تایید نمی گردد. همچنین دیگر نتایج نشان می دهد که زنان متأهلی که گرایش رابطه ای به انجام امور منزل دارند، رغبت کمتری نسبت به انجام امور منزل دارند؛ در مقابل زنانی که گرایش کارکردی و دینی (نهادی) دارند، علاقه بسیاری به انجام امور منزل دارند و نیز انتظار کمتری از همسر برای انجام کارهای خانه دارند.

جدول ۳-۹-۶: ماتریس همبستگی انجام امور منزل با تعیین کننده های آن (موج دوم)

انجام امور منزل	اهمیت انجام امور منزل	فشار هنجاری انجام امور منزل	فرصت انجام امور منزل	معنای انجام امور منزل
تمایل به انجام امور منزل	**۰/۵۰	۰/۰۴	**۰/۲۷	*-۰/۰۸
انتظار از شوهر برای انجام امور منزل	*۰/۱۸	**۰/۱۴	۰/۰۳	**۰/۲۷

جدول ۴-۹-۶: ماتریس همبستگی انجام امور منزل با تعیین کننده های آن (موج اول)

انجام امور منزل	اهمیت انجام امور منزل	فشار هنجاری انجام امور منزل	فرصت انجام امور منزل	معنای انجام امور منزل
تمایل به انجام امور منزل	**۰/۶۲	**۰/۲۷	**۰/۴۸	**۰/۱۵
انتظار از شوهر برای انجام امور منزل	۰/۰۶	**۰/۰۹	۰/۰۱	**۰/۳۶

۱۰-۶) رابطه ویژگی های فردی با تمایل به انجام امور منزل

- وضع تأهل با تمایل به انجام امور منزل

چنانچه جدول یافته های حاصل نشان می دهد ۷۴ درصد متأهلان و نیز ۳۹ درصد مجردان در حد خیلی بیان داشته اند که به انجام امور منزل تمایل دارند. در مقابل ۷ درصد متأهلان و ۲۹ درصد مجردان در حد کم علاقه مند هستند. با توجه به در نظر گرفتن آلفای ۰/۱ / سطح معناداری حاصل مطلوب می باشد. پس می توان نتیجه گرفت زنان متأهل تمایل بیشتری نسبت مجردها برای پرداختن به امور منزل دارند.

- گروه سنی با تمایل به انجام امور منزل

بررسی حاصل نشان می دهد که ۴۹ درصد زنان ۱۵ تا ۳۰ سال، ۶۷ درصد ۳۰ تا ۴۵ سال و ۷۵ درصد ۴۵ ساله و بالاتر در حد زیاد و نیز به ترتیب ۲۴، ۱۲ و ۴ درصد در حد کم علاقه مند با انجام امور مختلف منزل اند. بر اساس تفاوت زیاد می توان نتیجه گرفت هرچه سن زنان افزایش می یابد، تمایل به انجام امور منزل بیشتر می شود و برعکس.

- مقاطع تحصیلی با تمایل به انجام امور منزل

بررسی ها نشان می دهد که ۷۸ درصد افراد زیر دیپلم، ۷۳ درصد دیپلمه ها و ۵۱ درصد دارندگان تحصیلات عالی تمایل زیادی به انجام امور منزل دارند. در مقابل مقاطع مختلف به همین ترتیب ۷، ۹، ۱۸ درصد علاقه چندانی ندارند. بنابراین مشاهده می گردد هر چه تحصیلات زنان بالاتر می رود از تمایل آنها به امور منزل کاسته می شود و برعکس.

- وضعیت اشتغال با تمایل به انجام امور منزل

یافته های به دست آمده بیانگر آن است ۹۲ درصد زنان خانه دار، ۶۶ درصد شاغلان و ۶۶ درصد زنان در حال تحصیل در حد زیاد امور منزل را انجام و در مقابل به همین ترتیب ۳، ۱۳ و ۳۸ درصد در حد کم بدان اشاره کرده اند. این رابطه از طریق آزمون های آماری معنادار است. پس زنان شاغل و در حال تحصیل، کمتر از زنان خانه دار به ایفای نقش همسری می پردازند.

- وضعیت کفایت درآمدی با تمایل به انجام امور منزل

یافته های به دست آمده در خصوص وضعیت کفایت درآمد نشان می دهد ۸۳ درصد از کسانی که درآمد کم، ۸۱ درصد درآمد متوسط و ۷۱ درصد آنهایی که درآمد زیاد دارند، علاقه بیشتری به وظایف منزل دارند. و به ترتیب این وضعیت در بین کسانی که کمتر بدان می پردازند برابر ۸، ۸ و ۱۳ می باشد. با توجه به مقایسه نتایج جالب است نتیجه بگیریم که سطوح کفایتی درآمدی بالا به طور معناداری کمتر از سایر وضعیت ها به انجام امور منزل می پردازند.

جدول ۱۰-۶: تمایل به انجام امور منزل حسب ویژگی های فردی

ویژگی ها / انجام امور منزل	کم	متوسط	زیاد	جمع
وضع تاهل	ازدواج نکرده	۲۹	۳۲	۳۹
	ازدواج کرده	۷	۱۹	۷۴
	آزمون آماری	$X^2 = 142 \quad V = 0/35 \quad S = 0/000$		
سن	۱۵ تا ۳۰ سال	۲۴	۲۷	۴۹
	۳۰ تا ۴۵ سال	۱۲	۲۱	۶۷
	۴۵ سال و بیشتر	۴	۲۱	۷۵
	آزمون آماری	$K_b = 0/21 \quad S = 0/000$		
سواد	زیر دیپلم	۷	۱۵	۷۸
	دیپلم	۹	۱۸	۷۳
	بالتر از دیپلم	۱۸	۳۱	۵۱
	آزمون آماری	$K_b = -0/22 \quad S = 0/000$		
اشتغال	شاغل	۱۷	۳۱	۵۲
	در حال تحصیل	۳۴	۳۲	۳۴
	خانه دار	۶	۱۷	۷۷
	آزمون آماری	$X^2 = 168 \quad V = 0/26 \quad S = 0/000$		
کفایت درآمد	کم	۱۴	۲۲	۶۴
	متوسط	۱۰	۲۴	۶۶
	زیاد	۱۴	۲۱	۶۵
	آزمون آماری	$K_b = 0/002 \quad S = 0/93$		

۱۱-۶) رابطه ویژگی های فردی با میزان انجام امور منزل

- وضع تأهل با انجام امور منزل

چنانچه نتایج حاصل نشان می دهد ۹۲ درصد متأهلان و نیز ۳۰ درصد مجردان در حد زیاد و در مقابل ۳ درصد متأهلان و ۳۴ درصد مجردان در حد کم بیان داشته اند که به انجام امور منزل می پردازند. با توجه به در نظر گرفتن آلفای ۰/۱ سطح معناداری حاصل مطلوب می باشد. پس می توان نتیجه گرفت زنان متأهل بیشتر از دختران مجرد به ایفای نقش در امور منزل می پردازند.

- گروه سنی با انجام امور منزل

بررسی حاصل نشان می دهد که ۴۵ درصد زنان ۱۵ تا ۳۰ سال، ۸۳ درصد ۳۰ تا ۴۵ سال و ۹۳ درصد ۴۵ ساله و بالاتر در حد زیاد و نیز به ترتیب ۲۷، ۶ و ۳ درصد در حد کم امور مختلف منزل را انجام می دهند. بر اساس تفاوت زیاد و مشهود می توان نتیجه گرفت هرچه سن زنان افزایش می یابد، به انجام امور منزل بیشتری می شود و برعکس. با وارد کردن متغیر سومی به نام وضع تاهل و کمک گرفتن از جدول سه بعدی و آماره های حاصل در یک بررسی دقیق تر در بین دختران مجرد با گروه های سنی مختلف نتایج نشان می دهد که مقدار آزمون کندال برابر با ۲۴ درصد و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ درصد است. همچنین دیگر یافته ها نشان می دهد که در بین متأهلان با گروه سنی مختلف این بررسی رابطه معناداری را نشان نمی دهد. بنابراین تاثیر گذاری متغیر وضع تاهل در یک اثر تقاطعی در خصوص این یافته به خوبی محسوس است. به عبارتی می توان بیان داشت دختران مجرد دارای سن پایین، کمتر و در مقابل دختران مجرد مسن تر به طور معناداری بیشتر به امور خانه توجه می کنند.

- مقاطع تحصیلی با انجام امور منزل

بررسی ها نشان می دهد که ۸۶ درصد افراد زیر دیپلم و دیپلم و ۶۴ درصد دارندگان تحصیلات عالی در حد زیاد به انجام امور منزل می پردازند. در مقابل مقاطع مختلف به همین ترتیب ۹، ۶ و ۱۴ درصد در حد کم بدان اشاره کرده اند. بنابراین مشاهده می گردد هر چه تحصیلات زنان در سطح عالی باشند از انجام امور منزل توسط آنها کاسته می شود و برعکس. البته به طور خاص این یافته در بین متأهلان به طور الگومندی قابل مشاهده می باشد. وضعیت مقاطع تحصیلی مختلف در بین مجردها ارتباطی با میزان پرداختن به امور منزل ندارد.

- وضعیت کفایت درآمدی با انجام امور منزل

یافته های به دست آمده در خصوص وضعیت کفایت درآمد نشان می دهد ۶۴ درصد از کسانی که درآمد کم، ۶۶ درصد درآمد متوسط و ۶۵ درصد درآمد زیاد دارند، علاقه بیشتری به وظایف منزل دارند. و به ترتیب این وضعیت در بین کسانی که علاقه چندانی ندارند، برابر با ۱۴، ۱۰ و ۱۴ می باشد. با توجه به مقایسه نتایج جالب است نتیجه بگیریم که سطوح کفایتی درآمدی مختلف ارتباطی با علاقه مندی زنان به انجام دادن و ندادن امور منزل ندارد؛ به عبارتی وضعیت مالی خانواده ها ارتباطی با تمایل زنان در انجام امور زندگی ندارد.

جدول ۱۱-۶: میزان انجام امور منزل حسب ویژگی های فردی

جمع	زیاد	متوسط	کم	ویژگی های فردی / رفتار	
۱۰۰	۳۰	۳۷	۳۴	ازدواج نکرده	وضع تأهل
۱۰۰	۹۲	۵	۳	ازدواج کرده	
$X^2 = 487$ $V = 0/64$ $S = 0/000$			آزمون آماری		
۱۰۰	۴۵	۲۸	۲۷	۱۵ تا ۳۰ سال	سن
۱۰۰	۸۳	۱۱	۶	۳۰ تا ۴۵ سال	
۱۰۰	۹۳	۴	۳	۴۵ سال و بیشتر	
$K_b = 0/38$ $S = 0/000$			آزمون آماری کل نمونه		آزمون
$K_b = 0/24$ $S = 0/000$			آزمون آماری مجردها		
$K_b = 0/03$ $S = 0/39$			آزمون آماری متأهلان		
۱۰۰	۸۶	۴	۹	زیر دیپلم	سواد
۱۰۰	۸۶	۸	۶	دیپلم	
۱۰۰	۶۴	۲۲	۱۴	بالتر از دیپلم	
$K_b = -0/22$ $S = 0/000$			آزمون آماری کل نمونه		آزمون
$K_b = 0/07$ $S = 0/21$			آزمون آماری مجردها		
$K_b = -0/10$ $S = 0/002$			آزمون آماری متأهلان		
۱۰۰	۶۶	۲۱	۱۳	شاغل	اشتغال
۱۰۰	۲۴	۳۸	۳۸	در حال تحصیل	
۱۰۰	۹۲	۵	۳	خانه دار	
$K_b = 0/37$ $S = 0/000$			آزمون آماری کل نمونه		آزمون
$K_b = 0/05$ $S = 0/33$			آزمون آماری مجردها		
$K_b = 0/13$ $S = 0/001$			آزمون آماری متأهلان		
۱۰۰	۸۳	۹	۸	کم	کفایت درآمد
۱۰۰	۸۱	۱۱	۸	متوسط	
۱۰۰	۷۱	۱۶	۱۳	زیاد	
$K_b = -0/10$ $S = 0/000$			آزمون آماری کل نمونه		آزمون
$K_b = 0/006$ $S = 0/91$			آزمون آماری مجردها		
$K_b = -0/008$ $S = 0/82$			آزمون آماری متأهلان		

۷) ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون تحصیلات

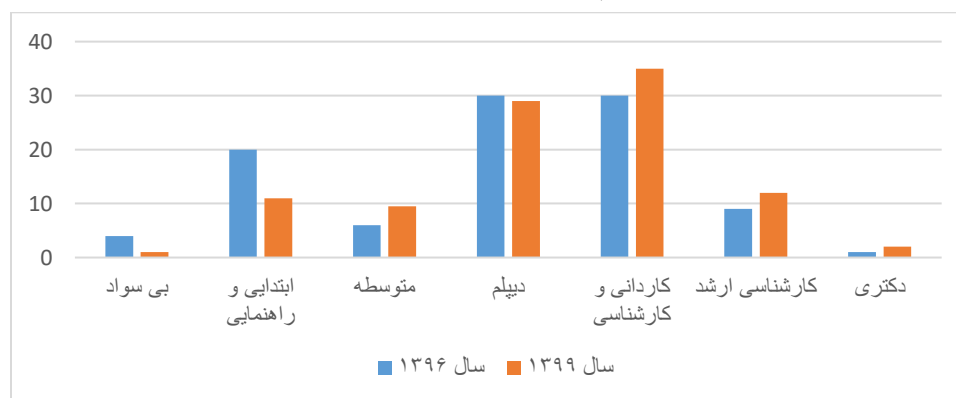
۷-۱) میزان تحصیلات افراد

طبق بررسی صورت گرفته، بیشتر زنان در شهر تهران دارای تحصیلات «کاردانی و کارشناسی» (۳۵ درصد) و «دیپلم» (۲۹ درصد) می باشند. همچنین نسبت افراد دارای تحصیلات «کارشناسی ارشد» و «ابتدایی و راهنمایی» به ترتیب برابر با ۱۲ و ۱۱ درصد است؛ به عبارت دیگر می توان بیان داشت که حدود ۴۹ درصد زنان نمونه بالا تر از دیپلم، ۲۹ درصد دیپلم و ۲۰/۵ درصد دیپلمه هستند.

جدول ۷-۱: تا چه مقطعی تحصیل کرده اید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		تحصیلات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱	۱۳	۴	۴۹	بی سواد
۱۱	۱۳۱	۲۰	۲۳۸	ابتدایی و راهنمایی
۹/۵	۱۱۵	۶	۶۷	متوسطه
۲۹	۳۴۵	۳۰	۳۶۰	دیپلم
۳۵	۴۱۶	۳۰	۳۵۹	کاردانی و کارشناسی
۱۲	۱۳۹	۹	۱۱۱	کارشناسی ارشد
۲	۲۳	۱	۱۳	دکتری
۰/۵	۵	-	-	حوزوی
-	۱۳	-	۳	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

نمودار ۷-۱: نمایش پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات افراد



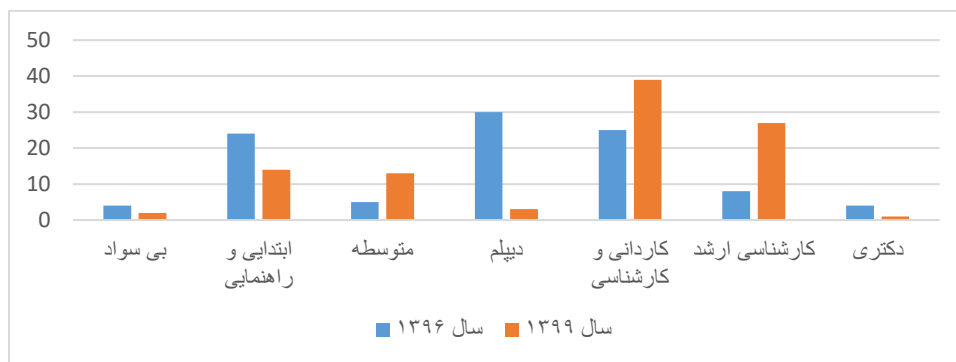
۷-۲) میزان تحصیلات همسر

از دختران و زنان مورد مطالعه دو سوال متفاوت در زمینه تحصیلات همسرشان، پرسیده شد؛ از زنان متأهل پرسیده شد: «همسرتان تا چه مقطعی درس خوانده است؟» و از دختران مجرد سوال شد: «دوست دارید همسرتان چقدر تحصیلات داشته باشد؟». یافته ها نشان می دهد که عمده زنان متأهل همسرانشان بیشتر در حد کاردانی و کارشناسی (۳۹ درصد) و کارشناسی ارشد (۲۷ درصد) تحصیلات دارند. البته وضعیت تحصیلات زنان ر مقایسه با شوهرانشان درصدی برابر با ۳۵ درصد (کاردانی و کارشناسی) و ۱۲ درصد (کارشناسی ارشد) را نشان می دهد که بیانگر نوعی همسان همسری تحصیلی در بین زنان و مردان متأهل می باشد.

جدول ۷-۲-۱: همسران تا چه مقطعی درس خوانده است؟ (متأهل)

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		میزان تحصیلات همسر
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲	۱۳	۴	۳۹	بی سواد
۱۴	۱۰۸	۲۴	۲۱۴	ابتدایی و راهنمایی
۱۳	۹۵	۵	۴۸	متوسطه
۳	۲۵	۳۰	۲۷۶	دیپلم
۳۹	۲۹۵	۲۵	۲۳۱	کاردانی و کارشناسی
۲۷	۲۰۲	۸	۷۲	کارشناسی ارشد
۰/۳	۲	۴	۳۳	دکتری
۲	۱۲	-	-	حوزوی
-	۶۲	-	۳	بدون پاسخ
-	۳۸۶	-	۲۸۴	مجرد
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۷-۲-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات همسر

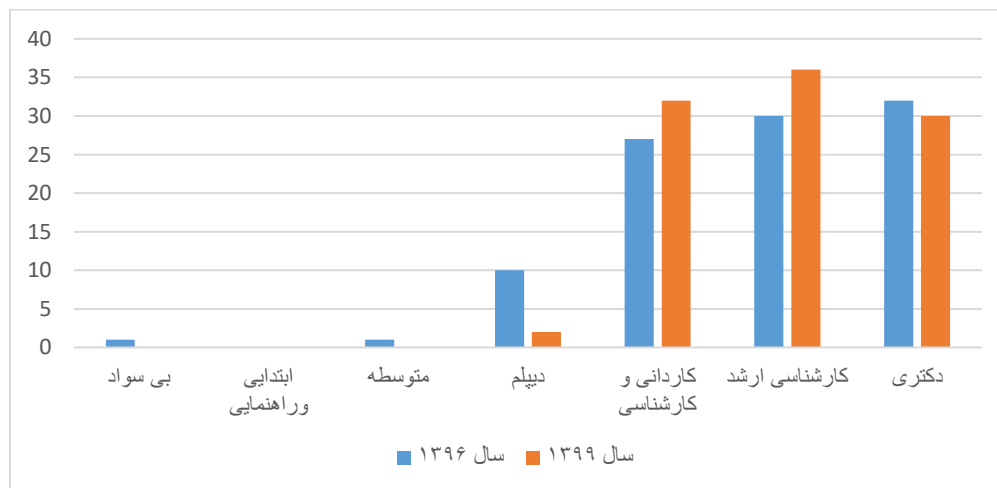


دیگر یافته ها در خصوص وضعیت مطلوب تحصیلات همسر آینده در بین دختران مجرد، بیانگر آن است که عمدتاً تمایل دارند شوهرانشان تحصیلات دانشگاهی داشته باشند. به طور دقیق تر ۳۶ درصد به مقطع کارشناسی ارشد، ۳۲ درصد کاردانی و کارشناسی و ۳۰ درصد دکتری اشاره نموده اند.

جدول ۲-۲-۷: دوست دارید همسرتان چقدر تحصیلات داشته باشد؟ (مجرد)

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		میزان تحصیلات همسر آینده
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
-	-	۰/۷	۲	بی سواد
-	-	-	-	ابتدایی و راهنمایی
-	-	۰/۴	۱	متوسطه
۲	۶	۱۰	۲۷	دیپلم
۳۲	۹۳	۲۷	۷۲	کاردانی و کارشناسی
۳۶	۱۰۷	۳۰	۸۱	کارشناسی ارشد
۳۰	۸۹	۳۲	۸۵	دکتری
-	۹۱	-	۱۶	بدون پاسخ
-	۸۱۴	-	۹۱۶	متأهل
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۲-۲-۷: نمایش پاسخگویان بر حسب میزان تحصیلات همسر آینده



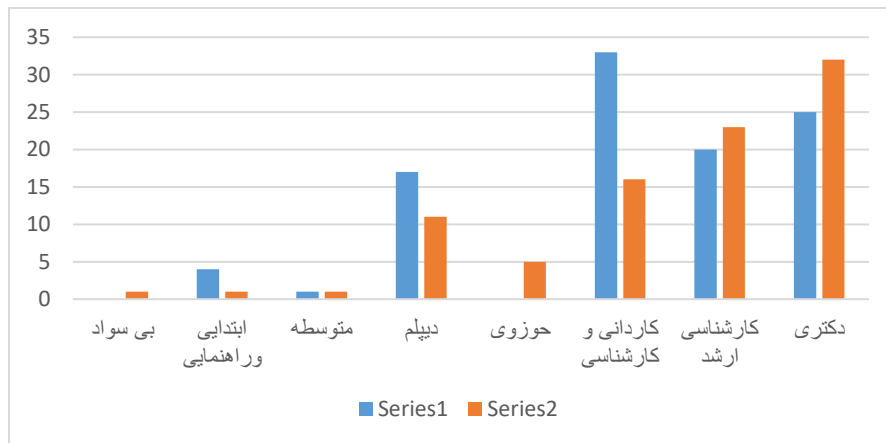
۷-۳) میزان تمایل به ادامه تحصیل

اکثریت مطلق دختران و زنان تهرانی مورد مطالعه تمایل دارند که تحصیلاتشان را در مقاطع مختلف تحصیلات دانشگاهی ادامه بدهند؛ به طور دقیق تر ۲۳/۲ درصد تا مقطع کارشناسی ارشد، ۲۶/۲ درصد زنان تا مقطع کاردانی و کارشناسی و ۳۲/۴ درصد تا مقطع دکتری به ادامه تحصیل در چنین مقطعی امید دارند. البته در موج دوم، تحصیلات حوزوی نیز اضافه گردید که ۵/۳ درصد نیز بدان اشاره کرده اند.

جدول ۷-۳: دوست داشتید/دارید تا چه مقطعی درس بخوانید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		میزان تمایل به ادامه تحصیل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۰/۲	۲	-	-	بی سواد
۱/۳	۱۵	۴	۵۱	ابتدایی و راهنمایی
۰/۳	۴	۱	۱۶	متوسطه
۱۱/۳	۱۳۳	۱۷	۱۹۶	دیپلم
۲۶/۲	۳۰۹	۳۳	۳۸۱	کاردانی و کارشناسی
۲۳/۲	۲۷۳	۲۰	۲۲۷	کارشناسی ارشد
۳۲/۴	۳۸۲	۲۵	۲۹۴	دکتری
۵/۳	۶۳	-	-	حوزوی
-	۱۹	-	۵	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

نمودار ۷-۳: نمایش پاسخگویان بر حسب میزان تمایل به ادامه تحصیل



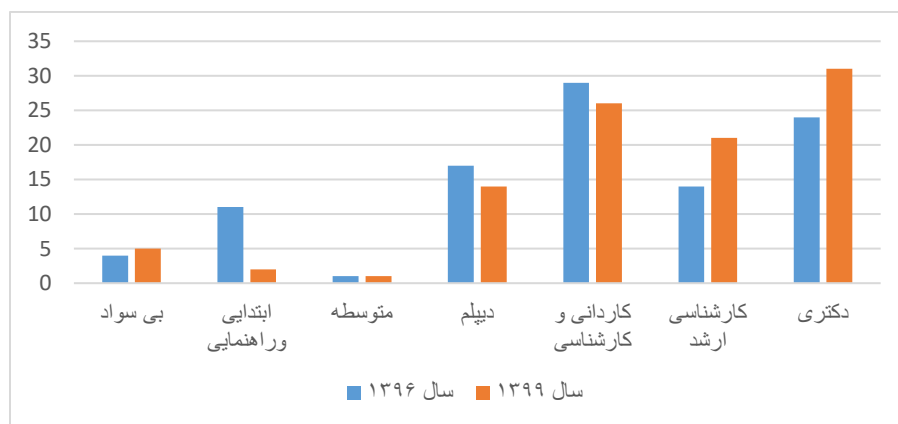
۷-۴ فشار هنجاری برای ادامه تحصیلات

زنان و دختران شهر تهران در پاسخ به انتظارات اجتماعی دیگران پیرامون ادامه تحصیل شان، عمدتاً ادامه تحصیل در سطح کاردانی و کارشناسی و دکتری (۲۶ و ۳۱ درصد) را بیان نموده اند. همچنین ۲۱ درصد به مقطع کارشناسی ارشد و نیز ۱۴ درصد به مقطع دیپلم به عنوان هنجار اجتماعی سواد اشاره کرده اند. چنانچه به مقایسه نتایج موج اول با دوم پژوهش پردازیم، فشاری هنجاری سواد در بین زنان و دختران بیشتر برای ادامه تحصیل در مقاطع کارشناسی ارشد و نیز مقطع دکتری، با ۵ درصد افزایش می باشد.

جدول ۷-۴: خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که تا چه مقطعی ادامه تحصیل بدهید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار تحصیلات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵	۳۷	۴	۳۸	بی سواد
۲	۱۶	۱۱	۱۱۰	ابتدایی و راهنمایی
۱	۹	۱	۱۲	متوسطه
۱۴	۱۰۲	۱۷	۱۷۲	دیپلم
۲۶	۱۹۳	۲۹	۲۹۷	کاردانی و کارشناسی
۲۱	۱۵۷	۱۴	۱۴۹	کارشناسی ارشد
۳۱	۲۳۵	۲۴	۲۴۶	دکتری
-	۱۱۱	-	۷	بدون پاسخ
-	۳۴۰	-	۱۶۹	بی نظر
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۷-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب فشار هنجاری برای ادامه تحصیلات



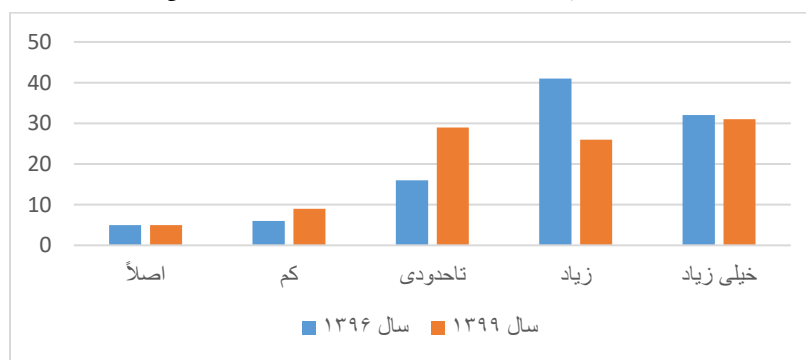
۷-۵) اهمیت ادامه تحصیل برای زنان (هویت یابی)

بیش از نیمی از افراد نمونه مورد مطالعه، ادامه تحصیل در سطح مدارج عالی را در سطح زیاد و خیلی زیاد (۵۷ درصد) با اهمیت تلقی نموده اند. در مقابل ۵ درصد گزینه «اصلاً» و ۹ درصد گزینه «کم» را انتخاب کرده اند. بنابراین می توان بیان نمود که بخشی از هویت یابی زنان با افزایش سرمایه فرهنگی عینی آنها گره خورده است.

جدول ۷-۵: رسیدن به مدارج تحصیلی بالا چقدر برای شما مهم است/بود.

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هویت یابی تحصیلی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵	۵۶	۵	۶۰	اصلاً
۹	۱۱۲	۶	۷۴	کم
۲۹	۳۴۲	۱۶	۱۸۵	تاحدودی
۲۶	۳۰۶	۴۱	۴۸۴	زیاد
۳۱	۳۶۶	۳۲	۳۸۳	خیلی زیاد
-	۱۸	-	۱۴	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۷-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت ادامه تحصیل برای زنان



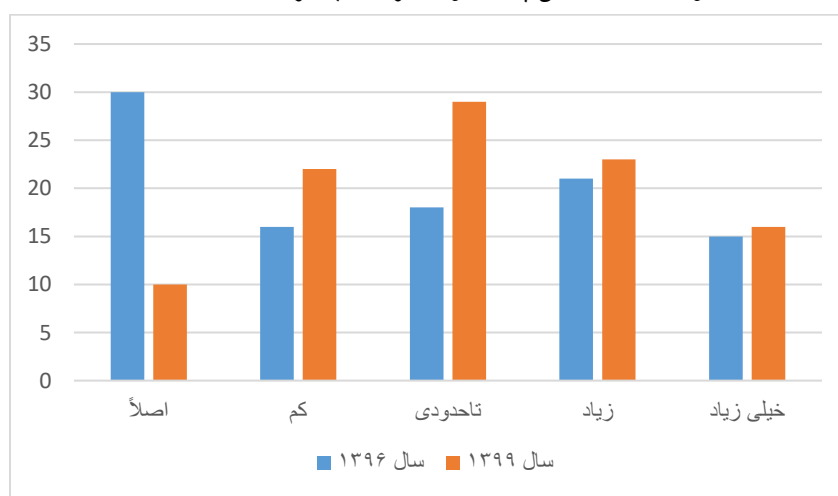
۷-۶) فرصت ادامه تحصیل برای زنان

زنان شهر تهران در پاسخ به داشتن فرصت مناسب برای ادامه تحصیل، ۱۰ درصد در سطح «اصلاً» و ۲۲ درصد در سطح «کم» بدان اشاره کرده اند؛ به تعبیری حدود یک سوم از فرصت آموزشی لازم برای ادامه تحصیل برخوردار نبوده اند. البته در موج اول این نسبت ۳۰ و ۱۶ درصد بود. در مقابل ۲۳ درصد در سطح زیاد و ۱۶ درصد در سطح خیلی زیاد بدان اشاره کرده اند. در واقع زنانی که برای ادامه تحصیل محدودیت و مشکل خاصی ندارد دو برابر بیشتر از کسانی اند که وقت و فرصت لازم برای تحصیل را ندارند.

جدول ۷-۶: چقدر امکان و موقعیت ادامه تحصیل برای شما فراهم است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت تحصیلات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰	۱۲۵	۳۰	۳۵۹	اصلاً
۲۲	۲۵۶	۱۶	۱۹۷	کم
۲۹	۳۴۴	۱۸	۲۰۹	تاحدودی
۲۳	۲۷۴	۲۱	۲۵۲	زیاد
۱۶	۱۸۶	۱۵	۱۷۴	خیلی زیاد
-	۱۵	-	۹	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۷-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب فرصت تحصیلات



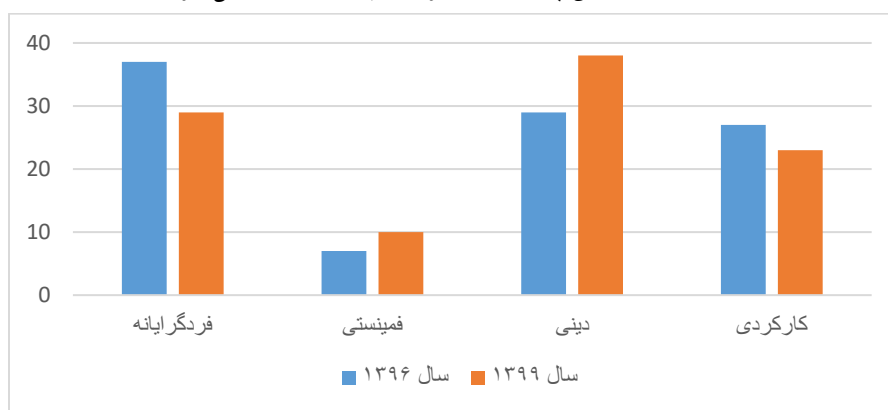
۷-۷) معنای تحصیل کردن

با عنایت به بررسی فهم معنای زنان از تحصیل کردن، بررسی ها حاکی از آن است که ۲۹ درصد زنان در نگاهی فردگرایی به تاثیر تحصیلات بر شکوفایی و اعتماد به نفس زن، ۱۰ درصد در برداشتی فمینیستی، تحصیلات زنان را موجب افزایش توان و قدرت زنان در برابر مردان می دانند، ۳۸ درصد در وجه نظری دینی به رشد اخلاقی و معنوی زن بواسطه تحصیل کردن اشاره نموده و نیز ۲۳ درصد به کارکرد سواد مبنی بر حضور و مشارکت زنان در سطح شهر معتقد هستند.

جدول ۷-۷: با کدامیک از نظرات زیر در زمینه تحصیلات زنان موافقید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		معنای تحصیلات
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۹	۳۴۷	۳۷	۴۳۵	تحصیل کردن موجب شکوفایی و اعتماد به نفس زن می شود (فردگرایانه)
۱۰	۱۲۵	۷	۷۹	تحصیلات توان و قدرت زنان را در برابر مردان بالا می برد (فمینیستی)
۳۸	۴۴۷	۲۹	۳۳۸	تحصیلات برای زنان بیش از هر چیزی باید به رشد اخلاقی و معنوی آن کمک کند (دینی)
۲۳	۲۷۰	۲۷	۳۲۲	تحصیلات زنان امکان حضور آنها را در اجتماع بیشتر می کند (کارکردی)
-	۱۱	-	۲۶	بدون پاسخ
۱۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۷-۷: نمایش پاسخگویان بر حسب معنای تحصیل کردن



۷-۸) رابطه وضعیت تحصیل با تعیین کننده های آن

چنانچه ماتریس همبستگی حاصل نشان می دهد رابطه تمایل به داشتن تحصیلات بالا با میزان سواد رابطه معناداری را نشان می دهد؛ بدین معنا که کسانی که سواد بیشتری دارند عمدتاً تمایل به طی نمودن تحصیلات بالایی هم دارند. در میان چهار متغیر مهم و موثر بر میزان سواد و تمایل به ادامه تحصیل، فشار هنجاری جامعه برای ادامه تحصیل (ضریب همبستگی در موج اول برابر با ۰/۶۹ و در موج دوم برابر با ۰/۴۹) بیش از همه تاثیر دارد. بنابراین انتظار اجتماعی خانواده و اطرافیان از افراد تاثیر بسزایی در تحصیل کردن افراد دارند. در مرحله بعد دو متغیر اهمیت و فرصت ادامه تحصیل می باشند که رابطه آماری معناداری را نشان می دهد. در این میان نیز پنداشت و درک زنان و دختران از تحصیل کردن، رابطه آماری معناداری را با میزان سواد و نیز میزان تمایل آنها نسبت به ادامه تحصیل نشان نمی دهد.

جدول ۷-۸: ماتریس همبستگی وضعیت تحصیل با تعیین کننده های آن (موج اول و دوم)

معنای تحصیل کردن	فرصت ادامه تحصیل	فشار هنجاری تحصیل کردن	اهمیت ادامه تحصیل	تمایل به ادامه تحصیل	میزان سواد	ضرایب	
						میزان سواد	موج دوم
۰/۰۱	** ۰/۳۱	** ۰/۴۵	** ۰/۱۴	** ۰/۴۴	۱	میزان سواد	موج دوم
۰/۰۱	** ۰/۲۶	** ۰/۴۹	** ۰/۳۸	۱		تمایل به ادامه تحصیل	
*- ۰/۰۹	** ۰/۵۷	** ۰/۷۲	** ۰/۲۱	** ۰/۶۲	۱	میزان سواد	موج اول
۰/۰۲	** ۰/۴۴	** ۰/۶۹	** ۰/۴۵	۱	** ۰/۶۲	تمایل به ادامه تحصیل	

۷-۹) رابطه ویژگی های فردی با تحصیلات

- وضع تأهل با تحصیلات

طبق یافته های به دست آمده ۲۵ درصد متاهلان و ۱۴ درصد مجردان تحصیلات زیردیپلم و در مقابل ۶۸ درصد مجردان و ۴۱ درصد متاهلان دارای تحصیلات دانشگاهی اند. با توجه به تفاوت مشهود در وضعیت افراد بر حسب وضع تأهل آزمون آماری مقتضی رابطه معناداری را نشان می دهد. بنابراین می توان نتیجه گرفت دختران مجرد بیش از متاهلان تحصیلات دانشگاهی دارند.

- گروه سنی با تحصیلات

بررسی حاصل نشان می دهد که ۶۲ درصد افراد ۱۵ تا ۳۰ سال، ۶۰ درصد ۳۰ تا ۴۵ سال و ۲۵ درصد ۴۵ سال و بیشتر تحصیلات دانشگاهی و نیز به ترتیب ۱۵، ۸ و ۴۵ درصد زیر دیپلم سواد دارند. بر اساس تفاوت زیاد و مشهود و نیز آزمون آماری مقتضی می توان نتیجه گرفته هر چه سن دختران و زنان کمتر باشند تحصیلات بیشتر و در مقابل با افزایش سن آنها، نسبت افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم بیشتر می شوند.

- وضعیت اشتغال با تحصیلات

یافته های به دست آمده بیانگر آن است ۵ درصد زنان خانه دار، ۲۶ درصد شاغل و ۳۰ درصد زنان در حال تحصیل تحصیلات زیردیپلم و در مقابل ۷۷ درصد افراد در حال تحصیل، ۵۷ درصد شاغلان و ۳۲ درصد زنان خانه دار تحصیلات عالی دارند. این رابطه از طریق آزمون های آماری معنادار است. پس زنان شاغل و در حال تحصیل، بیش از زنان خانه دار تحصیلات عالی دارند.

- وضعیت کفایت درآمدی با تحصیلات

یافته های به دست آمده در خصوص وضعیت کفایت درآمد نشان می دهد که در بین زیردیپلمه ها ۲۷ درصد کفایت درآمدی کم، ۲۱ درصد متوسط و ۱۸ درصد زیاد هستند؛ در مقابل در بین دارندگان تحصیلات دانشگاهی ۴۱ درصد افراد با کفایت درآمدی کم، ۴۷ درصد متوسط و نیز ۵۹ درصد زیاد می باشند. بنابراین وضعیت درآمد خانواده به طور معناداری بر میزان تحصیلات دختران و زنان ارتباط دارد؛ به عبارتی با افزایش بهبود وضعیت درآمدی خانواده ها، دختران و زنان تحصیلات بالاتری پیدا می کنند و برعکس.

جدول ۹-۷: وضعیت سواد بر حسب ویژگی های فردی

جمع	دانشگاهی	دیپلم	زیر دیپلم	ویژگی فردی / تحصیلات	
۱۰۰	۶۸	۱۸	۱۴	مجرد	وضع تأهل
۱۰۰	۴۱	۳۴	۲۵	متاهل	
$X^r = ۷۵$ $V = ۰/۲۵$ $S = ۰/۰۰۰$				آزمون آماری	
۱۰۰	۶۲	۲۳	۱۵	۱۵ تا ۳۰ سال	سن
۱۰۰	۶۰	۳۲	۸	۳۰ تا ۴۵ سال	
۱۰۰	۲۵	۳۳	۴۵	۴۵ سال و بیشتر	
$X^r = ۲۱۷$ $V = ۰/۳۰$ $K_b = -۰/۳۰$ $S = ۰/۰۰۰$				آزمون آماری	
۱۰۰	۷۷	۱۸	۵	شاغل	اشتغال
۱۰۰	۵۷	۱۷	۲۶	در حال تحصیل	
۱۰۰	۳۲	۳۸	۳۰	خانه دار	
$X^r = ۲۰۰$ $V = ۰/۴۱$ $S = ۰/۰۰۰$				آزمون آماری	
۱۰۰	۴۱	۳۲	۲۷	کم	کفایت درآمد
۱۰۰	۴۷	۳۲	۲۱	متوسط	
۱۰۰	۵۹	۲۳	۱۸	زیاد	
$X^r = ۲۴$ $V = ۰/۱۰$ $K_b = ۰/۱۲$ $S = ۰/۰۰۰$				آزمون آماری	

۸) ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون اشتغال

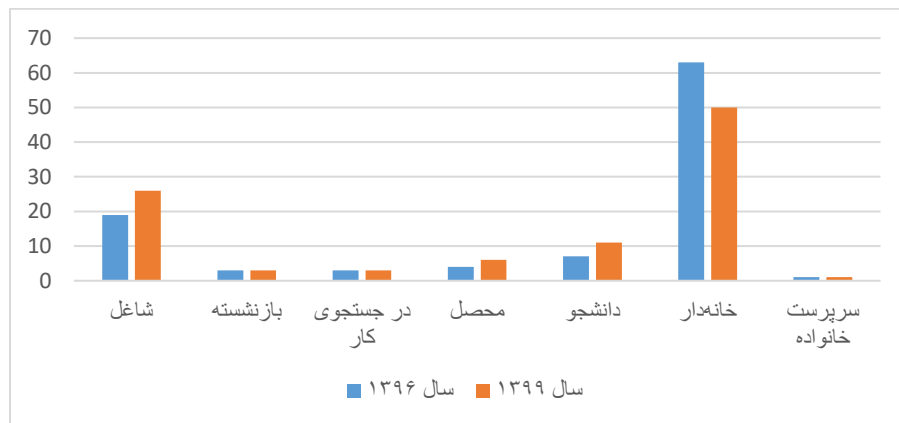
۸-۱) وضعیت اشتغال زنان

در این مطالعه طبق بررسی صورت گرفته ۵۰ درصد زنان خانه دار و ۲۶ درصد شاغل می باشند. در این میان نیز ۱۱ درصد نمونه دانشجوی و ۶ درصد محصل هستند. همچنین زنان بازنشسته و در جستجوی کار هر کدام با سه درصد کمترین وضعیت را در حوزه اشتغال به خود اختصاص داده اند. البته در موج اول زنان خانه دار ۶۳/۵ و نیز زنان شاغل ۱۹ درصد بودند.

جدول ۸-۱: توزیع زنان بر حسب وضعیت اشتغال

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		وضعیت اشتغال
تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۳۰۲	۲۶	۲۳۳	۱۹	شاغل
۴۱	۳	۴۰	۳	بازنشسته
۳۲	۳	۳۵	۳	در جستجوی کار
۷۶	۶	۴۳	۴	محصل
۱۲۶	۱۱	۸۶	۷	دانشجو
۵۹۴	۵۰	۷۶۱	۶۳/۵	خانه دار
۱۴	۱	۲	۰/۵	سرپرست خانواده
۱۵	-	-	-	بدون پاسخ
۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	جمع

نمودار ۸-۱: نمایش پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال زنان



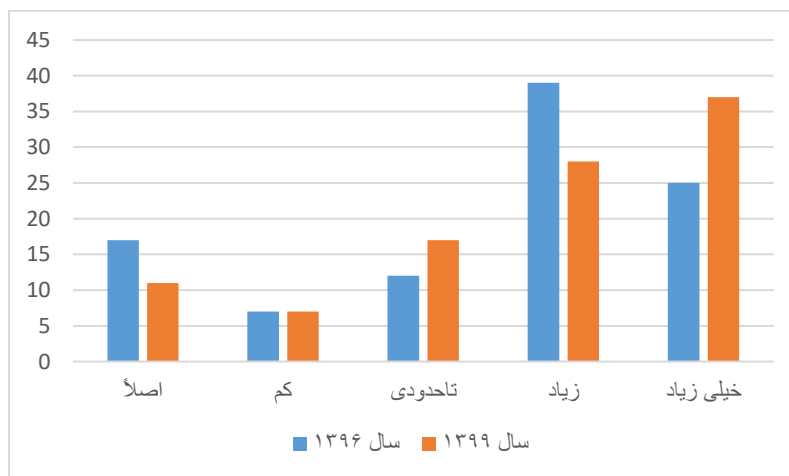
۸-۲) تمایل به شاغل شدن

بررسی صورت گرفته نشان می دهد که در موج اول پژوهش ۱۷ درصد و در موج دوم، ۱۱ درصد زنان در شهر تهران اصلاً علاقه ای به شاغل شدن ندارند؛ در مقابل در موج اول ۲۵ درصد زنان و نیز در موج دوم ۳۷ درصد آنها در سطح خیلی زیاد ابراز تمایل نموده اند. بنابراین میزان انگیزه زنان برای شاغل شدن ۱۲ درصد افزایش یافته است. در مجموع می توان قضاوت نمود نسبت زنانی که تمایل دارند به سرکار رفتن بروند (زیاد و خیلی زیاد) تقریباً سه برابر کسانی است که چندان علاقه ای (اصلاً و کم) از خود نشان نداده اند.

جدول ۸-۲: چقدر دوست دارید که شاغل باشید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		تمایل به شاغل شدن
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۱	۱۲۴	۱۷	۲۰۱	اصلاً
۷	۸۵	۷	۸۱	کم
۱۷	۲۰۴	۱۲	۱۴۶	تاحدودی
۲۸	۳۳۲	۳۹	۴۶۵	زیاد
۳۷	۴۴۲	۲۵	۲۹۸	خیلی زیاد
-	۱۳	-	۹	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۸-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب تمایل به شاغل شدن



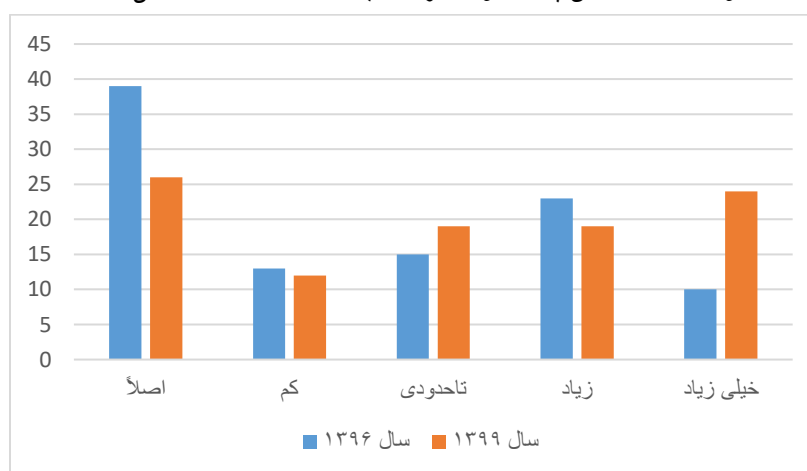
۸-۳) فشاری هنجاری شاغل شدن

در بین زنان مورد مطالعه، در موج اول بیش از نیمی (۳۹ درصد اصلاً و ۱۳ درصد در حد کم) آنها و نیز در موج دوم بیش از یک سوم بیان داشته اند که فشار اجتماعی جامعه در خصوص رفتن به سرکار اندک است. در مقابل با مقایسه نتایج موج اول با دوم پژوهش، می توان بیان داشت که فشار اجتماعی برای شاغل شدن زنان از ۳۳ به ۴۳ درصد رسیده است؛ به عبارتی خانواده و اطرافیان انتظارشان از زنان برای رفتن به سرکار حدود ۱۰ درصد افزایش یافته است.

جدول ۸-۳: چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما سرکار بروید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار اجتماعی شغل
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۶	۲۷۵	۳۹	۴۶۱	اصلاً
۱۲	۱۲۷	۱۳	۱۵۶	کم
۱۹	۲۰۰	۱۵	۱۸۰	تاحدودی
۱۹	۲۰۴	۲۳	۲۷۰	زیاد
۲۴	۲۵۰	۱۰	۱۱۵	خیلی زیاد
-	۱۴۴	-	۱۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۸-۳: نمایش پاسخگویان بر حسب فشاری هنجاری شاغل شدن



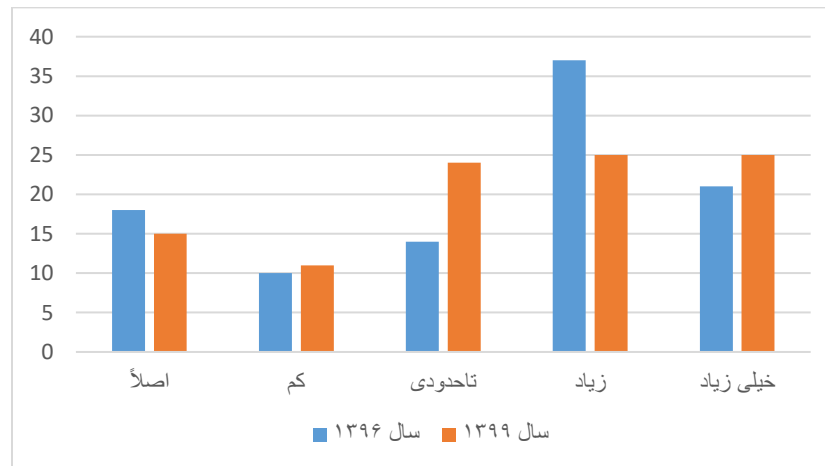
۸-۴) اهمیت اشتغال برای زنان (هویت یابی)

دختران و زنان مورد مطالعه در پاسخ به اهمیت رفتن به سرکار، ۵۰ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد و در مقابل حدود یک چهارم (۲۵ درصد) در حد «اصلاً» و «کم» بدان اشاره کرده اند. بنابراین مشاهده می گردد نسبت زنانی که سرکار رفتن برایشان اهمیت دارد، دو برابر کسانی است که به شاغل شدن چندان اهمیت نمی دهند.

جدول ۸-۴: رفتن به سرکار چقدر برای شما مهم است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هویت یابی شغلی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۵	۱۶۸	۱۸	۲۱۸	اصلاً
۱۱	۱۳۰	۱۰	۱۲۰	کم
۲۴	۲۷۱	۱۴	۱۶۹	تاحدودی
۲۵	۲۸۶	۳۷	۴۴۰	زیاد
۲۵	۲۸۶	۲۱	۲۴۳	خیلی زیاد
-	۵۹	-	۱۰	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۸-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت اشتغال برای زنان (هویت یابی)



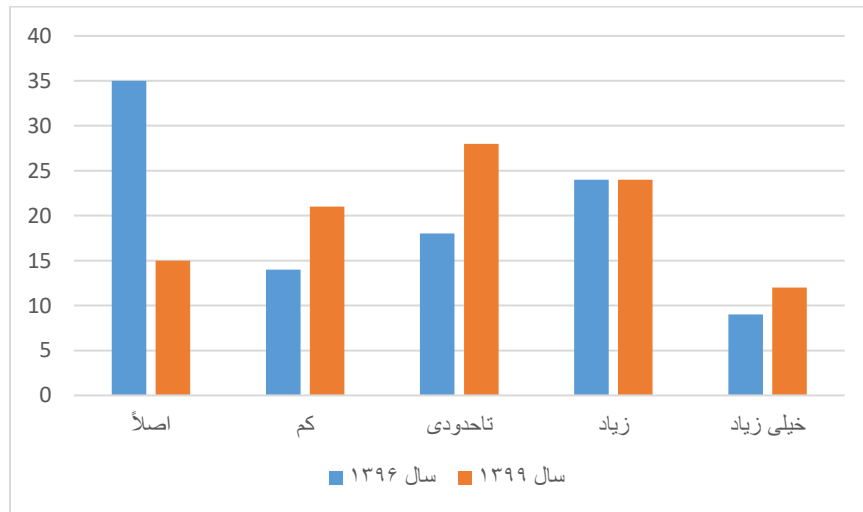
۸-۵) فرصت شاغل شدن زنان

زنان مورد مطالعه در پاسخ به داشتن فرصت لازم برای شاغل شدن، حدود یک سوم در حد زیاد و خیلی زیاد و نیز در حد کم و اصلاً بدان اشاره کرده اند که نسبت برابری را نشان می دهد. همچنین ۲۸ درصد پاسخگویان در سطح تاحدودی بدان توجه کرده اند.

جدول ۸-۵: چقدر فرصت سرکار رفتن برای شما وجود دارد؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت اشتغال
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۵	۱۶۵	۳۵	۴۱۶	اصلاً
۲۱	۲۳۷	۱۴	۱۶۰	کم
۲۸	۳۱۷	۱۸	۲۱۸	تاحدودی
۲۴	۲۷۴	۲۴	۲۸۸	زیاد
۱۲	۱۳۶	۹	۱۰۰	خیلی زیاد
-	۷۱	-	۱۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۸-۵: نمایش پاسخگویان بر حسب فرصت شاغل شدن زنان



۸-۶) معنای شاغل بودن برای زنان

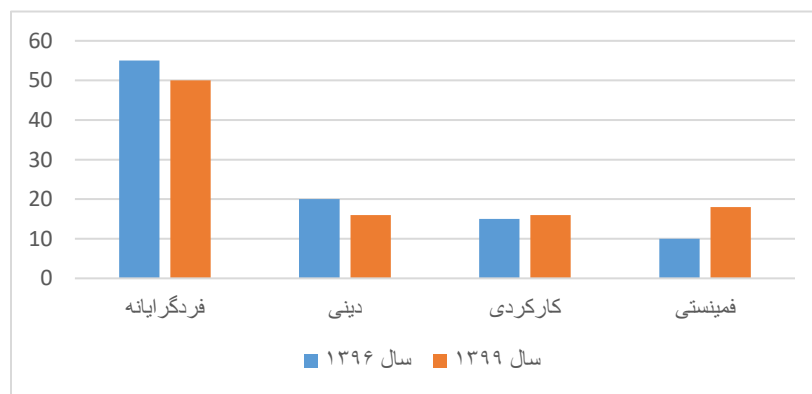
در بحث از درک و معنای اشتغال در بین زنان شهر تهران، بررسی ها نشان می دهد که بیش از نیمی از زنان شهر تهران برداشتنی فردگرایانه از سرکار رفتن دارد که در پاسخ بدین عبارت خود را نشان می دهد: «زنان باید سرکار بروند تا استقلال مالی داشته باشد». همچنین ۱۸ درصد در رویکردی فمینیستی، موافق اشتغال زنان در تمام مشاغل اند. در مقابل ۱۶ درصد از افراد در برداشتی دینی از شاغل شدن زن، آن را منوط به توافق همسر می دانند. ۱۶ درصد در برداشتنی کارکردی به تاثیر اشتغال بر تاثیرگذاری بر امور خانه و خانواده توجه کرده اند.

چنانچه به مقایسه نتایج موج اول و دوم پژوهش پردازیم؛ مشاهده می گردد که ۸ درصد به برداشت فمینیستی زنان درباره اشتغال اضافه شده و در مقابل حدود ۴ درصد از برداشت دینی آنها کاسته شده است؛ البته گرچه معنای غالب اشتغال در بین زنان مبتنی بر فردگرایی و استقلال فردی است ولی در موج دوم، برداشت فمینیستی به از مرتبه آخر به دوم رسیده است.

جدول ۸-۶: با کدامیک از نظرات زیر در زمینه اشتغال زنان موافقت می کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		معنای اشتغال
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۰	۵۹۷	۵۵	۶۴۲	زنان باید سرکار بروند تا استقلال مالی داشته باشد (فردگرایی)
۱۶	۱۸۲	۲۰	۲۳۸	سرکار رفتن زنان باید با موافقت همسرش باشد (دینی)
۱۶	۱۹۲	۱۵	۱۷۷	سرکار رفتن زن بایستی به امور خانه و خانواده کمک می کند (کارکردی)
۱۸	۲۱۶	۱۰	۱۲۲	زنان در تمام مشاغل می توانند دوشادوش مردان کار کنند (فمینیستی)
-	۱۳	-	۲۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۸-۶: نمایش پاسخگویان بر حسب معنای شاغل بودن برای زنان



۷-۸) رابطه وضعیت تمایل به شاغل شدن با تعیین کننده های آن

چنانچه ماتریس همبستگی زیر نشان می دهد رابطه آماری تمایل به شاغل شدن با دو متغیر، اهمیت شاغل شدن (با ضریب همبستگی ۰/۸۰ در موج اول و ۰/۵۰ در موج دوم) و نیز فشار هنجاری جامعه (با ضریب همبستگی ۰/۴۹ برای موج اول و دوم) بیش از سایر متغیرها معنادار شده است؛ به عبارتی سرکار رفتن برای زنان، امری هویت بخش محسوب می شود و نیز انتظار اجتماعی خانواده و اطرافیان از افراد تاثیر بسزایی در شاغل شدن زنان دارد. همچنین زنانی که گرایش رابطه ای به شاغل شدن زنان دارند تمایل بیشتری به سرکار رفتن دارند؛ و بر عکس رغبت کمتر برای شاغل شدن در بین زنان با گرایش نهادی (دینی و کارکردی) بیشتر مشاهده می گردد.

جدول ۷-۸: ماتریس همبستگی وضعیت اشتغال با تعیین کننده های آن (موج اول و دوم)

ضرایب	اهمیت شاغل شدن برای زنان	فشار هنجاری شاغل شدن برای زنان	فرصت شاغل شدن زنان	معنای شاغل بودن برای زنان
موج دوم	**۰/۵۰	**۰/۴۹	**۰/۲۲	**۰/۲۶
موج اول	**۰/۸۰	**۰/۴۹	**۰/۳۵	**۰/۳۱

۸-۸) رابطه ویژگی های فردی با وضعیت اشتغال

- وضع تأهل با اشتغال

طبق یافته های به دست آمده ۳۶ درصد متاهلان و ۲۶ درصد مجردان، شاغل و نیز به ترتیب ۴۹ و ۲ درصد آنها در حال تحصیل اند. در مقابل ۱۵ درصد مجردان و ۷۲ درصد متاهلان خانه دار هستند. با توجه به تفاوت مشهود وضعیت اشتغال افراد بر حسب وضع تأهل، آزمون آماری مقتضی رابطه معناداری را نشان می دهد. بنابراین می توان نتیجه گرفت دختران مجرد بیشتر از متاهلان شاغل اند و نیز متاهلان بیش از مجردان خانه دار هستند.

- گروه سنی با اشتغال

بررسی حاصل نشان می دهد که ۲۸ درصد زنان ۱۵ تا ۳۰ ساله، ۶۰ درصد ۳۰ تا ۴۵ ساله و ۷۵ درصد ۴۵ ساله ها و بالاتر، خانه دار و نیز به ترتیب ۲۵، ۳۷ و ۲۳ درصد شاغل هستند. بر اساس تفاوت مشهود و نیز نتایج آزمون کای اسکوئر، می توان نتیجه گرفت زنان بزرگسال و مسن جامعه شهری تهران عمدتاً خانه دار اند، ولی در بین شاغلان گروه های سنی مختلف مشاهده می گردد.

- مقاطع تحصیلی با اشتغال

بررسی ها نشان می دهد که ۷۳ درصد افراد زیر دیپلم، ۷۲ درصد دیپلمه ها و ۳۵ درصد دارندگان تحصیلات عالی، خانه دار هستند؛ در مقابل مقاطع مختلف به همین ترتیب ۷، ۱۸ و ۴۵ درصد شاغل اند. بنابراین مشاهده می گردد هر چه تحصیلات زنان بالاتر می رود بر نسبت شاغل شدن آنها افزوده می شود، این وضعیت در بین دارندگان تحصیلات عالی بیش از سایر موارد، مصداق بیشتری دارد.

- وضعیت کفایت درآمدی با اشتغال

یافته های به دست آمده در خصوص وضعیت کفایت درآمد نشان می دهد ۶۱ درصد از کسانی که درآمد کم، ۶۱ درصد درآمد متوسط و ۴۱ درصد درآمد زیاد دارند، خانه دار هستند؛ این وضعیت بر حسب شاغل برابر با ۳۲، ۲۶ و ۳۲ درصد می باشد.

بنابراین مشاهده می گردد بیشتر زنان خانه دار تهرانی کسانی اند که وضعیت کفایت درآمدی مطلوبی ندارند. البته در طیف زنان شاغل نسبت برابری بین سطح مختلف کفایت درآمدی مشاهده می گردد، به عبارتی شاغل شدن یک زن تاثیر بر کفایت هزینه های منزل ندارد. یعنی اشتغال زن نمی تواند در هزینه های خانه تعیین کننده باشد؛ ولی خانه دار یا مشغول به تحصیل بودن در بین زنان بر حسب کفایت تفاوت معناداری را نشان می دهد.

جدول ۸-۸: وضعیت اشتغال بر حسب ویژگی های فردی

جمع	خانه دار	در حال تحصیل	شاغل	ویژگی های فردی / اشتغال	
۱۰۰	۷۲	۲	۲۶	متاهل	وضع تاهل
۱۰۰	۱۵	۴۹	۳۶	مجرد	
$X^2 = 5.3$			$V = 0.65$	$S = 0.000$	
۱۰۰	۲۸	۴۷	۲۵	۱۵ تا ۳۰ سال	سن
۱۰۰	۶۰	۳	۳۷	۳۰ تا ۴۵ سال	
۱۰۰	۷۵	۱	۲۳	۴۵ سال و بیشتر	
$X^2 = 42.1$			$V = 0.42$	$S = 0.000$	
۱۰۰	۷۳	۲۰	۷	زیر دیپلم	سواد
۱۰۰	۷۲	۱۰	۱۸	دیپلم	
۱۰۰	۳۵	۲۰	۴۵	بالتر از دیپلم	
$X^2 = 2.0$			$V = 0.29$	$S = 0.000$	
۱۰۰	۶۱	۷	۳۲	کم	کفایت درآمد
۱۰۰	۶۱	۱۳	۲۶	متوسط	
۱۰۰	۴۱	۲۷	۳۲	زیاد	
$X^2 = 6.3$			$V = 0.16$	$S = 0.000$	

۹) ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون پوشش

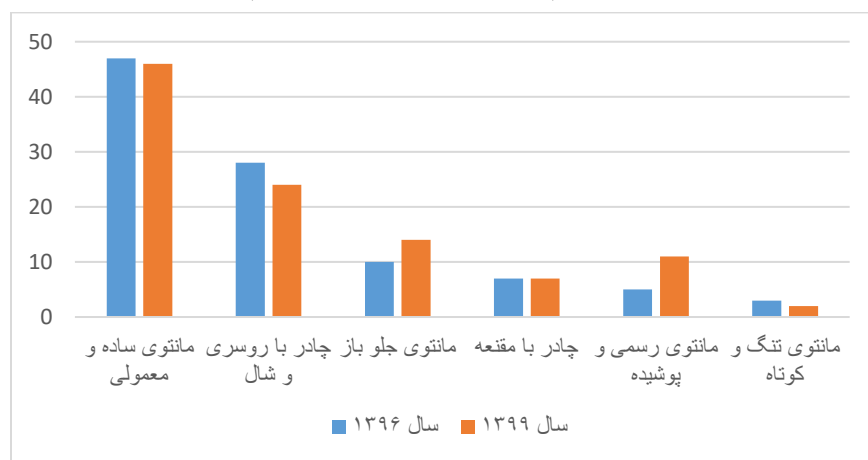
۹-۱) وضعیت پوشش زنان

پوشش غالب زنان شهر تهران در سطح جامعه و خیابان، «مانتوی ساده و معمولی» (۴۶ درصد) و نیز بیش از یک سوم چادری هستند (جمع چادر با روسری و شال و چادر با مقنعه ۳۱ درصد). در مراتب بعدی «مانتو جلو باز» با ۱۴ درصد و «مانتو رسمی و پوشیده» با ۱۱ درصد قرار دارد. در آخر اینکه ۲ درصد زنان پوشش آنها «مانتوی تنگ و کوتاه» است.

جدول ۹-۱: معمولاً در سطح جامعه و خیابان پوشش شما چگونه است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		وضعیت پوشش زنان
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴۶	۵۴۲	۴۷	۵۶۲	مانتوی ساده و معمولی
۲۴	۲۴۰	۲۸	۳۳۷	چادر با روسری و شال
۱۴	۱۶۴	۱۰	۱۱۹	مانتوی جلو باز
۷	۸۷	۷	۸۳	چادر با مقنعه
۱۱	۱۲۶	۵	۶۴	مانتوی رسمی و پوشیده
۲	۱۹	۳	۳۴	مانتوی تنگ و کوتاه
-	-	-	۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۹-۱: نمایش پاسخگویان بر حسب وضعیت پوشش زنان



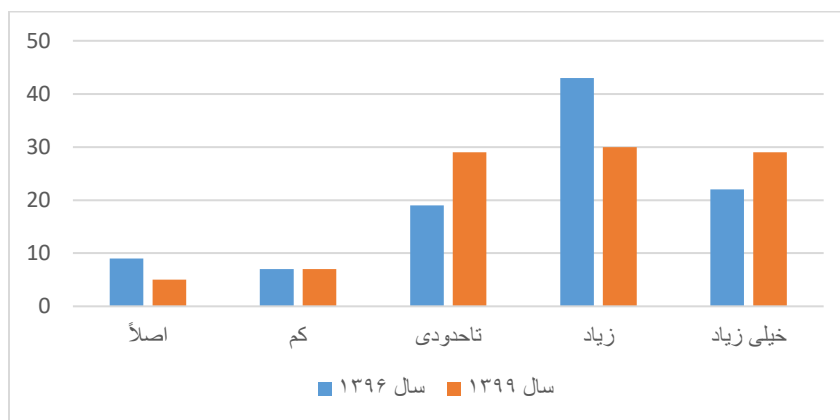
۹-۲) فشاری هنجاری رعایت پوشش

با توجه به انواع پوشش مورد نظر و عمل زنان شهر تهران، ۳۰ درصد در حد زیاد و ۲۹ درصد در حد خیلی زیاد بیان داشته که پوشش شان متناسب با انتظار خانواده و اطرافیانشان است (۵۹ درصد در موج دوم و ۶۵ درصد در موج اول). البته در مقابل ۵ درصد گزینه «اصلاً» و ۷ درصد گزینه «کم» را علامت زده اند. بنابراین پوشش ۱۲ درصد از زنان متناسب با انتظار خانواده و اطرافیان نمی باشد.

جدول ۹-۲: چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار چنین پوششی را از شما دارند؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار رعایت پوشش
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵	۵۰	۹	۱۰۷	اصلاً
۷	۶۹	۷	۸۰	کم
۲۹	۲۷۵	۱۹	۲۱۸	تاحدودی
۳۰	۲۷۹	۴۳	۵۰۵	زیاد
۲۹	۲۷۲	۲۲	۲۵۸	خیلی زیاد
-	۲۵۵	-	۳۲	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۹-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب فشاری هنجاری رعایت پوشش



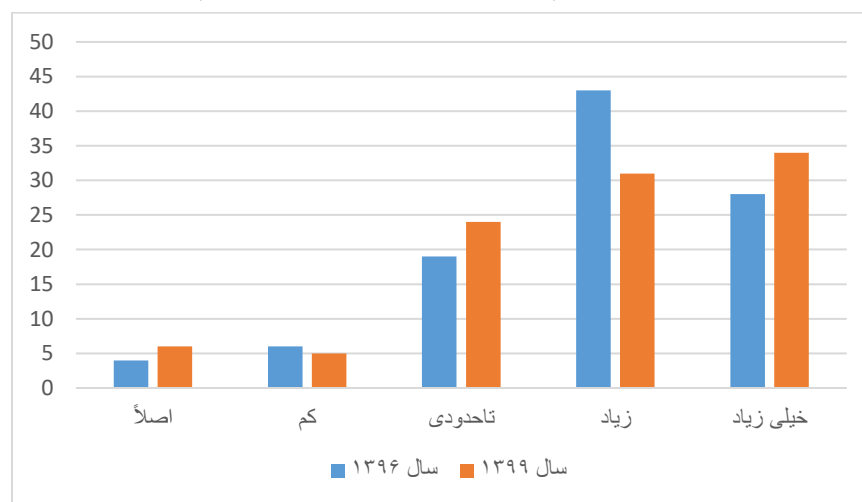
۹-۳) اهمیت داشتن پوشش (هویت یابی)

زنان تهرانی در پاسخ به سوال: «چقدر رعایت پوشش برای شما اهمیت دارد؟» حدود ۳۴ درصد در سطح خیلی زیاد و ۳۱ درصد در سطح زیاد بدان اشاره کرده اند؛ به تعبیری در موج دوم ۶۵ و در موج اول ۷۱ درصد زنان در شهر تهران حفظ پوشش مورد نظرشان مهم است؛ در مقابل ۱۱ درصد چندان بدان اهمیت نمی دهند.

جدول ۹-۳: چقدر حفظ و داشتن چنین پوششی، برای شما مهم است؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هویت یابی رعایت پوشش
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۶	۷۳	۴	۴۹	اصلاً
۵	۶۳	۶	۶۵	کم
۲۴	۲۷۲	۱۹	۲۳۰	تاحدودی
۳۱	۳۶۰	۴۳	۵۰۸	زیاد
۳۴	۳۹۳	۲۸	۳۳۴	خیلی زیاد
-	۳۹	-	۱۴	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۹-۳: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت داشتن پوشش



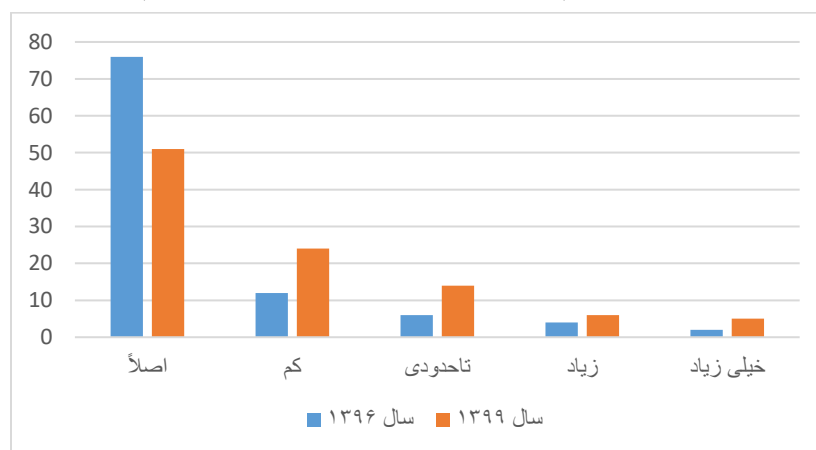
۹-۴) محدودیت در داشتن پوشش

با توجه به نوع پوششی که در بین دختران و زنان مورد پرسش قرار گرفت؛ در ادامه از محدودیت و مشکلات آن در سطح جامعه سوال به عمل آمد. یافته های حاصل از موج اول حاکی از آن است که به ترتیب ۷۶ و ۱۲ درصد در سطح «اصلاً» و کم و نیز در موج دوم ۵۱ و ۲۴ درصد بدین امر اشاره کرده اند؛ در مقابل ۲ و ۴ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد بدان اشاره کرده اند. چنانچه ملاحظه می گردد در موج دوم پژوهش زنان در شهر تهران اعلام کرده اند که با موانع و مشکلات کمتری پیرامون وضعیت پوشش شان مواجه شده اند. این کاهش برابر با ۲۵ درصد می باشد.

جدول ۹-۴: چنین پوششی در سطح جامعه چقدر برای شما محدودیت و مشکل درست می کند؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت رعایت پوشش
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۵۱	۵۹۸	۷۶	۹۰۴	اصلاً
۲۴	۲۷۵	۱۲	۱۴۷	کم
۱۴	۱۶۵	۶	۶۵	تاحدودی
۶	۷۱	۴	۴۵	زیاد
۵	۵۶	۲	۲۸	خیلی زیاد
-	۳۵	-	۱۱	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۶	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۹-۴: نمایش پاسخگویان بر حسب محدودیت در داشتن پوشش



چنانچه ارقام مندرج در جدول تقاطعی وضعیت پوشش با محدودیت در پوشش نشان می دهد زنانی که پوشش آنها چادری با مقنعه (۷۶ درصد اصلاً)، چادر با روسری و شال و مانتوی رسمی و پوشیده (۶۳ درصد اصلاً) است در مقایسه با کسانی که مانتو معمولی و نیز مانتوی تنگ و باز دارند (به ترتیب ۱۰ و ۲۵ در سطح اصلاً) در سطح جامعه کمتر دچار مشکل می شوند؛ در مقابل بیشترین مشکل در سطح زیاد و خیلی زیاد مربوط به زنان و دخترانی است که پوشش آنها مانتو جلو باز و نیز مانتو تنگ و کوتاه می باشد.

جدول ۵-۹: جدول تقاطعی وضعیت پوشش با محدودیت در پوشش

پوشش/محدودیت	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	کل
مانتوی ساده و معمولی	۴۹	۳۱	۱۳	۵	۳	۱۰۰
مانتوی رسمی و پوشیده	۶۳	۱۵	۱۱	۷	۴	۱۰۰
مانتوی جلو باز	۲۵	۲۵	۲۸	۱۱	۱۱	۱۰۰
مانتوی تنگ و کوتاه	۱۰	۱۰	۳۷	۳۲	۱۱	۱۰۰
چادر با مقنعه	۷۶	۱۲	۴	۱	۷	۱۰۰
چادر با روسری و شال	۶۳	۱۶	۱۲	۵	۳	۱۰۰
جمع	۵۱	۲۴	۱۴	۶	۵	۱۰۰

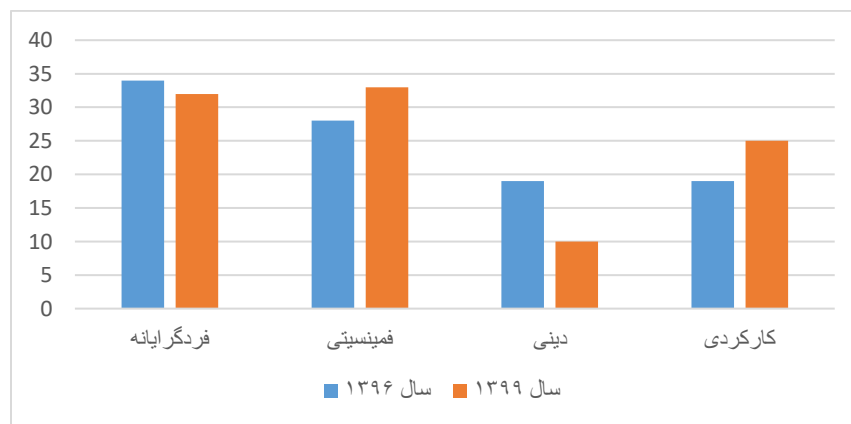
۵-۹) معنای پوشش در بین زنان

زنان مورد مطالعه در پاسخ به معنای پوشش، ۳۳ درصد برداشتی فمینیستی داشتند و موافقت خود را با این جمله بیان داشته اند: «زنان می توانند هر طور که بخواهند لباس بپوشند، مردان نگاه خود را حفظ کنند». در این میان ۳۲ درصد در معنایی فردگرایی به احساس آرامش و امنیت خاطر در رعایت پوشش پاسخ داده اند؛ ۱۰ درصد زنان با برداشتی دینی به گزینه: «داشتن پوشش برای زنان، جلوی نگاه نامحرم را می گیرد» توجه داشته اند. ۲۵ درصد نیز به کارکردهای داشتن پوشش یعنی: «رعایت پوشش برای زنان موجب سلامت جامعه می گردد»، اشاره کرده اند. چنانچه به مقایسه داده های موج اول با دوم پرداخته شود، شاهد ۹ درصد کاهش برداشت دینی نسبت به پوشش می باشیم که به نوبه خود به معنای فمینیستی و کارکردی اضافه گردیده است.

جدول ۵-۹: با کدامیک از نظرات زیر در زمینه پوشش زنان موافقت می کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		معنای پوشش
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۲	۳۷۷	۳۴	۴۰۷	رعایت پوشش موجب آرامش و امنیت خاطر زنان می گردد (فردگرایی)
۳۳	۳۸۷	۲۸	۳۲۵	زنان می توانند هر طور که بخواهند لباس بپوشند، مردان نگاه خود را حفظ کنند (فمینیستی)
۱۰	۱۲۲	۱۹	۲۳۰	داشتن پوشش برای زنان، جلوی نگاه نامحرم را می گیرد (دینی)
۲۵	۲۹۰	۱۹	۲۲۴	رعایت پوشش برای زنان موجب سلامت جامعه می گردد (کارکردی)
-	۲۴	-	۱۴	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۵-۹: نمایش پاسخگویان بر حسب معنای رعایت پوشش



۹-۶) انتخاب پوشش در داخل کشور

نتایج حاصل پیرامون وضعیت پوشش زنان در صورت آزاد شدن، بیانگر آن است ۴۱ درصد زنان و دختران بیان داشته اند که حجاب همیشگی را حفظ می کنند. همچنین که یک سوم (۳۰ درصد) بیان داشته اند که سعی می کنند، پوشیده باشند. بنابراین به نظر می رسد چنانچه در داخل کشور پوشش زنان آزاد گردد پوشش ۷۰ درصد زنان تغییر نخواهد نمود. در مقابل ۲۰ درصد زنان به پوشش راحت و آزاد اشاره کرده اند. جالب است نسبت کسانی که تمایل به پوشیده بودن دارند یک و نیم برابر بیش از کسانی است که راحتی و آزادی در پوشش، اظهار داشته اند.

جدول ۹-۶: چنانچه در داخل کشور پوشش زنان آزاد باشد، پوشش شما چگونه خواهد بود؟

سال ۱۳۹۹		تمایل به پوشش داخل
درصد	تعداد	
۳۰	۳۴۰	سعی می کنم پوشیده باشم
۲۱	۲۶۴	خیلی راحت و آزاد می پوشم
۲	۲۷	مانتوی ساده و معمولی
۱/۴	۱۶	چادر با روسری و شال
۴۲	۴۸۵	حجاب همیشگی ام
-	-	چادر با مقنعه
۲	۲۴	مانتوی رسمی و پوشیده
۰/۲	۲	مانتوی تنگ و کوتاه
۱/۱	۱۳	مانتوی جلو باز
-	۴۷	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

چنانچه جدول دو بعدی وضعیت پوشش با انتخاب پوشش در داخل کشور نشان می دهد، در مجموع چنانچه در داخل کشور پوشش زنان آزاد باشد، ۴۲ درصد افراد پوشش همیشگی را رعایت می کنند. ۲۱/۳ درصد خیلی راحت و آزاد می پوشند. در بین این دسته از افراد ۱۰/۲ درصد کسانی اند که پوشش آنها مانتو ساده و معمولی و ۸/۴ درصد مانتو جلو باز هستند. همچنین ۲۹/۶ درصد بیان داشته اند که سعی می کنند پوشیده باشند.

جدول ۷-۹: جدول تقاطعی وضعیت پوشش با انتخاب پوشش در داخل کشور

پوشش / پوشش آزاد	مانتوی ساده و معمولی	مانتوی رسمی و پوشیده	مانتوی جلو باز	مانتوی تنگ و کوتاه	چادر با مقنعه	چادر با روسری و شال	جمع
مانتوی ساده و معمولی	۱/۶	-	-	-	۰/۱	۰/۷	۲/۴
مانتوی رسمی و پوشیده	۰/۵	۰/۳	-	-	۰/۲	۱/۱	۲/۱
مانتوی جلو باز	۰/۳	-	۰/۸	۰/۱	-	-	۱/۱
مانتوی تنگ و کوتاه	۰/۱	-	-	-	-	۰/۱	۰/۲
سعی می کنم پوشیده باشم	۱۸/۶	۳/۱	۳/۵	۰/۱	۱	۳/۳	۲۹/۶
خیلی راحت و آزاد می پوشم	۱۰/۲	۱	۸/۴	۱/۳	-	۰/۳	۲۱/۳
حجاب همیشگی ام	۱۴/۵	۶/۳	۱/۱	۰/۱	۶	۱۴	۴۲
چادر با روسری و شال	۰/۱	-	-	-	۰/۲	۱/۱	۱/۴
جمع	۴۵/۸	۱۰/۶	۱۳/۸	۱/۶	۷/۵	۲۰/۷	۱۰۰

۷-۹) انتخاب پوشش در خارج از کشور

برای بررسی میزان تمایل زنان به داشتن پوشش به دور از هنجارهای اجتماعی و رسمی جامعه، و در پاسخ به سوال نحوه رعایت پوشش در سفرهای خارجی؛ حدود یک سوم (۳۰ درصد) بیان داشته اند که سعی می کنند، پوشیده باشند و در مقابل نیز یک سوم (۲۶ درصد) به راحت و آزاد در پوشش اشاره کرده اند. بنابراین نسبت کسانی که تمایل به پوشیده بودن دارند برابر با کسانی اند آزادی در پوشش علاقه مند هستند. دیگر یافته ها بیانگر آن است که تعداد کسانی که حجاب همیشگی را انتخاب کرده اند حدود ۳۷ درصد هستند؛ اگر به طور دقیق تر وضعیت پوشش آنها را بررسی کنیم یک درصد چادر با روسری و شال، ۳ مانتوی رسمی و پوشیده، ۴ درصد مانتوی ساده و معمولی و یک درصد مانتو جلو باز هستند. بنابراین با توجه به اینکه ۳۱ درصد زنان در سطح شهر تهران چادری اند در مجموع می توان بیان داشت فقط حدود یک درصد آنها در سفرهای خارجی چادر به سر داشته باشند.

جدول ۷-۹: چنانچه به سفر خارجی بروید و در آنجا پوشش آزاد باشد، پوشش شما چگونه خواهد بود؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		تمایل به پوشش آزاد
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۰	۳۵۰	۳۰	۳۴۶	سعی می کنم پوشیده باشم
۲۴	۲۷۴	۲۶	۲۹۹	خیلی راحت و آزاد می پوشم
۴	۴۶	۱۵	۱۷۴	مانتوی ساده و معمولی
۱	۸	۱۲	۱۴۶	چادر با روسری و شال
۳۷	۴۲۲	۱۰	۱۱۸	حجاب همیشگی ام
-	-	۳	۳۳	چادر با مقنعه
۳	۳۶	۳	۳۳	مانتوی رسمی و پوشیده
-	-	۰/۵	۶	مانتوی تنگ و کوتاه
۱	۱۲	۰/۵	۶	مانتوی جلو باز
-	۵۲	-	۳۹	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

۸-۹) رابطه وضعیت رعایت پوشش با تعیین کننده های آن

با توجه به چارچوب نظری پژوهش مبنی بر شرایط و فرصت هایی که رفتار افراد را شکل می دهد، چنانچه ملاحظه می گردد رابطه تمایل به آزادی در پوشش با وضعیت پوشش رابطه معناداری را نشان می دهد؛ بدین معنا که کسانی که تقید کمتری به پوشش دارند عمدتاً تمایل به پوشش آزادتری را بیان کرده اند. همچنین کسانی که داشتن پوشش برای شان مهم بود و نیز احساس هویت می نمودند آن را بیشتر رعایت می کنند و برعکس (۰/۳۷) - در موج اول و ۰/۴۱- در موج دوم). فشار هنجاری پوشش نیز تاثیر بسزایی دارد؛ به عبارتی کسانی که تحت تاثیر انتظار دیگران در قبال پوشش اند، پوشش بیشتری را رعایت می کردند. در واقع رعایت پوشش رسمی در بین زنان جامعه عمدتاً تحت تاثیر احساس هویت و انتظاری که دیگران از آنها دارد، می باشد. دیگر یافته های حاصل از موج دوم نشان می دهد که رابطه معناداری بین میزان محدودیت و مشکلات افراد در پوشش با نوع پوشش، وجود دارد، بدین معنا کسانی که پوشش آزادتری دارند بیشتر دچار مشکل و محدودیت می شوند و برعکس (۰/۲۴)، البته در موج اول رابطه آماری بین این دو متغیر معنادار نشده است. همچنین زنانی که پوشش آزادتری دارند معنایشان از پوشش بیشتر رابطه ای (فردگرایانه و فمینیستی) است تا نهادی.

جدول ۸-۹: ماتریس همبستگی رعایت پوشش با تعیین کننده های آن (موج اول و دوم)

معنای پوشش در بین زنان	محدودیت در داشتن پوشش	فشاری هنجاری رعایت پوشش	اهمیت داشتن پوشش	تمایل به پوشش آزاد در داخل	وضعیت پوشش	ضرایب	
** - ۰/۲۴	** ۰/۲۴	** - ۰/۲۷	** - ۰/۴۱	**۰/۴۸	۱	وضعیت پوشش	موج دوم
** - ۰/۲۶	** ۰/۳۰	** - ۰/۲۵	** - ۰/۳۹	۱	**۰/۴۸	تمایل به پوشش آزاد	
** - ۰/۰۹	۰/۰۵	** - ۰/۳۶	** - ۰/۳۷	**۰/۳۳	۱	وضعیت پوشش	موج اول
* - ۰/۰۷	۰/۰۵	** - ۰/۳۸	** - ۰/۴۳	۱	**۰/۳۳	تمایل به پوشش آزاد	

۹-۹) رابطه ویژگی های فردی با رعایت پوشش

- وضع تأهل با پوشش

طبق یافته های به دست آمده ۳۵ درصد متاهلان و ۱۳ درصد مجردان چادری اند و در مقابل ۳۱ درصد مجردان و ۸ درصد متاهلان مانتوی تنگ و کوتاه می پوشند. با توجه به تفاوت مشهود در وضعیت افراد بر حسب نوع پوشش آزمون آماری مقتضی رابطه معناداری را نشان می دهد. بنابراین می توان نتیجه گرفت زنان متأهل، بیشتر از دختران مجرد در شهر تهران به رعایت پوشش رسمی جامعه مقیدتر هستند.

- گروه سنی با پوشش

بررسی حاصل نشان می دهد که ۱۴ درصد افراد ۱۵ تا ۳۰ سال، ۲۵ درصد ۳۰ تا ۴۵ سال و ۴۶ درصد ۴۵ سال و بیشتر چادری و نیز به ترتیب ۲۹، ۱۴ و ۲ درصد پوشش آنها مانتوی تنگ و باز می باشد. بر اساس آماره های آزمون کای اسکوئر و کندال می توان نتیجه گرفت هر چه سن دختران و زنان کمتر باشند کمتر به رعایت پوشش پرداخته و نیز با افزایش سن پوشش آنها رسمی تر و هنجارمند خواهد شد.

- مقاطع تحصیلی با پوشش

بررسی ها نشان می دهد که ۴۷ درصد افراد زیر دیپلم، ۲۴ درصد دیپلمه ها و ۲۱ درصد دارندگان تحصیلات عالی چادری اند؛ در مقابل مقاطع مختلف به همین ترتیب ۹، ۱۱ و ۲۱ درصد مانتوی تنگ و باز می پوشند. تفاوت آماری مشهود نشان می دهد که هرچه افراد تحصیلات بیشتری داشته باشند کمتر به رعایت پوشش می پردازند و برعکس در بین دارندگان تحصیلات زیر دیپلم وضعیت پوشش رسمی تر می گردد.

- وضعیت اشتغال با پوشش

یافته های به دست آمده بیانگر آن است ۳۷ درصد زنان خانه دار، ۱۹ درصد شاغل و ۱۴ درصد زنان در حال تحصیل پوشش شان چادری و در مقابل ۳۴ درصد افراد در حال تحصیل، ۲۲ درصد شاغلان و ۶ درصد زنان خانه دار مانتوی تنگ و باز است. این رابطه از طریق آزمون های آماری معنادار است. پس دختران در حال تحصیل بیش از شاغلان و خانه داران کمتر پوشش رسمی جامعه را رعایت می کنند.

- وضعیت کفایت درآمدی با وضعیت پوشش

یافته های به دست آمده در خصوص وضعیت کفایت درآمد نشان می دهد که در کسانی که کفایت درآمدی کمی ابراز نموده ۹ درصد، در بین متوسط ۱۱ و در بین دارندگان کفایتی زیاد ۲۷ درصد پوشش شان مانتوی تنگ و باز است. البته گرچه در بین زنانی که پوشش چادری دارند بر حسب کفایت درآمدی تفاوت کم است ولی در رعایت پوشش غیررسمی تفاوت زیاد است. بنابراین این رابطه معنادار ولی شدت پایینی را نشان می دهد.

جدول ۹-۹: وضعیت پوشش بر حسب ویژگی های فردی

ویژگی های فردی / پوشش	چادر با مقنعه و روسری	مانتوی رسمی و ساده	مانتوی تنگ و باز	جمع
متاهل	۳۵	۵۷	۸	۱۰۰
متاهل	۱۳	۵۶	۳۱	۱۰۰
آزمون آماری	$X^2 = 129 \quad V = 0.33 \quad S = 0.000$			
سن	۱۴	۵۷	۲۹	۱۰۰
۱۵ تا ۳۰ سال	۲۵	۶۱	۱۴	۱۰۰
۳۰ تا ۴۵ سال	۴۶	۵۲	۲	۱۰۰
آزمون آماری	$X^2 = 158 \quad V = 0.26 \quad K_b = -0.32 \quad S = 0.000$			
سواد	۴۷	۴۴	۹	۱۰۰
زیر دیپلم	۲۴	۶۵	۱۱	۱۰۰
دیپلم	۲۱	۵۸	۲۱	۱۰۰
بالاتر از دیپلم	$X^2 = 84 \quad V = 0.19 \quad K_b = 0.21 \quad S = 0.000$			
اشتغال	۱۹	۵۹	۲۲	۱۰۰
شاغل	۱۴	۵۱	۳۴	۱۰۰
در حال تحصیل	۳۷	۵۷	۶	۱۰۰
خانه دار	$X^2 = 134 \quad V = 0.24 \quad S = 0.000$			
کفایت درآمد	۲۸	۶۳	۹	۱۰۰
کم	۲۹	۶۰	۱۱	۱۰۰
متوسط	۲۵	۴۸	۲۷	۱۰۰
زیاد	$X^2 = 49 \quad V = 0.15 \quad K_b = 0.11 \quad S = 0.000$			
آزمون آماری				

۱۰) ارزش ها و نگرش های زنان پیرامون فضاهای جنسیتی

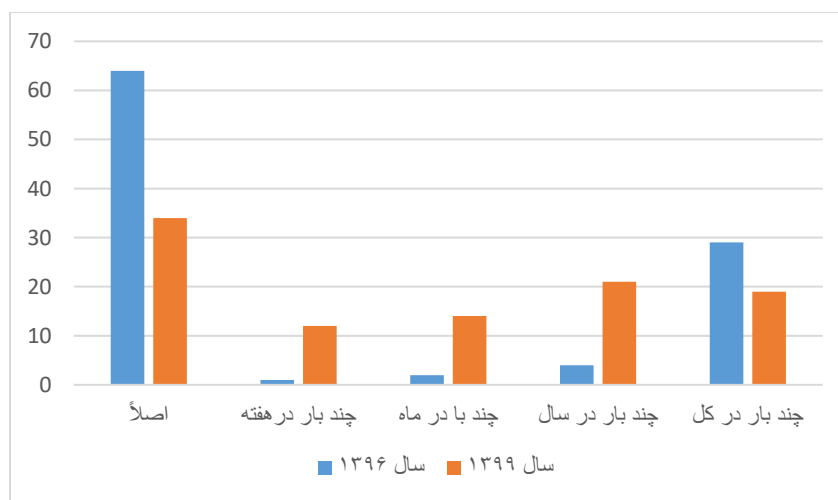
۱-۱۰) میزان استفاده زنان از فضاهای جنسیتی

طبق نتایج پژوهش حاضر (۱۳۹۹) بیش از یک سوم زنان در شهر تهران (۳۴ درصد) تاکنون از فضاهای ورزشی و تفریحی زنانه (مانند پارک بانوان، مجموعه های شهربانو و ...) استفاده نموده اند. البته در موج اول پژوهش ۶۴ درصد بدین موضوع اشاره نموده اند. بنابراین حدود ۳۰ درصد به استفاده کنندگان از فضاهای ورزشی و تفریحی زنان افزوده شده است. در این میان ۱۲ درصد چندبار در طول هفته، ۱۴ درصد چند بار در طول ماه و ۲۱ درصد چندبار در طول سال از فضاهای جنسیتی (شهر بانو و پارک بانوان) مختص زنان بهره می برند.

جدول ۱-۱۰: تاکنون چندبار از فضاهای ورزشی و تفریحی زنانه استفاده کرده اید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		میزان استفاده
تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۴۰۲	۳۴	۷۶۳	۶۴	اصلاً
۱۴۳	۱۲	۱۵	۱	چند بار در هفته
۱۶۵	۱۴	۲۲	۲	چند بار در ماه
۲۴۴	۲۱	۵۴	۴	چند بار در سال
۲۲۰	۱۹	۳۴۲	۲۹	چند بار در کل
۲۳	-	۴	-	بدون پاسخ
۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	جمع

نمودار ۱-۱۰: نمایش پاسخگویان بر حسب میزان استفاده زنان از فضاهای جنسیتی



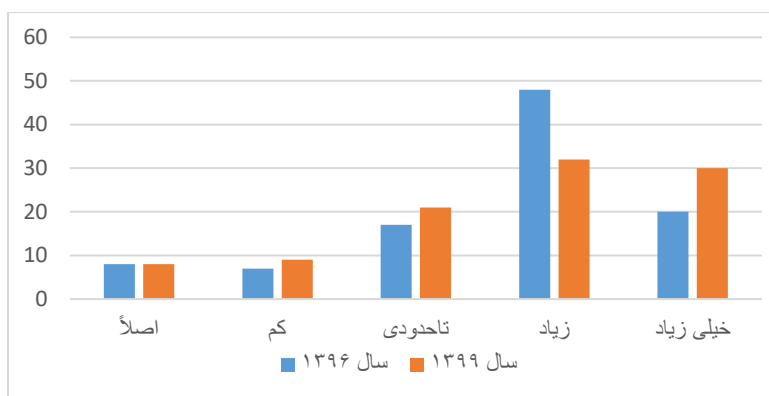
۱۰-۲) میزان تمایل به استفاده از فضاهای جنسیتی

نتایج حاصل در جدول زیر نشان می دهد که حدود ۳۲ و ۳۰ درصد زنان در سطح زیاد و خیلی زیاد تمایل به استفاده از فضاهای جنسیتی دارند؛ در مقابل ۸ درصد گزینه «اصلاً» و ۷ درصد کم را انتخاب کرده اند؛ به عبارتی می توان بیان داشت که در مجموع ۱۷ درصد دختران و زنان در شهر تهران رغبتی برای استفاده از فضاهای جنسیتی مختلف نشان نمی دهند.

جدول ۱۰-۲: چقدر دوست دارید از چنین فضاهایی ویژه زنان استفاده کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		تمایل به استفاده
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۸	۸۷	۸	۹۳	اصلاً
۹	۱۰۵	۷	۸۱	کم
۲۱	۲۴۶	۱۷	۲۰۲	تاحدودی
۳۲	۳۶۹	۴۸	۵۷۵	زیاد
۳۰	۳۵۱	۲۰	۲۳۲	خیلی زیاد
-	۴۲	-	۱۷	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱۰-۲: نمایش پاسخگویان بر حسب میزان تمایل به استفاده از فضاهای جنسیتی



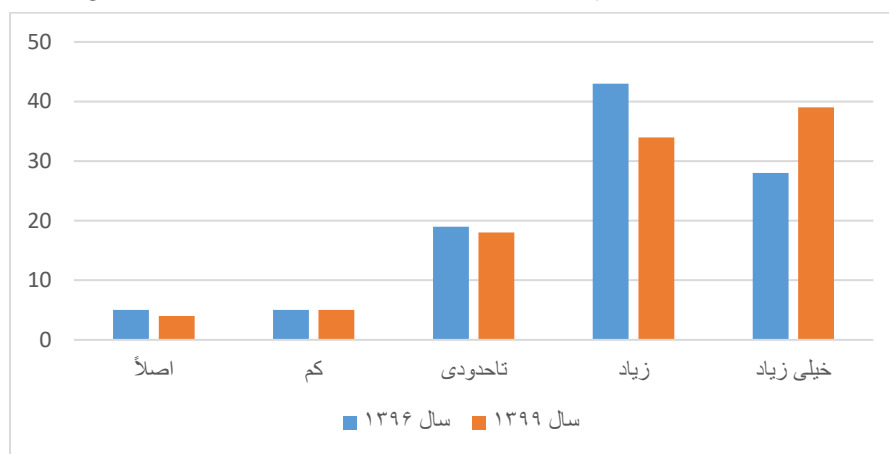
۱۰-۳) اهمیت توسعه فضاهای جنسیتی

در موج دوم پژوهش، حدود ۷۳ درصد از دختران و زنان مورد مطالعه (جمع زیاد و خیلی زیاد) بیان داشته اند که احداث و توسعه چنین فضاهایی برای آنها مهم است و در مقابل حدود ۱۰ درصد (اصلاً و کم) برای شان چندان اهمیت ندارد. این وضعیت در موج اول به ترتیب برابر با ۷۲ درصد و نیز ۱۰ درصد می باشد.

جدول ۱۰-۳: برای شما چقدر مهم است که چنین فضاهایی برای زنان در سطح شهر تهران احداث و توسعه یابد؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هویت یابی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۴	۴۶	۵	۵۴	اصلاً
۵	۵۴	۵	۵۹	کم
۱۸	۲۰۶	۱۹	۲۲۵	تاحدودی
۳۴	۳۹۱	۴۳	۵۱۰	زیاد
۳۹	۴۵۴	۲۸	۳۲۸	خیلی زیاد
-	۴۹	-	۲۴	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۱۰-۳: نمایش پاسخگویان بر حسب اهمیت توسعه فضاهای جنسیتی



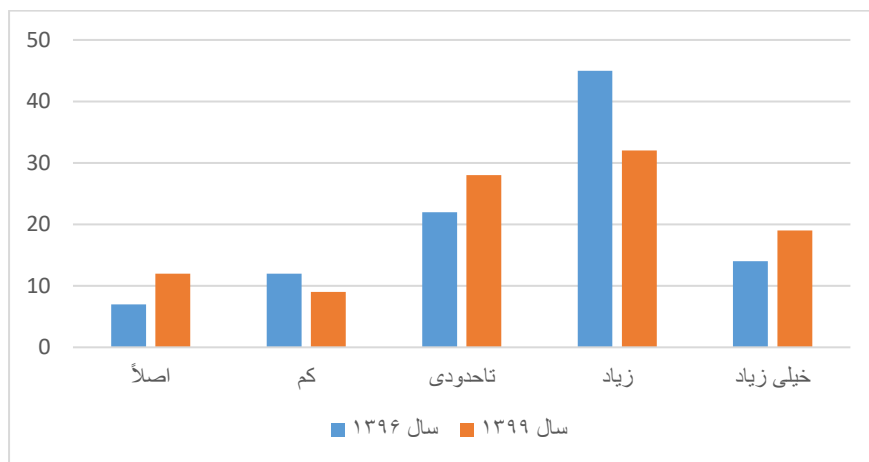
۱۰-۴) فشار هنجاری بهره مندی از فضاهای جنسیتی

طبق بررسی به عمل آمده، انتظارات اجتماعی از سوی خانواده و اطرافیان مبنی بر استفاده از فضاهای زنانه، بسیار است؛ به عبارتی ۱۹ و ۳۲ درصد در سطح خیلی زیاد و زیاد و در مقابل ۱۲ درصد در سطح «اصلاً» و ۹ درصد در سطح کم بدان اشاره کرده اند.

جدول ۴-۱۰: خانواده یا اطرافیان شما، چقدر انتظار دارند از این فضاهای زنانه استفاده کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		هنجار فضاها
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۲	۱۱۷	۷	۷۹	اصلاً
۹	۸۷	۱۲	۱۳۵	کم
۲۸	۲۷۰	۲۲	۲۴۶	تاحدودی
۳۲	۳۰۶	۴۵	۵۲۰	زیاد
۱۹	۱۸۰	۱۴	۱۶۴	خیلی زیاد
-	۲۴۰	-	۵۶	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۴-۱۰: نمایش پاسخگویان بر حسب فشار هنجاری بهره مندی از فضاهای جنسیتی



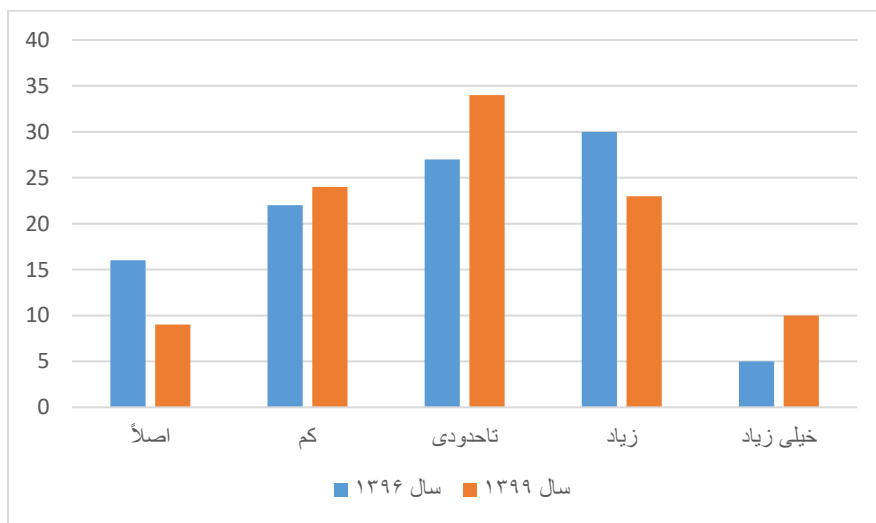
۱۰-۵) فرصت بهره مندی از فضاهای جنسیتی

حدود یک سوم از زنان در شهر تهران برای استفاده از فضاهای تک جنسیتی با مشکل و محدودیت خاصی روبرو نیستند (۳۳ درصد)؛ در مقابل ۹ درصد دختران در حد «اصلاً» و ۲۴ درصد در سطح کمی به چنین فضاهایی دسترسی دارند و فرصت بهره مندی لازم را ندارند.

جدول ۵-۱۰: چقدر امکان و فرصت استفاده از چنین فضاهای زنانه ای برای شما وجود دارد؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		فرصت بهره مندی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۹	۱۱۰	۱۶	۱۸۷	اصلاً
۲۴	۲۷۲	۲۲	۲۵۵	کم
۳۴	۳۹۴	۲۷	۳۱۸	تاحدودی
۲۳	۲۶۱	۳۰	۳۶۰	زیاد
۱۰	۱۱۵	۵	۶۵	خیلی زیاد
-	۴۸	-	۱۵	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۵-۱۰: نمایش پاسخگویان بر حسب فرصت بهره مندی از فضاهای جنسیتی



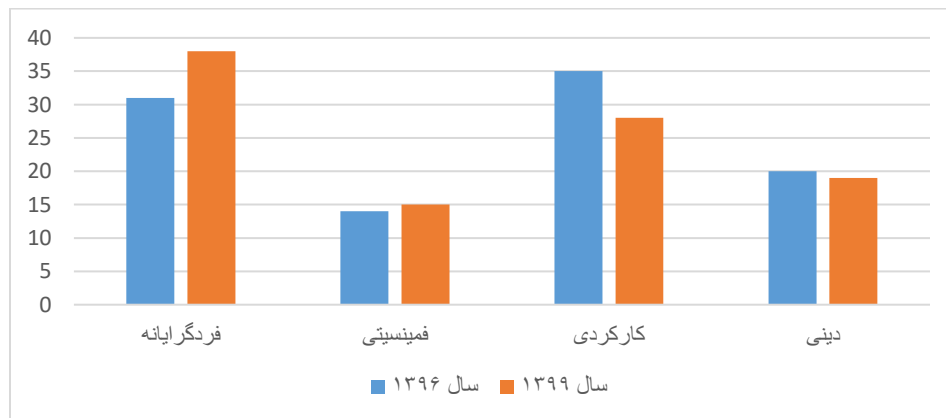
۱۰-۶) معنای بهره مندی از فضاهای جنسیتی

زنان تهرانی مورد مطالعه در پاسخ به گرایش شان به بهره مندی از فضاهای جنسیتی، عمدتاً برداشتی کارکردی (۲۸ درصد) و فردگرایانه (۳۸ درصد) دارند. گرچه ۱۹ درصد به لحاظ دینی به تفکیک فضاهای جنسیتی معتقدند ولی ۱۵ درصد زنان معنایی فمینیستی به چنین فضاهایی دارند و جدا نمودن فضاهای شهری را مناسب نمی دانند.

جدول ۶-۱۰: با کدامیک از نظرات زیر در با کدامیک از نظرات زیر فضاهای جنسیتی موافقت می کنید؟

سال ۱۳۹۹		سال ۱۳۹۶		معنای فضاهای جنسیتی
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۳۸	۴۵۳	۳۱	۳۵۴	استفاده از فضای زنانه موجب سلامتی جسمی و روحی زنان می گردد (فردگرایانه)
۱۵	۱۷۹	۱۴	۱۶۴	جدا کردن فضاهای ورزشی به زنانه و مردانه درست نیست (فمینیستی)
۲۸	۳۲۵	۳۵	۴۰۹	استفاده از فضای زنانه موجب احساس امنیت زنان می گردد (کارکردی)
۱۹	۲۱۸	۲۰	۲۳۵	به لحاظ دینی فضای ورزشی زنان بهتر است از مردان جدا باشد (دینی)
-	۲۵	-	۳۸	بدون پاسخ
۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	جمع

نمودار ۶-۱۰: نمایش پاسخگویان بر حسب معنای بهره مندی از فضاهای جنسیتی



۱۰-۷) رابطه استفاده از فضاهای جنسیتی با تعیین کننده های آن

چنانچه جدول ماتریس همبستگی نشان می دهد بهره مندی از فضاهای تک جنسیتی زنانه در بین زنان بیش از همه ارتباط معناداری با فشار هنجاری جامعه دارد؛ به عبارتی هر چه خانواده ها و اطرافیان از زنان انتظار بیشتری داشته باشند که از فضاهای ورزشی و تفریحی زنانه استفاده نمایند؛ میزان بهره مندی آنها افزایش می یابد و برعکس. البته در موج اول میزان همبستگی برابر با ۰/۵۹ و در موج دوم به ۰/۱۹ تقلیل یافته است. در مرحله بعد، فرصت و موقعیت بهره مندی از چنین فضاهایی اهمیت بسیاری پیدا می کند که در موج اول ضریب همبستگی برابر با ۰/۲۱ و در موج دوم برابر با ۰/۲۰ را نشان می دهد.

جدول ۷-۱۰: ماتریس همبستگی استفاده از فضاهای جنسیتی با تعیین کننده های آن (موج اول و دوم)

معنای بهره مندی از فضاهای جنسیتی	فرصت های بهره مندی از فضاهای جنسیتی	فشار هنجاری بهره مندی از فضاهای جنسیتی	اهمیت بهره مندی از فضاهای جنسیتی	تمایل به بهره مندی از فضاهای جنسیتی	میزان استفاده از فضاهای جنسیتی	ضرایب	
۰/۰۳	**۰/۲۰	**۰/۱۹	**۰/۰۶	**۰/۱۸	۱	میزان استفاده	موج دوم
۰/۰۳	**۰/۲۳	**۰/۴۹	**۰/۵۹	۱	**۰/۱۸	میزان تمایل	
۰/۰۵	**۰/۲۱	۰/۰۵	**۰/۲۵	**۰/۰۸	۱	میزان استفاده	موج اول
۰/۰۰۲	**۰/۱۴	**۰/۵۹	**۰/۱۸	۱	**۰/۰۸	میزان تمایل	

۱۰-۸) رابطه ویژگی های فردی با استفاده از فضاهای جنسیتی

- وضع تأهل با استفاده از فضاهای جنسیتی

طبق یافته های به دست آمده ۲۷ درصد متأهلان و ۳۸ درصد مجردان «اصلاً» از فضاهای جنسیتی زنانه استفاده نکرده اند. البته در مقابل ۴۳ درصد متأهلان و ۳۸ درصد مجردان در حد زیاد از فضاهای جنسیتی استفاده می کنند. با توجه به تفاوت معناداری حاصل می توان بیان داشت تاکنون زنان متأهل بیشتر از مجردان از فضاهای ورزشی و تفریحی زنانه موجود در شهر تهران استفاده نموده اند.

- گروه سنی با استفاده از فضاهای جنسیتی

بررسی حاصل نشان می دهد که ۴۳ درصد افراد ۴۵ سال و بیشتر، ۳۶ درصد ۳۰ تا ۴۵ ساله ها، و ۲۵ درصد ۱۵ تا ۳۰ ساله ها از فضاهای تک جنسیتی زنانه بهره مند نشده اند. همچنین نتایج آزمون آماری تفاوت بهره مندی گروه های سنی مختلف از چنین فضاهایی را نشان می دهد؛ به تعبیری می توان بیان داشت هرچه سن افراد افزایش می کند استفاده از پارک بانوان و مجموعه شهربانو کمتر می شود و برعکس. بنابراین دختران جوان تمایل کمتری دارند تا از این فضاهای جنسیتی استفاده کنند.

- مقاطع تحصیلی با استفاده از فضاهای جنسیتی

بررسی ها نشان می دهد که ۵۶ درصد افراد زیر دیپلم، ۳۰ درصد دیپلمه ها و ۳۲ درصد دارندگان تحصیلات عالی تاکنون از فضاهای جنسیتی استفاده نکرده اند. آزمون آمای مناسب با آلفای کوچکتز یا مساوی یک درصد و کمتر تفاوت معناداری را نشان می دهد. به تعبیری می توان گفت دختران و زنان زیر دیپلم در شهر تهران به طور معناداری کمتر از سایر مقاطع تحصیلی از فضاهای ورزشی و تفریحی زنانه استفاده می کنند.

- وضعیت کفایت درآمدی با استفاده از فضاهای جنسیتی

یافته های به دست آمده در خصوص وضعیت کفایت درآمدی خانواده ها نشان می دهد؛ زنان با کفایت درآمدی کم، متوسط و زیاد به ترتیب ۳۵، ۳۶ و ۳۱ درصد از فضاهای جنسیتی استفاده نمی کنند. این تفاوت در سطح معناداری مطلوبی تایید نشده است. پس این رابطه آماری تایید نمی گردد.

جدول ۸-۱۰: وضعیت استفاده از فضاهای جنسیتی بر حسب ویژگی های فردی

ویژگی های فردی / فضا	اصلاً	تاحدودی	زیاد	جمع
وضع تأهل	مجرد	۲۵	۳۸	۱۰۰
	متاهل	۳۰	۲۳	۱۰۰
$X^2 = 11 \quad V = 0/10 \quad S = 0/003$				آزمون آماری
سن	۱۵ تا ۳۰ سال	۳۰	۴۵	۱۰۰
	۳۰ تا ۴۵ سال	۲۳	۴۱	۱۰۰
	۴۵ سال و بیشتر	۲۵	۳۲	۱۰۰
$X^2 = 29 \quad V = 0/11 \quad K_b = -0/13 \quad S = 0/000$				آزمون آماری
سواد	زیر دیپلم	۲۴	۳۰	۱۰۰
	دیپلم	۲۷	۲۳	۱۰۰
	بالتر از دیپلم	۲۶	۴۲	۱۰۰
$X^2 = 19 \quad V = 0/09 \quad K_b = 0/08 \quad S = 0/003$				آزمون آماری
اشتغال	شاغل	۲۵	۴۳	۱۰۰
	در حال تحصیل	۳۴	۴۵	۱۰۰
	خانه دار	۲۴	۳۶	۱۰۰
$X^2 = 27 \quad V = 0/17 \quad S = 0/002$				آزمون آماری
کفایت درآمد	کم	۳۰	۳۵	۱۰۰
	متوسط	۲۶	۳۸	۱۰۰
	زیاد	۲۴	۴۵	۱۰۰
$X^2 = 7 \quad V = 0/06 \quad K_b = 0/05 \quad S = 0/003$				آزمون آماری

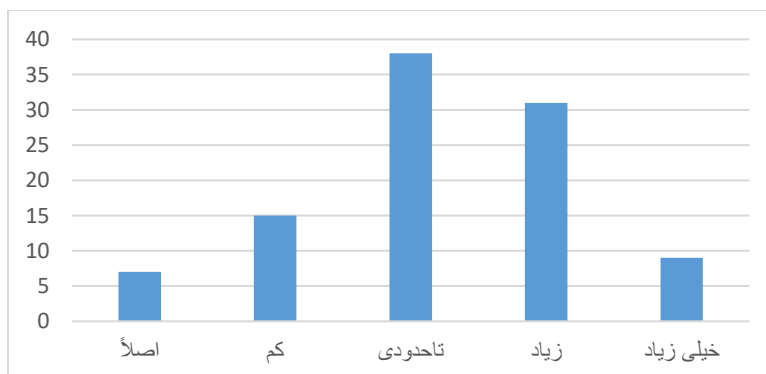
۹-۱۰) احساس امنیت اجتماعی زنان

در موج دوم پژوهش سوالی با مضمون احساس امنیت زنان در سطح شهر و خیابان مطرح شد؛ یافته های حاصل نشان می دهد که ۴۰ درصد زنان در سطح زیاد و خیلی زیاد احساس امنیت می کنند؛ در مقابل ۷ درصد «اصلاً» احساس امنیت اجتماعی نمی کنند.

جدول ۹-۱۰: معمولاً در سطح شهر و خیابان چقدر احساس امنیت می کنید؟

احساس امنیت	تعداد	درصد
اصلاً	۷۷	۷
کم	۱۷۴	۱۵
تاحدودی	۴۴۸	۳۸
زیاد	۳۶۵	۳۱
خیلی زیاد	۱۱۲	۹
بدون پاسخ	۲۴	-
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰

نمودار ۷-۱۰: نمایش پاسخگویان بر حسب احساس امنیت اجتماعی زنان



فصل پنجم:
خلاصه و نتیجه گیری
پژوهش

۵-۱ خلاصه پژوهش

مطالعه حاضر با هدف پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران بر حسب رفتارهای جنسیتی مختلف در سال ۱۳۹۹ (موج دوم) و نیز مقایسه نتایج آن با موج اول (۱۳۹۶) انجام گرفته است.

جمعیت آماری این پژوهش شامل «کلیه دختران و زنان ۱۵ سال به بالای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۹۹» می باشد. با عنایت به گسترش شیوع ویروس کرونا، جمع آوری داده ها به روش مصاحبه تلفنی صورت گرفته است. سوالات اساسی پژوهش عبارتند از:

(۱) وضعیت ارزش ها و نگرش های دختران و زنان شهر تهران بر حسب انواع رفتارهای جنسیتی مختلف (مقایسه نتایج موج اول و دوم) چگونه است؟

(۲) وضعیت ارزش ها و نگرش های زنان شهر تهران بر حسب ویژگی های مختلف فردی و اجتماعی در چگونه است؟

برای تهیه چارچوب مفهومی تحقیق از نظریه نظام کنش کمک گرفته شده است. در واقع یک جامعه از عناصری از قبیل: فرهنگ، نهادهای اجتماعی، ساختار اجتماعی و کنش ها تشکیل شده است (شارون، ۱۳۸۹). در این میان فرهنگ ها دربرگیرنده قواعد، باورها، ارزش ها و قوانینی هستند که در قالب های مختلف تجلی پیدا می کند. کنش اجتماعی نیز حاصل تعامل و استدلال با دیگران است که با تبدیل شدن به الگوی متداول رفتار، در قالب نقش و موقعیت های اجتماعی، نهادهای اجتماعی را سازماندهی می کنند و موجب شکل گیری فرهنگ می گردد. در این میان نیز ارزش ها و نگرش ها به نوبه خود سازوکاری است که وضعیت کنش را تعیین می کند (چلبی، ۱۳۸۳). از این رو، از یک سو می توان گفت که ارزش ها و نگرش ها، رفتار نهادی افراد را تحت تاثیر قرار می دهند و از سوی دیگر الگوی متداول رفتار اجتماعی، فرهنگ و ساختار اجتماعی را شکل می دهد که در قالب نهادهای اساسی جامعه مانند نهاد خانواده، دین، دولت، آموزش و پرورش و اقتصاد متجلی می گردد.

در پیمایش ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران، متأثر از نظریه (رفتار بخردانه) آیزن و همکارانش، رفتار ناشی از اعتقاد شخص در زمینه نتایج رفتار مشخص، و ارزیابی او از نتایج ممکن و نیز اعتقادات فرد در دستیابی به آن انتظارات می باشد؛ پس می توان گفت ارزیابی فردی و هنجارهای اجتماعی موجب شکل دهی به رفتار اجتماعی افراد می گردد. به تعبیر دیگری، چلبی بیان می دارد: «هر رفتار کنشگر، اعم از فردی و جمعی، در هر سطح و هر حوزه ای، به کم و کیف و آرایش فرصت، نیاز، انتظار، و معنا وابسته است» (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

بر این اساس رفتار نهادی زنان تحت تاثیر نیازها، انتظارات، فرصت ها و معنای جنسیتی آنها می باشد تا از این طریق بتوان به ارزش ها و نگرش های زنان در عرصه های مختلف دست یافت.

۵-۲) دستاوردهای تجربی

۵-۲-۱) ویژگی های فردی پاسخگویان

۱- وضعیت تأهل: طبق نتایج حاصل در موج اول پژوهش ۶۹ درصد پاسخگویان و در موج دوم ۵۸ افراد مورد مطالعه متأهل و در مقابل به ترتیب ۲۴ و ۳۲ درصد مجرد بودند. به علت در نظر گرفتن دختران ۱۵ سال به بالا برای انتخاب نمونه و نیز عمومیت ازدواج در جامعه ایران، اکثر افراد متأهل هستند.

۲- گروه سنی: طبق بررسی صورت گرفته در موج دوم پژوهش، بیشتر زنان (۲۳ درصد) مورد مطالعه بین ۲۵ تا ۳۴ و ۳۵ تا ۴۴ سال، سن (در موج اول ۲۷ و ۲۲ درصد) دارند. همچنین حدود یک پنجم افراد نمونه بین ۱۵ تا ۲۴ ساله اند (۱۴ درصد در موج اول). با کمک گرفتن از آماره های توصیفی می توان بیان داشت که میانگین کل سن دختران و زنان مورد مطالعه، برابر با ۳۹ سال (در سال ۱۳۹۶ میانگین سن برابر با ۴۰ سال) و بیشترین فراوانی مربوط ۳۰ ساله‌هاست.

۳- میزان تحصیلات: در موج اول (۱۳۹۶) حدود ۴۰ درصد زنان و دختران مورد مطالعه تحصیلات دانشگاهی (یک درصد دکتری، ۹ درصد کارشناسی ارشد و ۳۰ درصد کارشناسی) و نیز ۳۰ درصد زیر دیپلم اند. این در حالی است که ۲۵ درصد تا مقطع دکتری، ۲۰ درصد تا مقطع کارشناسی ارشد به ادامه تحصیل تمایل دارند. از طرفی دختران مورد مطالعه در زمینه وضعیت تحصیلات همسر آینده ۳۲ درصد در مقطع دکتری، ۳۰ درصد مقطع کارشناسی ارشد و ۲۷ درصد کارشناسی را در مد نظر دارند. در موج دوم (۱۳۹۹) طبق بررسی صورت گرفته، بیشتر زنان در شهر تهران دارای تحصیلات «کاردانی و کارشناسی» (۳۵ درصد) و «دیپلم» (۲۹ درصد) می باشند. همچنین نسبت افراد دارای تحصیلات «کارشناسی ارشد» و «ابتدایی و راهنمایی» به ترتیب برابر با ۱۲ و ۱۱ درصد است؛ به عبارت دیگر می توان بیان داشت که حدود ۴۹ درصد زنان نمونه بالاتر از دیپلم، ۲۹ درصد دیپلم و ۲۰/۵ درصد دیپلمه هستند.

۴- وضعیت اشتغال: در موج اول (۱۳۹۶) زنان شاغل با ۱۹ درصد و زنان خانه دار با ۶۳/۵ درصد بیشترین نسبت نمونه در این مطالعه بودند. البته ۲۳ درصد زنان تمایلی به سرکار رفتن ندارند و در مقابل ۶۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد دارند. در واقع با این وضعیت نسبت دختران و زنانی که علاقه مند به سرکار رفتن هستند با نسبت خانه دارها در حال حاضر برابری می کند. در موج دوم (۱۳۹۹) پژوهش ۵۰ درصد زنان خانه دار و ۲۶ درصد شاغل می باشند. در این میان نیز ۱۱ درصد نمونه دانشجوی و ۶ درصد محصل هستند. همچنین زنان بازنشسته و در جستجوی کار هر کدام با سه درصد کمترین وضعیت را در حوزه اشتغال به خود اختصاص داده اند.

۵- وضعیت کفایت درآمدی: بر اساس نتایج حاصل، بیش از یک سوم زنان اذعان نموده اند که هزینه های زندگی شان در حد مطلوبی تأمین می شود. در موج اول ۳۰ و ۳ درصد زنان در سطح زیاد و کاملاً و نیز در موج دوم ۲۶ و ۶ درصد زنان در سطح زیاد و کاملاً به کافی بودن درآمد با هزینه های زندگی شان اشاره داشته اند؛ و در مقابل یک پنجم زنان از وضعیت درآمد خانواده ناراضی اند؛ به طور دقیق تر در موج اول ۵ درصد گزینه اصلاً و ۱۴ درصد در حد کم و نیز در موج دوم، ۵ درصد گزینه اصلاً و نیز ۱۵ درصد در سطح کم بدان اشاره نموده اند.

۲-۲-۵) رفتارهای جنسیتی زنان

در این مطالعه مهمترین دغدغه ها و مسائل مختلف دختران و زنان شهر تهران شامل مواردی از جمله: فرزندآوری، مادری، تمایل به ازدواج، رضایت از زندگی مشترک، رفتار اشتغال، تحصیلات، انجام امور منزل، پوشش، بهره مندی از فضاهای جنسیتی می باشد که در بخش زیر به تشریح نتایج حاصل می پردازیم:

۱- فرزندآوری زنان: در موج اول پژوهش (۱۳۹۶) طبق یافته های حاصل در بین زنان متأهل شهر تهران حدود ۱۰ درصد بدون فرزند بودند. ۲۲ درصد یک فرزند، ۳۷ درصد دو، ۱۶ درصد سه فرزند و ۱۶ درصد چهار فرزند و بیشتر دارند؛ دیگر یافته های به دست آمده در زمینه تعداد فرزند مطلوب در بین متأهلان بیانگر آن است که ۴ درصد نداشتن فرزند، ۱۰ درصد به داشتن یک فرزند، ۴۵ درصد به داشتن دو فرزند و ۴۱ درصد به داشتن سه فرزند و بیشتر تمایل داشتند و در مقابل مجردان به ترتیب ۹، ۲۱، ۵۳ و ۱۷ درصد دوست دارند بدون فرزند، یک فرزند، دو فرزند و سه فرزند و بیشتر داشته باشند. در مجموع بیش از نیمی از آنها دو فرزند را برای سطح جانشینی ایده آل دانسته اند. در موج دوم پژوهش (۱۳۹۹) حدود ۱۱ درصد از زنان مورد مطالعه بدون فرزند، ۲۲ درصد یک فرزند، ۳۵ درصد دو، ۱۹ درصد سه فرزند و ۱۲ درصد چهار فرزند و بیشتر دارند؛ دیگر یافته های به دست آمده در زمینه تعداد فرزند مطلوب در بین متأهلان بیانگر آن است که ۱۳ درصد تمایلی به داشتن فرزند ندارند که حدود ۹ درصد افزایش را نشان می دهد. ۸ درصد به داشتن یک فرزند، ۳۴ درصد به داشتن دو فرزند و ۳۵ درصد به داشتن سه فرزند و بیشتر تمایل داشتند؛ در مقابل مجردان به ترتیب ۹ درصد دختران نیز تمایلی به داشتن فرزند ندارند. ۱۴ درصد یک فرزند، ۵۴ درصد دو فرزند، ۳۴ درصد سه فرزند و بیشتر فرزندان ایده آل آنها می باشد.

۲- پذیرش نقش مادری: زنان دارای هویت های سه گانه زنانه، همسری و مادری هستند. این هویت ها به تحولات بیولوژیکی و جسمی زنان گره خورده است؛ این پیوند تا آنجاست که زنان تا سنین خاصی امکان همسری و مادری دارند. به زعم گیلکان زنان هویتی مستقل از همسری و مادری برای خود نمی بینند و بی خود (Selfless) هستند (Gilligan, 89). طبق نتایج موج اول پژوهش در مجموع ۸۱ درصد دختران و زنان نمونه علاقه بسیاری به پذیرش نقش مادری داشتند و در مقابل ۷ درصد تمایل چندانی ندارند. در موج دوم این نسبت برابر با ۶۸ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد و ۱۵ درصد در حد اصلاً و کم هستند که می توان حدود ۱۳ درصد کاهش تمایل در بین زنان را مشاهده نمود.

۲- نقش همسری: در موج اول (۱۳۹۶) بر اساس معیارهای مختلف مربوط به نقش همسری در خانواده های شهر تهران، ۸۲ درصد زنان امور منزل را خودشان به تنهایی انجام می دهند و حدود کمتر از ۲ درصد همسر یا دیگر افراد کمک می کنند در موج دوم (۱۳۹۹) ۸۲ درصد زنان در حد کاملاً، ۷ درصد در حد خیلی زیاد و ۴ درصد در حد زیاد اظهار داشتند خودشان به امور منزل می پردازند؛ همچنین در بحث از کمک و همکاری مردان در منزل در موج اول ۳۶ درصد گزینه اصلاً و ۳ درصد گزینه کاملاً را علامت زده بودند؛ ولی در موج دوم پژوهش، ۳۶ درصد زنان گزینه «اصلاً» و ۱۳ درصد در حد «کم» بدان اشاره کرده اند که بیانگر آن است کمک مردان در امور مختلف منزل ۳۰ درصد افزایش یافته است. سایر یافته ها نیز نشان می دهد که در موج اول ۹ درصد دختران مجرد، «اصلاً» سه وظیفه ذکر شده مرتبط با خانه داری را انجام نمی دهند؛ و در موج دوم این نسبت به ۲۱ درصد افزایش یافته است. البته در هر دو موج اول و دوم ۱۹ درصد در سطح کاملاً به انجام امور منزل می پردازند. بنابراین بر اساس نتایج این پژوهش نسبت دخترانی که در امور منزل کمک می کنند با افرادی که چندان اهمیت نمی دهند، تقریباً برابر هستند.

۳- رضایت از زندگی مشترک: در موج اول (۱۳۹۶) پژوهش، نتایج به دست آمده نشان داد که ۷۳ درصد زنان از زندگی مشترک با همسرشان رضایت داشته (۵۲ درصد در حد زیاد و ۲۱ درصد در حد خیلی زیاد) و در مقابل ۷ درصد ناراضی اند (۴ درصد اصلاً و ۳ درصد کم). همچنین یافته دیگری حکایت از آن دارد که ۶ درصد زنان متأهل از زندگی مشترک رضایت ندارند؛ به عبارتی می توان ۴۸ درصد زندگی های مشترک را «خانواده آرام»، ۳۷ درصد «خانواده اهل گفتگو»، ۹ درصد «خانواده امیدوار»، ۵ درصد «خانواده اضطراری» و یک درصد «خانواده در آرزوی جدایی» را نام نهاد.

در موج دوم (۱۳۹۹) اکثریت مطلق (۷۳ درصد) زنان متأهل نمونه تحقیق، از زندگی خود در سطح زیاد و خیلی زیاد رضایت دارند، البته این وضعیت در موج اول پژوهش برابر با ۷۳ درصد بوده، ولی درصد مربوط به مقادیر زیاد و خیلی زیاد متفاوت می باشد. در مقابل نسبت کسانی که رضایت کمی دارند برابر با ۳ درصد در سطح کم و ۳ درصد نیز اظهار داشتند که از زندگی با همسرشان راضی نیستند. حدود یک پنجم زنان شهر تهران در حد متوسط از زندگی شان اعلام رضایت نموده اند. همچنین یافته های حاصل نشان می دهد که ۴۳ درصد خانواده ها در شهر تهران با همدیگر به خوبی و آرامش زندگی می کنند (۴۸ درصد در موج اول)؛ در مقابل حدود سه درصد خانواده ها امیدوارند که روزی از همسرشان جدا شوند که بیانگر شکست آنها در زندگی زناشویی است

۳- گرایش به ازدواج: در موج اول (۱۳۹۶) نتایج بررسی ها در بین دختران مجرد نشان می دهد که یک سوم (۳۷ درصد) آنها تمایل بسیاری و ۳۱ درصد تمایل چندانی به ازدواج ندارند. در موج دوم (۱۳۹۹) نیز حدود یک سوم دختران در شهر تهران (۲۹ درصد) تمایل بسیاری به ازدواج و تشکیل خانواده دارند (۱۹ درصد زیاد و ۱۰ درصد خیلی زیاد)؛ در مقابل ۳۴ درصد چندان علاقه ای به ازدواج کردن ندارند (۱۴ درصد اصلاً و ۲۰ درصد کم). در واقع می توان نتیجه گرفت نسبت دخترانی که در شهر تهران تمایل به ازدواج دارند با کسانی که تمایل ندارند، تقریباً برابرند.

۴- رعایت پوشش: در موج اول (۱۳۹۶) در شهر تهران پوشش غالب زنان در سطح جامعه و خیابان، مانتوی ساده و معمولی است (۴۷ درصد)، حدود یک سوم نیز چادری اند (جمع چادر با روسری و شال و چادر با مقنعه ۳۵ درصد). البته با توجه به اینکه ۳۵ درصد زنان در سطح شهر تهران چادری اند فقط حدود ۹ درصد آنها اظهار داشتند که در سفرهای خارجی از چادر استفاده می کنند. در موج دوم (۱۳۹۹) یافته ها بیانگر آن است که در سطح جامعه و خیابان، نیمی از زنان «مانتوی ساده و معمولی» (۴۶ درصد) و نیز بیش از یک سوم چادری هستند (جمع چادر با روسری و شال و چادر با مقنعه ۳۱ درصد). در مراتب بعدی «مانتو جلو باز» با ۱۴ درصد و «مانتو رسمی و پوشیده» با ۱۱ درصد قرار دارد. در آخر اینکه ۲ درصد زنان پوشش آنها «مانتوی تنگ و کوتاه» است. بنابراین وضعیت پوشش در دو موج یافته یکسانی را نشان می دهد.

۳-۲-۵) هویت یابی جنسیتی زنان (اهمیت)

در موج اول و دوم (۱۳۹۶ و ۱۳۹۹) مقایسه انواع وضعیت های احساس هویت جنسیتی زنان، نشان می دهد که به ترتیب حفظ و تداوم زندگی مشترک در موج اول با میانگین ۴/۳۳ و در موج دوم با میانگین ۴/۵۳، افتخار به مادر شدن در موج اول با میانگین ۴/۱۲ و در موج دوم با میانگین ۴/۲۶، اهمیت دادن به انجام امور منزل در موج اول با میانگین ۳/۹۹ و در موج دوم با میانگین ۳/۸۹، ارزش و داشتن فرزند در موج اول با میانگین ۴/۱۲ و در موج دوم با میانگین ۴/۱۲، بهره مندی از فضاهاى فراغتى زنانه در موج اول با میانگین ۳/۹۷ و در موج دوم با میانگین ۴، اهمیت ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر در موج اول با میانگین ۳/۸۹ و در موج دوم با میانگین ۳/۶۹، حفظ و داشتن پوشش مورد نظر در موج اول با میانگین ۳/۸۵ و در موج دوم با میانگین ۳/۸۱، شاغل شدن و اهمیت دادن به کار در موج اول با میانگین ۳/۳۱ و در موج دوم با میانگین ۳/۳۴ و در نهایت اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در بین دختران در موج اول با میانگین ۳/۲۰ و در موج دوم با میانگین ۳/۱۸، به ترتیب از جمله مواردی هستند که برای زنان و دختران دغدغه و بیش از سایر موارد مهم به نظر می رسند.

در واقع چنانچه ملاحظه می گردد حفظ زندگی زناشویی در بین زنان متأهل بیشترین و در مقابل تمایل به ازدواج و تشکیل خانواده در بین مجردان کمترین اهمیت را نشان می دهد. به عبارتی امروزه مهمترین دغدغه زنان متأهل جامعه شهری تهران حفظ و پایداری زندگی مشترک است؛ از سویی ازدواج کردن و تشکیل خانواده کمترین دغدغه مجردان می باشد.

استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی برای دسته بندی و بررسی همبستگی میان هویت های جنسیتی مختلف نشان می دهد که ابعاد مختلف هویت مادری، فرزندآوری، رعایت پوشش و همسری در یک عامل قرار می گیرند و در مقابل احساس هویت شغلی و تحصیلی در گروه عامل دوم می باشد که به ترتیب نوعی «هویت جنسیتی وابسته» زنان و در مقابل «هویت جنسیتی مستقل» را تداعی می کنند؛ به عبارتی، در خصوص هویت وابسته، زنان خودشان را با دیگری (همسر، فرزند و ...) پیوند می زند؛ در مقابل هویت جنسیتی مستقل، هویت زنان براساس تلاش، انگیزه ها و فرصت های زندگی و در فرایندی اکتسابی بدست می آید. آنچه در اینجا می توان استنباط نمود؛ در این میان به نظر می رسد دختران مجرد بیشتر به دنبال توسعه و کسب هویت جنسیتی مستقل می باشند.

جدول ۱: نتایج آزمون تحلیل عاملی پیرامو هویت جنسیتی زنان و دختران

عامل دوم	عامل اول	هویت های جنسیتی
	۰/۶۹	همسری (امور منزل)
	۰/۶۷	مادری
	۰/۶۴	فرزندآوری
	۰/۵۵	زناشویی
۰/۸۰		شغلی
۰/۷۸		تحصیلی

از این رو، زنان دارای انواع هویت هستند که در کنار هم اضلاع سه گانه هویت اجتماعی وابسته آنها را شکل می دهد که شامل: هویت زناشویی، هویت همسری و هویت مادری می باشد. گر چه به نظر می رسد هویت تام و کمال زنان در گرو دارا بودن این سه نقش با در یک خانواده منسجم است. از میان این سویه های هویت، زنانگی قائم به ذات زنانه است که هویت جنسی آنها را نیز تشکیل می دهد؛ اما همسری و مادری هویت های جنسیتی است که جامعه آن را برای زنان تجویز می کند و در قالب انتظارات نقشی خود را نشان می دهد. البته قرار گرفتن زنان در کنار مردان در چارچوب ازدواج و پس از آن فرزندآوری در قالب خانواده آنان را به هویت همسری و مادری می رساند؛ در این میان هویت های مستقل و پیشرفته (داشتن شغل و استقلال مالی و تحصیل در مقاطع عالی) در ده های اخیر بخش دیگری از عناصری که موجبات حضور زنان را در عرصه اجتماعی فراهم آورده است و دختران مجرد جوان از این طریق هویت یابی می کنند.

۴-۲-۵) فرصت های جنسیتی زنان

همانطور که اشاره گردید «فرصت جنسیتی» نوعی «امکان و موقعیت» ایفای نقش را برحسب موقعیت و محدودیت های مختلف مالی، جسمی، اجتماعی و ... برای دختران و زنان فراهم می آورد.

در این میان مقایسه فرصت های جنسیتی زنان پیرامون رفتارهای جنسیتی مورد نظر، نشان می دهد که وقت نداشتن برای انجام امور منزل با میانگین $3/71$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/75$ ، فرصت کم برای فرزندآوری با میانگین $3/43$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/44$ ، امکان و فرصت ازدواج برای دختران با میانگین $3/19$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/11$ ، بهره مندی از فضاهای فراغتی زنانه با میانگین $2/88$ در موج اول و در موج دوم با میانگین 3 ، مسائل مختلف در زندگی مشترک با میانگین $2/66$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/15$ ، محدودیت برای ادامه تحصیل با میانگین رتبه $2/74$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/12$ ، فرصت مادر شدن با میانگین رتبه $2/26$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $2/71$ ، محدودیت های مربوط به سرکار رفتن با میانگین $2/57$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $2/98$ و در نهایت محدودیت در داشتن پوشش مورد نظر با میانگین $1/44$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $1/89$ از جمله مشکلات و موانعی هستند که زنان در شهر تهران با آن مواجه اند.

در واقع چنانچه ملاحظه می گردد نداشتن فرصت برای انجام وظایف همسری، نداشتن امکان و موقعیت داشتن فرزند برای زنان متأهل و نیز نداشتن امکان و فرصت ازدواج برای دختران مهمترین مسائل زنان و در مقابل داشتن پوشش دلخواه، و شاغل شدن کمترین محدودیت را برای زنان متأهل نشان می دهد. همچنین دختران مجرد در مقایسه با متأهلان محدودیت کمتری در قبال داشتن پوشش دلخواه، ادامه تحصیل، انجام امور منزل و استفاده از فضاهای تک جنسیتی در سطح شهر دارند.

۵-۲-۵) هنجارهای جنسیتی زنان (فشار هنجاری)

طبق بررسی به دست آمده، هنجارهای اجتماعی مربوط به ادامه تحصیل با میانگین $4/9$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $4/8$ ، تداوم زندگی مشترک با میانگین $4/3$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $4/59$ ، فرزندآوری با میانگین $3/9$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/89$ ، پذیرش نقش مادری با میانگین $3/9$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/76$ ، هویت همسری با میانگین $3/6$ در موج اول و در موج دوم و رعایت پوشش دلخواه با میانگین $3/6$ در موج اول و در موج دوم با $3/69$ بیش از سایر رفتارهای جنسیتی است؛ در مقابل انجام رفتارهایی از قبیل شاغل شدن با میانگین $2/5$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/03$ ، ازدواج کردن به موقع دختران با میانگین $3/5$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/35$ بهره مندی از فضاهای جنسیتی با میانگین $3/5$ در موج اول و در موج دوم با میانگین $3/36$ کمتر مورد انتظار زنان می باشد.

نکته قابل تامل این است که خانواده ها و اطرافیان از زنان متأهل توقع بسیاری دارند تا زندگی مشترک شان را حفظ کنند؛ در مقابل از دختران مجرد کمتر انتظار دارند که به فکر ازدواج و تشکیل خانواده باشند. همچنین بیشترین انتظار از سوی خانواده و اطرافیان نسبت به دختران و زنان جامعه در قبال درس خواندن در موج اول (۱۳۹۶) با بیشترین فراوانی تا مقطع لیسانس با ۲۹ درصد و نیز تا مقطع دکتری با ۲۴ درصد و در موج دوم (۱۳۹۹) ۳۱ درصد در سطح دکتری، ۲۱ درصد در سطح کارشناسی ارشد و ۲۶ درصد تا کاردانی و کارشناسی می باشد؛ در مقابل کمترین توقع جامعه از زنان، مربوط به سرکار رفتن زنان است.

در این باره همانطور که نتایج حاصل نشان می دهد در موج اول (۱۳۹۶) بیشترین فراوانی مربوط به انتظار خانواده ها برای رفتن زنان به سرکار، ۳۹ درصد به گزینه اصلاً ۳۹ درصد و ۱۰ درصد گزینه خیلی زیاد توجه دارند. البته موج دوم (۱۳۹۹) ۲۶ درصد گزینه اصلاً و نیز ۲۴ درصد گزینه خیلی زیاد را اعلام کرده است که نوعی افزایش گرایش خانواده برای شاغل شدن زنان و دختران را نشان می دهد.

در جمع بندی این وضعیت می توان بیان نمود فضای عمومی خانواده ها و نیز اطرافیان در عین اینکه از زنان و دختران انتظار دارند که ادامه تحصیل بدهند، اما چندان توقع ندارد که شاغل شوند. این وضعیت به تعبیر فستینگر موجب نوعی ناهماهنگی شناختی در بین دختران مجرد می گردد که به نوبه خود دختران برای برون رفت از این وضعیت به کنش های مختلف روی خواهند آورد. بخشی از این برون رفت از این وضعیت، در قالب ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، انتخاب رشته جدید و ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، اشتیاق و علاقه دختران برای تحصیل در کشورهای خارجی، خود را نشان می دهد.

۵-۲-۶) معنای جنسیتی زنان

طبق مطالعه ای اکتشافی ابتدا معنای هر یک از رفتارهای جنسیتی مورد مطالعه قرار گرفت، به نحوی که با تحلیل تماتیک و سنخ شناسی مفاهیم و مقولات حاصل، در نهایت چهار معنا یا برداشت حاصل شد که عبارتند از: معنای فردگرایانه، فمینیستی، کارکردی و دینی. البته دو معنای کارکردی و دینی را می توان گرایش «نهادمحور» و جهت گیری فردگرایانه و فمینیستی را گرایش «فردمحور» نام نهاد.

طبق یافته های حاصل در موج اول و دوم پژوهش، معنای فرزند در بین دختران و زنان شهر تهران بیشتر کارکردی و دینی (به ترتیب ۴۰ و ۳۵ درصد در موج اول و ۳۸ و ۳۹ درصد در موج دوم) و در مقابل کمتر فمینیستی و فردگرایانه (به ترتیب ۱۳ و ۱۲ درصد در موج اول و ۱۳ و ۱۰ درصد در موج دوم)، در خصوص پذیرش نقش مادری معنای غالب بیشتر کارکردی و دینی (به ترتیب ۵۳ و ۲۵ درصد در موج اول و ۴۶ و ۳۱ درصد در موج دوم) و کمتر فمینیستی و فردگرایانه (به ترتیب ۶ و ۱۶ درصد در موج اول و ۱۳ و ۱۰ درصد در موج دوم)، معنای تحصیل در بین زنان بیشتر کارکردی و دینی (به ترتیب ۲۷ و ۲۵ درصد در موج اول و ۳۸ و ۲۳ و ۳۱ درصد در موج دوم) و کمتر فمینیستی و فردگرایانه (به ترتیب ۷ و ۳۷ درصد در موج اول و ۱۰ و ۲۹ درصد در موج دوم)، درباره شاغل شدن زنان بیشتر گرایش ها فردگرایانه و فمینیستی (به ترتیب ۵۵ و ۱۰ درصد در موج اول و ۵۰ و ۱۸ درصد در موج دوم) و کمتر دینی و کارکردی (به ترتیب ۲۰ و ۱۵ درصد در موج اول و ۱۶ و ۱۶ درصد در موج دوم)، نگرش دختران به ازدواج بیشتر معنایی دینی و کارکردی (هر دو مورد ۳۳ درصد) و کمتر فردگرایانه (۱۵ درصد) می باشد.

همچنین معنای بهره مندی افراد از فضاهاى جنسیتی به لحاظ کارکردی و دینی (۳۵ و ۲۰ درصد در موج اول و در موج دوم ۲۸ و ۱۹ درصد) برابر با برداشتی فردگرایانه و فمینیستی (به ترتیب ۳۱ و ۱۴ درصد در موج اول و ۳۸ و ۱۵ درصد در موج دوم)، در بین زنان رعایت پوشش عمدتاً معنایی فردگرایانه و فمینیستی (به ترتیب ۳۴ و ۲۸ درصد در موج اول و ۳۲ و ۳۳ درصد در موج دوم) و کمتر دینی و کارکردی (هر دو ۱۹ درصد در موج اول و به ترتیب ۱۰ و ۲۵ درصد در موج دوم)، در خصوص انجام امور منزل معنای غالب بیشتر فمینیستی و فردگرایانه (به ترتیب ۵۸ و ۱۴ درصد در موج اول، ۴۴ و ۱۱ درصد در موج دوم) و کمتر دینی و کارکردی (به ترتیب ۶ و ۲۲ درصد در موج اول و ۲۴ و ۲۲ درصد در موج دوم) و در نهایت اینکه در بین دختران نمونه معنای غالب ازدواج بیشتر فمینیستی و فردگرایانه (به ترتیب ۳۳ و ۳۲ درصد در موج اول ۵۳ و ۲۳ درصد در موج دوم) و کمتر دینی و کارکردی (به ترتیب ۱۵ و ۱۸ درصد در موج اول و ۱۵ و ۹ درصد در موج دوم) است.

سرانجام می توان چنین قضاوت نمود که بیشترین معنای رفتار جنسیتی در بین دختران مجرد معنای فمینیستی پیرامون ازدواج با ۵۳ درصد می باشد. در بین زنان متأهل بیشترین معنای غالب از نوع فمینیستی مربوط به هویت همسری (میزان انجام امور منزل)، بیشترین معنای فردگرایی درباره سرکار رفتن زنان و ادامه تحصیل نمودن، و در آخر بیشترین معنای کارکردی مربوط به پذیرش نقش مادری می باشد.

۷-۲-۵) رابطه رفتارهای جنسیتی با تعیین کننده های آن

با توجه به تشریح ارزش های مختلف در مباحث فوق در بخش زیر به جمع بندی روابط آماری به عمل آمده با متغیرهای زمینه ای تحقیق می پردازیم:

تبیین فرزندآوری: طبق نتایج موج اول پژوهش در بحث از تبیین میزان فرزندآوری و فرزند ایده آل زنان بر حسب چارچوب مفهومی (هویت، فرصت، هنجار و معنا) بیشترین رابطه همبستگی مربوط به فرصت ها و محدودیت های زنان برای بچه دار شدن و معنای زنان از داشتن فرزند می باشد؛ به عبارتی نداشتن فرصت و داشتن محدودیت های مختلف از یکسو و از سوی دیگر داشتن معنایی فمینیستی و فردگرایانه منجر به کاهش تعداد فرزندان و نیز تمایل به داشتن فرزند می گردد. در موج دوم، علاوه بر فرصت فرزند، میزان هویت یابی فرزند از طریق زنان همبستگی بسیاری با تعداد فرزندان یک زن نشان می دهد؛ ولی هنجار اجتماعی فرزندآوری رابطه معناداری را نشان می دهد. البته با عنایت به این که ۸۴ درصد زنان اعلام کرده بودند که خانواده یا اطرافیان انتظار دارند که بچه دار شوند؛ ولی عملاً چنین چیزی در عمل اتفاق نیفتاده است و تاثیری بر باوری آنها نداشته است. بنابراین بیش از همه داشتن فرزند تحت تاثیر هویت یابی فرزند در قالب نقش مادری و محدودیت های زندگی خانوادگی و فرصت های شخصی زنان برای داشتن فرزند از یکسو و از سوی دیگر، معنایی که فرزند در ذهن آنها متبادر می سازد؛ به عبارتی معنایی که در سطح فیزیک جسمی زنانه، به صورت معنای فردگرایانه خود را عیان می سازد؛ و از سوی دیگر، در سطحی فکری و به صورت ذهنی، معنایی فمینیستی مبنی بر توان کنترل فرزندآوری و تعویق آن با چانه زنی بر حسب وضعیت ساختاری قدرت یا با مدد تکنولوژی های نوین که به نوبه خود پزشکی شدن مادری را رقم می زند، همراه می شود.

بر حسب ویژگی های فردی و اجتماعی زنان (وضع تاهل، گروه سنی، سطح سواد، کفایت هزینه های و وضعیت اشتغال) چنانچه فرصت های فرزندآوری را در قالب محدودیت هایی از قبیل: سن، سواد، اشتغال و درآمد در نظر بگیریم، طبق نتایج حاصل کاهش فرزند بیش از همه تحت تاثیر سن و سواد زنان و در آخر اشتغال آنها می باشد؛ به عبارتی هر چه سن زنان و سوادشان بیشتر و کمتر خانه دار باشند، میزان فرزندآوری آنها کاهش می یابد.

تبیین نقش مادری: یافته های حاصل از پژوهش موج اول پیرامون تبیین پذیرش نقش مادری بر حسب چارچوب مفهومی (هویت، فرصت، هنجار و معنا) بیشترین رابطه همبستگی با احساس هویت مادری و انتظار دیگران از پذیرش نقش مادری توسط دختران و مادران را نشان می دهد؛ در صورتی که میزان فرصت داشتن برای مادری ارتباطی با پذیرش آن ندارد. در موج دوم پژوهش مشخص گردید که رابطه تمایل به پذیرش نقش مادری با میزان احساس افتحار و غرور نسبت به مادری رابطه وجود دارد، امری که بدان احساس هویت مادری اطلاق می گردد. همچنین ساختار اجتماعی جامعه در قابل واقعیت های اجتماعی الزام آور الگوی معنادار با تاثیرگذاری بالایی را بر تمایل به مادر شدن نشان می دهد. از سویی به موازت اینکه افراد معنای مادری را فمینیستی و فردگرایانه می بینند، میزان تمایل آنها به مادر شدن کاهش می یابد. در مقابل وضع اقتصادی افراد تاثیری بر پذیرش نقش مادری ندارد.

تبیین رضایت از زندگی مشترک: در موج اول رابطه همبستگی حاصل با مدل مفهومی مطالعه، بیش از همه میزان تمایل به ازدواج مجدد به همسر (تداوم عشق و علاقه) و نیز اهمیت دادن به حفظ و تداوم زندگی تاثیر گذار است. همچنین هنجار اجتماعی ضریب همبستگی مثبت و فرصت زندگی با ضریب همبستگی منفی رابطه آماری معناداری را نشان می دهد. در موج دوم پژوهش رابطه تمایل به ازدواج مجدد با همسر با رضایت از زندگی مشترک ارتباط بسیاری وجود دارد. از طرفی کسانی که بیان داشته اند خانواده و اطرافیان شان انتظار حفظ زندگی مشترک دارند و ادامه زندگی مشترک برای شان مهم است از زندگی خود رضایت بیشتری دارند. دیگر یافته های مهم بیانگر آن است که به موازت اینکه افراد در زندگی مشترک با مسائل و مشکلات مختلف روبرو می شوند، رضایت از زندگی مشترک کمتر می شود و برعکس. همچنین به لحاظ ویژگی های فردی می توان بیان داشت گروه سنی ۴۵ ساله و بیشتر، زنان دارای تحصیلات زیر دیپلم، زنان شاغل و نیز خانه دار و خانواده هایی که هزینه هایشان کفایت زندگی شان را در حد کمی می دهد، کمترین رضایت زندگی را در مقایسه با سایر گزینه ها دارند.

تبیین نگرش دختران به ازدواج: در موج اول پژوهش رابطه همبستگی حاصل با مدل مفهومی مطالعه، به ترتیب دخترانی تمایل بسیاری به ازدواج دارند که از طریق ازدواج هویت یابی کنند، دیگران انتظار بیشتری از آنها داشته باشند و نیز محدودیت در ازدواج نداشته باشند. در موج دوم پژوهش یافته ها نشان داد دخترانی که تمایل به ازدواج دارند، سن مطلوب شان برای ازدواج بالاست؛ در این میان نیز کسانی که بواسطه ازدواج احساس هویت بیشتری می نمایند، آمادگی بیشتری برای ازدواج دارند. در نوبت بعدی هر چه خانواده و اطرافیان از فرد انتظار داشته باشند که ازدواج کند رغبت بیشتری برای ازدواج نشان می دهند. البته فرصت ازدواج نیز برای افراد مهم است؛

در واقع دخترانی میل به ازدواج دارند که امکان ازدواج برای آنها فراهم باشد. در این میان معنای ازدواج در بین افراد ارتباط معناداری را تمایل به ازدواج نشان نمی دهد. البته دخترانی که گرایش فمینیستی و فردگرایانه تری دارند، سن مطلوب آنها برای ازدواج خیلی بالاست. بر حسب ویژگی های فردی، سایر یافته ها نشان می دهد که دختران ۳۰ ساله و بیشتر، بالاتر از دیپلم، دختران شاغل کمترین تمایل به ازدواج را دارند؛ به عبارتی هر چه سن دختران بالاتر می رود، تمایل شان نسبت به ازدواج کمتر می شود. هر چه دختران مجرد سوادشان بیشتر می شود، سن مطلوب برای ازدواج شان بالاتر و نیز از سویی نیز رغبت کمتری را نسبت به تشکیل خانواده از خود نشان می دهند. همچنین دختران در خانواده های دارای درآمد کم، تمایل کمتری به ازدواج دارند و خانواده های درآمد بالا، عمدتاً تمایل دارند در سنین بالاتر ازدواج کنند.

تبیین انجام امور منزل: در موج اول بررسی ها نشان داد که از میان چهار متغیر تعیین کننده، تمایل افراد به انجام امور منزل، میزان هویت یابی زنان و میزان فرصت داشتن برای انجام امور تاثیر بیشتری دارند. همچنین دیگر نتایج نشان می دهد که زنان متأهلی که گرایش فمینیستی بالایی دارند، بیشتر انتظار دارند که همسرانشان در امور منزل کمک کنند و کمتر به تقسیم کار درون و بیرون منزل معتقدند. در مقابل زنان دارای گرایش کارکردی و دینی چنین انتظاری از مرد خانه ندارند.

در زمینه وضعیت انجام امور منزل در بین دختران مجرد یافته ها نشان می دهد که کسانی که عمدتاً بیشتر به امور منزل می پردازند، از یک طرف برایشان مهم بوده و به عنوان بخشی از هویت زنانه خود، بدان می نگرند. و از طرف دیگر زمان بیشتری برای رسیدگی به چنین کارهایی را دارند. در موج دوم نیز نتایج نشان داد که زنان متأهلی که عمدتاً خودشان به انجام امور منزل می پردازند در مرحله نخست وقت بیشتری برای رسیدگی به امور منزل داشته و نیز خانواده و اطرافیان بیشتر از آنها انتظار این وظایف را دارند؛ اینکه انجام این امور برایشان مهم باشد و به عنوان بخش از هویت همسری بپذیرند، ارتباط معناداری مشاهده نمی شود و نیز گرایشی که بدین امور دارند ارتباط وثیقی با وظایف شان در امور خانه ندارد. به لحاظ ویژگی های فردی زنان متأهل بیشتر از دختران مجرد، دختران مجرد دارای سن پایین، کمتر و در مقابل دختران مجرد مسن تر بیشتر به امور خانه، و نیز دختران تحصیل کرده کمتر به انجام امور منزل می پردازند.

تبیین وضعیت تحصیل: در موج اول پژوهش انتظار اجتماعی خانواده و اطرافیان از افراد تاثیر بسزایی در تحصیل کردن افراد دارند. دیگر یافته ها نشان می دهد هر چه دختران و زنان محدودیت شان در تحصیل کمتر بوده، تحصیلات بیشتری دارند. به لحاظ ویژگی های فردی دختران مجرد بیش از زنان متأهل دارای تحصیلات دانشگاهی دارند. شاغلان و گروه سنی ۱۵ تا ۴۵ سال، خانواده های دارای درآمد متوسط و زیاد بیش از سایر موارد به تحصیلات دانشگاهی ادامه داده اند. در موج دوم پژوهش چنانچه ماتریس همبستگی حاصل نشان می دهد کسانی که سواد بیشتری دارند عمدتاً گرایش بالایی به طی نمودن تحصیلات بالایی هم دارند. همچنین کسانی که تحصیل کردن برای شان مهم بود و نیز احساس هویت می کنند سواد بیشتری دارند، گرچه ضریب آن پایین گزارش شده است. انتظار اجتماعی خانواده و اطرافیان از افراد تاثیر بسزایی در تحصیل کردن افراد دارند. دیگر یافته ها نشان می دهد هر چه دختران و زنان با محدودیت و مشکلات بیشتری در تحصیل مواجه بوده اند، تحصیلات بیشتری دارند. البته آنچه در این میان بیشترین تاثیر را دارد فشارهای اطرافیان و خانواده مبنی بر ادامه تحصیل در مقاطع تحصیلی بالاتر می باشد.

بر حسب ویژگی های فردی، دختران مجرد بیش از متأهلان تحصیلات دانشگاهی دارند. هر چه سن دختران و زنان کمتر باشند تحصیلات بیشتر و در مقابل با افزایش سن آنها، نسبت افراد دارای تحصیلات زیر دیپلم بیشتر می شوند. زنان شاغل و نیز در حال تحصیل، بیش از زنان خانه دار تحصیلات عالی دارند. با افزایش بهبود وضعیت درآمدی خانواده ها، دختران و زنان تحصیلات بالاتری پیدا می کنند و برعکس.

تبیین وضعیت اشتغال: در موج اول پژوهش طبق بررسی حاصل کسب هویت جنسیتی توسط زنان، از طریق اشتغال بیشترین علل تمایل و گرایش آنها به شاغل شدن می باشد. در این میان نیز انتظارات جامعه از آنها و داشتن گرایشی فمینیستی و فردگرایی در تمایل به سرکار رفتن تاثیر بسزایی دارد. به لحاظ ویژگی های فردی، بیشتر زنان شاغل، مجرد، در گروه سنی ۳۰ تا ۴۵ ساله، دارای تحصیلات دانشگاهی هستند، و جالب اینکه درآمدشان خانواده دارای سطح کم، متوسط و زیاد به یک نسبت شاغل اند. در موج دوم پژوهش یافته نشان می دهد که زنانی که رفتن به سرکار برای شان مهم می باشد، علاقه بیشتری به شاغل شدن دارد؛ به عبارتی سرکار رفتن برای زنان، امری هویت بخش محسوب می شود. انتظار اجتماعی خانواده و اطرافیان از افراد تاثیر بسزایی در شاغل شدن زنان دارد. همچنین زنانی که گرایش فمینیستی و فردگرایی باشد تمایل بیشتری به کار کردن داشتند و بر عکس این تمایل در زنان با گرایش دینی و کارکردی کمتر مشاهده می گردد.

بر حسب ویژگی های فردی، دختران مجرد بیشتر از متأهلان شاغل اند و نیز متأهلان بیش از مجردان خانه دار هستند. زنان بزرگسال و مسن جامعه شهری تهران عمدتاً خانه دار هستند، ولی در بین شاغلان گروه های سنی مختلف مشاهده می گردد. هر چه تحصیلات زنان بالاتر می رود بر نسبت شاغل شدن آنها افزوده می شود. این وضعیت در بین دارندگان تحصیلات عالی بیش از سایر موارد، مصداق بیشتری دارد. همچنین زنان خانه دار تهرانی کسانی اند که وضعیت کفایت درآمدی مطلوبی ندارند. البته در طیف زنان شاغل نسبت برابری بین سطح مختلف کفایت درآمدی مشاهده می گردد، بنابراین چنین استنباط می شود که شاغل شدن زنان، تاثیری بر کفایت هزینه های منزل ندارد.

تبیین وضعیت پوشش: در موج اول پژوهش تمایل به آزادی در پوشش با وضعیت پوشش رابطه معناداری را نشان می دهد؛ بدین معنا که کسانی که پوشش غیررسمی تر داشته اند عمدتاً تمایل به پوشش آزادتری را بیان کرده اند. همچنین کسانی که داشتن پوشش برای شان مهم بود و با آن احساس هویت می کنند، پوشش رسمی بیشتری را رعایت می کنند. بخش انتظار اجتماعی از پوشش نیز بر وضعیت پوشش فرد تاثیر دارد.

در موج دوم پژوهش یافته ها نشان می دهد که کسانی که تقید کمتری به پوشش دارند عمدتاً تمایل به پوشش آزادتری را بیان کرده اند. همچنین کسانی که داشتن پوشش برای شان مهم بود و نیز احساس هویت می نمودند پوشش بیشتری دارند و برعکس. همچنین زنانی که تحت تاثیر انتظار دیگران در قبال پوشش اند، پوشش بیشتری را رعایت می کردند. در واقع رعایت پوشش رسمی در بین زنان جامعه عمدتاً تحت تاثیر احساس هویت و انتظاری که دیگران از آنها دارند، می باشد. دیگر یافته های حاصل نشان می دهد که رابطه معناداری بین میزان محدودیت و مشکلات افراد در پوشش شان با نوع پوششی که دارند، وجود دارد؛ بدین معنا کسانی که پوشش غیررسمی تری دارند بیشتر دچار مشکل و محدودیت می شوند و برعکس. همچنین زنانی که پوشش آزادتری دارند معنایشان از پوشش بیشتر فردگرایانه تر و فمینیستی است.

بر حسب ویژگی های فردی، زنان متأهل بیش از دختران مجرد در شهر تهران پوشیده ترند. هر چه سن دختران و زنان کمتر باشند کمتر به رعایت پوشش پرداخته و نیز با افزایش سن پوشش آنها رسمی تر و هنجارمند خواهد شد. هر چه افراد تحصیلات بیشتری داشته باشند کمتر به رعایت پوشش می پردازند و برعکس در بین دارندگان تحصیلات زیر دیپلم وضعیت پوشش رسمی تر است. دختران در حال تحصیل بیش از شاغلان و خانه داران کمتر پوشش رسمی جامعه را رعایت می نمایند.

تبیین بهره مندی از فضاهای جنسیتی: در موج اول پژوهش بهره مندی از فضاهای تک جنسیتی زنانه در بین زنان بیش از همه ارتباط معناداری با میزان احساس هویت و میزان فرصت بهره مندی از چنین فضاهایی داشت. بر حسب ویژگی های فردی دختران مجرد، زنان ۱۵ تا ۳۰ ساله، دیپلمه ها و افراد بالاتر از دیپلم، و در حال تحصیل بیشترین استفاده را از فضاهای تفریحی و ورزشی تک جنسیتی (پارک بانوان و مجموعه شهربانو) دارند.

در موج دوم پژوهش، همبستگی ها نشان می دهد بهره مندی از فضاهای تک جنسیتی زنانه در بین زنان بیش از همه ارتباط معناداری با هنجار اجتماعی فضا و فرصت بهره مندی از چنین فضاهایی بستگی دارد؛ به عبارتی هر چه از زنان، خانواده ها و اطرافیان بیشتر انتظار داشته باشند که از فضاهای ورزشی و تفریحی زنانه استفاده نمایند بهره مندی آنها بیشتر خواهد بود. همچنین تفکیک چنین فضاهایی برای شان اهمیت داشته باشند. البته تمایل و علاقه مندی بدین فضاها نیز رابطه آماری معناداری را نشان می دهد. بر حسب ویژگی های فردی زنان متأهل بیشتر از مجردان از فضاهای ورزشی و تفریحی زنانه موجود در شهر تهران استفاده نموده اند. هرچه سن افراد افزایش می کند استفاده از پارک بانوان و مجموعه شهربانو کمتر می شود و برعکس. بنابراین دختران جوان تمایل کمتری دارند تا از این فضاهای جنسیتی استفاده کنند. البته دختران و زنان زیر دیپلم در شهر تهران به طور معناداری کمتر از سایر مقاطع تحصیلی از فضاهای ورزشی و تفریحی زنانه استفاده می کنند.

در مجموع می توان نتیجه گرفت بیشتر رفتارهای جنسیتی مورد انجام و پذیرش زنان در جامعه شهری تهران تحت تاثیر میزان احساس هویت یابی فردی زنان می باشد؛ به عبارتی انجام و یا آمادگی برای انجام امور به میزان اهمیت داشتن رفتارها، افتخار و دغدغه مندی آنها بر می گردد. به طور مشخص تمایل دختران مجرد برای ازدواج (هویت زنانه) و رسیدگی به امور منزل (هویت همسری)، بیش از همه تحت تاثیر پیگیر شدن، اهمیت دادن بدان آنها به عنوان بخشی از هویت فردی آنها می باشد. بنابراین ادارک زنان از هویت سهم بسزایی در پذیرش رفتارهای جنسیتی مختلف دارد. همچنین تمایل به شاغل شدن و رعایت پوشش، حفظ زندگی مشترک و مادری به میزان اهمیت این امور در بین دختران و زنان بر می گردد. در کنار این متغیر فرصت ها و مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی تاثیر بسزایی دارند.

۳-۵) دستاورد نظری پژوهش

با مرور توصیف و تبیین های صورت گرفته پیرامون ارزش ها و نگرش های دختران و زنان در شهر تهران، جای این پرسش جامعه شناسی است که چه تفسیری می توان از رفتارهای جنسیتی دختران و زنان در شهر تهران داشت؟ و نیز روند ارزش ها و نگرش های جنسیتی زنان در موج اول و دوم پژوهش چگونه قابل تحلیل است؟ با عنایت به مرور تجربی نتایج این پژوهش (موج اول و دوم) و نیز برخی یافته های حاصل در پژوهش های قبلی می تواند دو نوع تحلیل و به طور دقیق تر، دو فهم از تغییر را در ارزش های و نگرش های دختران و زنان در شهر تهران از منظر جامعه شناسی مورد بحث قرار داد که بدین شرح است:

نخست؛ تعویق و ترجیح الگوی فرازیستی بر زیستی

با توجه به افته های صورت گرفته پیرامون تمایل به ازدواج، تداوم زندگی مشترک، پذیرش نقش مادری، فرزندآوری، پوشش، اشتغال، تحصیل کردن، بهره مندی از فضاهای جنسیتی در بین دختران و زنان شهر تهران، و نیز فاصله گرفتن از آنها و انتزاع بخشیدن به نتایج می توان از دو منظر یا لنز نظری زیستی و فرازیستی به تحلیل او ضاع پرداخت؛ چرا که از سان هم موجودی طبیعی (زیستی) بوده و تمایلات و نیازهای اولیه و غریزی است که آن را به محیط فیزیکی پیرامون پیوند می زند؛ از سویی در همزیستی مسالمت آمیز با یکدیگر موجودی اجتماعی است که پذیرش، تایید و منزلت خود را منوط به زیستن در محیط اجتماعی می داند. بنابراین زیستن در گروه ها و جوامع انسانی با تسلط بر کنش های فردی منجر به ساخت اجتماعی واقعیت می گردد؛ و در نهایت به ارزشها و نگرش ها، و رفتارها و نقش های جنسیتی در قالب هنجار، فرصت، هویت و معنای جنسیتی برچسب انسانی، بومی و هدایت شونده زده شود تا در قالب فرهنگ و سایر فرایندهای غیرزیستی بر ساخت شود. در واقع شکل گیری رفتارهای جنسیتی را در پرتو تکامل فردی، بیولوژی یا جامعه پذیری افراد می توان دید؛ در واقع در الگوی فرازیستی می توان اظهار کرد، رفتار های جنسیتی به عناصر موقعیتی، فرصت ها و محدودیت ها بستگی دارد که ارزش ها به آنها شکل می دهد: موقعیت هایی مانند تعریف فرد از خود و اهداف، باورها و انتظارات دیگران و زمینه ای که تعامل در آن اتفاق می افتد.

از این رو، در بین زنان شهر تهران می توان وضعیت انواع رفتارهای جنسیتی و ارزش ها و نگرش های مرتبط با آن را در قالب دو الگوی زیستی و فرازیستی تحلیل نمود؛ از این رو، با تکیه بر چارچوب مفهومی — نظری مطالعه، یافته های حاصل از این پژوهش و نیز با تاسی از دیدگاه لوی اشتروس، مورگان، استون، اینگلهارت و همچنین مطالعات تجربی آزاد و غیاثوند (۱۳۸۳) و غیاثوند (۱۳۹۲، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵)، مهاجرانی، ۱۳۷۵؛ خضری، ۱۳۸۰؛ مشکانی، ۱۳۸۱؛ افتخار، ۱۳۸۳؛ کاظمی پور، ۱۳۸۳؛ محبوبی منش، ۱۳۸۳؛ لیاقت، ۱۳۸۴؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶؛ علیوردی نیا، ۱۳۸۷، قانعی راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶۴) می توان تحولات ارزشی و نگرشی زنان را در قالب دو الگو و روند تحت عنوان «الگوی زیستی» و «الگوی فرازیستی» (فرهنگی و اجتماعی) مورد تحلیل و بررسی قرار داد؛ به عبارتی در حال حاضر الگوی فرازیستی در قالب ارزش های و نگرشهای فمینیستی و عکس العمل های فردگرایانه پیرامون ابعاد مختلف هویت های جنسیتی زنان بر الگوی زیستی در حال غلبه شدن است. در واقع رفتارهای جنسیتی زنان و مردان هم مبتنی بر «سائقهای زیستی» و پایه ای است؛ بدین خاطر پدیده ای جهانی بوده و از سویی نیز پدیده ای فرازیستی بوده که به تعبیری این «سایه فرهنگ» است که فهم و تجربه خاصی را بر برابر افراد می گشاید تا مدت های طولانی و یا برای همیشه نیازها و تمایلات زیستی (میل به ازدواج، بچه دار شدن، زندگی زنا شویی، آزادی در پوشش) را در پس قواعد، باورها، تابوها، قوانین به تعویق می اندازد و با پذیرش الگوی عبور از تکیه بر امور زیستی، سعی می شود منزلتی در خور الگوی فرازیستی خود یا جامعه کسب نماید. همانطور که در یافته های توصیفی و تبیینی اشاره گردید بیشترین معنای رفتار جنسیتی زنان از نوع فمینیستی مربوط به هویت همسری (میزان انجام امور منزل)، تمایل به ازدواج؛ بیشترین معنای فردگرایی درباره سرکار رفتن زنان و ادامه تحصیل نمودن، و در آخر بیشترین معنای کارکردی مربوط به پذیرش نقش مادری می باشد. از این رو، مشاهده می گردد الگوی فرازیستی با سایه گستری هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، ادراک و تجربه زنان از رفتارها و نگرش های جنسیتی را مبتنی بر برابرخواهی، ایستادگی در برابر قدرت و کلیشه های جنسیتی مردانه و نیز توجه به پیشرفت های فردی و مفید بودن برای خود و جامعه سوق می دهد. بدین معنا که سائق زیستی در پناه هژمونی سایه گستر مولفه هایی از الگوی فرازیستی به حاشیه رانده می شود. زنان متاهلی که به خاطر سرکار رفتن اهمیتی به داشتن فرزند نمی دهند و حتی اولین بارداری خود را حدود چند سال به تعویق می اندازد؛ ولی فرزندان ایده ال بیشتری را آرزو می کنند، دخترانی که به خاطر پیشرفت های تحصیلی مدت ها و یا برای همیشه نیازهای جنسی خود را عقب می اندازد. اینگلهارت در تبیین حرکت از ارزش های مادی به فرامادی تکیه اساسی را بر امنیت و تامین اقتصادی بنا می کند؛ در این مطالعه پذیرش الگوی فرازیستی را بیشتر در بین دختران و زنان تحت تاثیر افزایش سواد زنان، فرصت محدود، اشتغال، استقلال مالی و ... می باشد. البته آنچه اهمیت دارد تاثیری است که پذیرش این الگو

بخاطر دامنه شمول و گستردگی آن در بین دختران، جوان، مجرد، تحصیل کرده و نیز شاغل جامعه شهری تهران، بر هنجارها و قضاوتها آنها دارد. بنابراین با توجه به اینکه تراکم دختران، جوان، مجرد، تحصیل کرده و نیز شاغل در گروه الگوی فرازیستی بیشتر است و چنین ارزش ها و نگرش های جنسیتی، به لحاظ ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه فرصت کمتر و پذیرش پایینی دارد؛ پس این دسته از دختران و زنان جامعه، به لحاظ هنجاری و نیز وجه نظر زندگی روزمره از آسیب پذیرترین افراد به حساب می آیند.

از این رو، در سطح کلان برای تحلیل غلبه الگوی فرازیستی بر زیستی به برخی از یافته های علمی می توان اشاره نمود. بر مبنای مرور اجمالی مطالعات در حوزه زنان و خانواده، برخی از تغییرات و مسائل خانواده را می توان به شرح زیر بیان کرد: هسته ای شدن خانواده و کاهش تعداد افراد تحت تکفل، تغییر در بعد خانوار، کاهش نرخ باروری، کاهش میزان مولید، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج، کاهش عمومیت ازدواج در گروه سنی ۱۵ — ۱۹ ساله، ناپایداری نسبی ازدواج به ویژه در سال های اولیه زندگی، افزایش میزان تجرد جوانان، رخداد مضیقه ازدواج یا کاهش تعداد پسران آماده ازدواج نسبت به تعداد دختران آماده ازدواج، افزایش طلاق، افزایش خانواده های تک والدی، افزایش فرزندآوری خارج از حریم خانواده، موارد تعدد زوجات (مهاجرانی، ۱۳۷۵؛ خضری، ۱۳۸۰؛ مشکانی، ۱۳۸۱؛ افتخار، ۱۳۸۳؛ کاظمی پور، ۱۳۸۳؛ محبوبی منش، ۱۳۸۳؛ لیاقت، ۱۳۸۴؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶؛ علیوردی نیا، ۱۳۸۷ به نقل از قانع راد و عزلتی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۶۴).

دوم، برانگیختن مقاومت جنسیتی دختران و زنان

چنانچه دقیق تر یافته های مربوط به موج اول با دوم پژوهش پیرامون ارزشها و نگرشها زنان مورد بررسی قرار گیرد، مشاهده می گردد بیشترین معنای رفتار جنسیتی در بین دختران مجرد معنای فمینیستی پیرامون ازدواج با ۵۳ درصد می باشد. در بین زنان متأهل بیشترین معنای غالب از نوع فمینیستی مربوط به هویت همسری (میزان انجام امور منزل)، بیشترین معنای فردگرایی درباره سرکار رفتن زنان و ادامه تحصیل نمودن، و در آخر بیشترین معنای کارکردی مربوط به پذیرش نقش مادری می باشد.

در تحلیل تغییرات فوق می توان از نظریه ناهمسانی و عدم توازن شناختی زنان سخن به میان آورد که به نوبه خود واکنش خاص زنان را در ادامه به همراه دارد. به شکل خلاصه نظریه ناسازگاری شناختی لئون فستینگر به وضعیتی گفته می شود که در آن فرد دچار یک تناقض بنیادین در نگرش ها، باورها یا رفتارهای خود می شود. این وضعیت احساس ناراحتی روانی را در فرد ایجاد می کند که منجر به تغییر در یکی از نگرش ها، باورها یا رفتارها برای کاهش ناراحتی و برقراری تعادل می شود. جک برم تز دکتری خود را زیر نظر لئون فستینگر و به عنوان اولین پژوهش تجربی در خصوص ناسازگاری شناختی نوشت و منتشر کرد. اما آنچه منجر به شهرت او شد نه تز دکتری اش، بلکه تبعات بعدی او در خصوص وجه مشخصی از ناسازگاری شناختی بود: واکنش در برابر تهدید و کنترل یا واکنش در برابر تهدید آزادی فرد (Brehm, 2001).

نظریه مقاومت واکنشی سعی در توضیح واکنش افراد نسبت به تهدید قابل درک یا واقعی نسبت به از دست دادن آزادی (های) آنها دارد. برم مفهوم آزادی را «به عنوان باوری مبنی بر اینکه فرد می تواند دست به یک رفتار خاص بزند» تعریف کرده است (Brehm & Brehm, 1981). چنانچه گفته شد این نظریه برگرفته از نظریه ناسازگاری شناختی است اما به شیوه ای دیگر. از نگاه برم به طور کلی، هر رخداد یا پدیده ای که دشواری ادراک شده برای رسیدن یا نرسیدن به یک نتیجه بالقوه را افزایش دهد، تهدیدی است بر اعمال آزادی فرد و این امر منجر به یک مقاومت واکنشی خواهد شد که هدف از آن بازیابی کنترل و آزادی رفتار برای فرد است. نظریه مقاومت واکنشی چند اصل کلی دارد که برم آنها را بیان کرده است. اولین اصل این است که مقاومت واکنشی تنها تا اندازه ای در فرد برانگیخته می شود که فرد باور داشته باشد که بر تعیین یک نتیجه مشخص کنترل یا آزادی دارد. اصل دوم، مربوط به درجه اهمیت آزادی ای است که مورد تهدید واقع شده. هر چقدر اهمیت آزادی مورد تهدید بیشتر باشد، میزان واکنش نیز بیشتر خواهد بود. اصل سوم به تعداد آزادی های تهدید شده باز می گردد. هرچقدر ادراک فرد به او بگوید که تعداد آزادی های بیشتری را به سبب یک تهدید از دست خواهد داد، واکنش وی بیشتر خواهد بود. آخرین و چهارمین اصل در این نظریه این است که تهدید به آزادی می تواند ضمنی باشد؛ یعنی ممکن است فرد مستقیماً تهدید به آزادی را درک نکند اما ادراک او از تهدید به گونه ای باشد که آن را مستقیماً (در حال یا آینده) معطوف به آزادی های خود ببیند (Brehm & Brehm, 1981).

در واقع چنانچه ملاحظه می گردد نداشتن فرصت برای انجام وظایف همسری، نداشتن امکان و موقعیت داشتن فرزند برای زنان متأهل و نیز نداشتن امکان و فرصت ازدواج برای دختران مهمترین مسائل زنان و در مقابل داشتن پوشش دلخواه، و شاغل شدن کمترین محدودیت را برای زنان متأهل نشان می دهد. همچنین دختران مجرد در مقایسه با متأهلان محدودیت کمتری در قبال داشتن پوشش دلخواه، ادامه تحصیل، انجام امور منزل و استفاده از فضاهای تک جنسیتی در سطح شهر دارند. همچنین در زمینه هنجار فرزندآوری در موج اول ۸۴ درصد و در موج دوم ۷۱ درصد در حد زیاد و خیلی تحت تاثیر انتظار دیگران هستند ولی تاثیری بر تعداد فرزندان و فرزندان ایده آل آنها ندارد. در زمینه نگرش به همبالینی گرچه ۸۷ درصد در موج اول و نیز ۸۳ درصد در موج دوم در سطح کاملاً مخالف و مخالف می باشند؛ اما نسبت افراد مخالف و کاملاً مخالف در موج اول با دوم (به ترتیب ۷۵ و ۶۱ درصد کاملاً مخالف در موج اول ۱۲ و ۲۱ درصد مخالف) متفاوت می باشد. چنین یافته بیانگر تغییرات بطئی و کند در بین نگرش دختران و زنان می باشد، یا به تعبیر فستینگر و جک برم نوعی واکنش به هر آنچه تهدید در برابر تغییر در ارزش های و نگرش های زنان تفسیر نمود؛ نوعی استقلال و آزادی در نگاه به ارزش ها و هنجارهای رسمی جامعه را می توان در نظر گرفت.

در مطالعه ای دیگر یافته های حاصل نشان داد که آثار تحول در ارزش های و هنجارهای جنسی و جنسیتی زنان در جامعه ایران را در قالب دو مفهوم تغییر در «فیزیک زنان» و «فکر زنان» می توان مشاهده نمود؛ در واقع فکر زنان موجب شکل گیری نوعی «فردگرایی مدرن» در بین آنها شده است؛ بدین معنا که سبب گردیده که در مرحله نخست؛ دنیای زنان از ارزش های عام گرایانه فاصله بگیرد. این تغییر موجب می گردد زنان توجه ویژه ای به جسم و روان خود داشته باشند و برای آن وقت بگذارند که در قالب مدیریت بدن و هشدارهای سلامتی نمایانگر می شود (غیاثوند، ۱۳۹۵). به تعبیری حضور پر رنگ زنان جامعه ایران در عرصه های اجتماعی مختلف در قالب تحصیل و گرایش به تحصیلات تکمیلی، استفاده از فضاهای فراغتی، تمایل به داشتن اشتغال مداوم، کسب درآمد مالی مستقل، شرکت در دوره های مختلف آموزشی و مهارت آموزی، داشتن مشارکت سیاسی فراوان، گرایش به شهروندی فعال، همه بیانگر تغییر در «دنیای سنتی» آنها و گرایش بیشتر به «دنیای مدرن» است که از منظر جامعه شناختی می توان آن را تغییر از جایگاه «اجتماع» به «جامعه» از نوع تونیسسی دانست. در واقع تاثیر خاص گزلفشافت بر دنیای زنان تحت تاثیر تحولات و فناوری نوین می باشد که در ابعاد مختلف قابل تحلیل و بررسی است.

۵-۴) دستاوردهای روش شناسی

همانطور که تشریح گردید در مطالعه ارزش ها و نگرش های زنان در سال ۱۳۹۶ تکنیک جمع آوری داده ها پرسشنامه و از طریق مصاحبه حضوری و درب منزل صورت گرفته است. در پژوهش موج دوم در سال ۱۳۹۹ با توجه به شیوع کرونا پرسشنامه مجازی تهیه گردیده و به روش پیمایش تلفنی انجام گردیده است. البته همانطور که در تمام ابعاد و مولفه های مختلف تحقیق مشاهده می گردد نتایج یافته های حاصل از دو موج اول و دوم پژوهش در بیش از ۹۵ درصد موارد یکسان می باشد؛ از این یکسانی نتایج می توان چند نکته روش شناسی استنباط نمود:

نخست، معتبر بودن نتایج پژوهش: چنانچه به مقایسه نتایج یکایک سوالات، متغیرها، آزمون های همبستگی دو پژوهش در سال ۱۳۹۶ با ۱۳۹۹ پرداخته شود، بیشتر نتایج از همسویی بالایی برخوردار هستند؛ بنابراین می توان بیان نمود فرایند و مراحل جمع آوری و تحلیل داده ها در دو موج اول و دوم پژوهش، به گونه ای دقیق و علمی پیش رفته است که علیرغم اینکه پرسشگران آموزش دیده دو مطالعه متفاوت بودند؛ پیمایش از حالت مصاحبه حضوری به مصاحبه تلفنی تغییر یافته است، اوضاع آرام جامعه در آبان ۱۳۹۶ با شرایط شیوع کرونا در دی و بهمن ۱۳۹۹ وضعیت ناگواری را نشان می دهد؛ نتایج پژوهش از اعتبار مطلوبی برخوردار است. گرچه می توان نوعی تغییر بطنی را در بین یافته های حاصل شاهد بود.

دوم، توجه به الگوهای نظام رفتار اجتماعی نه فردی: همسو بودن نتایج علیرغم تفاوت در شیوه جمع آوری و با فرض ثابت بودن نمونه در بین زنان و با توجه به شرایط و شیوع کرونا از منظر دیگری قابل تحلیل می باشد. «پژوهندگان اجتماعی به طور عمده الگوهای اجتماعی را بیشتر از الگوهای فردی بررسی می کنند (ببی، ۱۳۹۵: ۴۷). نظریه های علمی اجتماعی نوعاً با رفتار جمعی سروکار دارند و نه فردی؛ یعنی الگوهای رفتار جمعی ثبات دارند، حتی وقتی که افراد دخیل در این الگوها در طول زمان تغییر می کنند. پس می کوشند تا نظام هایی (systems) را که مردم در آن عمل می کنند، نظام هایی که دلیل اعمال و رفتار مردم را تبیین می کنند، بفهمند. عنصرهای چنین نظام هایی مردم نیستند، بلکه متغیرها هستند. پس قانون مندی اجتماعی وجود دارد که برای مطالعات نظری و تجربی هم مهم اند. این قانون مندی ها شگفت آورند؛ مثلاً در تحلیل علت میزان زاد و ولد کم یا زیاد، طی سال های مختلف افراد ممکن است به مواردی از قبیل: درخواست والدین، حس مادری و پدری، تحکیم زناشویی، اتفاقی شدن، نداشتن منزل شخصی و اتمام تحصیل و.. اشاره نموده اند. بنابراین هر کسی دلایل شخصی دارد ولی میزان مولید جامعه چندان متفاوت نیست و یکسان گزارش می شود. پس کانون تبیین پدیده های اجتماعی، نظام های اجتماعی است نه افراد منفرد (ببی، ۱۳۹۵: ۵۰).

بنابراین همسویی نتایج موج اول و دوم پژوهش ارزش ها و نگرش های زنان، در عین اینکه بیانگر رعایت فرایند و نظامندی پژوهش و تیم تحقیق می باشد، این نکته را به ذهن متبادر می سازد که در مطالعات تجربی متأثر از پارادایم اثبات گرایی قانون مندی های اجتماعی حاکم است که کمتر تحت تاثیر وجه نظر های فردی و خاص می باشد. در ادامه یافته های حاصل و جمع بندی به عمل آمده در یک پژوهش، «ارل بی» نیز به نکته جالبی با عنوان «پرهیز از اتهام بدیهی پنداری» اشاره دارد؛ چرا که وی معتقد است مخاطبان بعد از شنیدن یافته های پژوهش آنها را بدیهی می دانند. «ارائه سند و مدرک درباره امور بدیهی یکی از کارکردهای ارزشمند هر علم، اعم از طبیعی یا اجتماعی است. غالباً امر بدیهی اشتباه از آب در می آید و علوم اجتماعی سعی دارند امور بدیهی را دقیق و قابل کنترل کنند (بی، ۱۳۹۵: ۴۵). بنابراین گر چه ممکن است برخی از یافته ها بدیهی و معلوم جلوه کند، اما برای پی بردن به نتایج دقیق و کنترل آماری آنها لازم است به یافته های پژوهش مراجعه گردد.

پایان

منابع و مأخذ

- ارونسون، الیوت (۱۳۷۳) روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکر کن، تهران: انتشارات رشد.
- انتظاری علی (۱۳۹۰) فضای همسرگزینی مفهومی پیشنهادی برای درک بهتر تکوین زندگی مشترک، خبرنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۳ و ۱۴، پاییز و زمستان، ص ۳۲.
- ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران) (۱۳۸۵). پیمایش ملی فرهنگ سیاسی مردم ایران، تهران: موج اول.
- ایسپا (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران) (۱۳۹۴) پیمایش ملی حجاب و پوشش زنان ایران، تهران.
- اینگلهارت، روناد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران، انتشارات کویر.
- اینگلهارت، رونالد و پل. آر. آبرامسون (۱۳۷۸). امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی، ترجمه: شهناز شفیع‌خانی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵.
- آبرخت حکیمه (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران شهر تهران، پایان‌نامه ی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- آبوت، پاملا و والاس، کلر (۱۳۸۰). جامعه شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- آزادارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۳) جامعه شناسی تغییرات فرهنگی در ایران، تهران: نشر آن.
- بارکر، فیلیپ (۱۳۷۵) خانواده درمانی پایه، ترجمه: محسن دهقانی و زهره دهقانی، تهران: انتشارات رشد.
- باندورا، آلبرت (۱۳۷۲) نظریه یادگیری اجتماعی، ترجمه: فرهاد ماهر، تهران: نشر راهگشا.
- برناد، جسی (۱۳۸۴) دنیای زنان، ترجمه شهرزاد ذوفن، نشر اختران.
- برناردز، جان (۱۳۸۴) درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- بستان، حسین (۱۳۸۲). بازنگری نظریه های نقش جنسیتی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بستان، حسین (۱۳۸۲) کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم، قم، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۳۵
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴) طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- بیرو، آلن (۱۳۶۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی، تورج یاراحمدی، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۳) چهارچوب مفهومی طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دات، نیتش، هارولد. کلارک (۱۳۷۸). سنجش تغییر ارزشها در جوامع صنعتی غربی (تاثیر بیکاری)، ترجمه: فرحناز توکلی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵ .

- دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و صندوق کودکان سازمان ملل متحد. (۱۳۷۲)، نقش زنان در توسعه، تهران: روشنگران.
- دواس، دی.ای (۱۳۷۶) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نائبی، تهران، نشر نی.
- دوچ و کراوس (۱۳۸۷) نظریه‌های روانشناسی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، ناشر: دانشگاه تهران.
- دوران، بهزاد و منوچهر محسنی (۱۳۸۶) «هویت؛ رویکردها و نظریه‌ها»، مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- رابرتسون، یان (۱۳۹۰) درآمدی بر جامعه، ترجمه: حسین بهروان، تهران: انتشارات به نشر.
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی: پژوهشی در سه استان اصفهان، فارس و خراسان، تهران: مرکز تحقیقات روستائی جهاد سازندگی.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰) آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰) توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر نی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۹) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۵) خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: انتشارات سمت.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۶)، درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، تهران: آوای نور
- سرایی، حسن (۱۳۷۲) مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: سمت.
- سگالن، مارتین، الیاسی (۱۳۷۰) حمید، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- سلطانی گردفرامرزی، مهدی (۱۳۸۵) نمایش جنسیت در سینمای ایران، مجله پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۱.
- شارون، جوئل (۱۳۷۹) ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- صادقی فسایی، سهیلا، ایثاری، مریم (۱۳۹۱) تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی. زن در توسعه و سیاست، ش ۳.
- صادقی فسایی، سهیلا، ایثاری، مریم (۱۳۹۳)، مطالعه جامعه‌شناختی سنخ‌های طلاق. مسائل اجتماعی ایران، ش ۱.
- عباسی شوازی، محمد جلال و صادقی رسول (۱۳۸۴) تفاوت‌های نسلی زنان در دیدگاه ازدواج، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۵-۴۷.
- عظیمی‌هاشمی، مژگان (۱۳۷۸) تحلیل ثانویه ارزشهای اجتماعی اولویت‌ارزشی، نامه پژوهش، شماره ۱۴ و ۱۵.

- علی احمدی، امید (۱۳۸۵) تحلیل ثانویه اطلاعات ارزشها و نگرشهای ایرانیان در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲.
- علی‌نژاد فاطمه (۱۳۹۱) بررسی تأثیر فضاهای همسرگزینی بر اقدام نسبت به طلاق نزد زوجین (مطالعه موردی ساری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- علی اسدی و همکاران (۱۳۵۳) پیمایش ملی بررسی نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- علیرضائزاد، سهیلا و حسن سرایی (۱۳۸۶) زن در عرصه عمومی: مطالعه‌ای در مورد فضاهای عمومی در دسترس زنان شهری و تغییرات آن، مجله علوم اجتماعی، ۳۰ (۱۲۳-۱۴۹).
- غیاثوند احمد (۱۳۹۲) بررسی اثر بخشی طرح شکوفه‌های عشق در بین زوج‌های جوان در شهر تهران: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، شهرداری تهران.
- غیاثوند، احمد (۱۳۸۴) کاربرد آمار و نرم افزار SPSS در تحلیل داده‌ها، تهران: نشر تیسرا.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۰) گرایش به شهروندی سیاسی و عوامل موثر بر آن، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۶) پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران (موج اول)، طرح پژوهشی، کارفرما: معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- غیاثوند، احمد (۱۳۸۴). تاخیر سنی ازدواج در بین جوانان. روزنامه همشهری، مورخه ۱۳۸۴/۲/۲۵.
- غیاثوند، احمد (۱۳۸۵) مقاله «انواع روش‌های پژوهش در تحقیقات اجتماعی»، مجله الکترونیکی ایثارپژوه.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۵) تاثیر فضاهای شهری مدرن بر بازاندیشی هویت جنسیتی زنان، مجله جنسیت و خانواده، مرکز تحقیقات زن و خانواده، شماره سوم.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۰) گزارش طرح شکوفایی عشق، تهران: شهرداری تهران: اداره کل امور بانوان شهرداری تهران.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۵) «دنیای زنان در پرتو توسعه فضاهای جنسیتی شهری»، مجله توسعه محلی (روستایی - شهری)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۵.
- فرانزوی، استفن (۱۳۸۶) روانشناسی اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروزبخت و منصور قنادان، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
- فرجی، مهدی و حمیدی نفیسه (۱۳۹۰) بررسی فرهنگ پوشش و حجاب زنان ایران دفتر برنامه‌ریزی پژوهش‌های کاربردی سازمان تبلیغات.

- فلاحی گیلان، روح الله، پیام روشنفکر و عبدالحسین کلانتری (۱۳۸۹) مطالعه وضعیت ازدواج در مناطق بیست و دوگانه شهر تهران، گروه پژوهشی: اجتماعی و حقوق شهروندی، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- قانع‌ی راد، محمد امین و خسرو خاور، فرهاد (۱۳۸۵) نگاهی به عوامل فرهنگی افزایش ورود دختران به دانشگاه، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۴، شماره
- برناردز، جان (۱۳۸۴) درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- کاظمی پور شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، دوره ۱ دوم، صص ۱۰۳-۱۲۴
- کریمی، یوسف (۱۳۸۷) روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران: نشر ارسباران.
- کلاینبِرگ، اتو (۱۳۷۳) روانشناسی اجتماعی، ترجمه علی محد کاردان، تهران: نشر.
- گرت، استفانی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه: بقایی، تهران.
- گود، ویلیام جی (۱۳۵۲) خانواده و جامعه، ترجمه: ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- گودرزی، محسن (۱۳۹۰) ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی فرهنگی شهروندان تهرانی، طرح پژوهشی. کارفرما: شهرداری تهران.
- گولومبرک، سوزان و رابین فی‌وش (۱۳۷۸) رشد جنسیت، ترجمه: مهرناز شرآرای، تهران: نشر ققنوس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر مدرنیت، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- لاور، رابرت اوچ (۱۳۷۲) دیدگاه‌های درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه: کاووس سید امامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- محزون، علی اکبر (۱۳۹۵) سیاستگذاری‌های جمعیتی در ایران، باروی و سالمندی، همایش بررسی نظری و عملی روابط دولت و ملت: گذشته، حال و آینده، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۶) بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۹) طرح پژوهشی بررسی میزان مصرف کالاهای فرهنگی، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.

- مهر آرا، علی اکبر (۱۲۷۳) زمینه روان شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات مهرداد.

- یعقوبی چوبری، علی (۱۳۷۸) بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر بالار فتن سن ازدواج جوانان شهر رشت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی بخش علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

-- صادقی رسول، محمد قدسی علی و افشار کهن جواد (۱۳۸۶). واکاوی مسئله ازدواج و اعتبار سنجی یک راه حل، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۸.

- Ajzen, I. (1991), "The theory of planned behavior", *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, No. 50, pp: 179-211
- Abbasi-Shavazi, M .J, et al. (2002). "Revolution, War and Modernization: Populatio Policy and Fertility in Iran". *Journal of Population Research*, Vol. 19, No.1.
- Abramson, Paul and Ronald in glehart, (1992), *Generational Replacement and value change in Eight west European societies*, *British journal of political science*, 22: 183- 228.
- Abramson, Paul and Ronald Ingelhart, (1986), "Generational Replacement and value change in sex west European Societies, *American journal of political science*, 30: L- 25.
- Albrecht, et al. (1987)." *Social Psychology*", Englewood Cliffs and New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Anderson, Gunnar (1997), *The Impact of children on divorce risks of Swedish woman*. *European Journal of Population*. Vol. 13. pp. 109-145
- Baron, R. A. and Byrne, D. (1997)." *Social Psychology*", Boston: Allyn and Bacon.
- Bott , Elizabeth.(1971). *Family and Social Network* , London,Tavistock.
- Braun Luckey, Eleanore & Koyn Bain, Joyce (1970), *Children: A Factor in Marital Satisfaction*. *Journal of Marriage and family*. Vol. 32. No. 1. Pp.43-45.
- Brehm, S. S., & Brehm, J. W. (1981). *Psychological Reactance: A Theory of Freedom and Control*. Academic Press.
- Carlson, Neil R. (1993)." *Psychology: The Science of Behavior*", Boston :Allyn.
- Christensen, Harold T (1968), *Children in the Family: Relationship of Number and Spacing to Marital*, *Journal of Marriage and Family*, Vol. 30, No. 2.
- Coale, A. J. , Mc Neil, D. R. (1972). "The Distribution by Age of the Frequency of First Marriage in Female Cohort". *Journal of American Statistical Association*, 67.
- Cheal,David(1991).*Family and The State of Theory*.Britain:Hertfordshire,Harvester Wheasheat.
- Deaux, k. et al.(1979) *Social Psychology*. Pacific Grove (U.S.A): Cole Publishing Company.
- Goffman, E (1979) *Gender Advertisement*, London: Macmillan
- Hellriegel. D. et al. (1989) *Organizational Behavior*. New York: West Publishing Company.
- Horton, P.B et al .(1984) *Sociology*. New York: Mc Graw-Hill.
- Parsons, T. et al.(1951) *Toward a General Theory of Action*, Massachusetts: Harvard University Press.
- Davies, J., Foxall, G.R., Pallister, J., 2002. *Beyond the intention-behavior mythology: an integrated model of recycling*. *Market Theory* 2, 29-113.
- Robert, H. et al.(1993) *Sociology of Health and Illness*. Vol, 15, No, 4.
- Sabini, John (1995), *Social Psychology*, New York and London: W.W. Norton & Company.

- Tajfel, H. (1982) *Social Identity and Intergroup Relations*, Cambridge: Cambridge University Press.
- ,- Kimmel, Michael (1999) *the Gender Society*, Oxford University Press.
- Ingelhart, Ronald and Paul R. Abramson (1994). Economic Security and value change, *American Political Science Review*, Vol 88, No 2, pp336-354.
- Dewey, Richard. Humber W.j. (1966) *An Introduction to Social Psychology*, New York, Acmillan Company.
- Dixon, R. B. (1971). Explaining cross-cultural variations in age at marriage and proportions never marrying. *Population Studies*, 25, 215-233.
- Dusek, Jerome B. (1987). "Adolescent Development and Behavior", Englewood Cliffs and New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Fallow, Barry, J. & Bowles, Terry. V.P. (1998). Adolescents' influence and co-optation in family decision-making. *Journal of Adolescence*, 21:599-608.
- Ford, C., & Beach, F. (1951). *Patterns of sexual behavior*, New York: Harper & Row.
- Gardiner, Judith Kegan (1998). "Feminism and the Future of Fathering" in Tom Digby (ed.) *Men Doing Feminism*, New York and London: Routledge .
- Gilligan, Carol (1993), *In a Different Voice: Psychological Theory and Women's Development*
- Good, William J. (1989). *The Family*, Prentice-Hall of India, Second Edition.
- Goodkind D (1997). The Vietnamese Double Squeeze. *International Migration Review*. 31. 108-127.
- Gray.Little. (1997). Marital quality and power processes among Black Couples. *Journal of marriage the family*.
- Hamilton G and Siow A (2007). Class Gender and Marriage. *Review of Economic Dynamics* Vol.10 NO. 44 PP. 549-575
- Harvey, L; MacDonald, M. (1993), *Doing Sociology*, London: The MacMillan Press LTD.
- Hekman, Susan J. (1992), "Gender and Knowledge", Boston: Northeastern University Press.
- Jaggar, Alison M. (1994), "Human Biology in Feminist Theory in Knowing Women", eds: H..
- Kabeer, N (2003) *Gender Mainstream in Poverty Eradication and the Millennium Development Goals: A Handbook for Policy Makers and Other Stakeholders*, London: Common Wealth Secretariat.
- Kanyo Korrel & Miller Brent C (1980), Children's Impact on the Parental Decision to Divorce, *Family Relations*, Vol. 29, No. 3 ,pp. 309-315
- Kirk Patrik, D (1996) *Evaluating Training Programs: The Four Levels*. Berrett Publishing, New York.
- Larson, R. (1983). Adolescents' daily experience with family and friends: Contrasting opportunity systems. *Journal of Marriage and the Family*, 45, 739-750.
- Malhotra A. and A.O.Tsui (1996)" Marriage timing in Sri Lanka: the role of modern norms and ideas" *journal of marriage and the family*.58 (2): 476-490.
- McConnell, J.V. and Philipchalk, R.P. (1992)," *Understanding Human Behavior*", Orlando: HBJ Publishers.
- Moxnes, Kari (2003), *Risk factor in divorce; Perception by the children*, Sage publication, London. Thousand Oaks and New Delhi, Vol10 (2): 131-146.
- Oakley, Ann (1976), "Woman's Work: The Housewife, Past and Present", New York: Vintage Books .
- Ono, Hiromi & Sanders, James (2009), Divorce in contemporary Japan and its gender pattern, *International Journal of sociology of family*. Vol. 35. No. 2. Pp. 169-188.

- Ortner, Sherry B. (1998), "Is Female to Male as Nature is to Culture?" in Lucinda Joy Peach (ed.), *Women in Culture*, Massachusetts: Blackwell Publishers.
- Rokeach, Milton, *Beliefs, Attitudes and values*, Jossey-Bass publishers,.
- Root, J. (1984), *Pictures of Women: Sexuality*. London: Pandora.
- Sanchez, Laura (2003.) Two as One Couples' Perceptions of Time Spent Together, Marital Quality, and the Risk of Divorce- *Journal of Family Issues* 24(1):21-50 .
- Sarantakos, S. (2000). Marital power and quality of marriage. *Australian social work*.
- Siara, B. 2007. UK Poles. Cyber Space and Identity issues at The British Sociological Association Annual Conference University of East London, Saturday 14th April .
- Smith, P. C. (1980). " Asian marriage patterns in transition" . *Journal of Family History*, 1980;5(1).
- Snizovacz (2000). Marital power relations, resource and gender role Ideology. *Journal comparative family study*.

پاسخگوی گرامی؛ با سلام

با آرزوی سلامتی و تندرستی برای شما و خانواده محترم در این اوضاع و احوال شیوع کرونا، مجموعه سوالات زیر مربوط به طرح پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارزش ها و نگرش های زنان در شهر تهران» می باشد که توسط اساتید دانشگاه علامه طباطبایی و با حمایت اداره مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری، در بین دختران و زنان ۱۵ سال و بالاتر شهر تهران در حال انجام است. خوشحال خواهیم شد با وقت گذاشتن و ارائه پاسخ های دقیق، یاریگر ما در این پژوهش باشید.

با تشکر و سپاس فراوان

سوال آغازین: وضعیت تاهل: A:

- ۱- توجه به اینکه سوالات پژوهش نسبت به اینکه افراد ازدواج کرده باشند یا مجرد باشند، متفاوت می باشند به عنوان اولین سوال لطفاً بفرمایید که در حال حاضر شما (۱) مجرد هستید (تا حالا ازدواج نکرده اید) (۲) عقد کرده اید یا (۳) متأهل هستید (۴) جدا شده (مطلقه) (۵) همسرش فوت کرده ←
- در حال حاضر چند تا فرزند دارید؟
 ۲. تعداد دختر: ۳. تعداد پسر:
- دوست داشتید/دارید چند تا فرزند داشته باشید؟
 ۴. تعداد دختر: ۵. تعداد پسر:
- همسرتان دوست داشت/دارد چند فرزند داشته باشید؟
 ۶. تعداد دختر: ۷. تعداد پسر:
- ۸- اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید، دوست دارید پسر باشد یا دختر؟
 ۱. دختر ۲. پسر ۳. فرقی نمی کند

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما فرزند داشته باشید؟ (هنجار)					
۱۰- در زندگی، داشتن فرزند چقدر برای شما مهم بوده/ است؟ (هویت)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۱- چقدر امکان و موقعیت داشتن فرزند برای شما فراهم بوده/ است؟ (فرصت)					

۱۲- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه داشتن فرزند بیشتر موافقت می کنید؟ (گرایش)

۱. داشتن فرزند، خواسته ها و پیشرفت های زن را به عقب می اندازد ۲. تصمیم برای داشتن فرزند باید بر عهده زن باشد نه مرد
۳. فرزند که دنیا می آید روزی اش زودتر می رسد ۴. فرزند کمک حال دوران پیری و تنهایی پدر و مادر است

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۳- چقدر به مادر شدن علاقه و تمایل دارید؟ (تمایل)					
۱۴- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما مادر می شدید/ شوید؟ (هنجار)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۵- چقدر به مادر شدن خود افتخار می کنید؟ (هویت)					
۱۶- چقدر برای مادر شدن با مشکل و محدودیت مواجه اید/ بودید؟ (فرصت)					

۱۷- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه مادر شدن بیشتر موافقت می کنید؟ (گرایش)

۱. مادر بودن چیزی جز زحمت و مسئولیت نیست ۲. مادر شدن به بدن و جسم زن لطمه می زند
۳. بهشت زیر پای مادران است ۴. زنان با مادر شدن عزت و احترام پیدا می کنند

۱۸- تا چه مقطعی تحصیل کرده اید؟ (رفتار)

۱. بی سواد ۲. ابتدایی و راهنمایی ۳. متوسطه ۴. دیپلم ۵. کاردانی و کارشناسی ۶. ارشد ۷. دکتری

- ۱۹- دوست داشتید/دارید تا چه مقطعی درس بخوانید؟ (تمایل) ۱. مهم نیست ۲. ابتدایی و راهنمایی ۳. متوسطه ۴. دیپلم ۵. کاردانی و کارشناسی ۶. ارشد ۷. دکتری
- ۲۰- همسران تا چه مقطعی درس خوانده است؟ ۱. بی سواد ۲. ابتدایی و راهنمایی ۳. متوسطه ۴. دیپلم ۵. کاردانی و کارشناسی ۶. ارشد ۷. دکتری
- ۲۱- خانواده یا اطرافیان، انتظار داشتند/ دارند تا چه مقطعی ادامه تحصیل بدهید؟ (هنجار) (۰) نمی دانم ۱. بی سواد ۲. ابتدایی و راهنمایی ۳. متوسطه ۴. دیپلم ۵. کاردانی و کارشناسی ۶. ارشد ۷. دکتری

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۲- چقدر ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر برای شما مهم بوده/ است؟ (هویت)					
۲۳- چقدر امکان و موقعیت ادامه تحصیل برای شما فراهم بوده/ است؟ (فرصت)					

۲۴- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه تحصیلات زنان بیشتر موافقت می کنید؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (گرایش)

۱. تحصیل کردن موجب شکوفایی و اعتماد به نفس زن می شود ۲. تحصیلات توان و قدرت زنان را در برابر مردان بالا می برد
۳. تحصیلات زنان امکان حضور آنها را در اجتماع بیشتر می کند ۴. تحصیلات با رعایت موازین شرعی برای زنان مفید است

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۵- چقدر دوست دارید که شاغل باشید؟ (تمایل)					
۲۶- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما سرکار بروید؟ (هنجار)					
۲۷- رفتن به سرکار چقدر برای شما مهم است؟ (هویت)					
۲۸- چقدر فرصت سرکار رفتن برای شما وجود داشت / دارد؟ (فرصت)					

۲۹- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه اشتغال زن بیشتر موافقت می کنید؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (گرایش)

۱. زنان باید سرکار بروند تا استقلال مالی داشته باشد ۲. زنان در تمام مشاغل می توانند دوشادوش مردان کار کنند
۳. سرکار رفتن زن بایستی به امور خانه و خانواده کمک می کند ۴. سرکار رفتن زنان باید با موافقت همسرش باشد

۳۰- در خانه سهم شما و همسران در انجام امور منزل چقدر است؟ (رفتار) (۰) برابر با اصلاً / ① برابر با تاحدی / ② برابر با زیاد)

- (- آسپزی و پخت غذا: ۳۰. خودم: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩ ۳۱. همسر: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩ ۳۲. دیگران: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩)
- (- جمع آوری و شستن ظرف ها: ۳۳. خودم: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩ ۳۴. همسر: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩ ۳۵. دیگران: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩)
- (- پاکیزگی و نظافت منزل: ۳۶. خودم: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩ ۳۷. همسر: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩ ۳۸. دیگران: ① ② ③ ④ ⑤ ⑥ ⑦ ⑧ ⑨ ⑩)

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۳۹- چقدر علاقه مند به انجام دادن امور منزل هستید؟ (تمایل)					
۴۰- چقدر رسیدگی و توجه به امور منزل، برای شما اهمیت دارد؟ (هویت)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۴۱- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما به انجام امور منزل بپردازید؟ (هنجار)					
۴۲- چقدر برای رسیدگی به امور منزل وقت دارید؟ (فرصت)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۴۳- چقدر انتظار دارید همسران در زمینه امور منزل به شما کمک کند؟					

۴۴- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه انجام امور منزل بیشتر موافقت می‌کنید؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (گرایش)

۱. انجام کار منزل یکنواخت و زن را فرسوده می‌کند ۲. انجام امور منزل نه صرفاً بر عهده زن، بلکه بر عهده مرد هم هست
۳. انجام امور منزل برای زن از هر کاری ثوابش بیشتر است ۴. بهتر است کارهای داخل منزل برای زن و بیرون برای مردان باشد
- ۴۵- شما و همسران متولد چه سال هایی هستید؟ ۴۵. خودتان: ۱۳ ← ۴۶. همسران: ۱۳

۴۷- چند ساله که ازدواج کرده اید (منظور عروسی و تشکیل زندگی زیر یک سقف) سال (۰) عقد کرده ام

۴۸- از زندگی مشترک با همسران چقدر رضایت دارید؟ (رفتار ۱)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۴۹- تا چه حد انتخاب همسران با اراده و اختیار شما صورت گرفته است؟

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۵۰- قبل از ازدواج، مهمترین معیار شما برای انتخاب همسر (فعلی) چه مواردی بود؟ (از بین ۹ مورد زیر به ترتیب اهمیت کم تا زیاد شماره

۱ تا ۳ بزنید)

۱. تحصیلات بالا ۲. خانواده دار بودن ۳. خوش تیپ بودن ۴. پولدار بودن ۵. مذهبی بودن
۶. خوش اخلاق بودن ۷. توانایی تأمین یک زندگی عادی ۸. تعهد به زندگی زناشویی ۹. عشق و علاقه
- ۵۱- در حال حاضر با توجه به تجربه زندگی مشترک، مهمترین معیارهای انتخاب همسر (فعلی) چه مواردی است؟ (از بین ۹ مورد زیر به

ترتیب ۱ تا ۳ بزنید)

۱. تحصیلات بالا ۲. خانواده دار بودن ۳. خوش تیپ بودن ۴. پولدار بودن ۵. مذهبی بودن
۶. خوش اخلاق بودن ۷. توانایی تأمین یک زندگی عادی ۸. تعهد به زندگی زناشویی ۹. عشق و علاقه

۵۲- اگر امکان داشت که دوباره ازدواج کنید؛ چقدر تمایل دارید همسران را مجدداً انتخاب کنید؟ (تمایل)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۵۳- در حال حاضر زندگی مشترک شما مصداق کدامیک از موارد زیر است؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (رفتار ۲)

۱. با همسرم، به خوبی و آرامش زندگی می‌کنم
۲. با همسرم اختلاف دارم ولی با گفتگو آن را حل می‌کنم
۳. با همسرم اختلاف زیاد دارم ولی به ادامه زندگی، امیدوارم
۴. با همسرم فقط به خاطر یکسری مسائل مانند بچه ها، خانواده ها، حرف مردم و... زندگی می‌کنم
۵. امیدوارم روزی بتوانم از همسرم جدا شوم

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۵۴- چقدر حفظ و ادامه زندگی مشترک برای شما مهم است؟ (هویت)					
۵۵- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که زندگی مشترک تان را حفظ کنید؟(هنجار)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۵۶- در زندگی مشترک چقدر با مشکلات و محدودیت های مختلف روبرو هستید؟					

۵۷- چند ساله که در شهر تهران زندگی می کنید؟ (۰) متولد تهران هستم

۵۸- در شرایط عادی (جدای از فضای شیوع کرونا) چقدر از فضاهای ورزشی و تفریحی خاص زنانه مانند پارک بانوان و مجموعه شهربانو استفاده می کنید؟ (رفتار) ۱. استفاده نکرده ام ۲. در هفته چند بار ۳. در ماه چند بار: ۴. در سال چند بار: ۵. در کل چند بار:

۵۹- چقدر دوست دارید از چنین فضاهای ورزشی و تفریحی ویژه زنان استفاده کنید؟ (تمایل)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تا حدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۶۰- برای شما چقدر مهم است که چنین فضاهایی برای زنان در سطح شهر تهران احداث و توسعه یابد؟ (هویت)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تا حدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۶۱- خانواده یا اطرافیان شما، چقدر انتظار دارند از این فضاهای زنانه استفاده کنید؟ (هنجار)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تا حدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۶۲- چقدر امکان و فرصت استفاده از چنین فضاهای زنانه ای برای شما وجود دارد؟ (فرصت)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تا حدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۶۳- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه فضاهای زنانه شهری بیشتر موافقت می کنید؟ (گرایش)

۱. استفاده از فضای زنانه موجب سلامتی جسمی و روحی زنان می گردد ۲. جدا کردن فضاهای ورزشی به زنانه و مردانه درست نیست

۳. استفاده از فضای زنانه موجب احساس امنیت زنان می گردد ۴. به لحاظ دینی فضای ورزشی زنان بهتر است از مردان جدا باشد

۶۴- معمولاً در سطح شهر و خیابان چقدر احساس امنیت می کنید؟

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تا حدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۶۵- معمولاً در سطح جامعه و خیابان پوشش شما چگونه است؟ (منظور پوشش رسمی محیط کار یا تحصیل نمی باشد) (رفتار)

۱. چادر با مقنعه ۲. چادر با روسری و شال ۳. مانتوی رسمی و پوشیده

۴. مانتوی ساده و معمولی ۵. مانتوی تنگ و کوتاه ۶. مانتوی جلو باز

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۶۶- چقدر حفظ و داشتن چنین پوششی، برای شما مهم است؟ (هویت)					
۶۷- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار چنین پوششی را از شما دارند؟ (هنجار)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۶۸- چنین پوششی در سطح جامعه چقدر برای شما محدودیت و مشکل درست می کند؟					

۶۹- چنانچه به سفر خارجی بروید و در آنجا پوشش آزاد باشد، پوشش شما چگونه خواهد بود؟ (تمایل) ۷. حجاب همیشگی ام یکی

از پوشش های فوق شماره ذکر شود: ۸... سعی می کنم پوشیده باشم ۹. خیلی راحت و آزاد می پوشم

۷۰- چنانچه در داخل کشور پوشش زنان آزاد باشد، پوشش شما چگونه خواهد بود؟ (تمایل) ۷. حجاب همیشگی ام یکی از پوشش

های فوق شماره ذکر شود: ۸. سعی می کنم پوشیده باشم ۹. خیلی راحت و آزاد می پوشم

۷۱- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه پوشش زنان بیشتر موافقت می‌کنید؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (گرایش)

۱. رعایت پوشش موجب آرامش و امنیت خاطر زنان می‌گردد ۲. زنان می‌توانند هر طور که بخواهند لباس بپوشند، مردان نگاه خود را حفظ کنند

۳. داشتن پوشش برای زنان، جلوی نگاه نامحرم را می‌گیرد ۴. رعایت پوشش برای زنان موجب سلامت جامعه می‌گردد

- به چند موضوع درباره ازدواج اشاره می‌کنم، با هر کدام چقدر موافق یا مخالفید؟

موارد	کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق نه مخالف	موافق	کاملاً موافق
۷۲- با دوستی دختر و پسر به قصد ازدواج بدون اطلاع خانواده چقدر موافق یا مخالفید؟	۱	۲	۳	۴	۵
۷۳- با همخانگی و زندگی دختر و پسر بدون ازدواج شرعی و قانونی (ازدواج سفید) چقدر موافق یا مخالفید؟	۱	۲	۳	۴	۵

۷۴- در حال حاضر وضعیت شغلی شما چگونه است؟ ۱. شاغل ۲. بازنشسته ۳. در جستجوی کار ۴. محصل

۵. دانشجو ۶. خانه دار ۷. سرپرست خانواده

۷۵- چقدر درآمد خانواده تان، کفاف هزینه های اساسی زندگی تان را می‌دهد؟ (کفایت هزینه)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. کاملاً ۶. نمی‌دانم

۷۶- در چه منطقه ای از شهر تهران زندگی می‌کنید؟

۷۷. شماره تلفن:

سوالات افراد مجرد

۱- متولد چه سالی هستید؟ ۱۳

۲- دوست دارید در چه سنی ازدواج کنید؟ (۰) تمایلی ندارم

۳- به نظر شما سن مناسب ازدواج برای دختران چه سنی:

۴) و برای پسران چه سنی: است؟ (۰) مهم نیست

۵- به نظر شما مهمترین معیار انتخاب همسر کدامیک از موارد زیر است؟ (از بین ۹ مورد زیر به ترتیب اهمیت کم تا زیاد شماره ۱ تا ۳ بزنید)

۱. تحصیلات بالا ۲. خانواده دار بودن ۳. خوش تیپ بودن ۴. پولدار بودن ۵. مذهبی بودن

۶. خوش اخلاق بودن ۷. توانایی تأمین یک زندگی عادی ۸. تعهد به زندگی زناشویی ۹. عشق و علاقه

سوالات	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۶- چقدر تمایل به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک دارید؟ (تمایل ۲)	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷- خانواده و اطرافیان، چقدر انتظار دارند که شما ازدواج کنید؟ (هنجار)						
۸- چقدر ازدواج کردن و تشکیل زندگی، برای شما مهم دارد؟ (هویت)	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹- تاکنون چقدر امکان و فرصت ازدواج برای شما فراهم بوده است؟ (فرصت)						

۱۰- با کدامیک از نظرات زیر درباره ازدواج دختران بیشتر موافقت می‌کنید؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (گرایش)

۱. ازدواج باعث رفع نیازهای زیستی و عاطفی زنان می‌شود ۲. یک دختر می‌تواند ازدواج نکند و مستقل زندگی کند

۳. ازدواج یک سنت دینی است و موجب تکامل زن می‌شود ۴. دختر با ازدواج کردن صاحب شان و منزلت اجتماعی می‌شود

۱۱- در زندگی دوست دارید چند تا فرزند داشته باشید؟ تعداد دختر:

۱۲) تعداد پسر:.....

۱۳- اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید، دوست دارید پسر باشد یا دختر؟
۱. دختر ۲. پسر ۳. فرقی نمی‌کند

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۴- چقدر تمایل و علاقه به مادر شدن دارید؟ (تمایل)					
۱۵- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما مادر شوید؟ (هنجار)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۶- چقدر به مادر شدن افتخار می‌کنید؟ (هویت)					
۱۷- فکر می‌کنید چقدر برای مادر شدن با مشکل و محدودیت مواجه هستید؟ (فرصت)					

۱۸- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه مادر شدن بیشتر موافقت می‌کنید؟ (گرایش)

۱. مادر بودن چیزی جز زحمت و مسئولیت نیست
۲. مادر شدن به بدن و جسم زن لطمه می‌زند
۳. بهشت زیر پای مادران است
۴. زنان با مادر شدن عزت و احترام پیدا می‌کنند
- ۱۹- تا چه مقطعی تحصیل کرده اید؟ (رفتار) ۱. بی‌سواد ۲. ابتدایی و راهنمایی ۳. متوسطه ۴. دیپلم ۵. کاردانی و کارشناسی ۶. ارشد ۷. دکتری
- ۲۰- دوست داشتید/دارید تا چه مقطعی درس بخوانید؟ (تمایل) (۰) بی‌نظر ۱. ابتدایی و راهنمایی ۲. متوسطه ۳. دیپلم ۴. کاردانی و کارشناسی ۵. ارشد ۶. دکتری
- ۲۱- دوست دارید همسرتان چقدر تحصیلات داشته باشد؟ (تمایل) (۲) مهم نیست ۱. بی‌سواد ۲. ابتدایی و راهنمایی ۳. متوسطه ۴. دیپلم ۵. کاردانی و کارشناسی ۶. ارشد ۷. دکتری
- ۲۲- خانواده یا اطرافیان، انتظار داشتند/دارند که تا چه مقطعی ادامه تحصیل بدهید؟ (هنجار) (۰) نمی‌دانم ۱. بی‌سواد ۲. ابتدایی و راهنمایی ۳. متوسطه ۴. دیپلم ۵. کاردانی و کارشناسی ۶. ارشد ۷. دکتری

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۳- رسیدن به مدارج تحصیلی بالا چقدر برای شما مهم است/بود؟ (هویت)					
۲۴- چقدر امکان و موقعیت ادامه تحصیل برای شما فراهم است؟ (فرصت)					

۲۵- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه تحصیلات زنان بیشتر موافقت می‌کنید؟ (گرایش)

۱. تحصیل کردن موجب شکوفایی و اعتماد به نفس زن می‌شود
۲. تحصیلات توان و قدرت زنان را در برابر مردان بالا می‌برد
۳. تحصیلات زنان امکان حضور آنها را در اجتماع بیشتر می‌کند
۴. تحصیلات با رعایت موازین شرعی برای زنان مفید است

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۶- چقدر دوست دارید که شاغل باشید؟ (تمایل)					
۲۷- رفتن به سرکار چقدر برای شما مهم است؟ (هویت)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۸- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما سرکار بروید؟ (هنجار)					
۲۹- چقدر فرصت سرکار رفتن برای شما وجود دارد؟ (فرصت)					

۳۰- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه اشتغال زن بیشتر موافقت می‌کنید؟ (گرایش)

۱. زنان باید سرکار بروند تا استقلال مالی داشته باشند
۲. زنان در تمام مشاغل می‌توانند دوشادوش مردان کار کنند

۳. سرکار رفتن زن بایستی به امور خانه و خانواده کمک می کند ۴. سرکار رفتن زنان باید با موافقت همسرش باشد
- ۳۱- در خانه سهم شما، مادران و سایر اعضای خانواده در انجام امور منزل چقدر است؟ (رفتار) (۰ برابر با اصلاً / ① برابر با تاحدی / ② برابر با زیاد)

- (- آشپزی و پخت غذا: ۳۱. خودم: ② ① ① ۳۲. مادرم: ② ① ① ۳۳. دیگران: ② ① ①
 (- جمع آوری و شستن ظرف ها: ۳۴. خودم: ② ① ① ۳۵. مادرم: ② ① ① ۳۶. دیگران: ② ① ①
 (- پاکیزگی و نظافت منزل: ۳۷. خودم: ② ① ① ۳۸. مادرم: ② ① ① ۳۹. دیگران: ② ① ①)

سوالات					
بی نظر	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	اصلاً
۶	۵	۴	۳	۲	۱
۴۰- چقدر علاقه مند به انجام دادن امور منزل هستید؟ (تمایل)					
۴۱- چقدر رسیدگی و توجه به امور منزل، برای شما مهم دارد؟ (هویت)					
۶	۵	۴	۳	۲	۱
۴۲- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار دارند که شما به انجام امور منزل بپردازید؟ (هنجار)					
۴۳- چقدر برای رسیدگی به کارهای امور منزل وقت دارید؟ (فرصت)					

۴۴- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه انجام امور منزل بیشتر موافقت می کنید؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (گرایش)

۱. انجام کار منزل زن را فرسوده می کند ۲. انجام امور منزل نه صرفاً برای زن، بلکه بر عهده مرد هم هست
۳. خانه داری برای زن از هر کاری ثوابش بیشتر است ۴. بهتر است کارهای داخل منزل برای زن و بیرون برای مردان باشد
- ۴۵- چند ساله که در شهر تهران زندگی می کنید؟ (+) متولد تهران هستم
- ۴۶- در شرایط عادی (جدای از فضای شیوع کرونا) چقدر از فضاهای ورزشی و تفریحی خاص زنانه مانند پارک بانوان و مجموعه شهربانو استفاده می کنید؟ (رفتار) ۱. استفاده نکرده ام ۲. در هفته چند بار ۳. در ماه چند بار: ۴. در سال چند بار: ۵. در کل چند بار:

۴۷- چقدر دوست دارید از چنین فضاهای ورزشی و تفریحی ویژه زنان استفاده کنید؟ (تمایل)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۴۸- برای شما چقدر مهم است که چنین فضاهایی برای زنان در سطح شهر تهران احداث و توسعه یابد؟ (هویت)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۴۹- خانواده یا اطرافیان شما، چقدر انتظار دارند از این فضاهای زنانه استفاده کنید؟ (هنجار)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۵۰- چقدر امکان و فرصت استفاده از چنین فضاهای زنانه ای برای شما وجود دارد؟ (فرصت)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۵۱- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه فضاهای زنانه شهری بیشتر موافقت می کنید؟ فقط یک مورد را بیان کنید؟ (گرایش)

۱. استفاده از فضای زنانه موجب سلامتی جسمی و روحی زنان می گردد ۲. جدا کردن فضاهای ورزشی به زنانه و مردانه درست نیست
۳. استفاده از فضای زنانه موجب احساس امنیت زنان می گردد ۴. به لحاظ دینی فضای ورزشی زنان بهتر است از مردان جدا باشد
- ۵۲- معمولاً در سطح شهر و خیابان چقدر احساس امنیت می کنید؟

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. خیلی زیاد ۶. بی نظر

۵۳- معمولاً در سطح جامعه و خیابان پوشش شما چگونه است؟ (منظور پوشش رسمی محیط کار یا تحصیل نمی باشد) (رفتار)

۱. چادر با مقنعه ۲. چادر با روسری و شال ۳. مانتوی رسمی و پوشیده

۶. مانتوی جلو باز

۵. مانتوی تنگ و کوتاه

۴. مانتوی ساده و معمولی

سوالات					
اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی نظر
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۵۴- چقدر حفظ و داشتن چنین پوششی، برای شما مهم است؟ (هویت)					
۵۵- چقدر خانواده یا اطرافیان، انتظار چنین پوششی را از شما دارند؟ (هنجار)					
۱	۲	۳	۴	۵	۶
۵۶- چنین پوششی در سطح جامعه چقدر برای شما محدودیت و مشکل درست می کند؟					

۵۷- چنانچه به سفر خارجی بروید و در آنجا پوشش آزاد باشد، پوشش شما چگونه خواهد بود؟ (تمایل)

۷. حجاب همیشگی ام یکی از پوشش های فوق شماره ذکر شود: ۸. سعی می کنم پوشیده باشم ۹. خیلی راحت و آزاد می پوشم

۵۸- چنانچه در داخل کشور پوشش زنان آزاد باشد، پوشش شما چگونه خواهد بود؟ (تمایل)

۷. حجاب همیشگی ام یکی از پوشش های فوق شماره ذکر شود: ۸. سعی می کنم پوشیده باشم ۹. خیلی راحت و آزاد می پوشم

۵۹- با کدامیک از نظرات زیر در زمینه پوشش زنان بیشتر موافقت می کنید؟ (گرایش)

۱. رعایت پوشش موجب آرامش و امنیت خاطر زنان می گردد ۲. زنان می توانند هر طور که بخواهند لباس بپوشند، مردان نگاه خود را حفظ کنند

۳. داشتن پوشش برای زنان، جلوی نگاه نامحرم را می گیرد ۴. رعایت پوشش برای زنان موجب سلامت جامعه می گردد

- به چند موضوع درباره ازدواج اشاره می کنم، با هر کدام چقدر موافق یا مخالفید؟

موارد				
کاملاً مخالف	مخالف	نه موافق نه مخالف	موافق	کاملاً موافق
۱	۲	۳	۴	۵
۶۰- با دوستی دختر و پسر به قصد ازدواج بدون اطلاع خانواده چقدر موافق یا مخالفید؟				
۱	۲	۳	۴	۵
۶۱- با همخانگی و زندگی دختر و پسر بدون ازدواج شرعی و قانونی (ازدواج سفید) چقدر موافق یا مخالفید؟				

۶۲- در حال حاضر وضعیت شغلی شما چگونه است؟

۱. شاغل ۲. بازنشسته ۳. در جستجوی کار ۴. محصل ۵. دانشجو ۶. خانه دار ۷. سرپرست

خانواده

۶۳- چقدر درآمد خانواده تان، کفاف هزینه های اساسی زندگی تان را می دهد؟ (کفایت هزینه)

۱. اصلاً ۲. کم ۳. تاحدودی ۴. زیاد ۵. کاملاً ۶. نمی دانم

۶۴- در چه منطقه ای از شهر تهران زندگی می کنید؟.....

۶۵- شماره تلفن:

۶۶- نام پرستشگر: